



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم
۸	مشخصات کتاب
۸	یادآوری
۸	درآمد
۹	بخش اول: سوره‌ی ابراهیم علیه السلام
۹	اشاره
۹	اول: سیمای سوره ابراهیم
۹	اشاره
۱۰	فضایل
۱۰	اهداف
۱۰	مطالب
۱۰	دوم: محتوای سوره ی ابراهیم علیه السلام
۱۰	هدف نزول قرآن: نجات مردم از تاریکی ها به سوی نور
۱۲	سرگذشت موسی (ع)
۱۴	قانون الهی
۱۶	معنای توکل چیست؟
۲۰	گفتوگوها در رستاخیز
۲۲	درخت پاک و درخت ناپاک
۲۵	دعاهای ابراهیم(ع) در امنیت مکه
۲۹	ویژگی های رستاخیز
۳۳	بخش دوم: سوره ی حجر
۳۳	اشاره

۳۳	اول:سیمای سوره ی حجر
۳۳	اشاره
۳۳	فضایل
۳۳	اهداف
۳۳	مطالب
۳۴	دوم:محتوای سوره ی حجر
۳۴	قرآن روشنگر
۳۸	نشانه های خدا
۴۱	ماجرای انسان، شیطان و فرشتگان
۴۴	دوزخ
۴۶	بهشت
۴۷	ماجرای مهمان های ابراهیم(ع)
۴۹	ماجرای قوم لوط
۵۲	ماجرای قوم شعیب(اصحاب آیکه)
۵۳	ماجرای قوم لوط(اصحاب حجر)
۵۵	آداب رهبری
۵۶	قرآن را تجزیه نکنیدچ
۵۷	بخش سوم: سوره ی نحل
۵۷	اشاره
۵۸	اول:سیمای سوره ی نحل
۵۸	اشاره
۵۸	فضایل
۵۸	اهداف
۵۸	مطالب

۵۹	دوم:محتوای سوره ی نحل
۵۹	اشاره
۶۱	نشانه های خدا
۶۶	مستکبران چه کسانی هستند؟
۶۹	پارسایان و فرجام نیک آنان
۷۱	اهداف رسالت پیامبران
۷۴	اگر نمیدانید از آگاهان بپرسید
۸۱	نشانه های خدا
۹۰	رستاخیز
۹۲	دستورهای سازنده
۱۰۱	غذا ها
۱۰۶	منابع
۱۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم

## مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: ۴۲۰۰۰ ریال (ج. ۱۱) یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: *The mehr commentary on the holy Quran*. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۱۱. سوره‌های ابراهیم، حجر و نحل. عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/۶۶ ۱۳۰۰ ی رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

## یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی و ایراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸، ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن - روائی - عقلی - اجتهادی - علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹ بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین «۱» وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲»؛ و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

## درآمد



قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبد است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجة ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه الله محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجة الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت الله صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یدالله رضائزاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم - ۱۳۸۷ / ۱ / ۲۹ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳

## بخش اول: سوره‌ی ابراهیم علیه السلام

### اشاره

توحید و رسالت پیامبران معاد، حساب‌رسی و کیفر اعمال در قیامت هدف نزول قرآن تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵

### اول: سیمای سوره ابراهیم

### اشاره

سیمای سوره ابراهیم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز شمارگان: سوره‌ی مبارک ابراهیم، دارای ۵۲ آیه،

۸۳۱ کلمه و ۳۴۳۴ حرف است. نزول: این سوره که در مکه نازل شده «۱»، هفتاد و یکمین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده (بعد از سوره‌ی نوح و قبل از سوره‌ی انبیاء) و چهاردهمین سوره در ترتیب کنونی قرآن کریم است. نام: این سوره به نام بت‌شکن بزرگ تاریخ، یعنی حضرت ابراهیم علیه السلام نام گذاری شده است؛ چرا که در آیات ۳۵ تا ۴۱ این سوره از ابراهیم علیه السلام و دعوت و دعاهاى او یاد شده است.

### فضایل

از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی حجر و ابراهیم را در دو رکعت نماز جمعه مرتب تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶ بخواند، گرفتار فقر و جنون و بلوی نمی‌شود. «۱» تذکر: البته این آثار برای کسانی است که این سوره‌ها را بخوانند و به محتوای آنها عمل کنند.

### اهداف

اهداف اساسی سوره‌ی ابراهیم طرح و بیان مسائلی است درباره‌ی: ۱. توحید؛ ۲. رسالت؛ ۳. معاد و حساب‌رسی و کیفر اعمال در قیامت. تذکر: سوره‌های مکی عمدتاً به اصول عقاید و مبانی اساسی دین می‌پردازند.

### مطالب

مطالب و محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) مسائل عقیدتی: ۱. مبدأ (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۲. معاد که روح و جان را نور و روشنایی می‌بخشد و در مسیر حق قرار می‌دهد (در آیات ۲۳-۲۹ و ۴۸-۵۱)؛ ۳. رسالت پیامبران و این که آنان با زبان مردم سخن می‌گویند (در آیه‌ی ۴ و ...). ۴. کتاب‌های الهی و هدف نزول قرآن (در آیه‌ی ۱). تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷ ب) مسائل اخلاقی: ۱. حکایت برخی از دعاهاى آموزنده و معنوی ابراهیم علیه السلام (در آیه‌ی ۳۷)؛ ۲. موعظه و اندرز (در آیه‌ی ۵۲)؛ ج) احکام: ۱. دستور به نماز (در آیه‌ی ۳۱)؛ ۲. دستور به انفاق در پنهان و آشکار (در آیه‌ی ۳۱). د) داستان‌ها: ۱. داستان زندگی قهرمان توحید، ابراهیم بت شکن (در آیات ۳۵-۴۱)؛ ۲. اشاره‌ای به داستان نوح (در آیه‌ی ۹)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان موسی (در آیات ۵-۶)؛ ۴. اشاره‌ای به داستان قوم عاد و ثمود (در آیه‌ی ۹). ه) مطالب فرعی: ۱. حکایت برخی سخنان شیطان (در آیه‌ی ۲۲)؛ ۲. سخن از شجره‌ی طیبه و خبیثه (در آیات ۲۴-۲۶)؛ ۳. این که در روز قیامت زمین به غیر زمین تبدیل می‌شود (در آیه‌ی ۴۸).

\*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹

## دوم: محتوای سوره‌ی ابراهیم علیه السلام

### هدف نزول قرآن: نجات مردم از تاریکی‌ها به سوی نور

آیه‌ی اول سوره‌ی ابراهیم، با حروف مقطعه آغاز شده و در این آیه هدف نزول قرآن بیان شده است: ۱. الر کتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الف، لام، راء، [این کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر [و] ستوده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد حروف مقطعه‌ی قرآن، ذیل آیه‌ی نخست سوره‌ی بقره سخن گفتیم. ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن با حروف مقطعه آغاز شده که در ۲۴ مورد آنها بلافاصله سخن از قرآن به میان آمده است. شاید منظور آن است که این

قرآن با عظمت و معجزه‌ی جاویدان الهی از همین حروف الفبای معمولی ساخته شده است، اما کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد. ۲. واژه‌ی «ظلمات» جمع «ظلمت» و به معنای «تاریکی‌ها» ست. ظلمت، همان نبودن نور است؛ یعنی چیزهایی که انسان را از نور دور می‌کند، ظلمت‌آفرین است؛ مانند جهل، کفر، شرک، ستم، تفرقه، گناه و... ۳. نور چیزی است که در ذات خود روشن است و به غیر خود روشنی می‌بخشد. واژه‌ی «نور» در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد. خدا نور است و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰ عمل صالح و قرآن و دین الهی به نور تشبیه شده‌اند. «۱» ۴. در این آیه، نور به صورت مفرد و ظلمات به صورت جمع آمده است، تا نشان دهد که همه‌ی پاکی‌ها و نیکی‌ها، ایمان، عمل صالح، قرآن و دین که نورند، وحدت دارند و در اصل، پرتوی از نور توحید هستند و نور به راه راست هدایت می‌کند که یکی بیش‌تر نیست. اما ظلمت‌های گناه، ستم، شرک و جهل، با ایجاد انحراف در بشریت، او را به سوی پراکندگی و بیراهه‌های متنوع که به گمراهی و تاریکی منتهی می‌شود، سوق می‌دهند. ۵. در این آیه هدف نزول قرآن این گونه بیان شده است که این کتاب الهی فرود آمده تا تمام هدف‌های تربیتی و انسانی و معنوی و مادی بشر را تحقق بخشد و انسان‌ها را از جهل، شرک، ظلم و بی‌عدالتی نجات دهد و به سوی نور علم، عدالت و ایمان هدایت نماید. ۶. «نور»، «۲» همان راه خداست، خدایی که قدرتی شکست‌ناپذیر دارد و به خاطر نعمت‌ها و مواهب و زیبایی‌هایش ستوده می‌شود. ۷. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله «خارج کردن مردم» از ظلمت‌ها به سوی نور، به وسیله‌ی قرآن، است. ۸. تعبیر این آیه نشان می‌دهد که اولاً، قرآن کتاب هدایت و برنامه‌ی زندگی بشر است، اما نیاز به مجری و رهبری هم‌چون پیامبر صلی الله علیه و آله دارد؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱ و ثانیاً، مردم در محیط تاریک و محدودی به سر می‌برند و پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس برنامه‌ی قرآنی، آنان را از این محیط خارج و به سوی محیط وسیع‌تر و نورانی هدایت می‌نماید. ۹. هدف قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله نجات بشریت (ناس) است، نه فقط مؤمنان و پارسایان و مانند آنها. ۱۰. واژه‌ی «رب» در این آیه نشان می‌دهد که نجات مردم از ظلمت‌ها و هدایت آنها به سوی نور، مقتضای ربوبیت و پرورش دهندگی خداست که حتماً با عنایت او خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله نجات بشریت از تاریکی‌هاست. ۲. برنامه‌ی قرآن مایه‌ی نورانی شدن زندگی بشر است. ۳. قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله مایه‌ی هدایت‌اند، اما اصل هدایت به فرمان خداست. ۴. هدف رهبران اسلامی نجات بشریت، و برنامه و دستور آنها قرآن است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی ابراهیم با معرفی خدا و هشدار دادن به کافران می‌فرماید: ۲. اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (همان) خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آن اوست؛ و وای بر کافران از عذابی شدید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر آنچه در عوالم بالا و پایین و آسمان‌ها و زمین است به دست خداست؛ چرا که او آفریننده‌ی آنهاست. او قدرتمندی شکست‌ناپذیر است و از آن جا که همه‌ی نعمت‌ها را او می‌آفریند و عطا می‌کند، سزاوار ستایش است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲ ۲. خدا مالک جهان هستی و پرورش‌دهنده‌ی آن است و اوست که هدف نیکویی هم‌چون نور برای مردم مشخص کرده است؛ پس اگر کسی نافرمانی او را کند و سپاس‌گزار نعمت هدایتش نباشد، سزاوار عذابی شدید است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا صاحب‌اختیار هستی است و کفر ورزیدن به چنین خدایی شایسته نیست. ۲. به مالک هستی کفر نورزید که عاقبتی عذاب‌آلود دارد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی ابراهیم ویژگی‌های کافران گمراه را بیان کرده، فرموده است: ۳. الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (همان) کسانی که زندگی پست (دنیا) را بر آخرت ترجیح می‌دهند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند؛ و می‌خواهند آن (راه) را منحرف سازند؛ آنان در گمراهی بس دوری هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، چهار ویژگی برای کافران بیان شده که عبارت‌اند از: مقدم داشتن دنیا بر آخرت، ایجاد مانع در راه خدا، کج نشان دادن راه خدا و گمراهی زیاد. ۲. مقصود از سرزنش دنیاگرایی در این آیه، استفاده نکردن مردم از مواهب و نعمت‌های دنیا نیست؛ چرا که آیات قرآن، به استفاده از نعمت‌های پاکیزه سفارش کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز این گونه بودند.

۳. مقصود از این که کافران دنیا را بر آخرت مقدم می‌دارند آن است که تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳ دنیا را بیش تر دوست دارند و منافع درازمدت آخرت را فدای منافع زودگذر دنیا می‌کنند و در هنگام تعارض ارزش‌های اخروی (هم‌چون: عدالت، شرف، آزادی و ایمان) با ارزش‌های دنیوی (هم‌چون: شهوات و هوس‌ها)، دنیا را برمی‌گزینند. ۴. ظلمت‌گرایان کفرپیشه، نه تنها خود گمراه‌اند، بلکه در راه خدا هم مانع ایجاد می‌کنند و مردم را از درستی و پاکی و هدایت بازمی‌دارند و آنان را به گناه و کفر تشویق می‌کنند. ۵. این آیه اشاره‌ی لطیفی به تبلیغات سوء نظام کفر جهانی دارد، که با تبلیغات رنگارنگ خود و با ایجاد بدعت‌ها و ترویج خرافات، راه مستقیم الهی را کژراهه جلوه می‌دهند، تا مردم را از پیمودن راه خدا باز دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیا را بر آخرت ترجیح ندهید. ۲. کافران می‌خواهند مانع پیمودن راه خدا شوند و آن را منحرف سازند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی ابراهیم به زبان پیامبران و مسئله‌ی هدایت و گمراهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۴. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُبَلِّغَ الْقَوْمَ لَيْسَانَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و هیچ فرستاده‌ای را، جز به زبان قومش نفرستادیم؛ به جهت این که (بتواند حقایق را) برای آنان بروشنی بیان کند. و خدا هر کس را (به جهت اعمالش سزاوار بداند و) بخواهد در گمراهی وانهد، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) راهنمایی کند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «لسان قوم» همان زبان قوم است؛ یعنی زبانی که ملت وی با آن سخن می‌گویند. این تعبیر اشاره دارد که هر پیامبری، در درجه‌ی اول، با همان ملتی که به سوی آنها فرستاده شده است، سخن می‌گوید؛ و اگر زبان آنها را نداند و محتاج مترجم باشد، تأثیر و نفوذ سخن او و پذیرش مردم کم‌تر می‌شود؛ پس لازم است که هر پیامبر به لغت و زبان ملت خویش سخن بگوید. «۱» ۲. با زبان قرآن آشنا شویم: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: من امیدوارم که ما این حجاب جحود (انکار) را از قلب‌هایمان برداریم و از خدای تبارک و تعالی بخواهیم که ما را آشنا کند به لسان (: زبان) قرآن؛ زبان قرآن یک زبان خاصی است؛ ما آشنا بشویم به آن زبانی که با آن زبان قرآن وارد شده است. «۲» ۳. تعبیر «لَيْسَانَ» اشاره دارد که پیامبران با بیان واضح و روشن مردم را دعوت می‌کنند؛ پس تعلیم و تربیت آنان با همان زبان معمولی و رایج ملتشان و به روشنی صورت می‌گیرد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵. ۴. بیان مطالب دینی و ابلاغ آنها کار پیامبران است، اما هدایت و گمراهی، در نهایت، کار خداست، البته نه به معنای جبر و سلب آزادی بشر، بلکه همان طور که در آیه اشاره شده، بر اساس حکمت الهی است؛ یعنی هر کس زمینه‌ی هدایت را در خود فراهم کند، خدا نور هدایت را بر قلب او می‌تاباند، اما فاسق و نافرمان و ستمگر را بر اساس خواست خود او گمراه می‌سازد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی به زبان مردم و به روشنی با آنان سخن بگویند. ۲. هدایت و گمراهی به دست خداست، و بر اساس حکمت او انجام می‌گیرد.

### سرگذشت موسی (ع)

قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی ابراهیم به رسالت موسی علیه السلام و اهداف و وظایف او اشاره کرده، می‌فرماید: ۵. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَمِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ و بیقین موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان فرستادیم؛ که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آور؛ و روزهای خدا را به آنان یادآوری نما؛ [چرا] که حتماً در آن (یادآوری‌ها) برای هر بسیار شکیبایی بسیار سپاس‌گزار، نشانه‌های (عبرت آموزی) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶. ۱. «آیات» به معنای نشانه‌هاست و در این جا مقصود معجزاتی است که خدا برای اتمام حجت و هدایت مردم به دست موسی علیه السلام جاری کرد؛ مثل عصای موسی و ید بیضاء و .... ۲. در آیه‌ی اول سوره‌ی ابراهیم هدف و برنامه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خارج کردن مردم از تاریکی‌های جهل و شرک و ستم، به سوی نور ایمان و دین مشخص شده است. و طبق این آیه، هدف رسالت موسی علیه السلام نیز همین بود که در قوم بنی اسرائیل پی‌گیری شد. ۳.

تعبیر «ایام الله» (روزهای خدا) به خاطر امتیاز و درخشش خاصی است که این روزها در تاریخ بشریت داشته‌اند؛ مثل روزهای پیروزی پیامبران الهی بر دشمنان و روزهای شکست طاغوت‌ها و سرکشان و روزهایی که خدا نعمت‌های خاص به بندگان داده است. «۱» ۴. «ایام الله» به معنای یک روز از صبح تا غروب نیست، بلکه گاهی مقصود یک دوره‌ی خاص است و به طور کلی هر روز با عظمتی که فصل تازه‌ای در تاریخ بشریت بگشاید و درس عبرتی به آنان بدهد ایام الله است. ۵. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام بیان شده است که مقصود از «ایام الله»، روز قیام مهدی علیه السلام و روز رجعت و قیامت است و در احادیثی دیگر روز مرگ و روزهای امتحانات الهی ایام الله شمرده‌اند. «۲» البته این گونه احادیث بطن آیه و مصداق‌های جدید آن را بیان می‌کنند. ۶. یادآوری خاطرات روزهای سرنوشت‌ساز و یاری خدا در آن روزها، تأثیراتی روانی دارد و ملت‌ها و به ویژه جوانان را با گذشته‌ی پرافتخارشان آشنا می‌سازد و به آنان شخصیت و عزت می‌دهد و به آینده و یاری خدا امیدوار می‌سازد. از این روست که ما روزهای بزرگ تاریخ اسلام را گرامی می‌داریم، (از تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۷ جمله روزهای مبارزات مجاهدان بزرگی هم چون امام حسین علیه السلام و شهادت آن حضرت و یارانش) و هر سال مراسمی در آن روزها برگزار می‌کنیم؛ و در عصر خود دیدیم که یاد این ایام الله چگونه در پیروزی حق‌طلبان انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره و پیروزی رزمندگان اسلام نقش‌آفرین بود. ۷. هرگونه مراسم (جشن و سوگواری) که انسان را به یاد روزهای بزرگ خدایی اندازد، جایز است. ۸. واژه‌ی «صَبَّار» و «شُكُور» هر دو صیغه‌ی مبالغه و به معنای استقامت زیاد و سپاس‌گزاری فراوان‌اند؛ یعنی مؤمنان پراستقامت و سپاس‌گزار، در روزهای الهی، نشانه‌های خدا و پیروزی نهایی را می‌بینند (و بر شکر و پای‌مردی آنان افزوده می‌شود). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روزهای سرنوشت‌ساز و باعظمت تاریخ را به یاد ملت بیاورید تا نشانه‌های خدا را در آن ببینند. ۲. هدف موسی نیز هم چون پیامبران دیگر، خارج کردن مردم از تاریکی‌ها به سوی نور بود. ۳. صبر و سپاس فراوان، زمینه‌ساز درک حقایق الهی است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی ابراهیم به آزمایش بنی‌اسرائیل و نجات آنان از فرعونیان اشاره کرده، می‌فرماید: ۶. وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ اُنْجَاكُمْ مِنْ اَآلِ فِرْعَوْنَ يَسُؤْمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۸ و (یاد کن) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آنگاه که شما را از (چنگ) فرعونیان نجات بخشید؛ در حالی که شما را (با شکنجه و) عذاب بدی آزرده، و پسران شما را سر می‌بریدند، و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند؛ و در آن [ها] آزمایش بزرگی از [جانب پروردگارتان بود.]. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «یسؤمونکم» در اصل به معنای جست و جو کردن از چیزی است و به معنای تحمیل کار بر دیگران نیز می‌آید. «۱» این تعبیر اشاره دارد که فرعونیان بدترین شکنجه‌ها و عذاب‌ها را بر بنی اسرائیل تحمیل و آنها را خوار می‌کردند. ۲. در این آیه روز نجات و آزادی بنی اسرائیل را به آنان یادآور می‌شود که یکی از روزهای الهی و ایام الله بود. آری؛ بزرگ‌داشت روز آزادی از ظلم برای هر ملتی آثار روان‌شناختی مهمی به دنبال دارد، یعنی سبب می‌شود که شکر آن را به جا آورند و قدر آزادی خود را بدانند و به وضع سابق بازنگردند. ۳. آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی بقره نیز شبیه همین آیه است «۲» و تکرار آن در قرآن نشان‌دهنده‌ی اهمیت مطلب است؛ چراکه نعمت نجات و آزادی ملت‌ها برترین نعمت‌هاست و هیچ ملتی بدون استقلال و آزادی از چنگ طاغوت‌ها تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۹ و مستکبران نمی‌تواند پیش‌رفت کند. ملتی که از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری اسیر دیگران باشد، نیروها و ذخایرش به غارت می‌رود و فرصت رشد و پیشرفت پیدا نمی‌کند. ۴. فرعونیان نیروهای فعال جامعه را نابود می‌کردند، و این روش استعمارگران و مستکبران در طول تاریخ است که با طرح نقشه‌های ماهرانه، می‌کوشند جوانان ملت‌ها را به فساد و تباهی بکشند، تا زمینه‌ی تضعیف و اسارت آنان فراهم شود و از این روست که انواع اعتیاد، فحشا و فساد را در جهان سوم ترویج می‌کنند. ۵. برخی مشکلات و گرفتاری‌های بشر برای امتحان اوست. این از شئون ربوبیت و پرورش‌دهندگی خداست که با این امتحانات انسان‌ها را می‌آزماید تا رشد و تربیت و تکامل پیدا کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز نجات و آزادی ملت را به

عنوان یکی از «ایام الله» در خاطره‌ی مردم حفظ کنید. ۲. آزادی و استقلال هر ملت از مهم‌ترین نعمت‌هاست. ۳. (گاهی) گرفتاری‌ها و مشکلات، برای امتحان انسان است. \*\*\*

## قانون الهی

قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی ابراهیم با اشاره به قانون سپاس‌گزاری و ناسپاسی و ثمرات آنها می‌فرماید: ۷. وَإِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (یاد کن) هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد: «اگر سپاس‌گزاری کنید، حتماً شما را (نعمتی) می‌افزایم؛ و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من شدید است!» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ممکن است ادامه‌ی سخنان موسی علیه السلام خطاب به بنی اسرائیل، و یا جمله‌ای مستقل خطاب به مسلمانان باشد. «۱» سیاق آیه با احتمال اول سازگارتر است، اما نتیجه‌اش تفاوت چندانی ندارد؛ چراکه در هر صورت آموزه‌ای سازنده برای مسلمانان است. ۲. این آیه که قانون سپاس‌گزاری را بیان می‌کند، به افراد سپاس‌گزار با صراحت وعده فزونی نعمت می‌دهد، اما به افراد ناسپاس، صریحاً وعده‌ی عذاب نمی‌دهد، بلکه می‌فرماید: «اگر ناسپاسی کنید، عذاب من شدید است.» و این نشان دهنده‌ی نهایت لطف پروردگار است. ۳. شکر سه مرحله دارد: الف) تفکر و توجه به بخشنده‌ی نعمت و شناخت او؛ ب) شکر زبانی، یعنی به جا آوردن سپاس و حمد برای بخشنده‌ی نعمت؛ ج) شکر عملی، یعنی هر نعمتی را در راستای هدف آن مصرف کردن. ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که کم‌ترین شکر آن است که نعمت را از خدا بدانی، بدون آن که قلب تو به غیر خدا مشغول شود و (نیز شکر نعمت آن است) که به نعمت او راضی باشی و به وسیله نعمت‌های خدا نافرمانی او را نکنی. «۲» اگر فضل خدا بر خود بدانی بماند بر تو نعمت جاودانی (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۱. البته باید توجه کرد که شکر خدا وقتی کامل می‌شود که از مردم نیز سپاس‌گزاری کنیم که در حدیثی از امام سجاده علیه السلام روایت شده که شکر گزارترین شما برای خدا کسانی هستند که بیش‌تر از مردم سپاس‌گزاری کنند. «۱» آری احیای روح سپاس‌گزاری در افراد جامعه و ارج نهادن و تقدیر از زحمات شهیدان، مجاهدان، دانشمندان و خدمت‌گزاران جامعه و خانواده‌های آنان، سبب رشد این فضایل در بین مردم می‌شود و جامعه را به سوی رشد و شکوفایی و پویایی سوق می‌دهد. از این روست که مراسم بزرگداشت افراد و سالگردها، هزاره‌ها، همایش‌ها و اعطای جوایز، پاداش‌ها و نشان‌ها معنا پیدا می‌کند و ضرورت می‌یابد. اما در جامعه‌ای که روح تقدیر و سپاس مرده است، افراد علاقه‌مند به کار بیش‌تر نمی‌شوند. دوام دولت اندر حق‌شناسی است زوال نعمت اندر ناسپاسی است (سعدی) ۶. در این آیه به مردم وعده داده شده که اگر شکر نعمت را به جا آورید، نعمتتان افزون می‌شود. این افزایش نعمت ممکن است مادی، یا معنوی باشد. یعنی خود شکر‌گزاری همراه با توجه به خدا، عشق تازه‌ای نسبت به معبود در دل انسان پدید می‌آورد و او را به خدا نزدیک‌تر می‌کند. این خود نعمت و پاداشی بزرگ است که به سپاس‌گزاران داده می‌شود. و شاید از این روست که در آیه نفرمود: «نعمت شما را افزون می‌کنم.»، بلکه فرمود: «شما را افزون می‌کنم.»؛ یعنی در جان شما رشد و کمال و افزایشی حاصل می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۲. ۷. ناسپاسی، گاهی در برابر نعمت‌های کوچک و مردم است که سبب رکود و یا از دست دادن نعمت‌ها می‌شود و گاهی در برابر نعمت‌های بزرگ خدا، هم‌چون هدایت و اسلام است. کسی که شکر نعمت دین و هدایت را به جا نیاورد و ناسپاسی کند، از خدا و دین جدا می‌شود و در نهایت گرفتار عذاب شدید الهی می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از سنت‌ها و قوانین الهی آن است که سپاس‌گزاری وسیله‌ی فزونی نعمت‌هاست. ۲. ناسپاسی، ممکن است انسان را گرفتار عذاب شدید الهی کند. ۳. اگر می‌خواهید لطف و کرم الهی بیش‌تر شامل حال شما باشد، سپاس‌گزار او باشید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی ابراهیم به بی‌نیازی خدا از ایمان و سپاس‌گزاری مردم اشاره کرده، می‌فرماید: ۸. وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ و موسی گفت: «اگر شما و کسانی که در زمین هستند همگی کفر ورزید، پس (زیانی به

خدا نمی‌رسانید؛ چرا) که حتماً خدا توانگری ستوده است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا بسیار بزرگ و بی‌نیاز است و نیاز به تشکر و سپاس مردم ندارد؛ او غنی است و همه‌ی کمالات را دارد و از این رو ستوده است و نیازی به ستایش غیر ندارد. گر جمله‌ی کاینات کافر گردند بر دامن کبریا نشینند گرد تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۳. ۲. سپاس‌گزاری مردم نسبت به خدا و ایمان آوردن آنها، در حقیقت به سود خود آنهاست چراکه سبب رشد و کمال و افزونی نعمت خودشان می‌شود و این‌ها سود و زبانی برای خدا ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از سپاس و ایمان شما بی‌نیاز است، پس با کفر شما زبانی به خدا نمی‌رسد. ۲. کفرورزی و ناسپاسی نکنید (که به خودتان زیان می‌رسانید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی ابراهیم به سرنوشت اقوام پیشین و کفر و ناسپاسی آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۹. أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِيْنَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَمَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْدِيَّهُمْ فِيْ أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ يَا خَبَرَ بزرگ کسانی که پیش از شما بودند: «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و کسانی که بعد از آنان بودند، به شما نرسیده است؟ در حالی که جز خدا (کسی) از آنان آگاهی (کامل) ندارد؛ فرستادگان‌شان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند، و [لی دست‌هایشان را به دهان‌هایشان بازگرداندند، و گفتند: «در واقع ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید، کفر ورزیدیم؛ و قطعاً ما در مورد آنچه ما را به سوی آن فرا می‌خوانید، در شک تردیدآمیزی هستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ممکن است ادامه‌ی سخن موسی علیه السلام و یا جمله‌ی مستقلی خطاب به مسلمانان باشد. سیاق آیه با احتمال اول سازگارتر است، ولی در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۴ نتیجه تفاوتی ندارد و در هر صورت این آیه، برای مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عبرت‌آموز است. ۲. در آیات دیگر قرآن سرنوشت عذاب‌آلود قوم نوح، عاد و ثمود بیان گردید. آنان به پیامبران الهی (نوح، هود و صالح) کفر ورزیدند و سخنان آنان را انکار کردند و گرفتار عذاب الهی شدند و این برای بنی اسرائیل و مشرکان مخالف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عبرت‌آموز بود. ۳. سرگذشت برخی از اقوام سرکش در طول تاریخ به فراموشی سپرده شده است و جز خدا کسی از حالات و سرنوشت نهایی آنان آگاه نیست. هر سال کشفیات باستان‌شناسان زیادتر می‌شود، اما هنوز هم مناطق و اقوام ناشناخته‌ی جهان بسیارند. ۴. در این آیه به توهم و تردید مخالفان رسولان الهی که سبب انکار و کفر آنان بود اشاره شده است؛ یعنی آنان دلیل قاطعی برای نفی سخنان فرستادگان الهی نداشتند، بلکه به خاطر توهم و تردید کفر می‌ورزیدند؛ و این، ضعف منطق آنان را نشان می‌دهد. ۵. شک، همان تردید طبیعی است، اما «رَيْبٌ» توهم «۱» و تردید است. در این آیه از تردید مخالفان با عنوان «مُرِيبٌ» یاد شده است؛ یعنی شک آنان منطقی و سازنده و حرکت‌آفرین و جست و جوگرانه نبود، بلکه برخاسته از توهمات آنان بود. ۶. ممکن است مقصود از این جمله که «دست‌ها را در دهان‌شان می‌گذاشتند.» چند چیز باشد: الف) مخالفان پیامبران از سر تعجب، انکار و ریشخند، دست در دهان می‌گذاشتند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۵ ب) مخالفان از شدت خشم انگشتان خود را در دهان می‌گذاشتند (و گاز می‌گرفتند). «۱» اما به نظر می‌رسد که معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت اقوام سرکش تاریخ درس عبرت بگیرید. ۲. مخالفان پیامبران، با مکتب آنان مخالف بودند، نه با شخص آنها. ۳. انکار و کفر مخالفان پیامبران، ناشی از پندارها و توهمات تردیدآمیز آنهاست. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی ابراهیم به گفتمان فرستادگان الهی با مخالفان آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِئَةُ اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ فرستادگان‌شان گفتند: «آیا در باره خدایی که شکافنده [و آفریننده آسمان‌ها و زمین است، شکی است؟! (او) شما را فرا می‌خواند تا بخشی از پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیاورد؛ و (مرگ) شما را تا تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۶ سرآمد معینی به تأخیر اندازد.» (کافران) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، می‌خواهید که ما را از آنچه پدرانمان همواره می‌پرستیدند باز دارید؛ پس دلیل آشکار (و معجزه‌ها) ی برای ما بیاورید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «فاطر» در اصل به معنای «شکافنده» و در این جا کنایه از آفریننده‌ی هستی است که گویی

دل ظلمت کده‌ی عدم را شکافته و جهان را به وجود آورده است. این احتمال نیز وجود دارد که «فاطر» اشاره به شکافتن توده‌ی ابتدایی ماده‌ی جهان و انفجار بزرگ اولیه در هستی باشد، که از شکافته شدن آن، کهکشان‌ها و ستارگان و سیارات به وجود آمدند. «۱» ۲. اگر به عظمت و اسرار جهان توجه کنید، به روشنی آن را نیازمند به شکافنده و آفریننده می‌یابید، که همان خداست؛ پس چگونه در وجود و صفات او شک می‌کنید؟ ۳. در این آیه برنامه و اهداف فراخوان الهی را دو چیز بیان کرده است: الف) پاک کردن انسان‌ها از آلودگی گناهان و بخشش آنها؛ یعنی پاک سازی روح و جسم و محیط زندگی بشر؛ ب) ادامه‌ی حیات بشر تا زمان مقرر. در واقع این دو هدف و برنامه سبب و مسبب هستند؛ یعنی پاکی انسان و جامعه از گناه و ستم، سبب ادامه‌ی حیات آن است؛ همان طور که آلودگی به گناه و ستم، سبب نابودی و مرگ افراد و جامعه می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۷

۴. انسان دارای دو مرگ و اجل است: یکی اجل حتمی که در مورد همه‌ی انسان‌ها صادق است و هر کس روزی خواهد مرد؛ زیرا توانایی بشر برای ادامه‌ی زندگی محدود است و روزی عمرش به پایان می‌رسد. و دوم اجل معلق؛ یعنی مرگ برخی افراد بر اثر عوامل و موانعی در نیمه‌ی راه فرا می‌رسد؛ مثلاً برخی آلودگی‌ها و گناهان و ستم‌ها سبب مرگ او می‌شوند. «۵» ایمان به فرستادگان الهی و عمل به برنامه‌های آنان جلوی مرگ غیرحتمی را می‌گیرد و آن را به تأخیر می‌اندازد. برای مثال، صله‌ی رحم و صدقه دادن و توبه و برخی دستورات بهداشتی، مثل پرهیز از خون‌خواری، شراب‌خواری و مردارخواری، سبب طولانی شدن عمر انسان می‌شود.

۶. در این آیه به دو ایراد مخالفان در مورد بشر بودن پیامبران و دلیل خواستن از آنها اشاره شده است و در آیه‌ی بعد پاسخ می‌دهد که بشر بودن مانع پیامبری نیست و معمولاً فرستادگان الهی دلایل محکم و معجزات روشن داشته‌اند؛ پس این سخنان بهانه‌ای بیش نیست. ۷. در این آیه به پیروی کورکورانه‌ی مخالفان پیامبران از نیاکانشان اشاره شده است، در حالی که این یک تعصب کور و تقلید جاهلانه است. یعنی انسان باید در مورد اصول دین بیندیشد و راه خود را بشناسد و انتخاب کند؛ و نمی‌تواند پیروی از فرهنگ خرافی نیاکان را بهانه قرار دهد و کژ راهه را انتخاب کند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در آفرینش آسمان‌ها و زمین، خداشناس شوید تا دریابید که در وجود او هیچ شکی نیست. ۲. به سوی خدا بروید که خواستار پاکی بشریت و طولانی شدن عمر آنهاست. ۳. مخالفان دین، افرادی بهانه‌جو و کهنه‌پرست هستند، که می‌خواهند از نیاکانشان تقلید کنند.

\*\*\*

### معنای توکل چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی ابراهیم پاسخ رسولان الهی به بهانه‌جویی‌های مخالفان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمِمَّا كَذَبُوا أَن تَأْتِيَكُمْ سَيِّئَاتِنَا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ فرستادگانشان به آنان گفتند: «ما جز بشری همانند شما نیستیم و لیکن خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند)، منت می‌گذارد (و نعمت نبوت عطا می‌کند)؛ و برای ما شایسته نیست که جز به رخصت خدا، برای شما دلیل (و معجزه‌ها) ی آوریم؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکل کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه پاسخ پیامبران به چند ایراد و بهانه‌ی مشرکان و مخالفان لجوج بیان شده است: الف) مخالفان می‌گفتند: شما پیامبران، بشری هم‌چون ما هستید. و پیامبران پاسخ دادند، بلی ما هم بشر هستیم و این مانع نبوت و رسالت ما نیست و خدا به افراد شایسته مقام رسالت می‌بخشد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۴۹ ب) مخالفان گفتند: دلیل روشن (معجزه) بیاورید. و پیامبران پاسخ دادند: ما معجزه گر نیستیم و اگر معجزه‌ای برای اتمام حجت و هدایت آورده می‌شود، به فرمان خداست. ج) مخالفان گفتند: شما نمی‌گذارید ما بر همان بت پرستی پدرانمان باقی باشیم. و پیامبران به این ایراد آنان پاسخ ندادند؛ این اشکال آن قدر سست بود که هر انسان عاقلی با اندک تأملی پاسخ آن را درمی‌یافت. ۲. خدا به هر کس می‌خواهد، منت می‌گذارد و موهبت رسالت را می‌بخشد. البته روشن است که خواست و اراده‌ی



خدا بر اساس حکمت اوست؛ یعنی خدا هر کس را شایسته بداند و آمادگی‌های لازم را در او ببیند، مقام رسالت را به او می‌بخشد. «۱» ۳. رسولان الهی پاسخ منفی به درخواست معجزه‌خواهان ندادند، بلکه آن را مشروط به رخصت خدا کردند. چراکه، از طرفی پیامبران معجزات متعددی برای مردم می‌آوردند که برای اثبات حقایق آنان کافی بود و غالب این درخواست‌ها بهانه‌جویی بود. و از طرف دیگر، پیامبران معجزه‌گر نبودند که در گوشه‌ای بنشینند و هر روز به میل مردم معجزه بیاورند، بلکه وظیفه‌ی اصلی آنها هدایت بشر بود که گاهی برای اتمام حجت و در راستای هدایت مردم معجزه‌ای می‌آوردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسالت موهبتی الهی است که در اختیار خداست. ۲. معجزه به امر خداست، نه به فرمان مردم. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۰. ۳. تکیه گاهی غیر از خدا برای مؤمنان نیست. ۴. اگر مؤمن هستید، فقط بر خدا توکل و تکیه کنید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی ابراهیم به توکل و مقاومت فرستادگان الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲. وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَيْنَا سُبُلَنَا وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مِآءٍ آذِثْمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه‌ایمان رهبری کرده است؟! و قطعاً بر آزارهایتان بر ما، شکیبایی خواهیم کرد؛ و توکل کنندگان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «توکل» در اصل از ماده‌ی «وکالت»، به معنای انتخاب و کیل و تکیه بر غیر است. انسان وقتی شخصاً قادر به دفاع نباشد، دیگری را وکیل خود قرار می‌دهد و با استفاده از نیروی او مشکل خویش را حل می‌کند. «۱» تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش (حافظ) ۲. توکل ثمره‌ی توحید افعالی است؛ یعنی انسان خود در برابر مشکلات تلاش بنماید، ولی کسی غیر از خدا را مؤثر نداند و در بن‌بست‌ها او را وکیل خود سازد. «۲» ۳. وکیل خوب کسی است که چهار صفت داشته باشد: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۱ آگاهی کافی، دلسوزی، امانت‌داری و قدرت. روشن است که این صفات به عالی‌ترین صورت در خدای متعال موجود است، پس هر کس که به دنبال وکیل کارآمد می‌گردد، باید بر خدا توکل کند. ۴. در آیه‌ی قبل بیان شد که «مؤمنان باید بر خدا توکل کنند.» و در این آیه بیان شد که «همه‌ی توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند.» یعنی در این آیه مرحله‌ای فراتر بیان شده است؛ چرا که مؤمن به خاطر ایمان به خدا حتماً بر او توکل می‌کند، بلکه غیر مؤمنان نیز اگر تکیه‌گاه مطمئنی می‌طلبند باید تنها بر خدا توکل کنند، نه بر مخلوقات ضعیف و ناتوان که از خود چیزی ندارند. ۵. فلسفه و حکمت توکل در چند چیز نهفته است: الف) توکل بر خدا سبب افزایش نیروی روحی و روانی انسان می‌شود و او را در برابر مشکلات سخت مقاوم می‌سازد. ب) توکل بر خدا انسان را از وابستگی به دیگران که سرچشمه‌ی ذلت و بردگی است نجات می‌دهد و به او آزادی و اعتماد به نفس می‌بخشد. «۱» ج) توکل بر خدا سبب می‌شود که انسان از غیر او نهراسد. در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که از ایشان پرسیدند: حدّ توکل چیست؟ حضرت فرمود: «این که با اتکای بر خدا از هیچ کس نترسی.» «۲» ۶. آگاهی بر هدایت الهی، با توکل بر او ارتباط دارد؛ یعنی اگر خدا برترین نعمت را به انسان داد و او را به راه سعادت رهنمون شد، مسلماً در برابر مشکلات او را راهنمایی و حمایت می‌کند؛ پس باید بر او توکل کرد. و اگر خدا به راه‌های سعادت آگاه است، می‌تواند با علم خود، ما را در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۲ مقابل دشمنان راهنمایی کند و از گرفتاری‌ها نجات بخشد؛ از این رو در برابر آزارها و مشکلات شکیبیا هستیم. حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی‌خار کجاست (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدایی که ما را هدایت کرد، تکیه‌گاه ماست. ۲. مبلغان الهی باید در برابر آزارهای مخالفان شکیبیا باشند. ۳. هر کس تکیه‌گاه (مطمئنی) می‌خواهد باید بر خدا توکل کند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی ابراهیم به پاسخ خشونت‌آمیز و استبدادگرانه‌ی کافران به فرستادگان الهی و نیز به قانون نابودی ستمگران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهَلِكَنَّ الظَّالِمِينَ و کسانی که کفر ورزیدند به فرستادگان نشان گفتند: «بییقین شما را از سرزمین‌مان بیرون خواهیم کرد، یا حتماً به آیین ما باز گردید.» و پروردگارشان به سوی آنان وحی فرستاد که: «قطعاً ستمکاران را هلاک می‌کنیم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که ضعف استدلال کافران روشن می‌شد، به

تهدید و خشونت متوسل می‌شدند. ۲. مستکبران کافرکیش، زمین را از آن خود می‌دانستند و برای پیامبران الهی به اندازه‌ی یک شهروند عادی نیز حق قایل نبودند، در حالی که خدا تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۳ زمین و مواهب آن را برای مؤمنان شایسته آفریده است. ۳. مقصود کافران، از «ملت» همان آیین بت‌پرستی و شرک بود و پیامبران الهی و پیروان آنها را نیز به آن فرا می‌خواندند. ۴. شاید از آن جا که پیامبران الهی قبل از رسالت و نبوت خویش، اقدامی علیه بت‌پرستی نمی‌کردند، کافران می‌پنداشتند که پیامبران نیز با آنان هستند، در حالی که پیامبران معصوم بودند و هیچ گاه کار نابخردانه‌ای هم چون سجده بر بتان نمی‌کردند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان رهبران الهی، خشونت طلب و استبدادگر بودند. ۲. روش مخالفان پیامبران آن بود که با تهدید به تبعید، عقاید خود را بر مؤمنان تحمیل می‌کردند (شما این گونه نباشید). ۳. اراده و قانون الهی، نابودی ستمگران است. ۴. ستمگر نباشید که نابود خواهید شد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی ابراهیم به قانون پیروزی رسولان الهی و شرایط آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۴. وَكُنْتُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكُمْ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ وَحَتَّمَا شَمَّا رَا بَعْدَ از آنان در زمین سکونت خواهیم داد؛ این برای کسی است که از جایگاه (داوری) من ترس داشته باشد و از تهدید [من بترسد]! تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان کافرکیش پیامبران آنان را تهدید به تبعید می‌کردند. خدا از آنان دفاع می‌کند و وعده می‌دهد که نخست ستمکاران را نابود و آن گاه رسولان خویش را در زمین ساکن خواهد کرد. ۲. در این آیه این قانون و سنت الهی بیان شده که اراده‌ی خدا بر آن است که در طول تاریخ مبارزات پیامبران با کافران، پیروزی از آن پیامبران باشد و کافران ستمکار نابود شوند. ۳. مفسران قرآن در مورد «مقام خدا» چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) موقعیت حساب‌رسی و داوری خدا در هنگام محاسبه‌ی اعمال انسان‌ها؛ ب) قیام خدا برای نظارت و مراقبت شدید بر اعمال انسان‌ها که سبب ترس و احساس مسئولیت می‌شود؛ ج) قیام خدا برای اجرای عدالت و احقاق حق. البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مورد نظر باشد؛ یعنی خدا ناظر و حساب‌رس و مجری عدالت است و از این رو سزاوار است که انسان‌ها از مقام او بهراسند و دست از ستمکاری و گناه بردارند. «۱» ۴. از این آیه و آیات مشابه «۲» استفاده می‌شود که اگر ترس در مورد خدا مطرح می‌شود، ترس از مقام اوست که در حقیقت ترس از اعمال خود ماست، و گرنه خود خدا موجودی دوست‌داشتنی و محبوب مؤمنان است. «۳» ۵. در این آیه دو شرط روان‌شناختی برای پیروزی بر ستمکاران بیان شده است: یکی ترس از مقام خدا و یکی ترس از تهدیدهای او. این ترس بسیار سازنده است و از گناه و ستم باز می‌دارد؛ چون اگر این دو تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۵ شرط تحقق نیابد، ممکن است انسان خود در صف ستمکاران داخل شود و مستحق نابودی گردد. اما اگر این دو شرط تحقق یابد، انسان مراقب اعمال خویش بوده، به وظایف دینی خود عمل می‌کند و مؤمن و دادگر می‌شود و از غیر از خدا نمی‌ترسد و بدین ترتیب زمینه‌ی پیروزی خود را در اجتماع فراهم می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی نهایی از آن اولیای خداست. ۲. اگر می‌خواهید بر کافران ستمگر پیروز شوید، از مقام خدا و تهدیدهای الهی بهراسید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی ابراهیم به درخواست پیامبران و فرجام گردن‌کشان منحرف در دنیا اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۵. وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ (فرستادگان خدا) پیروزی خواستند، و (سرانجام) هر زورگویی ستیزه‌گری نومید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جبار» در مورد خدا به معنای «اصلاح‌کننده» یا «مسلط»، اما در مورد انسان‌ها به معنای متکبر و گردن‌کش می‌آید. «۱» ۲. «عنید» به معنای سمت و ناحیه، و در این جا به معنای انحراف و گرایش به غیر حق است و در احادیث نیز به این معنا اشاره شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۶ ۳. «جبار» به صفت نفسانی یعنی روح سرکشی اشاره دارد و «عنید» به اثر آن صفت در افعال انسان که او را از حق منحرف می‌سازد. ۴. تعبیر «استفتحو» یا به معنای طلب فتح و پیروزی است و یا به معنای تقاضای داوری است، که هر دو معنا در قرآن نظیر دارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعده‌ی پیروزی با درخواست فرستادگان الهی تحقق می‌یابد. ۲. گردن‌کشان ستیزه‌گر بدانند که اسلاف آنان در تاریخ ناامید و نابود شدند. ۳. زورگویی و ستیزه‌گری نکنید که ناامید و نابود می‌شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفدهم سوره‌ی

ابراهیم به فرجام عذاب آلود کافران ستمکار در آخرت و انواع مجازات‌های آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶ و ۱۷. *مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ \* يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسَبِّغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ* بدنبال آن (زورگو) جهنم خواهد بود، و از خونابه‌ای چرکین سیراب می‌شود. \* آن را جرعه جرعه می‌نوشد؛ و نزدیک است که آن را به آسانی فرو نبرد؛ و (عوامل) مرگ از هر جا به سراغ او می‌آید، در حالی که او نمی‌میرد (تا راحت شود)؛ و بدنبال او عذابی سخت است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «وراء» به معنای پشت سر است، اما در این جا مقصود نتیجه و عاقبت کار است؛ یعنی نهایت کار آنان جهنم است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۷. ۲. «صدید» به معنای چرکی است که میان پوست و گوشت جمع می‌شود. این تعبیر اشاره به آن است که کافران ستمکار از آب بدبوی متعفن، مانند چرک و خون، می‌نوشند. «۱» ۳. تعبیرات این آیه با فعل مضارع آمده است تا نشان دهد که عذاب‌های دوزخیان تدریجی و مستمر است. ۴. هر مجازات بدی که تصور می‌کنید، در انتظار کافران ستمکار است و هرگز نمی‌میرند و از این عذاب‌ها راحت نمی‌شوند. این بدان سبب است که آنان در دنیا به خود و مردم و پیامبران ستم می‌کردند؛ و برخی از ستم‌ها چنان بزرگ است که لازم است ستمکار در برابر آن هزاران سال مجازات شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب‌های طاقت‌فرسا و متنوعی برای ستمکاران گردن‌کش کفرپیشه فراهم شده است. ۲. زورگویی و ستم‌گری نکنید که فرجامی سخت و عذاب آلود دارد. «۳» \* \* \* قرآن کریم در آیه‌ی هجدهم سوره‌ی ابراهیم با مثالی جالب، پوچی اعمال کافران را روشن می‌سازد و می‌فرماید: ۱۸. *مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَتَبُوا عَلَيَّ شَيْءٌ ذَلِكُمْ هُوَ الضَّلَالُ البُعِيدُ* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۸ مثال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، (آن است که): کردارهایشان هم‌چون خاکستری است که بادی تند در روزی طوفانی بدان بوزد؛ [آنان قادر بر هیچ چیزی از آنچه به دست آورده‌اند نیستند (و بهره‌ای نمی‌برند)؛ این تنها گمراهی دور است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اعمال کافران به خاکستری بر سینه‌ی تندباد تشبیه شده است. این تشبیه از چند جهت قابل توجه و جالب است: الف) خاکستر محتوا ندارد و گیاه و گلی در آن نمی‌روید؛ اعمال کافران نیز پوچ و بی‌محتواست. ب) خاکستر از ذرات پراکنده‌ای تشکیل شده که روح وحدت ندارد؛ و اعمال کافران نیز خالی از روح وحدت و توحید است. ج) خاکستری که در برابر تندباد قرار گیرد، هر ذره‌اش به نقطه‌ی دوردستی می‌رود و قابل جمع کردن نیست؛ اعمال کافران نیز کارهای پراکنده‌ای است که به کار نمی‌آید و گویی محو می‌شود. «۱» اما اعمال مؤمنان، پرمحتوا و دارای روح یگانگی و توحید است که با هم‌دیگر جمع می‌شوند و ثمرات ماندگاری از آنها به جای می‌ماند. ۲. ارزش هر کاری به سه چیز بستگی دارد: «انگیزه، برنامه و هدف». اعمال مؤمنان با انگیزه‌های مقدس و طبق برنامه‌ای صحیح، که از طرف پیامبران ارائه شده، و دارای هدفی انسانی، الهی و باارزش است. اما اعمال کافران با انگیزه‌های پست مادی و برنامه‌های نادرست و هدفی بی‌ارزش انجام می‌شود؛ از این رو کارهایشان بی‌محتوا، بی‌ارزش و ناپایدار است و هم‌چون خاکستری است بر سینه‌ی تندباد. ۳. اعمال کافران «حبط» و نابود می‌شود؛ یعنی برخی گناهان هم‌چون تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۵۹ کفر، غیبت و قتل، عامل نابودی اعمال نیک انسان می‌شود. «۱» ۴. در این جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا اعمال کافرانی که کارهای نیک و پرثمری برای بشر کرده‌اند؛ مانند مخترعان و مکتشفان، نیز نابود می‌شود و از طرف خدا پاداشی به آنان تعلق نمی‌گیرد؟ پاسخ این پرسش آن است که کافران مخترع چند گروه‌اند: الف) گروهی که هدفشان از اختراع، تخریب است، هر چند این عمل بعدها برای بشریت مفید واقع شود. این گروه به خاطر انگیزه‌ی غیر الهی و غیر انسانی‌شان، پاداشی ندارند. ب) گروهی نیز، بهره‌های مادی یا شهرت‌طلبی در نظرشان است. این گروه نیز هم‌چون بازرگانانی هستند که در بازار بشریت کالای خود را می‌فروشند و پاداش خود را می‌گیرند و منتظر پاداش الهی نیستند. ج) گروهی دیگر مخترعان بی‌ایمانی هستند که انگیزه‌های انسانی دارند و با هدف خدمت به بشریت و نجات جان انسان‌ها اقدام به پژوهش و اکتشاف می‌کنند. این گروه، بر اساس حکم عقل و اشارات روایات «۲» و آیات «۳» پاداشی نزد خدا دارند. چون نیکوکار هستند و خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. اما مسلم

نیست که پاداش آنان بهشت باشد، بلکه ممکن است نوعی تخفیف در مجازات باشد. «۴» د) گروهی دیگر مخترعانی خدمت گزار بشریت هستند که با ایمان‌اند، اما مسلمان نیستند و پس از ظهور اسلام زندگی می‌کرده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۰ پاداش اینان نیز هم‌چون گروه قبل داده خواهد شد؛ «۱» البته پاداش دادن به آنان با قبول شدن اعمال آنان و داخل شدن در بهشت ملازم نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر نورزید که اعمال انسان را بر باد می‌دهد. ۲. اعمال کافران به حالشان سودی ندارد. \*\*\* قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی ابراهیم به آفرینش جهان بر اساس حق و به قدرت بی‌انتهای خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَاءُ يُدْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ \* وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ آيَا اطلاع نیافتی که خدا، آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را (از میان) می‌برد و آفرینش جدیدی می‌آورد؛ \* و این (کار) بر خدا سخت نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حق» در اصل به معنای «مطابقت و هماهنگی» است. در این جا مقصود آن است که آفرینش آسمان‌ها و زمین بر اساس حکمت و نظم و حساب و هدف معینی است. البته «حق» در قرآن گاهی به معنای اعتقاد مطابق واقع «۲» یا گفتار و عملی که به اندازه‌ی لازم انجام شده «۳» یا کسی که حق را انجام داده «۴» می‌آید، که در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۱ همه‌ی موارد معنای مطابقت و هماهنگی با واقعیت لحاظ شده است؛ و نقطه‌ی مقابل آن «باطل»، «گمراهی» و «یهودگی و بازیچه بودن» است. ۲. این آیه با توجه به آیه‌ی قبل اشاره دارد که نظام آفرینش بر اساس حق استوار است، اما اعمال کافران باطل و پوچ است و از همین روست که بر باد می‌رود و نابود می‌شود. اگر همه‌ی مردم باطل گرا شوند، می‌توانیم همه‌ی انسان‌ها را از بین ببریم، اما از آن جا که نظام جهان حق است و حقانیت آن به وجود انسان عاقل و حق گراست، باز هم انسان‌های دیگری می‌آوریم تا جهان بیهوده نباشد. ۳. مقصود از «خَلَقَ جَدِيدًا»، یا آن است که خدا اگر بخواهد شما را می‌برد و مردمان دیگری در همین دنیا جای‌گزين شما می‌سازد. و یا آن است که اگر خدا بخواهد، شما را می‌میراند و در جهان دیگر آفرینش جدیدی می‌دهد و شما را زنده می‌سازد. «۱» به هر حال، این تعبیر کنایه از قدرت بی‌نهایت خداست. ۴. از بین بردن انسان‌ها و آفرینش جدید برای خدا مشکل نیست. زیرا او یک بار جهان را آفریده است و انجام یک کار در مرتبه‌ی دوم آسان‌تر از مرتبه‌ی اول است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هستی شما و دوام آن، به اراده‌ی خدا بستگی دارد. ۲. آفرینش آسمان‌ها و زمین بر اساس حق، حساب، حکمت و نظم است. ۳. با مطالعات کیهان‌شناختی، خداشناس شوید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۲

### گفتوگوها در رستاخیز

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی ابراهیم به گفتمان مستکبران و پیروان آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۱. وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَيْنَا اللَّهُ لَهَدَيْنُكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ وَ (در رستاخیز) همگی در برابر خدا ظاهر شوند؛ و کم توانان به کسانی که تکبر ورزیدند گویند: «در واقع ما پیروان شما بودیم؛ پس آیا شما چیزی از عذاب خدا را از ما دفع می‌کنید؟» (مستکبران) می‌گویند: «اگر (بر فرض) خدا ما را راهنمایی کرده بود، حتماً شما را راهنمایی می‌کردیم؛ چه بیتابی کنیم یا شکیبایی نماییم، بر ما یکسان است، هیچ راه فراری برای ما نیست!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «بروز و ظاهر شدن همگان در برابر خدا» یا آن است که کسانی که در این جهان حضور خدا را احساس نمی‌کنند، در رستاخیز، این حضور و ظهور را احساس می‌کنند. و یا این که مردمان در رستاخیز، در برابر دادگاه عدل الهی حاضر و ظاهر می‌شوند. البته ممکن است هر دو تفسیر مورد نظر باشد. ۲. مقصود مستکبران از هدایت الهی، آن است که اگر خدا راه نجات از عذاب را در قیامت به آنان نشان می‌داد، آنان نیز به پیروان خود نشان می‌دادند. برخی مفسران احتمال داده‌اند که مستکبران تقصیر گمراهی خود را به عهده‌ی خدا می‌گذارند و نوعی جبر‌گرایی را بهانه می‌کنند؛ که اگر خدا ما را در دنیا هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می‌کردیم؛ یعنی ما مجبور به گمراهی بودیم. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۳ اما

تفسیر اول با سیاق آیه سازگارتر است. ۳. این آیه سرزنش و هشدار به افراد ضعیف و بی‌شخصیتی است که بدون فکر و تأمل و به صورت کورکورانه از مستکبران پیروی می‌کنند؛ یعنی آنان بدانند که در رستاخیز سرنوشت هر دو گروه آتش است و این رهبران مستکبر نمی‌توانند به آنان کمک کنند. ۴. این آیه یکی از عذاب‌های روحی و روانی مستکبران و پیروان ضعیف آنان را بیان می‌کند؛ مستکبران در برابر پیروان خود اظهار ناتوانی می‌کنند و پیروان، می‌بینند که رهبرانشان نمی‌توانند هیچ کمکی به آنها بکنند و کدام عذاب روانی برای مستکبران و پیروانشان بدتر از این است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در قیامت ناتوانی مستکبران و پیروان آنها آشکار می‌شود. ۲. در روز رستاخیز، هیچ راه فراری از عذاب نیست. ۳. مستضعفان از مستکبران پیروی نکنند که در رستاخیز سودی به حالشان ندارند. \*\*\* قرآن کریم در آیه بیست و دوم سوره‌ی ابراهیم به سخنان شیطان با پیروانش اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۲. وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْ مَوْأَنْفُسِكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ و شیطان، هنگامی که کار پایان یافت می‌گوید: «در حقیقت، خدا وعده حق به شما وعده داد؛ و [من به شما وعده (باطل) دادم، و [لی با شما تخلف کردم؛ و برای من هیچ تسلطی بر شما نبود، جز این که شما را فرا تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۴ خواندم، و [درخواست مرا پذیرفتید، پس مرا سرزنش مکنید، و خودتان را سرزنش کنید؛ من فریادرس شما نیستم، و شما فریادرس من نیستید. برآستی که شما، پیش از این (مرا برای خدا) شریک قرار دادید و من (آن را) انکار می‌کنم.» در واقع ستمکاران برایشان عذاب دردناکی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت صحنه‌ای از مجازات‌های روانی رستاخیز را به تصویر کشیده است. در این صحنه شیطان که نتیجه‌ی اعمال خود و دیگران را دیده، پیروانش را سرزنش می‌کند و تقصیر کارهای آنان را به عهده نمی‌گیرد و این نوعی فشار روانی بر پیروانش ایجاد می‌کند. ۲. همان‌طور که قبلاً بیان کردیم، «شیطان» به هر موجود شروری گفته می‌شود و مفهوم وسیع آن شامل ابلیس، طاغوت‌ها، وسوسه‌گران از انسان و جن می‌شود. اما برخی مفسران برآن‌اند که در این جا مقصود شخص ابلیس است که سرکرده‌ی شیاطین به شمار می‌آید، «۱» ولی از برخی احادیث استفاده می‌شود که شیطان در این جا شامل رهبران منحرف نیز می‌شود. «۲» ۳. شیطان وسوسه‌کننده‌ای بیش نیست، او فقط دعوت به سوی کارهای زشت می‌کند و این انسان‌ها هستند که با اراده و آزادی راه او را انتخاب می‌کنند. چونیک درنگری آن که می‌کند فریاد ز دست خوی خویشتن به فریاد است (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۵. ۴. براساس این آیه، شیطان پاسخ دندان‌شکنی به کسانی می‌دهد که گناهان خود را به گردن شیطان می‌اندازند و در حقیقت به آنان می‌گوید: «خودت کردی که لعنت بر خودت باد». تو نفس خویش را لعنت کن ای دوست که دشمن‌تر گسست از دشمنان اوست ۵. مقصود از شرک در این آیه، یا شرک در اطاعت است، یعنی پیروان شیطان، به جای خدا از شیطان پیروی می‌کردند و همین شرک در اطاعت بود که آنان را به انحراف و بدبختی کشانید؛ و در رستاخیز شیطان این رابطه را انکار می‌کند و از آنان بی‌زاری می‌جوید. «۱» و یا مقصود هر گونه شریک قرار دادن برای خداست، که شیطان از این کار پیروان خویش بی‌زاری می‌جوید. ۶. جمله‌ی آخر این آیه که به ستمکاران وعده‌ی عذاب دردناک می‌دهد، ممکن است ادامه‌ی سخنان شیطان، یا جمله‌ی مستقلی از ناحیه‌ی پروردگار باشد، که آموزه‌ای برای همگان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعده‌های الهی، حق و وعده‌های شیطانی پوچ و فریب است. ۲. رهبران شیطان صفت خویش را بشناسید و فریب وعده‌های آنان را نخورید. ۳. پیروان شیطان، کسی جز خود را ملامت نکنند. ۴. در قیامت فریادرسی نیست. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۶ قرآن کریم در آیه بیست و سوم سوره‌ی ابراهیم به فرجام مؤمنان شایسته کردار و سخن بهشتی سلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۳. وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ و کسانی را که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، به بوستان‌های [بهشت در آورند، که نهرها از زیر [درختان]ش روان است؛ در حالی که در آن جا به رخصت پروردگارشان ماندگارند؛ [و] زنده باد آنان در آن جا، «سلام» است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن برای بیان مطالب و روشن

کردن راه هدایت از گمراهی، از روش مقایسه و مقابله استفاده می‌کند. در آیات قبل حالات رهبران ستمگر و مستکبران و پیروان آنان و سخنانشان در قیامت بیان شد، و اینک در این آیه حالات گروه مقابل، یعنی رهبران الهی و مؤمنان بیان می‌شود، تا مردم با مقایسه‌ی آنان راه صحیح را برگزینند. ۲. «تَحِيَّت» در اصل به معنای «حیات و زندگی» است. این واژه به عنوان دعا برای سلامتی و زندگی افراد استعمال می‌شود و به هر نوع خوش آمد گویی، سلام، دعا و زنده باد آغاز ملاقات گفته می‌شود. ۱. «۱» ۳. «سلام» مفهوم وسیعی دارد که شامل هر گونه سلامتی روحی و جسمی می‌شود. در این جا یا مقصود سلامی است که خدا برای مؤمنان بهشتی هدیه می‌فرستد و آنان را با سلامت قرین می‌سازد، یا سلام مؤمنان به یک‌دیگر و یا سلام فرشتگان به مؤمنان است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر طالب بهشت هستید مؤمن شایسته‌کردار شوید. ۲. بهشتیان اهل سلام و سلامتی هستند. \*\*\*

### درخت پاک و درخت ناپاک

قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی ابراهیم با مثالی آگاهی‌بخش، سخنان (و عقاید و افراد) پاک را به درخت پاکیزه‌ی پرمهر تشبیه کرده، می‌فرماید: ۲۴ و ۲۵. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ آیا اطلاع نیافتی چگونه خدا مثل زده؟! سخنی پاکیزه را که هم‌چون درخت پاکیزه‌ای است که ریشه‌اش استوار، و شاخه‌اش در آسمان (بالا- کشیده شده) است؛\* هر زمان میوه‌هایش را به رخصت پروردگارش می‌دهد. و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند، تا شاید آنان متذکر شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد «کلمه‌ی طَیِّبَةٌ» چند دیدگاه دارند: الف) کلمه‌ی توحید و جمله‌ی «لا اله الا الله»؛ ب) دستورات الهی، و برنامه‌های سازنده؛ ج) ایمان یا شخص مؤمن. اما «کلمه» معنای وسیعی دارد که شامل همه‌ی موجودات می‌شود؛ پس می‌توان گفت که «کلمه‌ی طیبه» شامل همه‌ی این معانی می‌شود؛ یعنی هر گونه دستور و برنامه و روش و عمل پاکیزه‌ی هر انسان پاک و هر موجود تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۸ پربرکتی «کلمه‌ی طَیِّبَةٌ» است. ۲. «کلمه‌ی طَیِّبَةٌ» یا موجود بابرکت و پاک، هم‌چون درختی پاکیزه است؛ و درخت پاکیزه چند ویژگی اساسی دارد: - پویا و رشد یابنده است، نه جامد و بی‌حرکت؛ - میوه، شکوفه، گل، سایه و منظره‌اش پاک و نیکوست؛ - دارای نظام حساب شده و اصل و فرع آن مشخص است؛ - اصل و ریشه‌اش ثابت و مستحکم است و تندبادها به آن آسیبی نمی‌رساند؛ - شاخه‌های آن سر بر آسمان کشیده و به طرف درجات بالا- می‌رود و از هوا و نور کافی استفاده می‌کند و از آلودگی به دور است؛ - درختی پربار است؛ - در هر زمان ثمر می‌دهد و دست به سوی هر شاخه‌اش دراز کنی محروم بر نمی‌گردد؛ - میوه‌ی دادنش بر اساس قوانین آفرینش و رخصت الهی است. «۱» این ویژگی‌های درخت پاکیزه است که در کلمه‌ی توحید و انسان موحّد و برنامه‌های سازنده‌ی آنها نیز وجود دارد. آری؛ رادمردان بزرگ و با ایمان حیاتشان مایه‌ی برکت و مرگشان موجب حرکت است و آثار و شاگردانشان سازنده‌اند. ۳. در احادیث اسلامی از امام صادق علیه السلام روایت شده که در تفسیر این آیه فرمودند: پیامبر ریشه‌ی این درخت است و علی علیه السلام شاخه‌ی آن و امامان که از نسل آنها هستند، شاخه‌های کوچک‌ترند و دانش امامان میوه‌ی این درخت است و پیروان با تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۶۹ ایمان برگ‌های آن هستند. «۱» و در برخی دیگر از احادیث فرمودند: درخت پاکیزه، پیامبر، علی، فاطمه و فرزندان آنها هستند و درخت ناپاک، بنی امیه هستند. «۲» البته این گونه احادیث منافاتی با عمومیت معنای آیه ندارد و مصداق‌های کامل آیه را بیان می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به مثال‌های قرآن نظر کنید (و در آنها بیندیشید) تا متذکر شوید (و حق و باطل را بشناسید). ۲. انسان‌های پاک، گفتار پاک، عقیده‌ی پاک و رهبران پاک، پایه‌هایی محکم و شاخه‌های پربار دارند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی ابراهیم با مثالی جالب، سخنان (و عقاید و افراد) پلید را به درختی بی‌ثبات تشبیه کرده، می‌فرماید: ۲۶. وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ

مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ و مثال سخنی پلید هم چون درخت پلیدی است، که از روی زمین کنده شده، در حالی که برایش هیچ ثباتی نیست. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۷۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «کلمه‌ی خبیثه» به معنای گفتار پلید است، اما در این جا شامل کفر، شرک، گفتار زشت، برنامه‌های گمراه کننده و غلط و انسان‌های ناپاک می‌شود. ۲. در این آیه گفتار، عقاید و انسان‌های پلید به درختی بی‌ریشه تشبیه شده‌اند که رشد و ترقی و تکامل ندارد، گل و میوه و سایه ندارد و بی‌ثبات است و هم چون قطعه‌ی چوبی است که باد آن را به هر طرف می‌برد. ۳. در برخی احادیث آمده است که مقصود از «کلمه‌ی خبیثه» بنی امیه هستند، «۱» اما این گونه احادیث برخی از مصداق‌های آیه را بیان می‌کنند و مفهوم آیه معنای وسیعی دارد. ۴. این آیه‌ی قرآن با استفاده از روش مقایسه و مقابله‌ی «کلمه‌ی طیبه» و «کلمه‌ی خبیثه» و حالات و مثال‌های آنها، انسان‌ها را بر سر دو راهی انتخاب قرار می‌دهد. ۵. در آیات قبل هنگامی که سخن از گفتار پاک و درخت پاکیزه بود، قرآن آن را شرح داد، اما در این جا که سخن از پلیدی‌هاست آن را با عبارتی کوتاه بیان کرد؛ چرا که گوینده در مورد «محبوب» خود، به تفصیل، اما در مورد چیزی که دوست ندارد، کوبنده و گذرا سخن می‌گوید. ۶. برخی مفسران درخت پاک و درخت پلید را درخت «نخل» و «حنظل» «۲» دانسته‌اند، «۳» اما به نظر می‌رسد که عنوان «شجره» شامل هر نوع درخت خوب و بد می‌شود؛ و این گونه مطالب تعیین مصداق آن است که گاهی هم صحیح تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۷۱ به نظر نمی‌رسد «۱» و اصولاً این‌ها مثال و تشبیه است و لازم نیست که حتماً در خارج وجود داشته باشد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گفتار پلید، عقیده‌ی انحرافی و رهبران ناپاک، بی‌ثبات هستند و پایه‌ی محکمی ندارند. ۲. به دنبال چیزهای ناپاک نروید که بی‌ثبات هستند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی ابراهیم به رفتار متفاوت خدا با مؤمنان و ستمکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۷. يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ خدا کسانی را که ایمان آوردند، بوسیله گفتار (و دلایل و عقاید) استوار، در زندگی پست (دنیا) و در آخرت، پایدار می‌دارد؛ و خدا ستمکاران را در گمراهی وا می‌نهد؛ و خدا آنچه را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل بیان شد که ناپاکان هم چون درختی هستند که ثبات تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۷۲ ندارد و در این آیه بیان شده که مؤمنان پاک نهاد، ثبات قدم دارند؛ یعنی شخصیت آنان متزلزل و بی‌قرار نیست و هر روز به رنگی در نمی‌آیند. ۲. انسان در زندگی همواره در معرض لغزش‌ها قرار دارد؛ لغزش‌هایی که بر اثر هوای نفس یا وسوسه‌های شیطانی پدید می‌آیند و یا قدرت‌های ستمگر بر او تحمیل می‌کنند. اما خدا مؤمنان را در کوران این حوادث ثابت قدم می‌دارد و به وسیله‌ی دلیل و برهان و عقاید صحیح، در دنیا و آخرت از لغزش‌های آنان جلوگیری می‌کند. ۳. مقصود از «آخرت» در این آیه، یا هنگام مرگ است که شیطان می‌خواهد انسان را گمراه سازد ولی خدا جلوگیری می‌کند؛ یا هنگام پرسش‌های فرشتگان بعد از مرگ است که خدا انسان را بر خط ایمان ثابت قدم می‌دارد؛ «۱» - همان‌طور که در برخی احادیث اسلامی اشاره شده است «۲» - و یا رستخیز و هنگام حساب‌رسی و عبور از صراط جهنم است که خدا انسان را از لغزش و فرو افتادن به درون دوزخ نگاه می‌دارد. البته آخرت تجسم اعمال ما در دنیاست، پس این لغزش‌های دنیایی انسان است که در آخرت نمود می‌یابد. ۴. در این آیه بیان شده که خدا ستمکاران را گمراه می‌سازد. نسبت دادن هدایت و گمراهی به خدا، به معنای جبر گرایی نیست. کار خدا همان تأثیری است که در هر عمل آفریده است و نیز نعمت‌ها یا سلب نعمت‌هایی است که طبق شایستگی یا عدم شایستگی برای افراد مقرر می‌کند؛ پس ستمگران بر اثر ظلمی که می‌نمایند، از نعمت هدایت محروم می‌شوند، هر چند آزادند که مسیر خود را تغییر دهند. «۳» ۵. در این آیه و آیات قبل بر نقش «ثبات و عدم ثبات» تأکید شده است که یکی از عوامل پیروزی مردان بزرگ است و اصولاً مؤمنان راستین را از ثبات و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۷۳ استقامتشان در برابر حوادث سخت می‌شناسند. آری؛ پیشرفت هر برنامه‌ی فردی یا اجتماعی، در سایه‌ی ثبات و استمرار و استقامت ممکن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت انسان و امدادهای الهی بستگی به راهی دارد که او انتخاب می‌کند. ۲. در زندگی، ایمان را برگزینید، تا خدا شما را ثابت قدم بدارد. ۳. چنانچه در زندگی ستم‌پیشه





تزکیه و پاک نمودن نفس و معرفت آن تبلور می‌یابد. د) رابطه با طبیعت که در استفاده‌ی صحیح از آن و تفکر در مورد آن تبلور می‌یابد. در این آیه به دو قسم از این پیوندها و ارتباطها، یعنی رابطه‌ی انسان با خدا و با مردم اشاره شده است. ۲. نماز مظهر ارتباط با خدا، و نماد سپاس‌گزاری در برابر اوست؛ و از این رو در آیات دیگر فرموده است: نماز را برای سپاس‌گزاری من به جا آورید. «۱» ۳. در این آیه به انفاق از آنچه خدا روزی داده اشاره شده که نماد پیوند تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۷۷ انسان با خلق است و مفهوم وسیعی دارد و بخشش از هر گونه نعمت مادی و معنوی و علمی را شامل می‌شود. نداشت چشم بصیرت که گرد کرد و نخورد ببرد گوی سعادت که صرف کرد و بداد (سعدی) ۴. تعبیر «از آنچه خدا روزی داده» اشاره دارد که انفاق باید از مال‌های حلالی باشد که خدا در اختیار بشر گذاشته است. ۵. بخشش می‌تواند پنهان یا آشکار باشد؛ زیرا گاهی بخشش پنهانی بهتر است و باعث حفظ آبروی افراد می‌گردد و گاهی بخشش آشکار بهتر است و باعث تشویق دیگران و ارائه‌ی الگو به جامعه می‌شود. «۱» ۶. فرصت دنیا اندک و زودگذر است، پس لازم است به بهترین صورت از این فرصت‌ها برای رسیدن به رستگاری استفاده کنیم و به عبادت و بخشش پردازیم که به زودی حسرت این فرصت‌های از دست رفته را می‌خوریم. بسی به دیده‌ی حسرت ز پس نگاه کند کسی که برگ قیامت ز پیش نفرستاد (سعدی) ۷. در دنیا، مردم برای فرار از مجازات کردار خویش، گاهی از طریق معامله و گاهی از طریق دوستی وارد می‌شوند؛ یعنی از پول و روابط برای گریز از چنگ قانون استفاده می‌کنند. اما در این آیه اشاره شده که در رستاخیز، معامله و دوستی باقی نمی‌ماند تا مجرمان با سوء استفاده از آن بتوانند از مجازات بگریزند؛ کیف‌های رستاخیز در حقیقت بازتاب اعمال خود انسان است و کسی نمی‌تواند از آثار اعمال خود فرار کند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۷۸. مقصود از نفی دوستی در رستاخیز، همان دوستی‌های نادرست برای سوء استفاده از آن در هنگام حساب‌رسی است، و گرنه دوستی مؤمنان با یک‌دیگر در بهشت برقرار است؛ چراکه دوستی معنوی و در سایه‌ی ایمان، پایدار می‌ماند. هم‌چنان که شفاعت که نوعی پیوند معنوی است و در سایه‌ی شایستگی‌های افراد و به خاطر اعمال نیک آنان حاصل می‌شود، در قیامت وجود دارد. «۱» ۹. این آیه با تعبیر محبت‌آمیز «به بندگانم بگو»، به ایمان مردم اشاره کرده تا نشان دهد که مقتضای بنده‌ی خدا بودن و ایمان داشتن، انجام دادن عمل صالح و نماز و بخشش است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیوند خود را با خدا و خلق از طریق نماز و بخشش محکم کنید. ۲. از فرصت‌های دنیا استفاده کنید و نیکوکاری نمایید. ۳. در رستاخیز از معامله‌گری و پارتی‌بازی خبری نیست. \*\*\*

### دعاهای ابراهیم (ع) در امنیت مکه

قرآن کریم در آیات سی و دوم و سی و سوم سوره‌ی ابراهیم به نشانه‌های خدا در گستره‌ی هستی اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۲ و ۳۳. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِيَتَّجِرَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْوَالِهِمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ\* وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلَقَ خَلْقًا كَثِيرًا وَرَبُّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَتِ لَمِيمٌ. «۱» ۱. یادآوری نشانه‌های خدا در پیوسته روانند، برای شما مسخر گردانید؛ و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یادآوری نشانه‌های خدا در پهنه‌ی هستی، همراه با بیان نعمت‌های او، عشق به خدا را در دل‌ها زنده می‌کند و انسان را به تعظیم در برابر عظمت و لطف پروردگار وا می‌دارد؛ زیرا انسان فطرتاً نسبت به کسی که به او کمک و لطف کند عشق و علاقه پیدا می‌کند. ۲. «دائبن» در اصل به معنای ادامه‌ی کار طبق عادت و سنت ثابت است. این تعبیر اشاره دارد که خورشید و ماه، میلیون‌ها سال است که با روش ثابت و برنامه‌ی معینی، نور افشانی می‌کنند و موجب جزر و مد می‌شوند و به خدمات دیگر ادامه می‌دهند. «۱» ۳. «سخر» در قرآن به دو معنا آمده است: یکی به معنای در خدمت منافع و مصالح بشر بودن، همان گونه که می‌گوید: خورشید و ماه مسخر انسان‌هاست؛ یعنی

خدمات و منافع آنها در خدمت بشر است. و دیگری به این معنا که زمام اختیار چیزی در دست بشر باشد؛ همان طور که در مورد تسخیر کشتی‌ها و نهرها اشاره شده است. «۲» ۴. در این آیات به جایگاه عظیم انسان اشاره شده است؛ یعنی نشان می‌دهد که انسان آن قدر بزرگ و باکرامت است که خورشید، ماه، دریا، نهر، کشتی و حتی شب و روز مسخر اویند. ۵. در این آیه، با بیان سه نوع آب، به چرخه‌ی گردش آب در طبیعت اشاره شده است: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۰ اول، آبی که به وسیله‌ی باران از آسمان به زمین می‌آید و مایه‌ی آبیاری و حیات گیاهان و سالم‌سازی محیط می‌شود. دوم، آب دریا که تأمین کننده‌ی زندگی حیوانات دریایی و مسیر عبور کشتی‌هاست. و سوم، آب نهرها که وسیله‌ی آبرسانی و کامل کننده‌ی چرخه‌ی گردش آب است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موجودات در خدمت شما هستند و می‌توانید بر طبیعت حاکم شوید. ۲. با مطالعات کیهان‌شناختی و طبیعت‌شناختی، خداشناس شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی ابراهیم به نعمت‌های بی‌شمار الهی و ناسپاسی و ستمگری انسان اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۴. *وَأَتَيْكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعِيدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَاتُخْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ* و از هر آنچه که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، نمی‌توانید آن [ها] را شمارش کنید؛ قطعاً انسان بسی ستمگر و بسیار ناسپاس است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نعمت‌های مادی و معنوی خدا، سراپای انسان و محیط او را فرا گرفته است. در بدن انسان میلیاردها سلول وجود دارد که هر کدام یک واحد فعال بدن هستند و هزاران نوع گیاه و حیوان و عناصر طبیعت در اختیار بشر هستند، که نمی‌توانیم همه‌ی آنها را دقیقاً شناسایی و شماره‌گذاری کنیم «۱» و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۱ حتی از برخی از آنها آگاهی نداریم و از این روست که در این آیه می‌فرماید: نعمت‌های الهی به شماره در نمی‌آیند. نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار (سعدی) ۲. خدا موجودات را مسخر انسان کرده و نعمت‌های بی‌شمار به او داده است، پس لازم است انسان سپاس نعمت‌های الهی را به جا آورد و از آنها به درستی استفاده کند و سراسر دنیا را گلستان نماید. ناسپاسی و سوء استفاده از نعمت‌ها و ستم به یک‌دیگر، افق زندگی را تاریک نموده، انبوهی از مشکلات و رنج‌ها را برای انسان به ارمغان می‌آورد. و شهد حیات را در کامش تلخ می‌کند. ۳. غالب انسان‌ها ستمکارند، گاهی با انجام گناهان، به خود و گاهی با تجاوز، استعمار و انحصارطلبی، به دیگران ستم می‌کنند، و آتش فتنه و جنگ را بر پا می‌سازند. این ناکامی‌ها و بدبختی‌ها به خاطر دور ماندن از نور ایمان و تربیت الهی است. ۴. در این آیه اشاره شده که خدا بخشی از آنچه را که می‌خواهید در اختیار شما نهاده است «۱» نه همه چیز را. گاهی انسان چیزی را می‌خواهد که به زیان اوست، ولی خود نمی‌داند و خدای حکیم و دانا، دعای او را مستجاب نمی‌کند. البته همین بخش از نعمت‌ها که در اختیار بشر قرار دارد، بی‌شمار است و انسان توانایی شمارش آنها را ندارد، چه رسد که بخواهد شکر آنها را به جا آورد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۲ ۵. خدمت به خلق جانشین شکر نعمت‌های او: امام عارفان، خمینی رحمه الله، در این مورد می‌نویسند: پسر! ما که عاجز از شکر او و نعمت‌های بی‌متهای اویم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان، خدمت به حق است، چه که همه از اویند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نعمت‌های بی‌شمار الهی در خدمت سعادت شماست، به شرط آن که ستمکار و ناسپاس نباشید. ۲. خدا نیازها و خواسته‌های بشر را برآورده می‌کند، پس اگر اشکالی هست در ظلم و ناسپاسی انسان است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی ابراهیم به دعاهای سازنده‌ی ابراهیم علیه السلام در مورد امنیت‌خواهی و دوری از بت‌پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. *وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ* و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا این سرزمین (مکه) را امن قرار ده؛ و من و پسرانم را از پرستش بت‌ها دور دار! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیات بعد، به هفت دعای سازنده‌ی ابراهیم علیه السلام در مورد تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۳ خود و فرزندانش اشاره شده است؛ و شاید از همین روست که این سوره را ابراهیم علیه السلام نامیده‌اند. ۲. نخستین دعای ابراهیم علیه السلام «امنیت» بود. «۱» این نشان می‌دهد که نعمت امنیت شرط اول زندگی، سکونت و پیشرفت در یک منطقه است و اصولاً اگر در محلی امنیت نباشد همه‌ی نعمت‌ها،

سرمایه‌ها و مغزهای متفکر از بین می‌روند. ۳. مقصود از امنیت در این جا، امنیت تشریحی و قانونی است؛ یعنی خدا مقرر کرده که همه‌ی انسان‌ها و حتی حیوانات در این سرزمین در امان باشند؛ به طوری که صید کردن حیوانات و تعقیب مجرمان ممنوع است و تنها می‌توان برای اجرای عدالت، آذوقه‌ی مجرمان پناهنده را بر آنان بست تا از آن بیرون آیند. «۲» ۴. هر چند ابراهیم علیه السلام و فرزندان او (اسماعیل و اسحاق علیهما السلام)، پیامبر و معصوم بودند، اما باز هم از خدا می‌خواهد که آنان را از پرستش بت‌ها دور نگه دارد. این به خاطر تأکید بر مسئله‌ی مبارزه با بت‌پرستی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران به فکر امنیت شهر و جامعه باشند. ۲. امنیت اجتماعی و عقیدتی هر دو لازم است. ۷. در دعاها فرزندان خود را نیز یاد کنید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۴

قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی ابراهیم به خطر بت‌ها و معیار اساسی پیوند با پیامبران اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۶. رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ پروردگارا، به درستی که آن [بت] ان بسیاری از مردم را گمراه ساختند؛ و هر کس از من پیروی کند پس در واقع او از من است؛ و هر کس مرا نافرمانی کند، پس براستی که تو بسیار آمرزنده مهرورزی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بت‌ها بسیاری از مردم را گمراه می‌سازند؛ زیرا از طرفی برخی معبودان دروغین، هم‌چون فرعون و نمرود بودند که مردم را گمراه می‌ساختند و از طرف دیگر خادمان بت‌ها نیز با زینت کردن آنها و تشریفات خاص، مردم ساده لوح را می‌فریفتند و به بت‌پرستی می‌کشاندند. «۱» ۲. خطر بزرگ بت‌پرستی و شرک، پشت پا زدن بر خرد انسان است؛ چرا که انسان خردمند به دنبال بت‌های بی‌اثر نمی‌رود و همین عقل‌زدایی است که بت‌پرستان را از ایمان و ارزش‌های عالی دور می‌سازد. ۳. معیار اساسی پیوند با پیامبران الهی پیروی از آنان است؛ یعنی اگر کسی از مکتب پیامبری پیروی کند هم‌چون فرزندان اوست هر چند بیگانه باشد و اگر کسی از مکتب و دستورات پیامبر پیروی نکند و هم‌چون فرزند نوح شود، از خاندان او به شمار نمی‌آید. ۴. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که ما از خاندان ابراهیم هستیم. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۵ و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام حکایت شده که هر کس ما را دوست دارد، از ما اهل بیت است. (سپس حضرت به آیه‌ی فوق استدلال کردند.) «۱» از برخی آیات «۲» و این گونه احادیث استفاده می‌شود که پیروان ابراهیم علیه السلام تنها مردمی نبودند که در عصر او زندگی می‌کردند، بلکه همه‌ی پیروان مکتب ابراهیم علیه السلام از خاندان معنوی او به شمار می‌آیند و از آن جا که مسلمانان نیز پیرو مکتب بت‌شکن اسلام هستند، پیروان او و از خاندان معنوی او به شمار می‌آیند. در این آیه ابراهیم علیه السلام معیار دین‌داری را پیروی و مخالفت با خودش بیان می‌کند؛ چرا که او پیامبری معصوم است و دستوراتش، فرمان‌های الهی است و از این رو مخالفت با او مخالفت با خداست. ۶. ابراهیم علیه السلام در این آیه با تعبیری مؤدبانه و محبت‌آمیز با مخالفان خود برخورد می‌کند و نمی‌گوید: هر کس نافرمانی من کند از من نیست و باید عذاب بشود؛ بلکه می‌گوید: هر کس نافرمانی من کند، خدا آمرزنده و مهربان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروان پیامبران، در حقیقت از خاندان معنوی آنان به شمار می‌آیند. ۲. معیار دین‌داری و پیوند با پیامبران، پیروی از دستورات آنهاست. ۳. نافرمانان نیز به مهر و بخشش الهی امیدوار باشند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۶ قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی ابراهیم به مناجات‌ها و درخواست‌های ابراهیم علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۷. رَبَّنَا إِنِّي أَسِيكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ [ای پروردگارا! در واقع من برخی از فرزندانم را در دره‌ای (و سرزمینی) بدون زراعت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. [ای پروردگارا! (آنان را سکونت دادم) تا نماز را برپا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان گرایش ده؛ و آنان را از محصولات روزی ده، تا شاید آنان سپاس‌گزار می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به هنگامی اشاره می‌کند که ابراهیم علیه السلام با هاجر ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام اسماعیل شد و به فرمان خدا، هاجر و فرزند کوچکش را به سرزمین مکه آورد و در کنار کعبه گذاشت. «۱» سرزمین مکه در آن هنگام خشک و بی‌آب و علف بود و آفتاب گرم آن مادر و کودک را ناراحت می‌ساخت. هاجر در پی آب روان شد و کودکش پای بر زمین

سایید در این هنگام چشمه‌ی زمزم پدیدار شد که قرنهاست آب از آن می‌جوشد. البته چیزی نگذشت که قبیله‌ی ییابانگرد «جرهم» که از نزدیکی آن محل عبور می‌کردند، از ماجرا آگاه شدند و در آن سرزمین اقامت نمودند و کم‌کم تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۷ شهر مکه شکل گرفت و دعاهای ابراهیم علیه السلام تحقق یافت. ۲. در آیه‌ی ۳۵ همین سوره، ابراهیم علیه السلام از مکه با عنوان «بَلَد» (شهر) یاد می‌کند اما در این آیه از آن با عنوان «سرزمین فاقد آب و گیاه» یاد می‌کند؛ زیرا در آغاز ورود ابراهیم علیه السلام به مکه، آن جا سرزمینی خشک و سنگلاخی بود، اما در سفرهای بعدی آن حضرت به مکه، با پیدایش چشمه‌ی زمزم و اقامت قبایل اطراف، آن جا تدریجاً به شهری تبدیل شده بود؛ «۱» و شاید هم این تعبیر به خاطر آن است که «بلد» در قرآن گاهی به معنای سرزمین می‌آید. «۲» ۳. محور سکونت خانواده‌ی ابراهیم علیه السلام در مکه، برپایی نماز بود؛ زیرا کعبه، قبله‌ی عبادت بندگان صالح خدا در این سرزمین بود. ۴. نماز در ادیان پیشین نیز بوده، هر چند شاید مقدار و کیفیت آن با نماز مسلمانان تفاوت داشته است. ۵. محبوبیت و گرایش دل‌ها به دست خداست و این مسئله با فداکاری در راه خدا و برپایی نماز ارتباط دارد. ۶. سرزمین مکه در زمان ابراهیم علیه السلام نیز محترم بود و محدودیت و ممنوعیت داشت، یعنی حَرَم بود. ۷. ابراهیم علیه السلام در این آیه دو دعا در مورد فرزندانش می‌کند؛ یکی در مورد تأمین نیازهای اقتصادی آنان و دیگری در مورد مسائل معنوی آنان که خدا آنان را محبوب مردم قرار دهد. ۸. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله باقیمانده‌ی نسل ابراهیم علیه السلام هستیم که دل‌های مردم به سوی ما گرایش دارد (سپس آیه‌ی فوق را تلاوت کردند). «۳» در مهاجرت و سکونت، نماز محور باشید. ۲. تأمین نیازهای اقتصادی، زمینه‌ساز شکر خداست. ۳. به فرزندان خویش دعا کنید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی ابراهیم از زبان ابراهیم علیه السلام به علم بی‌پایان الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا تُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ [ای پروردگار ما! در حقیقت تو آنچه را پنهان می‌کنیم و آنچه را آشکار می‌نماییم، می‌دانی؛ و هیچ چیزی در زمین و در آسمان بر خدا مخفی نمی‌ماند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی قبل بیان کرد که به فرمان خدا، خانواده‌اش را در سرزمین خشک و سوزان مکه گذاشته است و اینک در این آیه به آگاهی خدا از همه چیز اشاره می‌کند؛ یعنی من همه‌ی مصلحت‌ها و اسرار این کار را نمی‌دانم، ولی آگاهی تو کافی است که من با اطمینان به دستورات تو عمل نمایم و همسر و فرزندم را در این جا رها سازم. علم تو به نگرانی من و تنهایی و نیازهای این مادر و فرزند کافی است که مرا آرام سازد. ۲. همه‌ی جهان محضر خداست؛ چرا که او در همه جا حاضر و ناظر است و پنهان و آشکار برایش یکسان است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پنهان و آشکار، آسمان و زمین، همه در محضر علم خداست. ۲. به یاد علم بی‌کران الهی باشید و خود را تحت نظر او بدانید (و ادب حضورش را رعایت کنید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی ابراهیم به سپاس‌گزاری ابراهیم علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۹. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ستایش مخصوص خدایی است که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ قطعاً پروردگار من، شنونده دعاست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام تا کهن‌سالی فرزندی نداشت، ولی در هنگامی که -طبق عادت- نمی‌توانست صاحب فرزند شود، دعایش مستجاب و دارای دو فرزند شد؛ همسرش هاجر، اسماعیل را و همسر دیگرش ساره، اسحاق را به دنیا آورد. ۲. فرزند هدیه‌ای الهی است، ولی این که انسان در کهن‌سالی دارای فرزند نیکو و صالح شود، نعمتی دیگر است. ۳. در هنگام سپاس‌گزاری، نعمت‌ها را جداگانه برشمارید. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۹۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام استجاب دعا، سپاس‌گزار خدا باشید. ۲. خدا شنونده و مستجاب‌کننده دعاست. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهلم این سوره به دعای دیگر ابراهیم علیه السلام در مورد نماز اشاره کرده که می‌فرماید: ۴۰. رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ پروردگارا، من و برخی از فرزندانم را برپاکننده نماز قرار ده، و [ای پروردگار ما! دعای (من) را بپذیر. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه ابراهیم علیه السلام از خدا می‌خواهد که برپا دارنده‌ی نماز باشد؛ یعنی هم نماز را به جا آورد و

هم در راه برپایی نماز تلاش کند. ۲. ابراهیم علیه السلام برای فرزندانش نیز دعا می‌کند و بار دیگر به ما می‌آموزد که نسل آینده را فراموش نکنیم و به آنان دعا کنیم. ۳. یکی از دعاهای ابراهیم علیه السلام آن است که خدا دعاهای او را مستجاب فرماید. می‌دانیم که خدا دعایی را می‌پذیرد که از قلبی پاک برخیزد، پس مفهوم این تقاضا به طور ضمنی آن است که خدایا توفیق بده تا قلب و روح خود را پاک دارم تا دعایم مورد پذیرش تو قرار گیرد. «۱» ۴. در دعاهای ابراهیم علیه السلام بارها از واژه‌ی «رب» استفاده شده است. این نشان دهنده‌ی تأثیر این واژه در استجاب دعا و یا یکی از آداب دعاست. «۲» ۵. در دعای ابراهیم علیه السلام آمده است که برخی از فرزندانش را برپا کننده‌ی نماز قرار ده و این نکته اشاره دارد که ممکن است برخی از فرزندان ابراهیم تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۹۱ نمازگزار نشوند بلکه کافر شوند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای اقامه‌ی نماز خود و فرزندانان از خدا امداد بجوید. ۲. در هنگام دعا به خود و نسل آینده توجه کنید و دعا نمایید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی ابراهیم آخرین دعای ابراهیم علیه السلام را که طلب آمرزش جامع است بیان می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ای پروردگارا، در روزی که حساب برپا می‌شود، من و پدر و مادرم و مؤمنان را ببامرز! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه ابراهیم علیه السلام برای پدر خویش طلب آمرزش می‌کند و با توجه به این که قرآن کریم مؤمنان را از استغفار برای مشرکان باز می‌دارد، «۲» روشن می‌شود که پدر ابراهیم علیه السلام مشرک نبود و «آزر» بت پرست عمومی او بود. «۳» ۲. آیات ۳۵ تا ۴۱ این سوره به هفت دعا و درخواست ابراهیم علیه السلام از خدا اشاره دارد که عبارت‌اند از: امتیت، دوری از بت پرستی برای خود و فرزندانش، توجه و تمایل مؤمنان نسبت به فرزندان او، بهره‌مندی نسل او از ثمرات، توفیق برپایی نماز برای خود و فرزندانش، قبول شدن دعاهای طلب آمرزش برای خود و پدر و مادرش و همه‌ی مؤمنان. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۹۲ حکایت این دعاهای در قرآن به ما می‌آموزد که برای خود و دیگران دعا کنیم و این که چه بخواهیم و چگونه بخواهیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در دعاهای به فکر رستخیز باشید و طلب آمرزش کنید. ۲. در دعا جامع‌نگر و به فکر خود، گذشتگان، نسل آینده و مؤمنان دیگر باشید. \*\*\*

### ویژگی‌های رستخیز

قرآن کریم در آیات چهل و دوم و چهل و سوم سوره‌ی ابراهیم با یادآوری شدت عذاب رستخیز و مهلت دادن آگاهانه به ستمکاران هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۲ و ۴۳. وَلَمَّا تَخَسِبْ بَيْنَ يَدَيْكَ اللَّهُ غَفِلًا غَمًّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ \* مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ و هرگز مپندار که خدا از آنچه ستمکاران انجام می‌دهند، غافل است؛ (کیفر) آنان را تنها برای روزی تأخیر می‌اندازد که چشم‌ها در آن خیره می‌شود؛\* در حالی که شتابان، سرهایشان را بلند کرده، [و] چشمانشان بر هم نمی‌خورد؛ و (از وحشت) دل‌هایشان تهی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه پاسخی است به کسانی که می‌گویند: اگر خدا عادل است پس چرا ستمکاران را مجازات نمی‌کند و می‌پندارند که آنان را به حال خود وا گذاشته و از آنان غافل شده است؟ قرآن به آنان پاسخ می‌دهد که: خدا هرگز غافل نیست و اگر فوراً آنان را مجازات نمی‌کند، به خاطر آن است که این جهان محل آزمایش و پرورش تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۹۳ انسان‌هاست و این هدف با مهلت دادن و آزادی اراده تحقق می‌یابد، ولی در نهایت روزی به حساب ستمکاران رسیدگی خواهد شد. ۲. در این دو آیه پنج صفت برای ستمکاران در رستخیز بیان شده است که عبارت‌اند از: خیره شدن چشم‌ها، شتابان بودن «۱»، بلند کردن سرها، از حرکت افتادن پلک چشم‌ها و فرو ریختن قلب‌ها (و فراموش کردن همه‌ی فکرها). این ویژگی‌ها تصویری بسیار گویا از صحنه‌ی وحشتناک رستخیز ارائه می‌کند؛ ستمگران متکبر که همیشه نگاه‌های مغرورانه داشتند، آن روز چنان بیچاره و وحشت‌زده می‌شوند که حتی قدرت بستن چشم‌ها را ندارند. ۳. این آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مخاطب ساخته، می‌فرماید: گمان نکنی که خدا از کار ستمکاران غافل است.



روست که واژه‌ی مکر در مورد خدا هم به کار می‌رود. «۱» اصل هر مکرری و حیلۀ پیش ماست هر چه برخاک است اصلش بر سماست (مولوی) ۲. مفسران قرآن جمله‌ی «مکر ستمکاران نزد خداست.» را دو گونه تفسیر نموده‌اند: الف) خدا به همه‌ی نقشه‌های ستمکاران احاطه‌ی کامل دارد. «۲» ب) کیفر مکر آنان نزد خدا ثابت است. «۳» تفسیر اول با ظاهر آیه تناسب بیش‌تری دارد و نیاز به تقدیر واژه‌ی «کیفر» ندارد. ۳. ستمگران مخالف اسلام از هر گونه توطئه و نیرنگی در برابر آن کوتاهی نکردند: تهدید، اذیت، توطئه‌ی قتل پیامبر صلی الله علیه و آله، پخش شایعات، تهمت زدن و ... ولی خدا همه‌ی نقشه‌های آنان را خنثی یا کم‌اثر ساخت. ۴. این آیه به نوعی به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری و تسلی خاطر می‌دهد که از نیرنگ ستمکاران نهراسد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۹۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا نیرنگ‌های ستمکاران را خنثی می‌سازد، هر چند مکر آنان کوه را از جا برکند. ۲. با خدا نیرنگ‌بازی نکنید که ثمری ندارد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی ابراهیم به تخلف‌ناپذیر بودن وعده‌ی الهی و قدرت او اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۷. فَلَمَّا تَخَسَّبَ بَيْنَ اللَّهِ مُخْلِئًا وَعَوَدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ پس هرگز مپندار که خدا از وعده‌اش با فرستادگانش، تخلف می‌کند؛ چرا که خدا شکست‌ناپذیری صاحب انتقام است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و موجب تسلی خاطر اوست، اما نوعی هشدار و تهدید به ستمگران مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هست. ۲. کسی تخلف وعده می‌کند و ستمکاران را به حال خود رها می‌سازد که توانا نباشد و یا نخواهد آنان را کیفر دهد، در حالی که خدا هم شکست‌ناپذیر است و هم می‌خواهد ستمکاران را کیفر دهد، پس وعده‌ی خدا تخلف‌ناپذیر است؛ و اگر به ستمگران مهلت می‌دهد، برای آن است که آنها را بیازماید تا حجت بر آنان تمام شود و گرفتار آتش شوند. ۳. «انتقام» در اصل به معنای کیفر دادن است و کیفر خدا همراه با استحقاق و عدالت و نتیجه‌ی اعمال خود انسان است. معنای فارسی انتقام (تلافی کردن همراه با کینه‌جویی و عدم گذشت) در این آیه مورد نظر نیست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعده‌های الهی به فرستادگانش حتماً محقق می‌شود. ۲. در مورد خدا قضاوت‌های نابه‌جا نکنید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی ابراهیم به تغییرات اساسی زمین و آسمان در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸. يَوْمَ تَبْدِلُ الْأَرْضَ غَيْرِ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ در روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان‌ها (به آسمان‌های دیگری) تبدیل می‌شوند، و (مردم) در برابر خدای یگانه چیره، ظاهر شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد «تبدیل زمین و آسمان به زمین و آسمان دیگر»، که در این آیه به آن اشاره شده است، مفسران قرآن چند دیدگاه دارند: برخی برآن‌اند که منظور تبدیل ذات است؛ یعنی به کلی این زمین نابود و زمین دیگری آفریده می‌شود و قیامت برپا می‌گردد. برخی برآن‌اند که مقصود تبدل صفات زمین و آسمان است؛ یعنی پس از ویرانی این زمین و آسمان در آستانه‌ی قیامت، زمین و آسمانی نو و تکامل یافته‌تر برپا می‌شوند. اما از ظاهر برخی دیگر از آیات قرآن استفاده می‌شود که خورشید، خاموش و آسمان‌ها شکافته و زلزله‌های سخت هویدا می‌شود و نظام کنونی جهان درهم می‌ریزد، اما جهان به کلی نابود نمی‌شود «۱» بلکه مردم به زمینی تازه و عالی‌تر گام می‌نهند. البته درک کامل آن جهان تازه برای ما مشکل است؛ هم‌چون کودکی که تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۰ بخواد از درون شکم مادر همه چیز جهان بیرون را درک کند. «۱» ۲. مفسران، «بروز» انسان‌ها در برابر خدا در رستاخیز را چند گونه تفسیر نموده‌اند: الف) بیرون آمدن انسان‌ها از قبرها در قیامت. ب) ظهور تمام وجود انسان با تمام محتوای درونی و بیرونی‌اش در صحنه‌ی رستاخیز؛ یعنی در آن جا انسان ظاهر و باطن ندارد و همه چیز انسان (حتی در دید علم محدود او) آشکار می‌شود. «۲» ۳. «قهار» بودن خدا، به معنای تسلط و سیطره‌ی او بر همه چیز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز نظام نوین جهانی برقرار می‌شود. ۲. در رستاخیز، همگان، با تمام وجود، در پیشگاه الهی ظاهر می‌شوید (برای آن روز آماده شوید). \*\*\* قرآن کریم در آیات چهل و نهم و پنجاهم سوره‌ی ابراهیم حالات و عذاب‌های خلفکاران را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۴۹ و ۵۰. وَ تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ \* سَرَّابِلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَ تَعَسَىٰ وُجُوهُهُمْ النَّارُ و در آن روز، خلفکاران را می‌بینی در حالی که نزدیک به همدیگر در زنجیرها (بسته شده) اند؛ \*

پیراهن‌هایشان از مس گداخته است؛ و صورت‌هایشان را آتش می‌پوشاند! تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اصفاد» در اصل به معنای غُل و زنجیر است و برخی گفته‌اند، در خصوص آن غل و زنجیری به کار می‌رود که دست و گردن را به هم می‌بندد. «۱» و برخی آن را «کُنده» (چوب بزرگ) معنا کرده‌اند که به پای زندانیان می‌بستند «۲» تا آنان را شکنجه و از فرارشان جلوگیری کنند. ۲. «مَقْرَنین» در اصل به معنای «نزدیک شدن» است، ولی در این آیه، یا مقصود آن است که مجرمان را در قیامت با غل و زنجیری طولانی به هم می‌بندند، که این تجسیم از پیوند نزدیک عملی و فکری گناهکاران در دنیا است. و یا منظور آن است که مجرمان را به وسیله‌ی زنجیرها به شیاطین نزدیک می‌کنند و پیوند باطنی آنها در دنیا، به صورت هم‌زنجیر شدن آنان آشکار می‌شود. و یا نزدیک شدن دست و گردن آنها به وسیله‌ی زنجیرها مورد نظر است. البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر در مورد این آیه درست باشد، اما ظهور آیه در همان معنای اول است. «۳» «۳». «فَطْران» به معنای ماده‌ای سیاه‌رنگ و بدبو و قابل اشتعال است «۴» و مقصود آن است که لباس دوزخیان، زشت، بدبو و قابل سوختن است و این بدترین لباس‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۲ در حقیقت، این لباس، تجسیم لباس گناه است که دوزخیان در این جهان بر خود می‌پوشند و با بوی تعفن گناه جامعه را آلوده می‌کنند و به آتش می‌کشند و خودشان را روسیاه می‌سازند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مجرمان را در رستخیز در منظر دیگران مجازات می‌کنند. «۱» ۲. بدترین عذاب‌هایی که تصور می‌کنید، در انتظار مجرمان است. ۳. خلافاکاری نکنید که فرجامی سخت و عذاب‌آلود دارد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی ابراهیم به عمومیت قانون جزای الهی و تجسیم اعمال اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. لِيُجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ تا خدا به هر کس آنچه را کسب کرده جزا دهد، که خدا حسابرسی سریع است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جالب آن است که در این آیه نمی‌فرماید: «خدا پاداش اعمال هر کس را به او می‌دهد.» بلکه می‌فرماید: «آنچه را انجام داده‌اند به عنوان پاداش به آنها خواهد داد.»؛ یعنی جزای آنها، اعمال مجسیم شده‌ی خودشان است. ۲. از آن جا که اعمال انسان با تغییر چهره به سراغ او می‌آیند، در واقع، حسابش همراه خودش است و حساب‌رسی از این سریع‌تر نخواهد بود و اصولاً خدا برای حساب‌رسی نیاز به زمان ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا سریعاً به هر کس جزای خودش را می‌دهد. ۲. پاداش و کیفر الهی، در حقیقت، تجسیم عمل خود انسان‌هاست. ۳. به دست‌آورد خودتان توجه کنید، که براساس آن جزا داده می‌شوید. \*\*\* خدای متعال در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی ابراهیم با اشاره به نقش‌های متنوع قرآن، می‌فرماید: ۵۲. هَذَا بَلِّغْ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ این (قرآن)، رساندن (پیام) برای مردم است (تا نصیحت شوند)؛ و تا بوسیله آن هشدار داده شوند، و تا بدانند که او معبود یگانه است؛ و تا خردمندان یادآور شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی ابراهیم با بیان هدف نزول قرآن آغاز شد و با تکمیل همین مطلب پایان یافت. در آغاز، هدف نزول قرآن را خارج ساختن مردم از تاریکی‌های جهل و شرک به سوی نور علم و توحید بیان کرد؛ و اینک، در پایان این سوره نقش قرآن را در زمینه‌ی هشدار به مردم و دعوت به توحید و بیدارگری خردمندان بیان کرده است. ۲. این آیه بر اهمیت نقش قرآن تأکید کرده است، همان‌طور که در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز حکایت شده که قرآن بهار دل‌ها و معدن علوم است و باید در آن درمان همه‌ی بیماری‌های فکری، اخلاقی، اجتماعی و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۴ سیاسی مسلمانان را جست و جو کرد. «۱» آری؛ قرآن قانون اساسی مشترک همه‌ی مسلمانان است و باید همیشه موضوع مطالعه، تبلیغ و عمل آنان باشد. ۳. در این آیه بار دیگر بر مسئله‌ی توحید تأکید شده است که اصلی‌ترین و ریشه‌دارترین اصل اسلام است و همه‌ی تعلیمات اسلامی به آن منتهی می‌شود. توحید نقطه‌ی آغاز همه‌ی برنامه‌ها و نقطه‌ی پایان آنهاست. ۴. در این آیه اشاره شده که بین قرآن و خردورزی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد؛ یعنی خردمندان به وسیله‌ی قرآن متذکر و بیدار می‌شوند، اما اگر کسی اهل خرد نباشد و عقل خود را به کار نیندازد، نمی‌تواند از نور قرآن استفاده کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتاب تبلیغ، کتاب توحید، کتاب هشدار و بیدارگر خردمندان است. ۲. خردورزی کنید تا از تذکرات قرآن بهتر بهره ببرید. «۲» \*\*\* تفسیر قرآن



مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۵

## بخش دوم: سوره ی حجر

### اشاره

ایمان به خدا از طریق مطالعه در اسرار آفرینش معاد و فرجام عذاب آلود کافران تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۷

## اول: سیمای سوره ی حجر

### اشاره

سیمای سوره ی حجر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز شمارگان: سوره ی مبارک حجر دارای ۹۹ آیه و ۶۵۴ کلمه و ۲۷۶۰ حرف است. نزول: این سوره که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردید، پنجاه و سومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره ی یوسف و قبل از سوره ی انعام) است و در چینش کنونی قرآن، پانزدهمین سوره به شمار می آید. نام: تنها نام این سوره «حجر» است و از نام سرزمین قوم ثمود گرفته شده که منطقه‌ای بین مدینه و شام بوده است و در آیات ۸۰ تا ۸۴ این سوره مطالبی درباره ی اصحاب حجر (قوم صالح: ثمود) بیان شده است.

### فضایل

در مورد فضیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده: هر کس سوره ی حجر را تلاوت کند، به تعداد هر مهاجر و انصار، حَسَنَه به او عطا خواهد شد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۸ تذکر: البته این گونه ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره‌ها را تلاوت و به مضمون آن عمل کنند؛ یعنی شرایط لازم را برای این ثواب‌ها به دست آورند. ویژگی: طولانی‌ترین کلمه ی قرآن، یعنی واژه ی «فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ» در این سوره است.

### اهداف

اهداف کلی سوره ی حجر را می‌توان این گونه بر شمرد: ۱. توجه به مبدأ آفرینش و ایمان به خدا از طریق مطالعه در اسرار آفرینش؛ ۲. مسئله ی معاد و فرجام هولناکی که در انتظار کافران است.

### مطالب

مطالب مهمی که در این سوره به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. عرضه ی بخشی از آیات و نشانه‌های خدا در عالم هستی؛ ۲. هشدار در مورد قیامت و کیفر بدکاران؛ ۳. بیان اهمیت و عظمت قرآن کریم و محافظت الهی آن از تحریف (در آیات ۱، ۹ و ۸۷). ب) مطالب اخلاقی: ۱. انذار و بشارت و اندرزهای مؤثر و تشویق‌های جالب؛ ۲. دعوت به صبر و مقاومت. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۰۹ ج) داستان‌ها: ۱. داستان ابراهیم (در آیات ۵۱-۵۷)؛ ۲. داستان قوم لوط و سرکشی و عذاب آنها (در آیات ۵۷-۷۹)؛ ۳. داستان اصحاب ایکه (در آیه ۷۸)؛ ۴. داستان اصحاب حجر یا قوم ثمود که همان قوم صالح پیامبر خدایند (در آیات ۸۴-۸۰)؛ ۵. داستان آفرینش آدم و سرکشی ابلیس (در آیات ۲۶-۴۲). د) مطالب فرعی: ۱. بیان تهمت‌هایی که به پیامبران الهی می‌زدند (در آیات ۱۱-۶)؛ ۲. اشاره ی علمی به لقاح ابرها و گیاهان توسط باد (در آیه ی ۲۲). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم،

ص: ۱۱۱

## دوم: محتوای سوره ی حجر

## قرآن روشنگر

خدای متعال در آیه‌ی اول سوره‌ی حجر با اشاره به عظمت قرآن و صفات آن می‌فرماید: ۱. الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ الف، لام، را، آن آیات کتاب [الهی، و قرآنی روشنگر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد حروف مقطعه ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی بقره سخن گفتیم؛ یکی از احتمالات در مورد این حروف آن است که قرآن از حروف ساده‌ی الفبا تشکیل شده است، پس اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید. آری؛ این نشانه‌ی اعجاز قرآن است که با این مصالح معمولی الفبای عربی، چنین محصول بی‌نظیری پدید آمده است. ۲. در این جا برای اشاره به قرآن به جای «هذه» که اشاره به نزدیک است از واژه‌ی «تلك» به معنای «آن» استفاده شده است و این واژه برای بیان عظمت آیات قرآن است؛ همان طور که در حضور شخص بزرگ می‌گوییم: «اگر آن مقام اجازه دهند.» ۳. «قرآن» به معنای «خواندنی» و یا به معنای «جمع شده» است و نیز ممکن است به معنای «پیوسته» یا «قراین مؤید یک‌دیگر» باشد. ۴. «قرآن» به معنای «خواندنی» و یا به معنای «جمع شده» است و نیز ممکن است به معنای «پیوسته» یا «قراین مؤید یک‌دیگر» باشد. ۲. بیان این تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۲ واژه پس از کتاب، برای تأکید است «۱» که البته عظمت را نیز می‌رساند. «۲» ۴. واژه‌ی «مبین» به دو معنای «آشکار و روشنگر» آمده است؛ یعنی آیات قرآن واضح و روشن و روشنگر حق از باطل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن معجزه‌ی باعظمتی است که هم نوشته شده و هم خواندنی است. ۲. از نوشته‌ها، روشنگری‌ها و خواندن قرآن بهره بجوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی حجر به آرزوی دست نیافتنی کافران اشاره کرده، می‌فرماید: ۲. رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ چه بسا، کسانی که کفر ورزیدند، مسلمان بودندشان را آرزو مندند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد این آیه مفسران قرآن دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) آیه مربوط به روز رستاخیز است که کافران آثار شوم کارهای خویش و بهشتی شدن مسلمانان را می‌بینند، آرزو می‌کنند، که ای کاش مسلمان بودند. ب) هم اکنون در دنیا برخی کافران به حقایق اسلام پی برده‌اند و در دل آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند، ولی به خاطر شرایط اجتماعی یا تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۳ منافع مادی رسماً مسلمان نمی‌شوند. البته منافاتی ندارد که آیه به هر دو معنا اشاره داشته باشد؛ یعنی گروهی از کافران در دنیا و آخرت آرزوی اسلام می‌کنند، ولی در هر صورت نمی‌توانند مسلمان شوند «۱». ۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در روز رستاخیز کسی صدا می‌زند و همه‌ی مردم می‌شنوند که «جز مسلمانان داخل بهشت نمی‌شوند.» در این هنگام است که سایر مردم آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران روزی بیدار می‌شوند و آرزوی بازگشت می‌کنند که دیر است. ۲. آموزه‌ی آیه برای کافران آن است که تا دیر نشده مسلمان شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی حجر با اعلام رها کردن کافران در خوردن و آرزو کردن، به آنان هشدار داده، می‌فرماید: ۳. ذَرْهُمْ يَا كُلُوا وَبْتَغُوا وِلْيَهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَغْلَبُونَ رهایشان ساز تا بخورند، و بهره گیرند، و آرزو [ها] سرگرمشان سازد، پس بزودی خواهند دانست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه کافران را به حیواناتی تشبیه کرده که جز خوردن و لذت بردن هدفی ندارند و در آرزوهای بلند و خیالات خود غوطه‌ورند. خدا نیز تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۴ آنان را به حال خود رها می‌سازد، تا به راه خود ادامه دهند. ۲. خداوند همه‌ی انسان‌ها را به وسیله‌ی فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی راه‌نمایی می‌کند، اما چنانچه گروهی سرکشی کنند و راه کفر و گناه و لجاجت را در پیش گیرند، آنان را رها می‌سازد؛ همانند پزشکی که از بهبودی بیمار خود ناامید می‌شود و او را رها می‌سازد. ۳. آرزو و امید یکی از عوامل حرکت‌آفرین در زندگی بشر است و اگر یک روز مردم آرزو و امید نداشته باشند، دل‌ها می‌میرد و شعله‌ی فعالیت و تلاش خاموش می‌شود. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند: امید

مایه‌ی رحمت امت من است. اگر آرزوها نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت. «۱» ۴. در اسلام برخی آرزوها مورد نکوهش قرار گرفته است؛ هم‌چون آرزوهای دور و دراز، آرزوی بیش از عمل یا بدون عمل و آرزوی سرگرم کننده و یا آرزومندی نسبت به افراد بد و کارهای بد. آری همان‌طور که آرزوی معقول امیدآفرین است، آرزوهای طولانی و خیال‌بافانه عامل غفلت از حق و سرگرمی انسان می‌شود و او را از زندگی و هدف نهایی به کلی بیگانه می‌سازد؛ هم‌چون باران رحمت که اگر از حد بگذرد، مایه‌ی سیل و نابودی بشر می‌شود. ۵. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: ای مردم! بیش‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم دو چیز است: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دراز؛ چرا که پیروی از تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۵ هوس‌ها شما را از حق بازمی‌دارد، و آرزوی دراز آخرت را از یادها می‌برد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. گاهی خدا افراد را رها می‌سازد تا با اعمال ناپسند خویش گرفتار عذاب الهی شوند. ۲. انسان‌های حیوان صفت بی‌ارزش هستند، آن‌ها را رها کنید تا به خوراک و لذت‌طلبی خود مشغول شوند. \*\*\* قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی حجر به تاریخ معین هلاکت ملت‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۴ و ۵. وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ \* مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْجِرُونَ (اهل) هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر در حالی که برای آن، (مدت) نوشته شده معینی بود. \* هیچ ملتی از سرآمد (عمر) ش بیشتری نمی‌گیرند؛ و تأخیر نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات با توجه به آیه‌ی قبل به این سنت و قانون الهی اشاره شده است که خدا به ملت‌های سرکش به قدر کافی مهلت می‌دهد و حجت را تمام می‌کند؛ سپس در زمان مشخصی حوادث دردناک و بلاها را پی در پی بر آنان فرود می‌آورد. ۲. «اجل» یعنی پایان مدت عمر انسان‌ها و ملت‌ها، که دو گونه است: گاهی غیر حتمی است که به وسیله‌ی دعا و صدقه و کارهای خیر تغییر می‌کند و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۶ گاهی سرنوشت حتمی است که تغییرناپذیر است. «۱» در این آیه به اجل حتمی و زمان قطعی نابودی ملت‌ها اشاره شده است. ۳. همان‌طور که افراد دارای اجل هستند، شهرها و ملت‌ها نیز اجل معینی دارند؛ یعنی زمان مرگ اجتماعی ملت‌ها و مردم شهرها و آبادی‌ها نیز مشخص شده است. البته این به معنای جبر تاریخی نیست، بلکه بدان معناست که زندگی جمعی بشر تابع قوانین و سنت‌های الهی است، که از اراده‌ی جمعی انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد. برای مثال، اگر جامعه‌ای به طرف دانش، ایمان، وحدت و توحید گام نهد، به سعادت می‌رسد و چنانچه به طرف فساد، فحشا، اختلاف، جهل و شرک پیش رود، به هلاکت می‌افتد؛ پس طبق این قانون، زمان مرگ ملت‌ها را می‌توان پیش‌بینی کرد. ۴. این گونه آیات به فلسفه‌ی بیان تاریخ پیشینان در قرآن اشاره دارد؛ یعنی به سرنوشت هلاکت‌بار ملت‌های گذشته نظر کنید و از آن عبرت بیاموزید و تا مهلت اصلاح و بازگشت باقی است، از فرصت استفاده کنید و راه توبه و بازگشت را در پیش بگیرید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شهرها و ملت‌ها دارای مرگ و حیات اجتماعی هستند. ۲. جامعه و تاریخ قانون و زمان‌بندی دارند (آنها را کشف کنید و بدانها توجه نمایید). ۳. اگر مرگ حتمی ملتی فرا برسد تغییر نمی‌کند (پس قبل از آن به فکر اصلاح و توبه باشید). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۷ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی حجر به نسبت دادن تهمت جنون به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ و (کافران) گفتند: «ای کسی که آگاه کننده [قرآن بر او فرود آمده، قطعاً تو دیوانه‌ای! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تهمت زدن کافران به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کاملاً گستاخانه بوده؛ زیرا از طرفی با خطاب «ای کسی که» شروع کردند و نام آن حضرت را نبردند که نوعی بی‌ادبی به ساحت پیامبر صلی الله علیه و آله بود و با لحنی ریشخندآمیز می‌گفتند: «ذکر بر او نازل شده» و نیز با دو تأکید (ان و لام) به صورت قطعی به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت جنون می‌دادند. همه‌ی این‌ها حکایت از جسارت و گستاخی کافران داشت. «۱» ۲. «مجنون» در اصل به معنای جن‌زده است و تهمت «جنون» یکی از سلاح‌های قدیمی مخالفان پیامبران بود. از طرفی آنان هنگامی که در برابر خردمندی فرزانه و متصل با وحی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفتند و افکار و کردار ایشان را با عقل کوچک و ناتوان خود می‌سنجیدند، به این نتیجه می‌رسیدند که آن حضرت مجنون است. آنان می‌دیدند که پیامبران از همه‌ی دنیا

و منافع و حتی جان خویش در برابر هدف معنوی خود می‌گذرند، و این ایثار و جان‌نثاری در نظر کافران چیزی جز دیوانگی نبود. آنان نوآوری‌های پیامبران و مبارزه‌ی آنها با سنت‌های غلط نیاکانشان را بر نمی‌تافتند و آن را نوعی جنون می‌پنداشتند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۸ و گاهی نیز مردم‌داران کفر برای جلوگیری از گرایش مردم به سوی پیامبران به آنها تهمت جنون می‌زدند تا کسی به سخنان حق آنها گوش نسپارد. ۳. کافران سرچشمه‌ی سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را وحی الهی نمی‌دانستند؛ و از این رو از تعبیر «بر او نازل شده» استفاده می‌کردند، نه از تعبیر «خدا بر او نازل کرده است». «۱» و از تعبیر مجنون استفاده می‌شود که آنان سرچشمه‌ی وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله را «جن‌ها» می‌دانستند؛ «۲» همان طور که عرب‌های جاهلیت می‌گفتند: شاعران تحت تأثیر جن‌ها شعر می‌گویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران الهی آماده باشند که آماج تهمت‌های گستاخانه‌ی مخالفان قرار می‌گیرند. ۲. رساندن وحی الهی در نظر کافران جنون به شمار می‌آید. \*\*\* قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی حجر به بهانه‌جویی کافران در مورد آوردن فرشتگان و پاسخ الهی به آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷ و ۸. لَوْ مَا تَأْتِيْنَا بِالْمَلٰٓئِكَةِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ \* مَا نُنزِلُ الْمَلٰٓئِكَةَ اِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَاۡتُوۡا اِذَا مُنۡظَرِيۡنَ اِذَا رَاۡسُتَٰغُوۡبٰٓيۡنِیۡ، چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟! \* [ما] تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۱۹ فرشتگان را، جز به حق فرو نمی‌فرستیم، و در آن هنگام (که فرود آیند) دیگر مهلت داده نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معجزات متعددی را مشاهده کرده بودند و بزرگ‌ترین معجزه، یعنی قرآن، در مقابل آنان بود که آنها را به مبارزه برای آوردن مثل آن فرا می‌خواند. از این جا روشن می‌شود که درخواست فرود آمدن فرشتگان بهانه‌ای بیش نبود و اگر معجزات دیگری نیز برای آنان آورده می‌شد، باز هم ایمان نمی‌آوردند. ۲. در ذیل آیه‌ی دوم بیان شده که اگر فرشتگان فرود می‌آمدند، دیگر به کافران مهلت داده نمی‌شد؛ زیرا اگر آنان فرشتگان را به صورت حسی مشاهده می‌کردند، حجت تمام و همه‌ی بهانه‌ها قطع می‌شد و در آن صورت دیگر مهلت دادن معنا نداشت و اگر کافران ایمان نمی‌آوردند، با عذاب الهی مجازات می‌شدند. ۳. مفسران قرآن در مورد «نزول فرشتگان به حق» که در این آیه به آن اشاره شده، چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) ما فرشتگان را تنها برای آشکار شدن و اثبات حق فرو می‌فرستیم، نه برای بهانه‌جویی‌های کافران. «۱» ب) منظور از حق، همان مجازات دنیوی است؛ یعنی ما فرشتگان را تنها برای نابودی و عذاب کافران می‌فرستیم؛ «۲» زیرا کافران پس از نزول فرشتگان لجاجت می‌کنند و در نتیجه نابود می‌شوند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۰ البته ممکن است این آیه به هر دو تفسیر اشاره داشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی منتظر بهانه‌جویی مخالفان باشند. ۲. فرشتگان بر اساس حق فرود می‌آیند، نه بر اساس هوس افراد. ۳. اگر حجت تمام شود، به کافران مهلت داده نمی‌شود. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی حجر به تحریف ناپذیری قرآن اشاره کرده، می‌فرماید: ۹. اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوۡنَ در حقیقت ما خود، آگاه کننده (قرآن) را فرو فرستادیم، و قطعاً ما پاسداران آن هستیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ذکر» به معنای «یادآوری» و در این جا به معنای قرآن است؛ چون قرآن حقایق هستی را به یاد انسان می‌آورد و به او تذکر می‌دهد که به یاد نعمت‌های خدا، قیامت و تاریخ و فطرت خود باشد. این واژه در آیه‌ی ششم همین سوره نیز به معنای قرآن آمده بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۱. ۲. در این آیه با چند واژه‌ی تأکید، بر محافظت قرآن تأکید شده است «۱» تا روشن سازد که اراده‌ی حتمی خدا بر آن است که قرآن را پاس‌داری نماید. ۳. مقصود از حفظ قرآن، پاس‌داری از آن در برابر تغییر، تحریف، زیاده و نقصان آیات آن، یا محافظت در برابر نابودی تا پایان جهان و یا حفظ آن در برابر منطوق‌های گمراه‌کننده‌ی ضد قرآن است. البته ممکن است همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد و خدا قرآن را از هر نظر پاس‌داری کند. «۲» ۴. مسئله‌ی تحریف‌ناپذیری قرآن مورد اتفاق علمای شیعه و اهل سنت است «۳» و بزرگان شیعه، هم‌چون شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ صدوق، طبرسی، کاشف الغطاء و بسیاری از محققان معاصر شیعه این مطلب را تصریح کرده‌اند. «۴» ۵. قرآنی که فعلاً در دسترس مسلمانان است، نه چیزی از آن کم شده و نه آیه‌ای بدان اضافه شده است. مهم‌ترین دلایل این مطلب عبارت‌اند از: الف) تواتر قرآن؛ یعنی در طول

قرن‌ها و عصرها، همیشه عده‌ی زیادی از مسلمانان قرآن را حفظ و بازخوانی کرده و به همین صورت فعلی، از پیامبر صلی الله علیه و آله، از راه‌های مختلف حکایت کرده‌اند. ب) آیات قرآن، هم‌چون آیه‌ی نهم سوره‌ی حجر، که بر حفظ قرآن تأکید تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۲ می‌کند. این یکی از پیش‌گویی‌های قرآن است که تحقق یافته است. ج) نوشته شدن قرآن توسط حدود چهل نفر از نویسندگان وحی در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله. «۱» د) دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و پیشوایان به همین قرآن موجود که در احادیث متعددی وارد شده است، «۲» به طوری که آن را ثقل اکبر معرفی کرده‌اند که معیار سنجش احادیث درست از نادرست نیز هست. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن برای همیشه محفوظ است و خدا ضامن سلامت آن است. ۲. نگران قرآن نباشید که خداحافظ آن است (و تحریف نخواهد شد). \*\*\* قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی حجر به فرستادگان الهی و واکنش ریشخندآمیز مخالفان در برابر آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. *وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ \* وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ* و بیقین پیش از تو (نیز پیامبرانی) در میان گروه‌های نخستین فرستادیم؛ \* و هیچ فرستاده‌ای به سراغ آنان نمی‌آمد مگر این که همواره او را ریشخند می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «شعیع» که هم‌خانواده‌ی «شیعه» است، در اصل، به معنای «انتشار و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۳ تقویت» است و یا «متابعت و پیروی» است. پس شیعه به کسانی گفته می‌شود که رهبر به وسیله‌ی آنها تقویت می‌شود، یا کسانی که پیرو رهبری (امام علی علیه السلام) هستند «۱» و در هر صورت این واژه دلالت بر نوعی هم‌بستگی فکری و مکتبی دارد. ۲. مسخره کردن پیامبران الهی انگیزه‌های گوناگونی داشته است؛ گاهی برای شکستن شخصیت پیامبران و متفرق کردن مردم حق‌جو و گاهی به خاطر زندگی ساده و فقیرانه‌ی غالب پیامبران بوده است و برخی از مخالفان که در برابر منطق نیرومند و سنت‌شکنی‌های پیامبران دلیلی نداشتند، به استهزا پناه می‌بردند. ۳. این آیه نوعی تسلّی و دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که در برابر ریشخندهای مخالفان قرار گرفته بود و اشاره می‌کند که تنها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مورد استهزای مخالفان قرار نگرفت، بلکه همه‌ی رسولان الهی مورد ریشخند بوده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ریشخند کردن رهبران دینی، روش مستمر مخالفان دین بوده است. ۲. رهبران و مبلغان دینی خود را برای واکنش‌های مسخره‌آمیز مخالفان آماده کنند و دل‌سرد نشوند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۴ قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی حجر به تصرف الهی در قلب‌ها و روش تاریخی مخالفان در بی‌ایمانی اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. *كَذَلِكَ نَسُئِلُكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ \* لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ* اینگونه این (قرآن) را در دل‌های خلفاکاران راه می‌دهیم، \* در حالی که به آن ایمان نمی‌آورند؛ و روش پیشینیان (نیز چنین) گذشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات اشاره شده که خدا از راه‌های مختلف، آیات قرآن را به مجرمان و مخالفان دین اسلام تفهیم می‌کند «۱» و در دل‌های آنها وارد می‌نماید، اما به خاطر عدم آمادگی آنها، مطالب قرآن جذب جان‌هایشان نمی‌شود؛ هم‌چون غذای نیکویی که معده‌ی ناسالم آن را جذب نمی‌کند. ۲. وظیفه‌ی مبلغان دینی، تنها رساندن مطالب به گوش مردم نیست، بلکه باید از همه‌ی وسایل سمعی، بصری، قصه‌گویی، شعر، هنر و ادبیات استفاده کنند تا مطالب حق را دل‌نشین کنند و در دل‌ها نفوذ دهند. ۳. موضع‌گیری باطل‌گرایان در برابر پیامبران و کفرورزی آنها چیز تازه‌ای نیست؛ و این مطلب سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد، پس نباید از عکس‌العمل منفی مخالفان هراس به دل راه دهیم و یا ناامید شویم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافت‌کاری و گناه نکنید که شما را از حق‌باوری و ایمان دور می‌سازد. ۲. خدا پیام حق را به عمق جان خلفاکاران هم می‌رساند (تا حجت بر آنان تمام شود). ۳. حق‌باوری یک روش تاریخی مخالفان است. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۵ قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی حجر با اشاره به انکار محسوسات توسط کافران و لجاجت آنان می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. *وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ \* لَقَالُوا إِنَّمَا سُيَّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّشْجُورُونَ* و اگر (بر فرض) دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم و پیوسته از آن بالا می‌رفتند، \* حتماً می‌گفتند: «ما فقط چشم بندی شده‌ایم؛ بلکه ما گروهی جادو زده‌ایم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «آسمان» در این آیه همان جوّ اطراف زمین است که خارج

شدن از آن، به خاطر نیروی جاذبه‌ی زمین، به سادگی ممکن نیست و اگر بفرض خدا راهی برای خروج از جوّ زمین برای کافران بکشاید، که در روز از آن عبور کنند «۱» و با چشم خود آن را مشاهده کنند، باز هم آن را انکار می‌کنند و ایمان نمی‌آورند و این کمال لجاجت آنها را نشان می‌دهد. ۲. مخالفان پیامبران آن قدر لجوج هستند که حتی معجزات محسوس را انکار می‌کنند و آن را نوعی تردستی می‌دانند، بلکه از چشم‌بندی هم فراتر رفته و آن را نوعی سحر می‌دانند که بر اثر آن حواس انسان چیزهایی را بر خلاف واقعیت توهم می‌کند. ۳. انسان هنگامی که در جهل، باطل و شهوات غوطه‌ور شد و به مرحله‌ی لجاجت رسید، دیگر قادر به درک صحیح حقایق نیست، به طوری که محکم‌ترین دلایل عقلی و حسی را انکار می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از مخالفان اسلام توقع چندانی نداشته باشید؛ زیرا آنان آن قدر لجوج هستند که محسوسات را نیز انکار می‌کنند. ۲. مخالفان اسلام به دنبال معجزه و درک حقیقت نیستند و دلیل آوردن برای آنان بی‌فایده است (پس از مخالفت و بهانه‌جویی آنان دل‌سرد نشوید). \*\*\*

### نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیات شانزدهم تا هجدهم سوره‌ی حجر به نعمت‌های الهی در پهنه‌ی آسمان، مثل حفظ کردن آن از جاسوسان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۶-۱۸. *وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ \* وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ \* إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ \* شَهَابٌ مُبِينٌ* و بیقین در آسمان برج‌هایی قرار دادیم، و آن را برای بینندگان آراستیم؛\* و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم؛\* مگر آن کس که دزدانه گوش فرا دهد و شهابی روشن او را دنبال کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بُرُوج» در اصل به معنای ظهور است و از این روست که به ساختمان‌های بلند که بروز خاصی دارد، برج گفته می‌شود. ستاره‌شناسان نیز به منزلگاه‌های خورشید و ماه بُرج می‌گویند، که همان محل عبور خورشید و ماه از مقابل صورت‌های فلکی یا مجموعه‌های ستارگان است. «۱» برخی مفسران نیز گفته‌اند که «بُرُوج» به معنای قصرهای عالی است و به تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۷ ستارگان نیز برج می‌گویند؛ چراکه ستارگان برای سیارات مثل منزل‌هایی برای ساکنان هستند. البته ممکن است در این جا «بُرُوج» کنایه از وجود رهبران الهی و دانشمندان متعهد نیز باشد. ۲. آسمان را برای بینندگان زینت داده و آراسته است، آری؛ منظره‌ی شاعرانه‌ی آسمان در شب، هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کند، ستارگانی که چشمک می‌زنند و برخی خیره خیره به ما نگاه می‌کنند، و مجموعه‌هایی که گویی با هم انجمنی ساخته‌اند و گاهی اشکال اعجاب‌آمیزی به خود می‌گیرند. و از همه مهم‌تر زیبایی‌های علمی آسمان و اسرار فراوان آن است که هزاران سال است کیهان‌شناسان را به خود مشغول کرده است. راستی که «چرخ با این اختران، نغز و خوش و زیباستی!» ۳. واژه‌ی «سَمَاء» به معنای آسمان است که در بسیاری از آیات قرآن به معنای همین آسمان حسی و مادی (جوّ زمین یا فضای محل ستارگان، سیارات، منظومه‌ی شمسی و کهکشان‌ها) است، ولی گاهی در قرآن به معنای آسمان معنوی است که همان مقام قدس و عالم وجود برتر است «۱» که در این جا ممکن است این معنا نیز مقصود باشد. ۴. «شهاب» به شعله‌ی خارج شده از آتش و نیز به سنگ‌هایی گفته می‌شود که در آسمان سرگردان‌اند و گاهی تحت تأثیر نیروی جاذبه‌ی زمین قرار می‌گیرند و به سوی آن کشیده و بر اثر سرعت برخورد با امواج هوا، سوزان و شعله‌ور می‌شوند؛ گاهی خاکستر می‌شوند و به زمین نمی‌رسند و گاهی قطعه‌هایی از این سنگ‌ها به زمین می‌رسند. البته در این آیه ممکن است شهاب کنایه از امواج نیرومند علم و تقوای دانشمندان متعهد باشد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۸. ۵. «شیطان» در اصل به معنای هر موجود شرور و وسوسه‌گر و متمرد است، اما گاهی به معنای همان ابلیس می‌آید؛ یعنی موجود خبیثی که باعث لغزش حضرت آدم علیه السلام شد. و در این جا ممکن است هر دو معنا مقصود باشد. ۶. مضمون این سه آیه در سوره‌ی صافات آیات ۶-۱۰ تکرار شده است «۱» و مفسران قرآن در مورد این آیات چند تفسیر ارائه کرده‌اند. «۲» الف) برخی مفسران همان معنای ظاهری آیه را پذیرفته‌اند، که مقصود همین

آسمان حسی و همین شهاب‌سنگ‌های آسمانی است که در شب می‌بینیم و شیاطین همان موجودات خبیثی هستند که می‌خواهند به آسمان‌ها بروند و از اخبار ماورای زمین مطلع شوند و برای دوستان زمینی خود جاسوسی کنند، اما شهاب‌سنگ‌ها هم چون تیری به سوی آنها پرتاب می‌شوند و آنها را از رسیدن به هدف بازمی‌دارند. ولی برخی از مفسران این دیدگاه را رد می‌کنند؛ زیرا بر اساس نظریات فلکی قدیم است، «۳» و این در حالی است که انسان از جو زمین عبور کرده و به کره‌ی ماه نیز رفته است و شهاب مخصوص جو زمین است. ب) برخی مفسران این تعبیرات را کنایه و تشبیه و مثال برای روشن شدن حقایق غیر حسی دانسته‌اند. و مقصود از آسمان جایگاه فرشتگان و عالم ملکوت و ماورای طبیعت تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۲۹ است که شیطان‌ها می‌خواهند به این آسمان برتر نزدیک شوند، تا از اسرار خلقت و حوادث آینده اطلاع یابند، ولی با انوار ملکوتی رانده می‌شوند. «۱» ج) برخی مفسران آیات فوق را کنایه از انسان‌هایی دانسته‌اند که در زندگی مادی زمینی زندانی شده‌اند و چشم خود را به جهان برتر نمی‌اندازند و به آوای آن گوش فرا نمی‌دهند و شهاب‌های خودخواهی و شهوت و طمع و جنگ‌های خانمان‌سوز آنها را از درک معانی والا محروم می‌سازد. «۲» د) برخی مفسران برآنند که مقصود از آسمان در این جا آسمان حق، ایمان و معنویت است که همواره شیطان‌ها و وسوسه‌گران می‌خواهند در این محدوده راه یابند و از طریق وسوسه‌ها به دل‌های مؤمنان راستین و حامیان حق نفوذ کنند، اما ستارگان آسمان حقیقت، یعنی رهبران الهی، هم‌چون پیامبران و امامان و دانشمندان متعهد، با امواج نیرومند علم و تقوا و قلم و زبان، بر آنان هجوم می‌برند و آنها را از نزدیک شدن به آسمان معنویت بازمی‌دارند «۳». البته ممکن است آیه دارای بطن و معانی مختلفی باشد و برخی به صورت کنایه و مثال باشند؛ پس مانعی ندارد که مقصود آیه چند تفسیر اخیر باشد، هر چند تفسیر دوم و چهارم مناسب‌تر به نظر می‌رسد. ۷. از برخی احادیث استفاده می‌شود که ممنوع شدن شیاطین از صعود تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۰ به آسمان‌ها و رانده شدن آنها به وسیله‌ی شهاب‌ها، از هنگام تولد عیسی علیه السلام آغاز شد و در هنگام تولد پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً ممنوع شد. «۱» از این گونه احادیث استفاده می‌شود که رابطه‌ای بین تولد مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با طرد شیاطین از آسمان وجود دارد؛ یعنی پس از ظهور دین مسیح و اسلام، و جهان‌گیر شدن آنها، بسیاری از توطئه‌های شیطانی خنثی شد و بساط بت‌پرستی و پیروی از شیطان در بسیاری از نقاط جهان برچیده شد و بشریت گام‌های بلندی به طرف معنویت و حقیقت برداشت. ۸. در قرآن کریم برای ستارگان آسمان چند تعبیر به کار رفته است؛ گاهی از آنها با عنوان بُروج و گاهی با عنوان نجوم و کواکب یاد شده است. «۲» ولی ستاره یک مفهوم مادی و حسی دارد، به معنای همین ستارگانی که شب هنگام در آسمان ظاهر می‌شوند و وسیله‌ی راه‌یابی کشتی‌ها و مسافران بیابان هستند. اما یک مفهوم معنوی نیز دارد. به این معنا رهبران الهی و دانشمندان ستارگانی هستند که در جوامع بشری نقش ایفا می‌کنند و مردم را از تاریکی‌های جهل و خرافات با نور خویش به سوی سعادت هدایت می‌کنند. در احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که فرمودند: آل محمد همان ستارگان هستند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آسمان زیبا را خدا آفرید تا به آن بنگرید (و آسمان‌آفرین را بشناسید). ۲. شیطان صفتان را از حریم زیبای الهی بیرون می‌رانند (شما نیز چنین کنید). ۳. نظام آفرینش با جاسوسان و خبرگیران بیگانه برخورد می‌کند (شما نیز این گونه باشید). ۴. ستارگان هدایت، پاس‌داران حریم آسمان معنویت‌اند و شیطان صفتان وسوسه‌گر را با شهاب (علم و تقوا) می‌رانند (شما نیز چنین باشید). \*\*\* قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی حجر نعمت‌های الهی در زمین و فواید آن برای انسان را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. وَالْأَرْضُ مَدَدْنَهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِي وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ\* وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرِزْقَيْنَ و زمین را گستراندیم؛ و در آن [کوه‌های استواری افکندیم؛ و از هر چیز متناسبی در آن رویاندیم؛\* و در آن (زمین) برای شما و کسانی که (شما) روزی دهنده آن [ها] نیستید، وسایل زندگی قرار دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مید» در اصل به معنای گسترش دادن است و شاید در این جا به سر برآوردن خشکی‌های زمین از زیر آب اشاره داشته باشد؛ یعنی پس از دوره‌ی باران‌های سیلابی

که سطح کره‌ی زمین را آب پوشانده بود، کم کم بلندی‌های زمین سر از آب برآوردند و این همان چیزی است که در احادیث تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۲ اسلامی به «دحو الارض» مشهور است. «۱» ۲. در این آیه از کوه‌ها با عنوان «رَواسی» یاد شده است که در اصل به معنای ثابت و پابرجاست. این اشاره‌ی لطیفی است به این که کوه‌ها هم‌چون زره محکمی پوسته‌ی زمین را در برابر فشارهای درونی و طوفان‌های بیرونی نگاه می‌دارند و مایه‌ی ثبات پوسته‌ی زمین و آرامش زندگی انسان‌ها هستند. «۲» ۳. مقصود از «هر چیز موزون در زمین»، یا همان رویاندن هزاران نوع گیاه است که اندازه‌ی هر کدام، متناسب و دقیق و منظم است؛ یا رویش معادن فلزات و جواهرات مختلف در کوه‌هاست، که در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است. «۳» ۴. و یا مقصود ایجاد همه‌ی مخلوقات (گیاهان، انسان‌ها و معادن) در زمین است که هر کدام به اندازه و موزون‌اند. «۴» به نظر می‌رسد که این تفسیر سوم با ظاهر آیه تناسب بیش‌تری دارد و دو تفسیر اول از مصادیق و موارد آن است. ۴. مقصود از «مَعایش» وسایل و نیازمندی‌های زندگی انسان است که شامل خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و تمام وسایل حیات می‌شود که خدا برای انسان‌ها در زمین قرار داده است. ۵. در مورد تفسیر جمله‌ی «کسانی که شما روزی آنان را نمی‌دهید.» مفسران دو دیدگاه دارند: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۳ الف) خدا موجودات زنده‌ی دیگری (هم‌چون حیوانات) در زمین خلق کرده و در اختیار بشر گذارده است، که انسان توانایی روزی دادن به آنها را ندارد. ب) خدا وسایل زندگی انسان‌ها و موجودات زنده‌ی دیگر را فراهم ساخته است، موجوداتی که انسان نمی‌تواند روزی آنها را بدهد. «۱» البته جمع بین این دو تفسیر مانعی ندارد و ممکن است مقصود آیه هر دو معنا باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گستردگی زمین، کوه‌های ثابت و موزون بودن موجودات زمینی و وسایل زندگی که در آن فراهم شده، همه از نعمت‌های خداست. ۲. هر کدام از نعمت‌های الهی در زمین اندازه، میزان و قانون خاصی دارد. ۳. وسایل زندگی که در زمین فراهم شده، برای انسان است. ۴. به زمین و نعمت‌های آن بنگرید و خداشناس (و سپاس‌گزار) شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۱. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی جز به اندازه معین آن را فرو نمی‌فرستیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت به این پرسش پاسخ می‌دهد که اگر نعمت‌ها و ارزاق به دست خداست، پس چرا به مقدار زیادی به انسان‌ها نمی‌دهد تا از هر گونه تلاش بی‌نیاز شوند؟ و چنین پاسخ می‌دهد که منبع و سرچشمه‌ی همه چیز در نزد ماست و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۴ ما توانایی دادن رزق زیاد را داریم، ولی همه چیز در این جهان حساب دارد و بر اساس حکمت و اندازه‌ی معین قرار داده شده است. و از این روست که در آیات دیگری از قرآن اشاره شده که اگر خدا روزی بی‌حساب به بندگانش می‌داد، طغیان می‌کردند و از راه حق منحرف می‌شدند. «۱» و علاوه بر آن اگر روزی زیاد به مردم داده می‌شد، سست می‌شدند و از حرکت و نشاط فکری و جسمی بازمی‌ماندند و به تن پروری، غرور، خودخواهی و شهوت‌پرستی روی می‌آوردند. ۲. «خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه‌داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می‌کنند. این مفهوم در مورد انسان‌ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی‌توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی‌شود. پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می‌کند «۲» و یا به معنای مجموعه‌ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می‌شود. «۳» البته هر دو تفسیر در مورد آیه قابل قبول است. ۳. واژه «نُزِّلَهُ» در این جا به معنای نزول مکانی از بالا به پایین نیست، بلکه مقصود، یا نزول مقامی است که از نزد شخص نعمت‌دهنده به بندگانش می‌رسد و یا نزول وجودی، یعنی از مراتب عالی وجود به مراتب پایین‌تر تنزل می‌یابد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۵ پس نزول منابع الهی به معنای ایجاد و خلقت آنهاست. ۴. منابع الهی متعدد است و نزول رحمت الهی از آنها به صورت تدریجی صورت می‌گیرد. «۱» ۵. در کار خدا حکمت و



حساب و اندازه وجود دارد و این آموزه‌ای است برای ما که در مدیریت منابع مالی و انسانی این گونه عمل کنیم. و بر اساس حکمت، ظرفیت و مصلحت آنها را دقیقاً تقسیم کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موجودات، سرچشمه‌ها و منابعی دارند، که تنها بخشی از آنها در اختیار ما قرار می‌گیرد. ۲. انتظار نداشته باشید خدا همه چیز را یک جا در اختیار شما قرار دهد. ۳. هر چیزی در جهان بر اساس حساب و اندازه‌ی معین آفریده شده است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی حجر به نقش باد در باروری گیاهان و ابرها اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۲. وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْبَغْنَا بِكُمُوهَ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَزِينِينَ و باد [ها] را بارور کننده (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما ذخیره‌ساز آن نیستید. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «لقاح» به معنای لازم و متعدی به کار می‌رود و در اصل به معنای نتیجه دادن، زیابودن یا زایا کردن است. «۱» ۲. صاحب‌نظران در مورد این آیه دو دیدگاه دارند: الف) برخی معتقدند که این آیه به حرکت دادن گرده‌های گیاهان و گل‌ها به وسیله‌ی باد و بارور کردن آنها اشاره دارد. «۲» ب) برخی دیگر از صاحب‌نظران بر آنند که آیه به حرکت دادن ابرهای مثبت و منفی توسط باد و زایا کردن آنها و نزول باران اشاره دارد. و از آن جا که این مطلب تا سال‌های اخیر برای بشر کشف نشده بود، این آیه به نوعی بر «اعجاز علمی» قرآن دلالت دارد «۳» و شاهد این تفسیر، آن است که بلافاصله پس از اشاره به «لقاح» به نزول باران اشاره شده است. «۴» اما با توجه به مطلق بودن بخش اول آیه، که یک مطلب کلی را بیان می‌کند، ممکن است این آیه اشاره به لقاح و زایایی ابرها و گیاهان باشد، هر چند معنای دوم ظاهرتر است. «۵» ۳. این جمله که در آیه فرمود: «شما توانایی ذخیره‌سازی آب باران را ندارید»، ممکن است اشاره به ذخیره‌ی بخار آب در ابرها، قبل از نزول باران و یا اشاره به ناتوانی بشر در ذخیره‌سازی کامل آب باران بعد از نزول آن باشد که تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۷ در اعماق زمین و یا به صورت یخ در کوه‌ها باقی می‌ماند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به چرخه‌ی گردش آب در طبیعت نظر کنید و خدا را بهتر بشناسید. ۲. لقاح ابرها و گیاهان و چرخه‌ی آب در طبیعت، در حقیقت به دست خداست. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی حجر به نشانه‌های خدا در مرگ و حیات موجودات اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۳. وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ و قطعاً ما خود، زنده می‌کنیم و می‌میرانیم؛ و ما وارث (همه جهان) هستیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مرگ و حیات، مهم‌ترین و قطعی‌ترین مسئله‌ی بشر است. پدیده‌ی حیات شگرف‌ترین پدیده‌ی جهان هستی است که بررسی آن می‌تواند انسان را با حیات‌آفرین آشنا کند. ۲. مرگ و زندگی موجودات جهان دلیل بر آن است که آنها چیزی از خود ندارند و سرانجام، وارث همه‌ی آنها خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد مرگ و حیات، خداشناس شوید. ۲. وارث نهایی جهان خداست (پس ببینید که چه اعمال نیک و بدی برای او باقی می‌گذارد). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۸ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی حجر به فراگیر بودن علم خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۴. وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ و یقیناً پیشگامان شما را شناختیم؛ و یقیناً متأخران را (هم) شناختیم. شأن نزول: حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شرکت در صف اول نماز جماعت فرمود: «خدا و فرشتگان بر پیش‌گامان در این صف درود می‌فرستند.» و به دنبال این تأکید، برخی گروه‌ها تصمیم گرفتند خانه‌های خود را بفروشند و نزدیک مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله خانه تهیه کنند، تا به صف اول جماعت برسند. و این آیه بدین مناسبت فرود آمد و اعلام کرد که خدا از حالات همه‌ی شما آگاه است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: شأن نزول این آیه در مورد شرکت کنندگان در صف اول نماز جماعت است، اما مطلب آیه محدود به این مورد نیست و شامل پیشگامان در اعمال نیک، پیش‌روان به سوی جبهه و جهاد و همه‌ی گذشتگان و آیندگان می‌شود که خدا از همه‌ی آنها آگاه است و اعمالشان را زیر نظر دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: پیام این آیه آن است که خدا حالات همه‌ی شما را زیر نظر دارد (پس مراقب کردار خود باشید). \*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۳۹

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی حجر با اشاره به دلیل رستاخیز و گردآوری انسان‌ها می‌فرماید: ۲۵. وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ و در حقیقت پروردگار تو خود، آن (مردم) آن را گردآوری می‌کند؛ [چرا] که او فرزانه داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به ربوبیت، حکمت و علم خدا، به عنوان دلایل رستاخیز اشاره شده است؛ مقتضای ربوبیت و حکمت الهی آن است که جهان بیهوده و بی‌نتیجه نباشد، پس مرگ پایان همه چیز نخواهد بود و همه‌ی جهان مقدمه‌ای برای زندگی ابدی است و علم الهی باعث می‌شود که در مسئله‌ی گردآوری انسان‌ها در رستاخیز مشکلی پیدا نشود؛ زیرا همه چیز جهان را می‌داند و از ذرات آنها و اعمال انسان‌ها آگاه است. ۲. در رستاخیز همه‌ی مردم (پیشگامان و متأخران) یک جا گردآوری می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقتضای علم و حکمت و ربوبیت خدا، برپایی رستاخیز است. ۲. شما در محضر خدا گرد می‌آید (پس برای آن هنگام آماده باشید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی حجر به مبدء آفرینش انسان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۶. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ و بیقین انسان را از گل خشکیده‌ای که از گل سیاه (بدبوی مانده) شکل یافته، گرفته شده بود، آفریدیم. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «صِلْصَال» به گل خشکیده و نپخته‌ای گفته می‌شود که هر گاه در آن دمیده شود، صدای صوت از آن برمی‌خیزد و «حَمَإً» به معنای گل تیره رنگ و «مَسْنُون» به معنای متغیر است و برخی آن را به معنای مانده و سال‌خورده، یا ریخته شده دانسته‌اند. «۱» ۲. در این آیه تصریح شده که انسان از خاک آفریده شده است، و برخی صاحب‌نظران و مفسران از این گونه آیات استفاده کرده‌اند که قرآن نظریه‌ی ثابت انواع «۲» را می‌پذیرد. «۳» اما در برابر آنها، برخی صاحب‌نظران، با استدلال به آیاتی، معتقدند که قرآن نظریه‌ی تکامل داروین «۴» را می‌پذیرد. «۵» اما به نظر می‌رسد که قرآن کتاب انسان‌سازی و هدایت بشر است و اگر اشاراتی علمی به آفرینش انسان و حیوانات کرده است، در راستای همان هدف هدایتی‌اش بوده و صریحاً نظریه‌ای را اثبات و یا رد نمی‌کند و در مقام بیان تمام جزئیات علوم و نظریات علمی نبوده است. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۱ ۳. این آیه به بُعد خاکی انسان اشاره دارد و در آیات بعدی به بُعد روحانی و الهی انسان اشاره خواهد کرد و از مجموع این آیات استفاده می‌شود که انسان دارای دو جنبه‌ی خاکی پست و روحانی برتر است که می‌تواند به طرف هر کدام گام بردارد و آن را تقویت کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان از خاک پستی آفریده شده است (پس این همه غرور و تکبر چرا؟). ۲. با مطالعه در آفرینش انسان، خداشناس شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی حجر به مبدء آفرینش جن‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۷. وَالْجِآنَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ و پیش از آن جن را از آتش‌باد سوزان آفریدیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جن» و «جان «۱» به یک معناست و در اصل به معنای چیزی است که از حس پوشیده باشد و از آیات قرآن استفاده می‌شود که جن نوعی موجود عاقل است که از آتش یا شعله‌های آن آفریده شده و از حس انسان پوشیده شده و برخی کافر و برخی مؤمن‌اند و شیطان معروف، ابلیس نیز از همین تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۲ گروه است. «۱» ۲. آفرینش جن‌ها قبل از انسان بوده است و خدای متعال آنها را از شعله‌های آتش آفریده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا موجوداتی را از آتش آفریده است (که ما آنها را نمی‌بینیم). ۲. می‌توان از آتش موجوداتی ایجاد کرد. \*\*\* قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سیام سوره‌ی حجر به بُعد روحانی انسان و کرنش فرشتگان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۸-۳۰. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلِكَةِ إِنِّي خَلِقُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ \* فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ \* فَسَجَدَ الْمَلِكَةُ كُلُّهُمْ أٰجْمَعُونَ و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «در واقع من آفریننده بشری هستم که از گل خشکیده‌ای که از گل سیاه (بدبوی مانده) شکل یافته، گرفته شده است؛\* و هنگامی که او را مرتب نمودم، و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده کنان در افتید.»\* و فرشتگان همه آنها، دسته جمعی سجده کردند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بشر» به معنای انسان است، اما از آن جهت این نام را بر او نهاده‌اند که برخلاف بسیاری از حیوانات، بشره و پوست او ظاهر است و با مو و کرک کاملاً تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص:

۱۴۳ پوشیده نشده است. «۱» ۲. در این آیات به آفرینش بُعد مادی انسان از خاک و آفرینش بُعد الهی و روحانی انسان اشاره شده و از بُعد دوم او با تعبیر «دمیدن روح خدا در کالبد انسان» یاد شده است و اگر هر کدام از این دو بُعد را تقویت کند، در همان جهت رشد می‌یابد و موجودی پست و خاکی، یا موجودی کمال یافته و الهی می‌شود. ۳. مقصود از تعبیر «روحی»، نوعی اضافی تشریفی است؛ یعنی خدا روح و جسم ندارد که بگوید «روح من»، پس این تعبیر، مثل «بیت الله» (خانه‌ی خدا) است که دلیل بر عظمت کعبه است و این جا نیز دلیل بر عظمت روحی است که در کالبد انسان دمیده شده است؛ روحی که استعدادهاى فوق العاده دارد و می‌تواند تجلیگاه انوار الهی باشد. ۴. سجده‌ی فرشتگان بر آدم، یک سجده‌ی تشریفاتی نبود، بلکه به معنای خضوع آنان در برابر آدم و نسل او بود؛ یعنی فرشتگان نیز در خدمت بشر هستند. «۲» ۵. در مورد آفرینش انسان و سجده‌ی فرشتگان و نکات آن، در سوره‌ی بقره و اعراف مطالبی بیان داشتیم. «۳» ۶. آفرینش فرشتگان قبل از انسان بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان به خاطر روحی که در او دمیده شده، چنان با عظمت است که فرشتگان در برابر او کرنش کردند. ۲. انسان دارای دو بُعد مادی و روحانی است و آفرینشی کامل و متعادل دارد. ۳. شما ارزش و جایگاه انسانی خود را دریابید و قدر آن را بدانید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۴ قرآن کریم در آیات سی و یکم تا سی و سوم سوره‌ی حجر به نافرمانی ابلیس و عامل آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۱-۳۳. **إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ \* قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَمْ يَكُنْ مَعَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ \* قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَبَاٍ مَسْنُونٍ** جز ابلیس، که سر باز زد از این که با سجده کنندگان باشد. \* (خدا) فرمود: «ای ابلیس؛ تو را چه شده که با سجده کنندگان نیستی؟!» \* گفت: «[من هرگز سجده نخواهم کرد برای بشری که او را از گل خشکیده‌ای که از گل سیاه (بدبوی مانده) گرفته شده، آفریده‌ای. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شیطان نام عام هر موجود شروری از جنس انسان یا جن است، اما «ابلیس» به یکی از این شیطان‌های جنّی گفته می‌شود. ابلیس از فرشتگان نبود، «۱» بلکه در پرتو اطاعت و عبادت خود، مقامی پیدا کرده بود که در صف فرشتگان قرار گرفته بود، «۲» ولی هنگامی که به فرشتگان دستور داده شد برای آدم کرنش کنند، او با غرور و تکبر از این فرمان روی برتافت و از صف فرشتگان و درگاه الهی راند. ۲. ابلیس گرفتار نژادپرستی شد و خاک را با آتش مقایسه کرد و پنداشت که اولاً، آتش از خاک برتر است و ثانیاً، هر کس از آتش آفریده شده از کسی که از خاک آفریده شده برتر است؛ در حالی که خاک منبع برکات و عناصری است که انواع گیاهان و حیوانات از آن پدید می‌آیند، و از این جهت از آتش مفیدتر است؛ و بر فرض آن که آتش برتر باشد، روشن نیست که هر چه از آتش پدید می‌آید از انسان خاکی برتر باشد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۵. ۳. ابلیس گرفتار تکبر و غرور شد «۱» و همین کار او را از مقامش ساقط کرد و از درگاه الهی راند. آری؛ گاهی ساعتی تعصب، غرور و تکبر زحمات و عبادت‌های سالیان دراز انسان را نابود می‌سازد، همان‌طور که آتشی می‌تواند خانه و سرمایه‌ی یک عمر انسان را نابود سازد. او چنان سقوط کرد که تا قیامت، منحرف و وسوسه‌گر انسان‌ها شد و در رستاخیز نیز آتش ابدی را برای خود مهیا ساخت. ۴. ابلیس نه تنها نافرمانی کرد، بلکه تظاهر به نافرمانی هم کرد؛ یعنی نه سجده کرد و نه با سجده کنندگان بود. خدا هم او را به همین خاطر، یعنی عدم همراهی با سجده کنندگان سرزنش کرد. ۵. با آن که خدا دلیل سجده نکردن ابلیس را می‌دانست باز هم از او پرسش کرد، تا خود به گناه خویش اعتراف کند و منشأ جرم و روحيات او روشن شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت ابلیس عبرت بیاموزید، و نافرمانی نکنید. ۲. نژادپرستی (و تکبر) انسان را به نافرمانی خدا می‌کشاند. ۳. نژادپرستی، تفکری ابلیسی است. \*\*\* قرآن کریم در آیات سی و چهارم تا سی و هشتم سوره‌ی حجر به طرد ابلیس و مهلت خواهی او اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۴-۳۸. **قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ \* وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ \* قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ** تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۶ (خدا به ابلیس) فرمود: «بنابراین از آن [مقام فرشتگان بیرون شو، چرا که تو رانده شده‌ای؛\* و در واقع تا روز جزا بر تو لعنت است!]\*» (ابلیس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.» \* (خدا) فرمود: «پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی،\* تا روز زمان

معلوم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد این که شیطان از کجا اخراج شد، مفسران چند احتمال داده‌اند: از صفوف فرشتگانی که در بین آنها بود، یا از بهشت و یا از آسمان معنویت. اما با توجه به مطلق بودن آیه، که محل اخراج را مشخص نکرده، می‌توان گفت: ابلیس از مقامی که داشت اخراج شد، که بقیه‌ی موارد ممکن است مصداق‌های آن باشند. ۲. «لعنت» به معنای دوری از رحمت خداست و از این آیه استفاده می‌شود که تکبر، نژادپرستی و نافرمانی خدا سبب تحقیر، طرد و دوری از رحمت خدا تا قیامت می‌شود. ۳. ابلیس پس از طرد از درگاه الهی، پشیمان نشد و توبه نکرد، بلکه بر لجاجت و نافرمانی خود افزود و کینه‌ی نسل بشر را به دل سپرد و تصمیم گرفت با منحرف کردن انسان‌ها انتقام بگیرد؛ از این رو از خدا مهلت خواست که تا روز رستاخیز زنده بماند و به سرکشی و فریبکاری بپردازد. ۴. خدا به شیطان تا وقت مشخصی که خود می‌داند، مهلت داد؛ البته در برخی احادیث، این وقت معلوم را پایان جهان «۱» و برخی مفسران نیز آن را روز رستاخیز معرفی کرده‌اند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۷. ۵. خدا به شیطان مهلت داد؛ زیرا: اولاً، سنت خدا فرصت دادن به گناهکاران است تا حجت بر آنان تمام شود و شاید توبه کنند و بازگردند، و گرنه گرفتار عذاب شوند. و ثانیاً، ابلیس وسیله‌ی آزمایش انسان‌هاست و امتحان یکی از سنت‌های الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به گناهکاران مهلت می‌دهد (تا آزمایشی برای دیگران و خودشان باشند). ۲. نافرمانان متکبر و نژادپرست را طرد و لعنت کنید. \*\*\* قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهل و سوره‌ی حجر به گفتار جبرآمیز شیطان و دام گسترده‌ی او در برابر انسان‌ها و نجات افراد خالص شده اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۹ و ۴۰. قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (ابلیس) گفت: «پروردگارا، به سبب آن که مرا فریفتی، قطعاً (ابلیس) گفت: «پروردگارا، به سبب آن که مرا فریفتی، قطعاً (بدی‌ها را) در زمین برای آنان می‌آرایم؛ و حتماً همه آنان را می‌فریبم،\* مگر بندگان خالص شده تو از میان آنان.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شیطان در اثر غرور و تکبر و نژادپرستی خود را به پرتگاه سقوط کشانید و با اختیار خود از سجده‌ی بر آدم امتناع کرد، اما در این گفتارش، تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۸ گناه را به گردن دیگران می‌اندازد و با گستاخی تمام خدا را متهم می‌سازد که تو مرا گمراه ساختی. آری؛ جبرگرایی و فرافکنی یکی از روش‌های خطاکاران برای توجیه گناه است. آنان به جای آن که با تحلیل گذشته‌ی خود، عوامل انحراف و سقوط را بررسی و ریشه‌یابی کنند و آن را درمان سازند، همه چیز را به خدا نسبت می‌دهند و به دامن جبر پناه می‌برند. ۲. «مُخْلَصِينَ» کسانی هستند که خود را خالص ساخته و به مرحله‌ی عالی ایمان و عمل و تزکیه‌ی نفس رسیده‌اند، به طوری که در برابر وسوسه‌های شیطانی نفوذناپذیر شده‌اند و حتی شیطان از آنان قطع امید کرده است. آری؛ این گونه افراد، هم‌چون پیامبران، امامان و اولیای الهی، از دست‌رس شیطان به دور هستند. ۳. مهم‌ترین ابزار ابلیس برای منحرف کردن انسان‌ها، همان آراستن چیزهاست؛ یعنی شیاطین، زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهند تا مردم به دنبال آنها بروند و گمراه شوند. ۴. مراقبت، راهکار مبارزه با شیطان: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: شیطان از انسان دست بردار نیست، قسم خورده است برای خدا، ... که نمی‌گذارم این‌ها چیزی بشوند «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» [مگر بندگان خالص شده‌ی تو از میان مردم شما با یک هم‌چو دشمن قسم خورده‌ای مواجه هستید. به جنگ او بروید. «۱» آقایان باید مراقبه کنند. باید مراقبت کنند خودشان را. از صبح تا عصر باید مراقب خودشان باشند. اگر غافل بشود تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۴۹ انسان، شیطان راضی نیست به فکر ما، او کفر ما را می‌خواهد، منتها از معاصی کوچک می‌گیرد و کم کم وارد می‌کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان در همه جای زمین دام گسترده تا گمراهان سازد (پس ای انسان‌ها مواظب باشید). ۲. ابلیس صفات پس از انجام گناه، به فرافکنی و جبرگرایی روی می‌آورد (پس مراقب باشید). ۳. خالص شوید تا از دام شیطان ایمن گردید. \*\*\*

عامل گمراهی افراد اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. قَالَ هَذَا صِرْطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ\* إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ أَتَبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (خدا) فرمود: «این راه راستی است که بر عهده من است.»\* در حقیقت بندگانم (را) برای تو هیچ تسلطی بر آنان نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیهی قبل شیطان گفت که من همه را گمراه می‌کنم، مگر بندگان خالص شده‌ی خدا را و در این آیه اشاره شده که شیطان بر بندگان خدا تسلط ندارد؛ یعنی قلمرو استثنا را و از بندگان خالص شده به همه‌ی بندگان خدا (اعم از مخلص و مخلص) توسعه داده است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۰. ۲. در آیهی قبل شیطان گفت: من بندگان خالص شده‌ی تو را گمراه نمی‌کنم، و در این آیه به او پاسخ داده شد که سنت و قانون من آن است که تو بر بندگانم مسلط نشوی و من ضامن حفظ آنان هستم، نه این که کار به دست تو باشد و به آنان کاری نداشته باشی. ۳. انسان‌ها آزادند و حتی وسوسه‌های شیطانی انسان را مجبور نمی‌سازد، بلکه این خود انسان‌های منحرف هستند که با میل و اراده از شیطان پیروی می‌کنند؛ پس تصمیم نهایی با خود انسان است. ۴. هر کس تسلیم خدا گردد و با عبادت و تقوا در مدار بندگان خدا در آید، بیمه می‌شود و شیطان نمی‌تواند با دلیل بر منطبق آنان حاکم شود، همان طور که سلطه و حکومتی بر آنان ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بنده‌ی خدا شوید تا از بندگی شیطان رهایی یابید، که طبق سنت الهی، بندگان خدا بیمه هستند. ۲. انسان با اختیار خود، پیرو شیطان می‌شود و او را بر خود مسلط می‌سازد. ۳. رابطه‌ی انسان با شیطان، رابطه‌ی پیشوا و پیرو است، نه رابطه‌ی اجبار کننده و اجبار شونده (پس شیطان را بر خودتان مسلط نسازید).\*\*\* قرآن کریم در آیات چهل و سوم و چهل و چهارم سوره‌ی حجر به مجازات پیروان شیطان و درهای هفتگانه‌ی جهنم اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۳ و ۴۴. وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ\* لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ وَقَطْعاً جَهَنَّم وَعَدَه گاه همه آنهاست! برای آن (جهنم) هفت در است که برای هر دری، بخشی جداگانه از آن (گمراه) ان است.» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شیطان و پیروان او نمی‌توانند از عذاب الهی فرار کنند و یک جا به حساب آنان رسیدگی می‌شود و همگی به دوزخ فرستاده می‌شوند. ۲. برخی از مفسران احتمال داده‌اند که عدد «هفت» در این آیه بیان کثرت درهای دوزخ باشد «۱» نه برای تعیین عدد خاص؛ یعنی دوزخ درهای بسیار دارد. «۲» البته این درها جنبه‌ی تشریفاتی ندارد و برای کمبود جای ورود به جهنم نیست، بلکه اشاره به عوامل و گناهیانی است که افراد از آن راه‌ها دوزخی می‌شوند. همان طور که بهشت هشت در دارد و هر کدام مخصوص گروهی خاص، هم‌چون مجاهدان است. «۳» البته زیادتر بودن درهای بهشت نشانه‌ی لطف خداست که راه‌های سعادت و بهشتی شدن را بیش‌تر از راه‌های دوزخ قرار داده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیرو شیطان نشوید که فرجام ابلیس و پیروانش دوزخ است. ۲. پیام آیه آن است که دوزخ دارای ورودی‌های متفاوتی است که براساس گناهکاران تقسیم بندی شده است (آنها را بشناسید و از آنها دوری گزینید).\*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۲ دوزخ در قرآن الف) نام‌ها و صفات و طبقات دوزخ ۱. جهنم (حجر، ۴، ۴۳-۴۴)؛ ۲. لُطِّي: آتش سوزان (معارج، ۱۵-۱۷)؛ ۳. حُطْمَه: درهم شکننده (همزه، ۴-۷)؛ ۴. هاویه: محل سقوط (قارعه، ۸-۱۱)؛ ۵. نَارُ حَامِيَةٍ: آتش گرم و سوزنده (غاشیه، ۴ و قارعه، ۱۱)؛ ۶. نار ذات لَهَب: آتش دارای شعله‌ی برافروخته (مسد، ۳)؛ ۷. درك الاسفل: طبقه‌ی پایین دوزخ که مخصوص منافقان است؛ ۸. بئس المصير: فرجام بد (بقره، ۱۲۶)؛ ۹. بئس الورد المورود: ورود گاه بد (هود، ۹۸)؛ ۱۰. دار البوار: سرای هلاکت (ابراهیم، ۲۸)؛ ۱۱. سَيِّقَر: دوزخ آزاردهنده (مدثر، ۲۶-۲۷)؛ ۱۲. جحيم: دوزخ (نازعات، ۳۹ و تکاثر، ۶)؛ ۱۳. سعير: شعله‌ی فروزان (شوری، ۷)؛ ۱۴. نار: آتش (بقره، ۲۴)؛ ۱۵. عذاب الحريق: آتش سوزاننده (بروج، ۱۰)؛ ۱۶. نار الله الموقده: آتش برافروخته‌ی الهی (همزه، ۶)؛ ۱۷. بئس القرار: بد جایگاه استقرار (ابراهیم، ۲۹)؛ ۱۸. بئس المعاد: بستری بد (بقره، ۲۰۶ و ...)؛ ۱۹. سوء الدار: سرای بد (رعد، ۲۵ و غافر، ۵۲)؛ ۲۰. دار الفاسقين: سرای نافرمانان (اعراف، ۱۴۵)؛ ۲۱. دار الخلد: سرای ماندگار (فصلت، ۲۸). تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۳ ب) درهای دوزخ هفت در دارد (حجر، ۴۳-۴۴). ج) راه‌ها و عوامل ورود به دوزخ ۱. کفر (توبه، ۴۹ و ...)؛ ۲. نفاق (نساء، ۱۴۵ و ...)؛ ۳. نافرمانی و تجاوزگری (نساء، ۱۴ و ...)؛ ۴. ممانعت از راه خدا (نساء،

۵۵؛ ۵. ریشخند کردن آیات الهی (کهف، ۱۰۶)؛ ۶. پیروی از شیطان (اعراف، ۱۸)؛ ۷. سرکشی و استکبار (زمر، ۶۰ و اعراف، ۳۶)؛ ۸. ظلم و بیدادگری (کهف، ۲۹، جن، ۱۵)؛ ۹. تکیه کردن بر ظالمان (هود، ۱۱۳)؛ ۱۰. فراموش کردن آخرت (جاثیه، ۳۴)؛ ۱۱. دنیاپرستی و زراندوزی (اسراء، ۱۸ و توبه، ۳۴-۳۵)؛ ۱۲. فرار از جهاد (انفال، ۱۵-۱۶)؛ ۱۳. قتل بی گناهان (مانده، ۳۲ و نساء، ۹۳)؛ ۱۴. ترک نماز (مدثر، ۳۹-۴۶)؛ ۱۵. جلوگیری از زکات (فصلت، ۷ و توبه، ۳۵)؛ ۱۶. خوردن مال یتیمان (نساء، ۱)؛ ۱۷. رباخواری (بقره، ۲۷۵ و آل عمران، ۱۳۰-۱۳۱)؛ ۱۸. ناسپاسی در برابر نعمت‌های الهی (ابراهیم، ۲۸-۲۹)؛ ۱۹. کم فروشی (مطففین، ۱، ۴، ۵ و ۷)؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۴ ۲۰. عیب جویی و غیبت (همزه، ۱-۴)؛ ۲۱. اسراف و تبذیر (مؤمن، ۴۳ و اسراء، ۲۷)؛ ۲۲. جرم و گناه (مریم، ۸۶ و زخرف، ۷۴). د) عذاب‌های دوزخ اول: نوشیدنی‌ها: ۱. زقوم: درختی نفرت‌انگیز (دخان، ۴۳ و صافات، ۶۲-۶۶)؛ ۲. حمیم: آب سوزان (دخان، ۴۶ و حاقه، ۳۵)؛ ۳. غسَلین: خونابه‌های بدن دوزخیان (حاقه، ۳۶)؛ ۴. صَرِیع: گیاه و خار بسیار تلخ و بدبو (غاشیه، ۴-۷)؛ ۵. مُهل: نوشابه‌ی ناگوار اهل دوزخ یا فلز ذوب شده و سَمی (کهف، ۲۹)؛ ۶. غَساق: خونابه (نبا، ۲۱-۲۵)؛ ۷. صَدید: چرک و خونابه (ابراهیم، ۱۵-۱۷). دوم: لباس دوزخیان ۱. ثياب من نار: لباس‌هایی از آتش (حجر، ۱۹)؛ ۲. سراپلهم من قطران: لباسی از ماده‌ی سیاه رنگ قابل اشتعال و بدبو (ابراهیم، ۵۰). سوم: مجازات‌های جسمانی دوزخیان ۱. آتش بزرگ (اعلی، ۱۱-۱۳)؛ ۲. ریختن مایع سوزان بر سر دوزخیان (حج، ۲۰)؛ ۳. تازیانه و گرزهای آتشین (حج، ۲۱)؛ ۴. غل و زنجیر و زندان (ابراهیم، ۴۹ و فرقان، ۱۳-۱۴)؛ ۵. بادهای کشنده و آب سوزان (واقعه، ۴۱-۴۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۵ ۶. سایه سه شاخه از دودهای خفقان‌آور آتش دوزخ (مرسلات، ۳۰-۳۳)؛ ۷. آب جوشان (مؤمن، ۷۲)؛ چهارم: مجازات‌های روحی دوزخیان ۱. اندوه جانکاه و حسرت (حج، ۲۲ و ۵۷)؛ ۲. رسوایی (آل عمران، ۱۹۲)؛ ۳. تحقیر و سرزنش (مؤمنون، ۱۰۷-۱۰۸)؛ مؤمن، ۴۹-۵۰ و اعراف، ۴۴)؛ ۴. صدای وحشت‌آور دوزخ (فرقان، ۱۲)؛ ۵. مأموران خشن و سخت‌گیر (تحریم، ۶). یادآوری: عذاب‌های دوزخ ویژگی‌هایی دارد که از مجازات‌های دنیوی بدتر است، بلکه قابل مقایسه با آنها نیست؛ بنابراین برخی تعبیرات برای نشان دادن عظمت آن عذاب‌ها و تقریب به ذهن است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۶

## بهشت

قرآن کریم در آیات چهل و پنجم تا چهل و هشتم سوره‌ی حجر به نعمت‌های نه‌گانه‌ی پارسایان در بهشت اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۵-۴۸. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَأَمِينٍ \* وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَلِينَ \* لَأَيَّمُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ در حقیقت پارسایان (خود نگهدار) در بوستان‌ها [ی بهشتی و چشمه‌ساراند].\* (به آنان گفته می‌شود): در حال سلامت [و] امنیت وارد آن جا شوید؛\* و آنچه در دل‌هایشان از کینه دارند، بر می‌کنیم، برادرانه بر تخت‌هایی رویاروی هم‌اند؛\* هیچ رنجی در آن جا به آنان نمی‌رسد، و آنان از آن جا بیرون رانده نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم از روش مقایسه و مقابله برای تربیت استفاده می‌کند؛ یعنی در آیات پیشین مجازات شیطان و پیروانش را بیان کرد و در این آیات پاداش‌های پارسایان بهشتی را مطرح می‌کند، تا هر کس قرآن را مطالعه کرد و یا به آیات آن گوش سپرد، با مقایسه‌ی سرنوشت این دو گروه، راه صحیح را انتخاب کند. ۲. در این آیات به صفت تقوا و پارسایی بهشتیان اشاره شده است. تقوا همان حفظ خود از زیان جسمی و روحی است که تعهدآور و جامع تمام صفات انسانی است. ۳. در این آیات «بوستان‌ها و چشمه‌ها» به صورت جمع آمده است تا نشان دهد در بهشت باغ‌های متنوع و چشمه‌های فراوان وجود دارد که هر کدام لذت تازه‌ای می‌آفریند که شاید تجسّمی از انواع کارهای نیک و اعمال تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۷ شایسته‌ی پارسایان در این جهان است. «۱» ۴. در این آیات به دو نعمت «سلامت و امنیت» اشاره شده است؛ سلامت از هر گونه رنج و ناراحتی و امنیت از هر گونه خطر. این دو نعمت سرآغاز همه‌ی نعمت‌ها هستند و بدون آنها هیچ نعمتی قابل استفاده نیست و این مژده‌ای برای بهشتیان در هنگام ورود است.

۵. واژه‌ی «غَلَّ» در اصل به معنای نفوذ مخفیانه‌ی چیزی است و از این رو به حسد، کینه و دشمنی که به صورت مرموز در جان انسان نفوذ می‌کند غل گفته می‌شود. در این جا اشاره به صفات زشت اخلاقی است که در بهشت، جان انسان‌ها از آن تطهیر می‌شود «۲» و ریشه‌ی جنگ و کشمکش کنده می‌شود و زمینه‌ی برادری فراهم می‌گردد. ۶. ممکن است برخی افراد پارسا و باتقوا تا هنگام ورود به بهشت کاملاً خالص نشده باشند که با کمک الهی صفات ناپسند باطنی آنان پاک می‌شود و با صفا در بهشت می‌مانند. ۷. در این آیه به نعمت برادری بهشتیان و روبه‌روی هم نشستن آنها اشاره شده است؛ یعنی مجلس بهشتیان، طبقاتی و رنج‌آور نیست؛ هر چند از نظر معنوی درجات متفاوتی دارند، ولی همه‌ی آنها در یک صف روبه‌روی هم می‌نشینند. ۸. کسب آسایش در دنیا با خستگی و زحمت همراه است، ولی در بهشت خستگی و رنج وجود ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۸ از طرف دیگر، آسایش و نعمت‌های دنیوی پایان‌پذیر و ناپایدار است، اما نعمت‌های بهشتی همیشگی است و هیچ‌گاه انسان را از بهشت اخراج نمی‌کنند. ۹. در این آیات به انواع نعمت‌ها اشاره شده است: نعمت‌های مادی (بوستان‌ها، چشمه‌ها) و نعمت‌های اجتماعی (برادری و روبه‌روی هم بر تخت نشستن) و نعمت‌های معنوی (سلامت روحی، امنیت، جاودانگی و دوری از صفات زشت اخلاقی و رنج‌ها) که همگی در بهشت برای انسان مهیا شده است، ولی حقایق این نعمت‌ها برتر از درک محدود ماست. ۱۰. برخی از نعمت‌های نه‌گانه‌ای که در این آیات گفته شد، در دنیا هم وجود دارند، اما با هم‌دیگر و یک جا و یک زمان نیستند؛ یعنی گاهی امنیت هست سلامت نیست، گاهی هر دو هستند، اما بوستان و چشمه نیست و گاهی صفات زشت اخلاقی مانع است. «۱» ۱۱. برخی مفسران گفته‌اند که پاداش وقتی کامل است که چهار شرط داشته باشد: الف) منفعت قابل ملاحظه‌ای باشد؛ ب) همراه با احترام باشد؛ ج) از هر گونه ناراحتی به دور باشد؛ د) جاودانه باشد. در آیات فوق به هر چهار مورد اشاره شده است؛ یعنی پاداش پارسایان بهشتی، گران‌سنگ، همراه با خوش‌آمدگویی فرشتگان و به دور از رنج و جاودانه است. «۲» ۱۲. نعمت‌های نه‌گانه‌ای که در این آیات برای زندگی بهشتی گفته شد، اصول نعمت‌های زندگی دنیوی نیز هست و گویا این نکته را به ما تفهیم می‌کند که شما نیز می‌توانید با فراهم ساختن این نعمت‌ها در زندگی دنیوی بهشت کوچکی برای خود بسازید؛ یعنی جامعه‌ای پر از صلح و صفا، برادری، تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۵۹ با سلامت و امنیت و بدون مزاحمت برای خود و دیگران فراهم سازید و جلوه‌ای از بهشت را ببینید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر بهشت می‌طلبید، پارسا شوید که پاداش‌های گوناگونی برای پارسایان در بهشت فراهم شده است. ۲. سلامت، امنیت، صفا، زندگی برادرانه، بی‌رنجی، جاودانگی در بوستان‌ها و چشمه‌ها، همه از ویژگی‌های بهشتیان پارساست. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی حجر پیامی امیدبخش به بندگانش می‌دهد و می‌فرماید: ۴۹. تَبٰیءَ عِبَادِی اَنتِی اَنَا الْعَفُوْرُ الرَّحِیْمُ (ای پیامبر) بندگانم را آگاه کن که تنها من بسیار آمرزنده مهرورزم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین که پاداش‌های نه‌گانه‌ی بهشتیان را برشمرد، طمع را در دل بندگانش برانگیخت و اینک در این آیه، همگان را امیدوار ساخته و وعده‌ی آمرزش و محبت می‌دهد، تا بندگان خطاکار و گناهکار ناامید نشوند و به درگاه پروردگارش توبه کنند. ۲. تعبیرات این آیه سراسر لطافت، محبت و نوازش بندگان است. تعبیر «عبادی» (بندگان من) بسیار محبت‌آمیز است. توصیف خدا به مهربانی، نشانه‌ی مهرورزی او نسبت به بندگان است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خداوند نسبت به بندگان (گناهکار) آمرزنده و مهرورز است. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی مردم را به لطف الهی امیدوار سازند.

\*\*\*

### ماجرای مهمان‌های ابراهیم(ع)

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی حجر به کیفر گناهکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۰. وَاَنَّ عَذَابِی هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِیْمُ و این که عذاب من تنها عذاب دردناک است! نکته‌ها و اشاره‌ها: روش تربیتی قرآن آن است که از دو مقوله‌ی بشارت و هشدار، با هم

استفاده می‌کند؛ یعنی گاهی با یادآوری بخشش و رحمت الهی مردم را امیدوار می‌سازد و گاهی با یادآوری کیفرهای الهی، به خلافکاران هشدار می‌دهد تا مردم را بین بیم و امید (خوف و رجا) نگه دارد تا نه کسی از درگاهش ناامید شود و نه کسی با تکیه بر آموزش و محبت خدا، سرکشی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از عذاب الهی غافل نشوید. ۲. (همان طور که لطف الهی را به یاد مردم می‌آورید)، عذاب او را نیز یادآور شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیات پنجاه و یکم و پنجاه و دوم سوره‌ی حجر به سرگذشت مهمانان ابراهیم علیه السلام و بیم او از آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۱ و ۵۲. وَبَثَّهْمُ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ\* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۱ و از میهمان‌های ابراهیم به آنان خبر ده؛ \* هنگامی که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام!» (ابراهیم) گفت: «در واقع ما از شما هراسانیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل، از رحمت و مهر الهی خبر داده شد و اینک در این آیه نمونه‌ای از رحمت الهی بر ابراهیم علیه السلام را بیان می‌کند، که فرشتگان نزد او آمدند و مهمان او شدند؛ و در آیات بعد می‌خوانیم که مژده‌ی فرزندی را به او دادند. ۲. واژه‌ی «ضَیْف» به معنای مهمان و مهمان‌ها می‌آید و در این جا مقصود فرشتگانی هستند که به صورت انسان‌هایی ناشناس مهمان ابراهیم علیه السلام شده بودند «۱» که در آیات ۶۹-۷۶ سوره‌ی هود سرگذشت آنان بیان گردید و به خاطر اهمیت مطلب و آموزنده بودن آن، در این جا به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود. ۳. حضرت ابراهیم علیه السلام پیامبری مهمان‌نواز بود و از این رو فوراً گوساله‌ای بریان شده برای مهمانان خود فراهم آورد، ولی آنان دست به غذا نبردند و این نشانه‌ی خشم و دشمنی تلقی می‌شد؛ زیرا اگر مهمان از غذای صاحبخانه بخورد، به او گزند می‌رساند و چنانچه از غذای او نخورد، معلوم می‌شود که قصد بدی دارد. از این رو ابراهیم علیه السلام از مهمانان ناخوانده وحشت کرد و حتی به آنان گفت که ما از شما هراس داریم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. داستان‌های آموزنده‌ی تاریخ را بارها برای مردم بگویند تا عبرت بیاموزند. ۲. ادب مهمان آن است که بر صاحب‌خانه سلام کند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۲ قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم تا پنجاه و ششم سوره‌ی حجر به گفتمان ابراهیم علیه السلام با فرشتگان در مورد مژده‌ی تولد اسحاق و ناامید نشدن از رحمت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳-۵۶. قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ عَلِيمٍ\* قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمِئْتٍ نَبِّئُونَنِي\* قَالُوا بِشْرُوكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ\* قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (فرشتگان) گفتند: «نهراس! که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.» \* گفت: «آیا مرا مژده می‌دهید با این که پیری به من رسیده است؟! پس به چه چیز مژده می‌دهید؟!» \* گفتند: «تو را به حق مژده دادیم؛ پس از ناامیدان مباش.» \* (ابراهیم) گفت: «و جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام نخست از هاجر دارای فرزندی به نام اسماعیل شد و پس از گذشت سال‌ها، اکنون که به سن پیری رسیده بود، فرشتگان الهی به او مژده‌ی پسر دیگری به نام اسحاق دادند که از ساره متولد می‌شود. «۱» ۲. تعجب ابراهیم از مژده‌ی فرزنددار شدنش، برای آن بود که او کهن سال شده و آثار پیری در موها و صورتش نمایان شده بود و بر اساس موازین طبیعی، تولد فرزند از او بسیار بعید بود. «۲» ۳. فرشتگان در برابر تعجب ابراهیم، با قاطعیت سخن گفتند و به او اشاره تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۳ کردند که اولاً، بشارت ما از طرف خداست، پس حق و حقیقت است و ثانیاً، این اظهار تعجب تو بوی ناامیدی می‌دهد و سزاوار نیست که تو از رحمت خدا ناامید باشی. ۴. ابراهیم علیه السلام با بیان یک قانون کلی گفت: «تنها گمراهان از رحمت خدا ناامید می‌شوند.»؛ یعنی او از خود دفاع کرد و اشاره نمود که تعجب من از فرزنددار شدن بر اساس موازین طبیعی بود و گر نه من گمراه نیستم و به قدرت بی‌نهایت الهی ایمان دارم و می‌دانم که او می‌تواند هر کار مهمی را انجام دهد. ۵. تعجب از کارهای خارق عادت خدا، با ایمان داشتن و امید داشتن به قدرت خدا منافاتی ندارد؛ چرا که تعجب یک امر طبیعی و گاهی غیراختیاری است. «۱» ۶. مقتضای مقام ربوبیت و پرورش‌دهندگی خدا، همان رحمت اوست و کسی که خدا را با صفت رحمت و ربوبیت بشناسد، از او ناامید نمی‌شود، اما کسی که گمراه شود و خدا و صفاتش را به خوبی نشناسد، از قدرت بی‌نهایت او غافل و از رحمت پروردگار مأیوس می‌شود. ۷. طبق تحقیقات دانشمندان، درصد افسردگی و خودکشی در افراد



مذهبی از افراد غیر مذهبی کم‌تر است؛ چرا که انسان‌های مؤمن رحمت خدا را شناخته‌اند و به او ایمان و امید دارند، اما گمراهان و بی‌دینان که به رحمت الهی امید ندارند، بیش‌تر گرفتار افسردگی و در نهایت خودکشی می‌شوند. این یکی از آثار ایمان در زندگی بشر است. ۸. پیامبران تحت تربیت الهی هستند و فرشتگان در موارد لزوم به آنان هشدار می‌دهند و این منافاتی با عصمت آنان ندارد؛ زیرا هشدار در مورد ناامید نشدن از رحمت الهی، به معنای تحقق این امر نیست. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مهمان با سخنان امیدبخش، ترس صاحب‌خانه را برطرف کند. ۲. از رحمت الهی ناامید نشوید، که تنها گمراهان از رحمت الهی مأیوس می‌شوند. \*\*\*

### ماجرای قوم لوط

قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم تا شصتم سوره‌ی حجر به گفت و گوی ابراهیم با فرشتگان در مورد هلاکت قوم لوط و نجات خانواده‌ی او اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۷- ۶۰. قَالَ فَمَآ حَطَبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ \* قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ \* إِيَّاكَ نَدْعُوا لَوْ لَوْ إِنَّا لَمُنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا نَحْنُ مِنَ الْغَيْرِينَ (و در ادامه) گفت: «پس ای فرستادگان [خدا، جریان کار شما چیست؟» (فرشتگان) گفتند: «در حقیقت ما به سوی گروهی خلافکار فرستاده شده‌ایم؛\* مگر خاندان لوط، [چرا] که ما قطعاً نجات دهنده همه آنانیم،\* جز زنش، که مقدر کرده‌ایم حتماً او از بازماندگان (در شهر) باشد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت ابراهیم علیه السلام پس از دریافت مژده‌ی تولد اسحاق، متوجه شد که فرشتگان الهی تنها برای این کار نیامده‌اند «۱» بلکه مأموریت بزرگ‌تری دارند؛ از این رو از مأموریت آنان پرسید. ۲. از آن جا که ابراهیم علیه السلام پیامبر اولوالعزم بود و به خاطر مأموریت جهانی و مقام ویژه‌ای که داشت، در جریان کارهای پیامبران معاصرش هم چون لوط قرار می‌گرفت؛ یعنی فرشتگان سلسله مراتب نبوت را رعایت می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۵ به عبارت دیگر، ابراهیم علیه السلام هم پیامبر و هم امام بود، ولی لوط علیه السلام فقط پیامبر بود؛ از این رو ابراهیم علیه السلام بر او ولایت داشت. «۱» ۳. مقصود از «قوم خلافکار» در این آیات همان قوم لوط است که به گناه و بیماری هم‌جنس‌بازی مبتلا شده بودند و مقرر شده بود که عذاب الهی بر آنان فرود آید. «۲» ۴. زن حضرت لوط علیه السلام که بی‌ایمان بود و با مخالفان لوط پیامبر همکاری می‌کرد، در شهر باقی گذاشته شد و همراه خلافکاران گرفتار عذاب الهی شد، تا درس عبرتی برای خیانتکاران در طول تاریخ باشد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرشتگان خبرهای غیبی را در اختیار پیامبران می‌گذاشتند. ۲. فرشتگان در ابلاغ پیام الهی، سلسله مراتب نبوت را رعایت می‌کردند و این آموزه‌ای در راستای مدیریت اسلامی است. ۳. خدا همان گونه که خلافکاران را مجازات می‌کند، مؤمنان را نجات می‌بخشد. ۴. در نزد خدا همسران مجرم پیامبران با بقیه‌ی خلافکاران یکسان‌اند؛ یعنی اصل ضابطه است نه رابطه. ۵. از سرنوشت هم‌جنس‌گرایان قوم لوط و همسرش عبرت بگیرید. ۶. حساب مردان خدا را از بستگانشان جدا کنید. ۷. گاهی ازدواج پیامبران هم، موفقیت‌آمیز نبوده است (پس انتظار موفقیت صد درصد در همه‌ی ازدواج‌ها نداشته باشید). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۶ قرآن کریم در آیات شصت و یکم تا شصت و چهارم سوره‌ی حجر به گفتمان لوط پیامبر با فرشتگان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱- ۶۴. فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ \* قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ \* قَالُوا يَلَّيْلَ جِنَّكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ \* وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ \* وَهَنَّا لَمُنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا نَحْنُ مِنَ الْغَيْرِينَ (فرشتگان) گفتند: «بلکه چیزی را برای تو آوردیم که (کافران) همواره در آن تردید می‌کردند؛\* و حق را برای تو آورده‌ایم؛ و قطعاً ما راستگوییم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل به ملاقات فرشتگان انسان‌نما با ابراهیم علیه السلام اشاره شد و اینک در این آیات ملاقات و گفتمان آنان با لوط پیامبر علیه السلام بیان شده است. ۲. ماجرای این ملاقات به صورت کامل‌تری در آیات ۶۹- ۷۶ سوره‌ی هود بیان شد. لوط پیامبر از آمدن فرشتگان ناراحت شد؛ چون از طرفی آنان به صورت جوانانی خوش‌صورت به شهر قوم لوط آمدند و آن شهر محیطی فاسد داشت

و هم‌جنس‌بازان در آن جا حاکم بودند و از طرف دیگر، لوط پیامبر علیه السلام مهمان‌نواز بود و حاضر نبود که گزندى به مهمانانش برسد. ۳. فرشتگان به لوط پیامبر علیه السلام گفتند که برای مجازات قوم هم‌جنس باز او آمده‌اند، تا عذابی را به آنان بچشانند که لوط به آنان گوشزد کرده بود، ولی جدی نگرفته بودند. ۴. فرشتگان بر حتمی و حقیقی بودن عذاب قوم لوط تأکید کردند؛ زیرا حجت بر آنان تمام، و مجازات قطعی شده و راه شفاعت و توبه بسته شده بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هشدارها و تهدیدهای الهی حق است پس در آن تردید روا مدارید. ۲. پیام‌آوران الهی راست گو و منادی حق هستند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۷ قرآن کریم در آیات شصت و پنجم و شصت و ششم سوره‌ی حجر به فرمان خروج خاندان لوط و عذاب قوم او و نابودی هم‌جنس‌گرایان اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۵ و ۶۶. فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أذْبُرَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوهَا حَيْثُ تَوَمَّرُونَ\* وَقَصِّصْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوَلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّضِعِّجِينَ پس در پاره‌ای از شب خانواده‌ات را حرکت ده، و از پی آنان برو، و هیچ یک از شما روی برنگرداند، و از هر جا که دستور داده می‌شوید، بگذرید. \* و به سوی او (: لوط) آن کار را وحی کردیم که صبحگاهان دنباله (نسل) آن (خلاف کار) ان قطع خواهد شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که مقرر شد عذاب الهی بر قوم لوط فرود آید، طبق وعده‌ی الهی باید خانواده‌ی لوط که مؤمن بودند نجات می‌یافتند؛ و از این رو به لوط فرمان داده شد که شب‌هنگام که هم‌جنس‌گرایان در خواب هستند، همگی از شهر خارج شوید. ۲. عذاب قوم لوط در اواخر شب یا هنگام سحر بود و این همان زمانی است که خاندان لوط نجات یافتند؛ «۱» یعنی زمانی که شهوت پرستان در خواب غفلت و مستی فرو رفته بودند. ۳. انتخاب هنگام طلوع آفتاب برای مجازات قوم لوط، شاید بدان جهت بود که افرادی که به خانه‌ی لوط پیامبر علیه السلام هجوم بردند، نابینا شدند «۲» و به تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۸ خانه‌ها باز گشتند و یک شب به آنان مهلت داده شد تا شاید توبه کنند و باز گردند. «۱» و یا برای آن بود که برخی از مهاجمان سوگند یاد کرده بودند که صبحگاهان حتی یک نفر از خانواده‌ی لوط را زنده نگذارند، اما پیش از اقدام مجازات شدند که در برخی احادیث به این مطلب اشاره شده است. «۲» ۴. قرآن مقصد خاندان لوط را به صورت مجمل بیان کرده است؛ یعنی «به آنان گفته شد به همان نقطه‌ای که فرمان داده شد، بروید.» برخی مفسران آن نقطه را سرزمین شام دانسته‌اند که محیط نسبتاً پاکی بود و یا شهر یا روستای خاصی توسط فرشتگان مشخص شده بود و یا نوعی راه‌نمایی الهی با خود داشتند که در مسیر از آن بهره می‌بردند. «۳» ۵. عذاب قوم لوط حتمی شده بود و قابل برگشت و تجدید نظر نبود. ۶. برخی اخبار غیبی قبل از وقوع آن، به پیامبران اطلاع داده می‌شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به وعده‌ی خود عمل می‌کند و مؤمنان را از عذاب نجات می‌دهد. ۲. رهبر یا به پای مردم ضعیف حرکت کند تا کسی بر جای نماند. ۳. رهبران الهی مقصد و راه خود را با راه‌نمایی خدا می‌پیمایند. ۴. خدا نسل خلافکاران هم‌جنس‌گرا را نابود می‌سازد. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۶۹ قرآن کریم در آیات شصت و هفتم تا هفتاد و یکم سوره‌ی حجر به واکنش شرم‌آور قوم لوط و گفت و گوی آنان با لوط پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۷ - ۷۱. وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ\* قَالَ إِنَّ هُوَلَاءِ ضَعُفَى فَلَ تَفْضَحُونَ\* وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَمَّا تَحْزُونَ\* قَالُوا أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَمِينَ\* قَالَ هُوَلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَعِلِينَ و مردم شهر در حالی که شادی می‌کردند (به سوی خانه لوط) آمدند. \* (لوط) گفت: «در حقیقت اینان میهمانان من‌اند، پس [مرا] رسوا مکنید؛\* و خودتان را از عذاب (خدا) حفظ کنید، و [مرا] خوار مسازید.» \* (قوم لوط) گفتند: «و آیا تو را از (میهمان پذیری) جهانیان منع نکردیم؟!» \* (لوط) گفت: «اگر می‌خواهید کار (صحیحی) انجام دهید این (زن) ان دختران من‌اند، (با آنها ازدواج کنید.)» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم لوط بسیار بی‌شرم بودند، به طوری که پس از دیدن فرشتگان، که گمان می‌کردند جوانان زیبایی هستند، گروه زیادی به طرف خانه‌ی لوط علیه السلام آمدند و حتی به یک‌دیگر مژده می‌دادند که طعمه‌ی لذیذی به چنگ آورده‌اند. این جریان نشان دهنده‌ی عمق آلودگی و بی‌شرمی آنان در زمینه‌ی هم‌جنس‌گرایی است، چیزی که حتی در میان چهارپایان نیز نظیر آن کم‌تر دیده می‌شود. ۲. در این آیات اشاره شده که لوط پیامبر از هجوم مردم آگاه شد و در صدد دفع حمله‌ی آنان به میهمانان خود برآمد و با آرامش

و خواهش از آنها خواست که با این کارها او را در برابر میهمانان رسوا و شرمنده ن سازند و آبروی او را نریزند؛ یعنی کاری نکنند که مردم بفهمند اهل شهر لوط تا چه اندازه آلوده به هم‌جنس بازی شده‌اند. ۳. برخی مفسران نوشته‌اند که لوط پیامبر برای نجات افراد غریب و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۰ مسافر از چنگال هم‌جنس‌گرایان، آنها را به خانه‌ی خود دعوت می‌کرد. «۱» این آیات اشاره دارند که قوم بی‌شرم لوط قبلاً به پیامبرشان هشدار داده بودند که میهمان به خانه‌ی خود راه ندهد تا آنان بتوانند افراد مسافر و غریب را به چنگ آورند و طعمه‌ی هوس‌بازی خود نمایند. «۲» ۴. حضرت لوط پیامبر علیه السلام به قوم خویش پیشنهاد کرد که با دختران ازدواج کنند. البته منظور لوط پیامبر آن بود که اگر شما ایمان آورید، می‌توانید هر کدام با یک دختر ازدواج کنید «۳» و این نوعی اتمام حجت بر آنان بود که اگر مقصودشان اشباع‌غریزه‌ی جنسی است، راه صحیح و قانونی وجود دارد؛ پس به انحراف و هم‌جنس‌گرایی روی نیاورند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر گناهکاری در جامعه شایع شود، شرم و حیای مردم از بین می‌رود. ۲. تا آن جا که می‌توانید، از میهمانان خود دفاع کنید. ۳. اهانت به میهمان، اهانت به میزبان است. ۴. اگر جامعه آلوده شود، خلافکاران، قانون منع نیکوکاری وضع می‌کنند و بی‌شرمانه و طلبکارانه آن را اجرا می‌کنند. ۵. برای جلوگیری از گناه، راه‌های قانونی و صحیح پیشنهاد کنید. ۶. هدف پیامبران، سرکوبی‌غریز و ممنوع ساختن لذت‌ها نیست، بلکه هدایت و کنترل آنهاست. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۱ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی حجر به سرمستی قوم لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۲. لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ به جان تو سوگند، قطعاً آنان در مستی خود سرگردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هم‌جنس‌گرایان قوم لوط گرفتار مستی‌شهوت، غرور و لجاجت شده و کاملاً از اخلاق انسانی و عواطف بشری دور گشته بودند و از این رو هیچ حیایی نداشتند و حتی به خانه‌ی دیگری هجوم می‌بردند تا به میهمانان او تعرض کنند. ۲. مستی و خُماری انواع مختلفی دارد؛ گاهی از شراب و گاهی از مقام و شهوت است. هم‌جنس‌بازان قوم لوط گرفتار مستی‌شهوت شده بودند و در این انحراف سرگردان بودند، به طوری که راه نجات خود را گم کرده بودند و نمی‌دیدند و حتی هنگامی که لوط پیشنهاد ازدواج با دختران را می‌دهد، حاضر نیستند راه حلال را برای اشباع‌غریزه‌ی جنسی بپذیرند و از گناه و ننگ‌رهایی یابند و سرمستانه باز هم به دنبال انحراف جنسی خود هستند. ۳. اسلام راه ارضای‌غریزه‌ی جنسی را برای بشر باز کرده، ولی آن را کنترل و هدایت نموده است؛ یعنی ازدواج مرد با زن را حلال کرده، اما هم‌جنس‌بازی و لواط را حرام شمرده و مجازات شدید مرگ را برای آن قرار داده است «۱» تا این بلا جامعه‌ی انسانی را به انحراف نکشاند و نسل بشر به نابودی کشیده نشود و بیماری‌های آمیزشی دامان انسان‌ها را نگیرد. «۲» ۴. در برخی احادیث می‌خوانیم که لوط پیامبر علیه السلام حدود سی سال در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۲ میان این گروه شهوت‌پرست فرومایه به تبلیغ دین الهی مشغول بود، «۱» اما هیچ کس، جز خانواده‌اش، به او ایمان نیاوردند و حتی همسر او هم در ردیف کافران قرار گرفت. «۲» و همین کفر، انحراف و مستی‌شهوت قوم لوط را گرفتار عذاب الهی کرد، ولی خانواده‌ی او نجات یافتند. ۵. سوگند در این آیه به جان و عمر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است «۳» و برخی مفسران آن را سوگند فرشتگان به جان لوط پیامبر دانسته‌اند. «۴» و از این آیه استفاده کرده‌اند که سوگند به غیر خدا برای تأکید کارها جایز است، هر چند آثار قسم بر آن مترتب نیست. سوگند شرعی وقتی منعقد می‌شود که با نام خدا همراه باشد. «۵» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم‌جنس‌بازی نوعی مستی است (مراقب باشید که به آن آلوده نشوید). ۲. سرمست گناه نشوید (که فرجامی عذاب‌آلود دارد). \*\*\* قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی حجر به عذاب‌های قوم لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ \* فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۳ و در حال طلوع خورشید بانگ (مرگبار) آنان را فرو گرفت؛\* و آن (شهر) را زیر و رو گرداندیم، و سنگ [هایی از جنس گِل بر آنان باراندیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. صیحه یا فریادی که قوم لوط با آنان نابود شدند، ممکن است صدای یک صاعقه‌ی عظیم یا زلزله‌ی وحشتناک بوده باشد که همه‌ی مردم از وحشت آن بی‌هوش یا بی‌جان شدند. «۱» ۲. در عصر ما روشن شده که امواج صوتی شدید، آزار

دهنده و وحشت‌انگیزند که گاهی با عنوان شکستن دیوار صوتی از آن یاد می‌شود. اگر این امواج از حد فراتر روند، ارگان‌های حیاتی بدن را به کلی از کار می‌اندازند و یا حتی ساختمانی را ویران می‌سازند. ۳. در این دو آیه به سه عذاب قوم لوط اشاره شده است: فریادی وحشتناک که آنان را فراگرفت، شهرشان زیر و رو شد و بارانی از سنگ بر آنان بارید. ۴. بارش سنگ‌ها شاید برای هدف‌گیری کسانی بود که با صدای وحشتناک نابود نشده و یا زیر آوار نرفته بودند و نیز ممکن است این بارش سنگ‌ها برای محو کردن اجساد پلید این قوم بوده است. ۵. احتمالاً تعدد عذاب قوم لوط به خاطر شدت گناه و جسارت و بی‌شرم بودن آنان و برای عبرت دیگران بوده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با هم‌جنس‌بازان بی‌شرم به شدت برخورد کنید. ۲. هم‌جنس‌بازی فرجامی سخت و عذاب‌آلود دارد. \*\*\* قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجم تا هفتاد و هفتم سوره‌ی حجر به نشانه‌های عبرت‌آموز سرگذشت قوم لوط اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۵-۷۷. إِنَّ فِي ذَلِكْ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ \* وَإِنَّهَا لَبَسِيلٌ مَّقِيمٌ \* إِنَّ فِي ذَلِكْ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ قطعاً در این (سرگذشت)، نشانه‌هایی (عبرت‌آموز) برای هوشیاران است. \* و قطعاً آن (شهر ویران)، بر سر راه پایدار (مسافران) است. \* قطعاً در این (ماجرای)، نشانه‌ای (امید بخش) برای مؤمنان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. افراد بافراست و باهوش «۱» با بینش مخصوص خود، در ماجرای قوم لوط نشانه‌هایی آموزنده و عبرت‌آموز می‌بینند. آن کس است اهل بشارت که اشارت داند نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست (حافظ) ۲. آثار شهر قوم لوط، در راه شام از سوی مسیر مدینه قرار دارد که نگاه به آن ویرانه‌ها و تفکر در آنها برای هر بیننده‌ای عبرت‌آموز است و هر هوشیاری را به توبه و تطهیر دل و جان از آلودگی‌ها فرا می‌خواند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۵ ۳. در ماجرای قوم لوط برای هوشیاران نشانه‌های عبرت‌آموزی است و برای مؤمنان نشانه‌های امید آفرین؛ زیرا افراد باایمان از عذاب قوم لوط و نجات خاندان او امیدوار می‌شوند که خدا حامی مؤمنان و خوارکننده‌ی کافران است. ۴. مفسران از جمله‌ی «در ماجرای قوم لوط نشانه‌هایی برای افراد باهوش و مؤمنان است.» استفاده کرده‌اند که مؤمنان راستین همان هوشیارانی هستند که با دیده‌ی عبرت به تاریخ می‌نگرند. «۱» آشنایان، ره بدین معنا برند در سرای خاص بار عام نیست (سعدی) ۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از افراد هوشیار در این آیه امامان علیهم السلام هستند. «۲» و در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام حکایت شده که مقصود از هوشیاران در این آیه پیامبر بود و بعد از او من و امامان از نسل من هستند. «۳» البته روشن است که این گونه احادیث مصداق‌های کامل آیه را بیان می‌کند، و گرنه تعبیرات آیه شامل همه‌ی هوشیاران می‌شود، همان طور که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که مقصود از افراد هوشیار در این آیه، همان امت اسلام هستند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۶ و سپس اضافه کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از هوشیاری مؤمن برحذر باشید، که او با نور خدای متعال می‌بیند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث تاریخی برای هوشیاران نشانه‌های عبرت‌آموزی در بر دارند. ۲. حفظ و دیدار شهرهای ویران شده کنار جاده‌ها مایه‌ی عبرت دیگران است. ۳. مؤمنان از مطالعه‌ی تاریخ نشانه (ی امید آفرین پیروزی حق را) می‌بینند. \*\*\*

### ماجرای قوم شعیب (اصحاب آیکه)

قرآن کریم در آیات هفتاد و هشتم و هفتاد و نهم سوره‌ی حجر به سرزمین‌های پردرخت قوم شُعَيْب و ستمکاری و مجازات عبرت‌آموز آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۸ و ۷۹. وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ \* فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مِّنْكُمْ مِّمْلَأَ أَهْلَ الْأَيْكَةِ (: سرزمین پر درخت قوم شعیب) ستمکار بودند. \* و از آنان انتقام گرفتیم؛ و قطعاً دو (شهر ویران شده قوم لوط و شعیب) بر سر راهی آشکار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ایکّه» به معنای درختان درهم پیچیده است و در این جا اشاره به قوم شعیب پیامبر علیه السلام است «۲» که در سرزمینی پر آب و درخت در بین عربستان و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۷ سوره‌ی فعلی زندگی می‌کردند. «۱» ۲. قوم شعیب که ثروت زیادی داشتند، گرفتار غرور و غفلت شدند و به کم‌فروشی و فساد در زمین پرداختند و

شعیب پیامبر علیه السلام آنان را از این کار منع کرد و به توحید و راه حق فراخواند، اما آنان لجاجت کردند و سرانجام با مجازات دردناکی به هلاکت رسیدند؛ صاعقه‌ای بر آنان فرود آمد و آن ستمکاران و سرزمین پردرخت آنها را نابود کرد. «۲» ۳. تأکید بر سرزمین پردرخت قوم شعیب، شاید برای یادآوری این مطلب است که با این همه نعمتی که به آنان بخشیدیم، به جای سپاس، ستمکاری و ناسپاسی کردند و گرفتار عذاب الهی شدند. ۴. «امام» در اصل از ماده‌ی «ام» به معنای قصد کردن است و از آن جا که انسان برای رسیدن به مقصد، از راه‌ها عبور می‌کند، واژه‌ی امام به معنای راه هم آمده است. «۳» در این آیه اشاره به آن است که شهرهای ویران شده‌ی قوم لوط و قوم شعیب در کنار جاده و بر سر راه کاروان‌ها و مسافران است که مایه‌ی عبرت آنهاست. ۵. حفظ آثار تاریخی مفید است و سبب عبرت آموزی مسافران و ره‌گذران و بینندگان می‌شود، و همین، فلسفه‌ی حفظ آثار تاریخی در کنار خیابان‌ها و موزه‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت ستمکاران تاریخ عبرت بگیرید. ۲. به آثار تاریخی کنار جاده‌ها و شهرها و ملت‌های مجازات شده توجه کنید و عبرت بگیرید. ۳. ستمکاری عامل عذاب و هلاکت ملت‌هاست. \*\*\*

### ماجرای قوم لوط (اصحاب حجر)

قرآن کریم در آیات هشتادم تا هشتاد و چهارم سوره‌ی حجر به سرگذشت قوم ثمود (یعنی اصحاب الحجر) و خانه‌های سنگی و عذاب آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۰-۸۴. **وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ \* وَعَاقِبْنَاهُمْ فَأَتَيْنَاهُمْ فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ \* وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ \* فَآخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ مُضْجِينَ \* فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ** و یقین اهل حجر (قوم ثمود) فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛\* و نشانه‌های خود را به آنان دادیم، و [لی از آنها روی گردان بودند]\* و در حال امنیت، همواره از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدند.\* و صبحگاهان بانگ (مرگبار) آنان را فرو گرفت!\* و آنچه همواره کسب می‌کردند، (عذاب الهی را) از آنان دفع نکرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حجر» در اصل به معنای «دامن مادر» است و این واژه نام شهری است که قوم ثمود در آن سکونت داشتند «۱» و شاید از آن جهت که این شهر در دامنه‌ی کوه ساخته شده بود «حجر» نامیده شده. مکان این شهر را در مسیر مدینه به سوریه و در جنوب «تیمه» دانسته‌اند تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۷۹ که یکی از شهرهای تجارتنی عربستان بود و امروزه تقریباً اثری از آن نیست. «۱» ۲. در حکایات تاریخی آمده است پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سال نهم هجری برای جنگ تبوک لشگرکشی می‌کردند و سربازان اسلام خواستند در محلی توقف کنند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله مانع شدند و فرمودند: «این جا همان منطقه‌ی قوم ثمود است که عذاب الهی بر آنان فرود آمد.» «۲» ۳. قوم ثمود پیامبری به نام صالح علیه السلام داشتند، ولی در این آیه اشاره شده که آنان «فرستادگان» خدا را انکار کردند؛ شاید بدین خاطر که این قوم پیامبران دیگری نیز داشتند و یا این که برنامه و هدف همه‌ی پیامبران یکی است و تکذیب یکی از آنان به منزله‌ی تکذیب همه‌ی آنهاست. «۳» ۴. مردم شهر «حجر» در کار شهرسازی پیش‌رفته و کوشا بودند و خانه‌های محکم و امنی می‌ساختند؛ یعنی یا در دل کوه‌ها تونل می‌زدند و خانه می‌ساختند و یا خانه‌های خود را از سنگ می‌ساختند، تا در برابر طوفان و سیل مقاوم باشد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به خانه‌های سنگی و محکم مغرور نشوید که نمی‌تواند شما را در برابر عذاب الهی حفظ کند. ۲. روی برتافتن از رهبران الهی، زمینه‌ساز عذاب الهی است. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۰ قرآن کریم در آیات هشتاد و پنجم و هشتاد و ششم سوره‌ی حجر به حقایق آفرینش جهان و حتمی بودن رستاخیز و دستور عفو مخالفان و دلیل آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۵ و ۸۶. **وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاللَّهُمَّ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ \* إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ** و آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم؛ و ساعت (قیامت) قطعاً آمدنی است؛ پس با گذشتی زیبا، (از مخالفان) درگذر.\* برآستی که تنها پروردگار تو، فراوان آفرین داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از حق بودن آفرینش جهان آن است که

نظام حاکم بر آن حساب شده و دارای هدف است و این نظام شگرف و دقیق دلیل روشنی بر آفریدگار دانا و تواناست. ۲. شاید حق بودن جهان دلیلی بر معاد باشد؛ زیرا جهانی که به حق آفریده شده، دارای هدفی برتر است که همان رستخیز است، و گرنه آفرینش بیهوده خواهد شد. ۳. «صَيْفُح» به معنای روی هر چیزی است، مثل صفحه‌ی صورت؛ و مقصود از آن در این آیه آن است که از مخالفان روی برتاب و صرف نظر کن. البته روی گردانی از هر چیز، ممکن است به خاطر قهر و بی‌اعتنایی باشد و یا به خاطر عفو و گذشت بزرگوارانه. در این آیه با واژه‌ی «جمیل» روی گردانی را توصیف کرده، یعنی روی گردانی تو از مخالفان همراه با بزرگواری باشد؛ بخششی زیبا و بدون ملامت. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۱ ۴. در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که مقصود از این آیه، عفو کردنی است که بدون سرزنش باشد. «۱» ۵. برخی مفسران برآنند که آیه‌ی دوم که اشاره به آفرینندگی و آگاهی خدا می‌کند، دلیلی بر بخشش و روی گردانی پیامبر صلی الله علیه و آله از مخالفان است؛ زیرا خدا به همه‌ی اسرار انسان‌ها آگاه است و هموست که انسان‌ها را متفاوت آفریده است، پس نباید انتظار یکسان بودن همه‌ی مردم را داشته باشی، بلکه با عفو با آنان برخورد کن تا به تدریج تربیت شوند. «۲» ۶. این سوره در مکه نازل شده است، ولی دستور عفو و گذشت در سوره‌های مدنی نیز آمده است. پس عفو یک دستور عمومی در اسلام است که منافاتی با فرمان جهاد با دشمنان ندارد؛ چراکه هر کدام در زمان و مکان خاصی اجرا می‌شود؛ یعنی هنگامی که عفو سبب جرئت و جسارت مخالفان می‌شود، چاره‌ای جز شدت عمل و جهاد نیست. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش جهان بر اساس حق و هدفمند است. ۲. به صورت نیکویی از مخالفان در گذر. \*\*\* خدای متعال در آیه‌ی هشتاد و هفتم سوره‌ی حجر با اشاره به نعمت بزرگ قرآن و به ویژه سوره‌ی حمد می‌فرماید: ۸۷. وَلَقَدْ آتَيْنَكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۲ و بیقین هفت (آیه از سوره حمد با نزول) دوباره، و قرآن بزرگ را به تو دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد تعبیر «سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي» (هفت از دو تاها) که در این آیه آمده است چند احتمال داده‌اند: الف) مقصود از «هفت» سوره‌ی حمد است که هفت آیه دارد و منظور از «دو» تکرارهاست. «۱» ب) مقصود سوره‌ی حمد است که هفت آیه دارد و منظور از «مَثَانِي» آن است که حمد دو بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و یا از دو بخش عمده «ثنا» و «درخواست» تشکیل شده و یا در هر نماز دوبار خوانده می‌شود. «۲» ج) منظور از «هفت» هفت سوره‌ی بزرگ ابتدای قرآن است و مقصود از «مَثَانِي» خود قرآن است «۳» که دو بار (به صورت یک جا و تدریجی) بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و یا این که آیات آن مکرر خوانده می‌شود. «۴» د) در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از «مَثَانِي» ما هستیم که پیامبر صلی الله علیه و آله ما را با قرآن قرین قرار داده و دستور تمسک به ما را داده است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۳ البته ممکن است که مقصود آیه‌ی همه‌ی این معانی باشد «۱» که در این صورت هر کدام مصداقی از آن را بیان می‌کنند هر چند احتمال اول و دوم با ظاهر آیه سازگارتر است. ۲. خدا در این آیه برای پیامبرش این واقعیت را بازگو می‌کند که تو دارای سرمایه‌ی عظیمی هم‌چون قرآن و سوره‌ی حمد هستی؛ و تعبیرات این آیه نشان دهنده‌ی عظمت جایگاه سوره‌ی حمد است که روح انسان را به خدا پیوند می‌دهد. ۳. در این آیه به عظمت و بزرگی قرآن اشاره شده است؛ برنامه‌ای که تمامش نور، برکت، هدایت و معنویت است. آری؛ اگر قرآن کاملاً در زندگی مسلمانان پیاده شود، دنیا و آخرت آنان را امن، آباد، آزاد و با معنویت خواهد ساخت. ۴. این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی در حقیقت به مسلمانان گوشزد می‌کند که متوجه سرمایه‌های بزرگ خود باشند. ۵. قرآن بزرگ‌ترین رحمت الهی: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: بزرگ‌تر رحمت‌های الهی قرآن است. تو اگر به رحمت ارحم الراحمین طمع داری و آرزوی رحمت و واسعه داری، از این رحمت واسعه استفاده کن؛ طریق وصول به سعادت را باز نموده و چاه را از راه روشن فرموده، تو خود به پای خود در چاه می‌افتی. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی بزرگ و سرمایه‌ای گران‌بهاست (پس قدر آن را بدانید). ۲. در میان سوره‌های قرآن، به سوره‌ی حمد توجه ویژه کنید. \*\*\*

## آداب رهبری

قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی حجر به پیامبر صلی الله علیه و آله، دستور می‌دهد که به نعمت‌های مادی کفار چشم ندوزند و برای آنان غم نخورد و نسبت به مؤمنان فروتن باشد: ۸۸. لَاتَمِدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَنَّا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَيْكَ لِلْمُؤْمِنِينَ هرگز چشمانت را خیره مکن، به آنچه که گروه‌هایی از آن (کافر) ان را بدان بهره‌مند کردیم، و بر (بی‌ایمانی و ثروت اندوزی) آنان غم مخور، و بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای مؤمنان فرو آر؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا ممکن است بهره‌های مادی دنیا را در اختیار گروه‌هایی از کافران بگذارد، اما این کالاها ناپایدار و پردردسر و در برابر نعمت‌های معنوی و سرمایه‌هایی هم چون قرآن، بسیار کوچک هستند و ارزش آن را ندارند که تو به آنها چشم بدوزی و ناراحت شوی. «۱» ۲. مقصود این آیه آن نیست که به مواهب و نعمت‌های دنیایی توجه نداشته باشیم و از آن استفاده نکنیم، بلکه آن است که به امکانات کفار خیره نشوید، تا اسیر و دل‌باخته‌ی آنان نگردید. مرو به خانه‌ی ارباب بی‌مروت دهر که گنج عافیت در سرای خویشتن است (حافظ) ۳. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند: هر کس چشم به آنچه در دست دیگران است، بدوزد، همیشه اندوهگین خواهد بود و هرگز آتش خشم در دل او فرو نمی‌نشیند. «۱» آری؛ تنگ‌نظرانی که مرتب به وضع مادی دیگران می‌نگرند و آنها را با خود مقایسه می‌کنند، همیشه از کمبودهای مادی رنج می‌برند و گرفتار احساس حقارت درونی و کمبود شخصیت می‌شوند، در حالی که انسان سالم و با شخصیت باید فکر خود را در جهت رشد به کار ببرد و با همت عالی و حفظ استقلال و آزادی و با تلاش به پیشرفت و تکامل از دیگران جلوتر برود و منافع مادی را در خدمت معنویت و کمال درآورد. ۴. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شده که بر حال کافران غم نخور؛ یعنی به خاطر بی‌ایمانی آنها و یا ثروت‌هایی که در دست آنهاست، تأسف نخور و ناراحت مباش؛ چون آنان لیاقت و ارزش آن را ندارند که برایشان غصه بخوری. ۵. این آیه محبت و فروتنی را به گستردن بال پرندگان تشبیه کرده است که برای اظهار محبت به جوجه‌های خود، بال خود را می‌گسترانند و آنها را زیر پر خود می‌گیرند و صحنه‌ای عاطفی به وجود می‌آورند. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با مؤمنان فروتنی کند و آنان را زیر بال خود، از خطر حوادث، تفرقه‌ها و دشمنان حفظ کند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۶ ۶. فروتنی وظیفه‌ی رهبر مسلمانان و یکی از اصول مدیریت اسلامی است. آری؛ سرمایه‌ی بزرگ هر رهبر الهی، همان محبت، فروتنی و پیوند معنوی با پیروان خویش است. همان‌طور که خشونت و تکبر عامل پراکندگی و تنفر مردم از رهبری می‌شود. ۷. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به نماینده‌ی خود، یعنی محمد بن ابی بکر می‌نویسند: بال‌های خود را برای مردم فرود آور و در برابر آنان نرمش کن و چهره‌ی خود را گشاده دار و میان آنان حتی در نیم نگاه و خیره شدن، مساوات کن. «۱» ۸. خطاب این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است، امّا در حقیقت وظیفه‌ی همه‌ی رهبران الهی جوامع بشری را مشخص ساخته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی چشم به امکانات کافران ندوزند و بر سرنوشت آنان غصه نخورند. ۲. در برابر مؤمنان فروتن و مهربان باشید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۷ مدیریت و قرآن الف) شرایط و لوازم مدیریت: ۱. دانش (و تخصص) (بقره، ۲۴۷ و یوسف، ۵۵)؛ ۲. آمادگی جسمی و رشد لازم (بقره، ۲۴۷ و نساء، ۶)؛ ۳. عادل بودن و ظالم نبودن (بقره، ۱۲۴)؛ ۴. بصیرت (یوسف، ۱۰۸)؛ ۵. گذشت و تغافل (توبه، ۶۱ و فرقان، ۶۳ و آل عمران، ۱۵۹)؛ ۶. با نرمی سخن گفتن (طه، ۴۴)؛ ۷. شرح صدر (طه، ۲۵)؛ ۸. واضح سخن گفتن (طه، ۲۷)؛ ۹. نفوذ کلام داشتن (طه، ۲۸)؛ ۱۰. مشورت با همکاران و یاران (آل عمران، ۱۵۹)؛ ۱۱. لزوم انتخاب همکار (معاون و وزیر) (طه، ۲۹)؛ ۱۲. تواضع در برابر پیروان و زیردستان (حجر، ۸۸)؛ ۱۳. چشم به اموال دیگران ندوختن (حجر، ۸۸)؛ ۱۴. امانت‌داری (یوسف، ۵۵)؛ ۱۵. سبک‌سر نبودن (نساء، ۵)؛ ب) ضوابط انتخاب همکاران و معاونان مدیر: ۱. انتخاب همکاران نزدیک و مورد اطمینان که پشتیبان مدیر باشند (طه، ۲۹-۳۱)؛ ۲. لزوم شرکت دادن همکاران در کارها (طه، ۳۲)؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۸ ۳. آزمایش

افراد قبل از واگذاری مسئولیت به آنان (بقره، ۱۲۴ و نساء، ۶؛ ج) وظایف مدیر: ۱. هشدار دادن در مورد خطرها (حجر، ۸۹ و ...).  
 ۲. روشنگری و هدایت (حجر، ۸۹ و ...). ۳. هنر گوش دادن و تحمل دیگران (توبه، ۶۱). ۴. اجرای عدالت و قسط (حدید، ۲۵). ۵. برنامه داشتن (حدید، ۲۵). ۶. اصلاح طلبی در حد توان (هود، ۸۸). ۷. حرکت در راستای توحید (نحل، ۳۶ و ...). ۸. آموزش دادن و جهل زدایی (جمعه، ۲). ۹. تربیت و رشد دادن و پاک کردن افراد (جمعه، ۲). ۱۰. اعلام توانایی‌ها و تخصص‌ها به مراجع مربوطه (یوسف، ۵۵). ۱۱. مدیریت زمان و هر کاری را در زمان خاص انجام دادن (مزمل، ۳-۴). تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۸۹

## قرآن را تجزیه نکنید

قرآن کریم در آیات هشتماد و نهم تا نود و سوم سوره‌ی حجر به مخالفان و تجزیه‌گران قرآن هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۸۹-۹۳. وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ \* كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ \* الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ \* فَوَرَبِّكَ لَنَسْتَلَنَّهٗمْ أجمعِينَ \* عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ و بگو: «در واقع من تنها هشدار دهنده روشنگرم!» \* (ما بر کافران عذابی می‌فرستیم) همانگونه که بر تبعیض‌گران (آیات الهی) فرو فرستادیم؛ \* (همان) کسانی که قرآن را پاره پاره کردند. \* و به پروردگارت سوگند، که حتماً از همه آنان پرسش خواهیم کرد؛ \* از آنچه همواره انجام می‌دادند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «عِضِينَ» در اصل به معنای متفرق ساختن است و به بخش‌ها و قسمت‌های هر چیزی نیز گفته می‌شود. در این جا منظور کسانی هستند که قرآن را به بخش‌های مختلف پاره پاره می‌کنند و هر چه به سود آنان است می‌گیرند به آن عمل می‌کنند و هر چه به زیان آنهاست کنار می‌گذارند؛ یعنی به جای آن که قرآن رهبر و راه‌نمای آنان باشد، وسیله‌ای برای رسیدن به مقصدشان است. ۲. برنامه‌ها و دستورات و آیات الهی، معمولاً برخی موافق میل ماست و برخی ابتداءً مطابق میل نیست؛ مؤمنان واقعی به همه‌ی این آیات ایمان می‌آورند و به آنها عمل می‌کنند. اما مدعیان دروغین قرآن را تجزیه می‌کنند به بخشی ایمان می‌آورند و بخشی را که مخالف هوس‌ها و منافع آنهاست انکار می‌کنند یا بدان عمل نمی‌کنند و این‌ها همان تقسیم‌گران هستند که گرفتار عذاب الهی می‌شوند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۰. ۳. گاهی هدف از «پرسیدن»، کشف مطالب پنهان و آگاهی از اسرار افراد است. این معنی در مورد پرسش خدا از مردم صادق نیست؛ چرا که خدا از همه‌ی اسرار و اعمال مردم آگاه است. و گاهی مقصود از پرسش، تفهیم مطلب به خود فرد است، که نوعی مجازات روانی خلافکاران است؛ پرسش خدا از کافران از این نوع است. ۴. در این آیه بیان شده که از همه‌ی اعمال مردم پرسش می‌شود و در برخی آیات دیگر آمده است که در آن روز از گناه مردم پرسش نمی‌شود. «۱» به خاطر آن که قیامت دارای مراحل است که در برخی از این مراحل و ایستگاه‌ها از همه‌ی مردم سؤال می‌شود و در برخی مراحل پرسش وجود ندارد و دهان‌ها بسته می‌شود و خود اعضای انسان شهادت می‌دهند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی صریحاً هشدارها و روشنگری‌های خود را بیان کنند. ۲. سنت خدا بر مجازات تجزیه‌گران آیات الهی است. ۳. پروردگار از همه‌ی کارهای خلافکاران بازجویی خواهد کرد. \* \* \* قرآن کریم در آیات نود و چهارم تا نود و ششم سوره‌ی حجر دستور آشکار ساختن مأموریت را می‌دهد و با تهدید ریشخند کنندگان می‌فرماید: ۹۴-۹۶. فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ \* إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ \* الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۱ و آنچه را که (بدان) فرمان داده شده‌ای آشکار کن؛ و از مشرکان روی برتاب؛ \* [چرا] که ما تو را (از شر) مسخره کنندگان، کفایت می‌کنیم. \* (همان) کسانی که معبود دیگری با خدا قرار می‌دهند. و [لی بزودی خواهند دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی احادیث روایت شده که آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی حجر در مکه و پس از سه سال دعوت مخفیانه، بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است، در حالی که تعداد اندکی هم‌چون علی علیه السلام و خدیجه به او ایمان آورده بودند، اما به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد که دعوت مخفی خود را علنی سازد «۱» و در برابر نظام شرک آلود مکیان موضع‌گیری کند. «۲» ۲. مقصود از روی برتافتن از مشرکان که در این آیه بدان اشاره شده، همان بی‌اعتنایی به آنان و ترک



مبارزه‌ی با آنهاست؛ زیرا اسلام و مسلمانان در آن زمان قدرت چندانی نداشتند تا بتوانند با مشرکان مکه مبارزه کنند. ۳. مشرکان که در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله منطقی نداشتند، به ریشخند کردن او می‌پرداختند، ولی خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌داد که از آنان نهراسد که خدا شَرِّ آنان را دفع خواهد کرد. «۳» ۴. در این آیه بیان شده که «مسخره‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی هستند که خود غیر خدا را می‌پرستند.» شاید این جمله اشاره به آن باشد که مشرکان با پرستش بت‌های خرمایی، چوبی و سنگی، کار مسخره‌ای می‌کنند، ولی با تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۲ این حال، پیروان توحید را ریشخند می‌کنند. «۱» و یا این جمله برای دل‌داری پیامبر صلی الله علیه و آله است که اگر آنان تو را ریشخند کردند، ناراحت مباش، آنان حرمت خدا را هم نگه نداشتند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراحل دعوت را رعایت کنید و هرگاه زمان و مکان مناسب فرا رسید دعوت الهی را آشکار کنید. ۲. مبلغان توحید به هیاهوی مشرکان توجه نکنند. ۳. خدا از مبلغان دین خود حمایت می‌کند. ۴. خدا ریشخند کردن نسبت به هبران دینی را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی آخر سوره‌ی حجر با اشاره به سخنان مخالفان، راه تقویت روحیه را سجده و عبادت معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۹۷-۹۹. وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنْكَ يَضَعُ يَدَاكَ بِمَا يَقُولُونَ \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ \* وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ و یقین می‌دانیم که تو به خاطر آنچه می‌گویند سینه‌ات تنگ می‌شود؛ \* پس با ستایش پروردگارت تسبیح (او) گوی؛ و از سجده‌کنندگان باش! \* و پروردگارت را پرستش کن، تا تو را یقین (مرگ) فرا رسد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روحی لطیف و قلبی حساس داشت و به طور طبیعی از سخنان ریشخندآمیز، کفرآمیز و بدگویی‌های مخالفان ناراحت می‌شد، ولی خدای متعال در این آیات ایشان را دل‌داری می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۳ ۲. در این آیات راه زدودن آثار روحی سخنان مخالفان و راه تقویت روحی را به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داده است که همان تسبیح، سجده و عبادت پروردگار است؛ این امور، دل را نورانی و با صفا می‌کند و به آن نیرو می‌بخشد و پیوند انسان را با خدا محکم می‌سازد و قدرت تحمل را می‌افزاید. ۳. در روایات آمده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله غمگین می‌شد، به نماز برمی‌خاست و آثار اندوه را در نماز از دل می‌شست. «۱» ۴. مقصود از واژه‌ی «یقین» مرتبه‌ی عالی علم و اطمینان است و بین مفسران مشهور است که این واژه در این جا به معنای «مرگ» است؛ چرا که مرگ امری مسلم است که شکی در آن نیست و یا این که هنگام مرگ پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق در برابر چشم انسان آشکار می‌شود و یقین حاصل می‌شود. «۲» البته این احتمال نیز هست که مقصود از یقین همان مرتبه‌ی عالی علم باشد که مرگ یکی از مُتَعَلِّقات این علم است. ۵. انسان دارای استعداد تکامل است. از طرفی، عبادت مکتب عالی تربیتی است که انسان را به سوی کمال می‌برد و بخشی از تکامل فردی و اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهد و از سویی دیگر همیشه جامعه‌ی بشری نیازمند قوانین و احکام الهی برای رشد و حفظ حدود مسئولیت‌ها و جلوگیری از تصادم‌ها و فسادهاست و افزون بر این، اعمال نیک انسان سرچشمه‌ی ملکات فاضله‌ی نفس است و هنگامی که این ملکات قوت یافت، خود سرچشمه‌ی اعمال نیک بیش‌تر می‌شود. از این مقدمات روشن می‌شود که انسان حتی بعد از رسیدن به مرحله‌ی تکامل و یقین، باز هم نیازمند عبادت و تکلیف است و اگر انسان دست از تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۴ انجام تکلیف بردارد، فوراً جامعه به طرف سقوط و فساد می‌رود و انسان از ملکات فاضله و کمال دور می‌گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تسبیح، سجده و عبادت پروردگار از عوامل شرح صدر و داروی فشارهای روانی مخالفان است. ۲. بر پرستش و بندگی خدا مداومت کنید که انسان را به مرحله‌ی یقین می‌رساند. «۲» \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۵

بخش سوم: سوره‌ی نحل

اشاره

بیان اعتقاد به الوهیت و توحید توجه به معاد و برانگیخته شدن در رستاخیز تبیین وحی قرآن به بیان الهی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۷

## اول: سیمای سوره ی نحل

### اشاره

سیمای سوره نحل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز شمارگان: سوره‌ی مبارک نحل دارای ۱۲۸ آیه و ۸۴۰ کلمه و ۷۷۰۷ حرف است. نزول: این سوره، شصت و نهمین سوره‌ای است که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ یعنی بعد از سوره‌ی کهف و قبل از سوره‌ی نوح فرود آمده است. البته برخی آیات آن (مثل آیه‌ی ۱۲۶) ممکن است در مدینه نازل شده و سپس به این سوره ملحق گشته باشند، اما در چینش کنونی قرآن، شانزدهمین سوره به شمار می‌آید. نام‌ها: نام‌های این سوره «نحل» و «نعم» (نعمت‌ها) است. نام نحل (زنبور عسل)، از آیات ۶۸ و ۶۹ این سوره گرفته شده که درباره‌ی زنبور عسل و خانه‌سازی و تهیه‌ی عسل مطالبی بیان کرده است.

### فضایل

در مورد فضیلت قرائت این سوره، از پیامبر اسلام حکایت شده: هر کس این سوره را بخواند، خدا او را در برابر نعمت‌هایی که در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۸ این جهان به او بخشیده، محاسبه نخواهد کرد. «۱» تذکر: از آن جا که در این سوره از اقسام و انواع نعمت‌های الهی یاد شده است، چنان چه انسان آن را بخواند و در آن دقت و تفکر نماید شکر گزار می‌شود که در این صورت نعمت‌ها بر او محاسبه نمی‌شود. ویژگی‌ها: در سوره‌های مکی معمولاً سخن از اصول عقاید است، اما در این سوره با آن که مکی است، برخی احکام و قوانین کلی اسلام بیان شده است. در آیه‌ی ۴۸ این سوره نیز یک سجده‌ی مستحب دارد.

### اهداف

اهداف اساسی سوره‌ی نحل عبارت‌اند از: ۱. بیان اعتقاد به الوهیت و توحید؛ ۲. توجه به معاد و برانگیخته شدن در رستاخیز؛ ۳. تبیین این که وحی قرآن بیان الهی است؛

### مطالب

مطالب اساسی و محورهای سوره‌ی نحل عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. یادآوری دلایل توحید و عظمت خلقت خدا؛ ۲. اشاره‌ای به وحی و بعثت؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۱۹۹ ۳. اشاراتی به معاد؛ ۴. یادآوری خضوع و سجده‌ی ملائکه و هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است (در آیه‌ی ۴۹)؛ ۵. نزول قرآن توسط روح القدس و دفاع از الهی بودن آن (در آیات ۱۰۲-۱۰۳). ب) اخلاق: ۱. دعوت به شکرگزاری از نعمت‌ها. (در آیه‌ی ۱۱۴)؛ ۲. یادآوری نعمت‌های زمینی و آسمانی و دریایی خدا برای بیدار کردن حس شکرگزاری انسان و نزدیک ساختن او به خدا (در آیات ۴-۱۸)؛ ۳. دعوت به راه خدا به وسیله‌ی حکمت و موعظه و جدال احسن (در آیه‌ی ۱۲۵). ج) احکام: ۱. دستور به عدل و احسان (در آیه‌ی ۹۰)؛ ۲. توصیه و تشویق هجرت و جهاد (در آیات ۴۱ و ۱۱۰)؛ ۳. منع فحشا و منکر و ستم (در آیه‌ی ۹۰)؛ ۴. ممنوعیت پیمان شکنی (در آیه‌ی ۹۱)؛ ۵. حرمت شراب، گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که به صورت شرعی کشته نشده است (در آیه‌ی ۱۱۵)؛ ۶. اجازة‌ی مقابله به مثل (در آیه‌ی ۱۲۶). د)

داستان: داستان حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان بنده‌ای شکرگزار و دعوت به تبعیت از او به عنوان الگوی حق‌گرایی (در آیات ۱۲۰-۱۲۳). ه) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به خلقت انسان‌ها از نطفه (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. مباحثی درباره‌ی مرگ و سختی و راحتی آن (در آیات ۲۸-۳۲)؛ ۳. دعوت به مسافرت در زمین و عبرت‌آموزی از سرنوشت گذشتگان (در آیه‌ی ۳۶)؛ ۴. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر و بیان قرآن (در آیه‌ی ۴۴)؛ ۵. تفکر کردن مردم، یکی از اهداف نزول قرآن است (در آیه‌ی ۴۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۰. ۶. یادآوری واکنش اعراب جاهلی و ناراحتی آنان در مورد دختردار شدن (در آیه‌ی ۵۸)؛ ۷. مطالبی درباره‌ی زنبور عسل (در آیات ۶۸-۶۹)؛ ۸. شاهد بودن پیامبر صلی الله علیه و آله بر امت در قیامت (در آیه‌ی ۸۹)؛ ۹. بحث حیات طیب (در آیه‌ی ۹۷)؛ ۱۰. لزوم پناه بردن به خدا در هنگام قرائت قرآن (در آیه‌ی ۹۸). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۱

## دوم: محتوای سوره ی نحل

### اشاره

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی نحل به مشرکان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱. «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَمَّا نَسَىٰ نَعَجَلُوهُ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ» فرمان خدا (برای مجازات مشرکان) فرا رسید، پس بدان شتاب موزید؛ او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان بت پرست بودند، و در مکه با پیامبر صلی الله علیه و آله درگیر می‌شدند و هرگاه پیامبر آنان را به عذاب الهی تهدید می‌کرد، می‌گفتند: اگر راست می‌گویی چرا این عذاب نازل نمی‌شود؟ این آیه به این سخنان پاسخ داده است که عجله نکنید فرمان عذاب صادر شده و به زودی خواهد آمد. «۱» ۲. مفسران در مورد تعبیر «أَمْرُ اللَّهِ» سه احتمال داده‌اند: روز قیامت، عذاب و یا صدور فرمان عذاب. البته تفسیر سوم با ظاهر آیه تناسب بیش‌تری دارد. ۳. در این آیه آمدن عذاب الهی با فعل ماضی بیان شده است، در حالی که فرود عذاب مربوط به آینده است؛ تا نشان دهد که این امری حتمی و تردیدناپذیر است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۲. ۴. برخی از مفسران گفته‌اند که احتمالاً مشرکان در برابر وعده‌های عذاب الهی می‌گفتند: بت‌ها در پیشگاه خدا شفاعت می‌کنند و عذاب از ما برداشته می‌شود. و این آیه در پاسخ آنان، خدا را از شریک منزّه داشت. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان بدانند که عذاب الهی حتمی و در راه است. ۲. خدا را بی‌شریک، بی‌همتا و پاک بشمارید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی نحل به نظام پیام‌رسانی به پیامبران و هدف توحیدی آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲. «يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» فرشتگان را با «روح» به فرمانش، بر هر کس از بندگانش بخواهد فرو می‌فرستد، که (به مردم) هشدار دهید که یقیناً هیچ معبودی جز من نیست؛ پس خودتان را (از عذاب من) حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «روح» در اصل به معنای حیات معنوی است و در قرآن گاهی به معنای یکی از فرشتگان مقرب الهی، «۲» و گاهی به معنای وحی، قرآن و فرمان نبوت به کار می‌رود. شاید در این جا معنای وحی و قرآن مقصود باشد؛ زیرا روح مایه‌ی حیات معنوی دل‌ها و تربیت نفس و هدایت عقل است و وحی و قرآن و فرمان نبوت نیز همین نقش را دارد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۳. ۲. خدا بر اساس حکمت خود به هر کس از بندگانش که بخواهد، موهبت وحی و نبوت را می‌دهد؛ یعنی هر کس که شایسته باشد مورد عنایت خدا قرار می‌گیرد. ۳. اولین فرمان الهی به پیامبران، هشدار و بیم دادن است؛ زیرا برای بیدار کردن مردم گمراه و آلوده به شرک و فساد، چیزی مؤثرتر از هشدار نیست. یعنی همان‌طور که بشارت و تشویق در افراد آماده تأثیر بیش‌تری دارد، هشدار دادن و تهدید، در افراد آلوده مؤثرتر است. ۴. در این آیه، از میان همه‌ی صفات پیامبران، بر بندگی آنان تأکید شده است؛ یعنی روح عبودیت و بندگی اولین شرط دریافت وحی است. «۱» ۵. این آیه هدف نبوت و وحی را بیان توحید معرفی کرده است. آری؛ توحید محور دعوت همه‌ی پیامبران و اساسی‌ترین اصل ادیان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نزول

فرشتگان و وحی و دریافت کننده‌ی آن، همه در مدار اراده‌ی الهی است. ۲. رسالت امری انتصابی است، نه اکتسابی. ۳. توحید، تقوا و هشدار، در رأس برنامه‌های رهبران الهی است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی نحل با بیان نشانه‌های توحید در صحنه‌ی آفرینش جهان به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۳. خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ [خدا] برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «حقانیت» آفرینش آسمان و زمین، همان نظم حساب شده و هدفمندی آن است. «۱» ۲. نظام شگرف آفرینش آسمان‌ها و زمین و هدفمندی آن دلیل بر آن است که خدایی توانا و دانا آن را آفریده است و بت‌هایی که شریک خدا قرار می‌دهند هرگز نمی‌توانند چنین آفرینشی داشته باشند و این دلیل عقلی و نشانه‌ی توحید است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نظام آفرینش جهان، گواه توحید است. ۲. آفرینش جهان هدفمند و حق‌مدار است (شما هم در زندگی این گونه باشید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در آفرینش انسان اشاره کرده، می‌فرماید: ۴. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ انسان را از آب اندک سیال آفرید؛ و آنگاه او دشمنی آشکار (و مدافعی روشنگر) شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «نطفه» در اصل به معنای آب اندک یا صاف یا سیال است «۲» و سپس به قطراتی که سرچشمه‌ی پیدایش انسان می‌شود گفته شده است. این تعبیر عظمت قدرت خدا را نشان می‌دهد که چگونه از آبی اندک انسانی باارزش و عجیب می‌آفریند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۵. «خصیم» به معنای مدافع «۱» و یا ناسپاس، مجادله‌گر و ستیزه‌جوست. «۲» ممکن است که مقصود آیه هر دو معنا باشد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در آفرینش انسان نشانه‌های توحید را ببینید. ۲. انسان موجودی مدافع، روشنگر و ستیزه‌جو است. \*\*\* قرآن کریم در آیات پنجم تا هفتم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در آفرینش چهارپایان و فواید آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۵-۷. وَاللَّائِمَةَ خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءًا وَمَنْفَعًا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ\* وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ\* وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَحِيمٌ و دام‌ها را برای شما آفریدشان، در حالی که در آنها، (وسيله) پوششی و سودهای (دیگر) است؛ و از (گوشت) آنها می‌خورید.\* و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه بر می‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به چراگاه می‌فرستید.\* و بارهای سنگین شما را به سرزمینی حمل می‌کنند که جز با مشقت جان‌ها بدان نمی‌رسیدید؛ [چرا] که پروردگارتان حتماً مهربانی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آفرینش چهارپایان با منافع زیاد، از طرفی دلیلی بر علم و قدرت تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۶ خداست و بیان این مسئله در قرآن نشان دهنده‌ی اهمیتی است که قرآن به مسئله دام‌داری می‌دهد و با لحن تشویق‌آمیزی از دام‌ها و چهارپایان سخن می‌گوید و منافع و فواید مختلف آن را برمی‌شمارد تا ملت‌های مسلمان به دام‌داری روی آورند و به مرز خودکفایی و استقلال برسند. ۲. در احادیث اسلامی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مسلمانان را به دام‌داری تشویق می‌کردند و می‌فرمودند: بر شما لازم است که به تربیت گوسفند و کشاورزی پردازید که رفت و آمد هر دو خیر و برکت است. «۱» ۳. در این آیات به برخی از فواید چهارپایان اشاره شده که عبارت‌اند از: الف) از پوست، پشم و موی حیوانات برای تهیه‌ی لباس، کفش، فرش، خیمه و پارچه‌های مختلف استفاده می‌شود. ب) شیر، کره و ماست و دیگر فرآورده‌های لبنی. ج) گوشت حیوانات حلال گوشت. د) حمل و نقل بارها که برای انسان مشقت‌بار و سخت است، «۲» اما حیواناتی چون اسب و شتر به راحتی بارها را از شهری به شهری حمل می‌کنند. ه) دیدن حیوانات در صبحگاهان و شامگاهان که نوعی فایده‌ی روانی دارد؛ یعنی منظره‌ی جالب حرکت دسته‌جمعی گله‌های گوسفند، گاو و چهارپایان دیگر، نشان دهنده‌ی خودکفایی و موجب آرامش خیال، احساس زیبای بی‌نیازی، استقلال اقتصادی و عدم وابستگی است. ۴. در این آیات نخست به بازگشت حیوانات از صحرا اشاره شده و بعداً تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۷ رفتن آنها به صحرا بیان شده است؛ چون حیوانات در هنگام بازگشت، پستان‌هایشان پرشیر و شکم‌شان سیر است و با آرامش به استراحتگاه می‌آیند و هر کس از مشاهده‌ی این منظره احساس لذت و بی‌نیازی می‌کند، اما در صبحگاه گرسنه و با عجله می‌روند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با

مطالعه در آفرینش چهارپایان و منافع آنها، خداشناسی خود را تقویت کنید. ۲. خدمات چهارپایان به رفاه انسان، از جلوه‌های رحمت و لطف پروردگار است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در آفرینش حیوانات سواری اشاره کرده و در مورد خلقت وسایلی در آینده نوید می‌دهد و می‌فرماید: ۸. وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ و اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را [نیز آفرید،] تا بر آنها سوار شوید و زیور (شما) باشد؛ و آنچه را که نمی‌دانید می‌آفریند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند در آیات پیشین به چهارپایان و فایده‌ی بارکشی آنها اشاره شد، اما به خاطر اهمیت این سه حیوان در سواری دادن و حمل و نقل انسان، آنها را به صورت جداگانه ذکر کرد. ۲. مقصود از «زینت بودن» حیوانات سواری، تشریفاتی بودن آنها نیست، بلکه این حیوانات عملاً در زندگی اجتماعی تأثیر دارند و سبب آراستگی مسافران و جلوگیری از خستگی مفرط آنها می‌شوند. ۳. برخی مفسران جمله‌ی آخر این آیه را اشاره به حیواناتی دانسته‌اند که در آینده آفریده می‌شوند و برخی دیگر اشاره به وسایل نقلیه‌ای هم‌چون تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۸ اتومبیل، قطار و هواپیما می‌دانند که در این عصر در اختیار بشر قرار گرفته است، که مواد اصلی آن و ذهن خلاق انسان را خدا آفریده که او توانسته است آنها را اختراع کند «۱». البته ممکن است این آیه اشاره به هر دو تفسیر و نیز به وسایلی باشد که هنوز اختراع نشده‌اند و در آینده شاهد آنها خواهیم بود. ۴. قرآن کریم با بیانات و اشارات خود، فکر بشر را به موضوعاتی خاص حساس می‌کند و او را به پژوهش، کشف و اختراع در آن زمینه‌ها سوق می‌دهد. این آیه با اشاره به استر که حاصل آمیزش نژاد الاغ با اسب است و با اشاره به مرکب‌های دیگری که در آینده پدید می‌آیند، فکر بشر را به طرف ابتکارات نوین در زمینه‌ی نسل جدید حیوانات و وسایل نقلیه‌ی پیشرفته می‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مرکب در درجه‌ی اول برای سواری و در درجه‌ی بعد، نوعی زینت است. ۲. زیباسازی وسایل سواری خود توجه کنید. ۳. به دنبال وسایل نقلیه‌ی جدید بروید که خدا نوید داده آنها را برای شما می‌آفریند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی نحل با اشاره به نعمت معنوی راه راست و اختیار انسان می‌فرماید: ۹. وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ و (بیان) راه معتدل و راست بر عهده خداست، و برخی از آن (راه‌ها) کژ است؛ و اگر (بر فرض خدا) می‌خواست حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می‌کرد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۰۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قصد» به معنای صاف بودن یا میانه‌روی است «۱» و در این جا اشاره به راه راست و معتدل است که هیچ انحراف و کژی و گمراهی در آن وجود ندارد. «۲» ۲. خدا راه راست را به صورت تکوینی و تشریحی به انسان می‌نمایاند؛ یعنی از طرفی به انسان استعداد، عقل و فطرت حق جو می‌دهد، تا در مسیر تکاملی خود پیش رود و از طرف دیگر پیامبران را با وحی و قوانین مورد نیاز انسان می‌فرستد، تا او را به سوی راه راست هدایت کنند. ۳. این آیه اشاره می‌کند که نعمت معنوی هدایت به سوی راه راست، بر عهده‌ی خداست اما در مورد نعمت‌های مادی چنین چیزی گفته نشده است و این خود نشان دهنده‌ی عظمت نعمت بزرگ هدایت به راه راست است. ۴. اگر خدا می‌خواست همه را به اجبار هدایت می‌کرد، اما هدایت اجباری نه افتخار است و نه تکاملی را به دنبال دارد؛ او به مقتضای حکمت خویش به انسان آزادی داد تا راه را با پای خود بییماید و به کمال برسد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا هدایت بشر را به عهده گرفته است (پس به راه او بروید تا هدایت شوید). ۲. راه خدا، راست و معتدل است (پس این راه را بییماید). ۳. شما آزاد هستید و راه راست و کژراهه فرا روی شماست (تا کدامین راه را انتخاب کنید). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۰

### نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در نزول باران و فواید آن در صحنه‌ی کشاورزی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ \* يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ او کسی است که از آسمان، آبی فرو فرستاد، که برای شما از آن

آشامیدنی است؛ و از آن رویدنی‌های ساقه‌داری است که [حیوانات را] در آن می‌چرانید.\* با آن (آب) برای شما زراعت و زیتون و درختان خرما و انگورها، و از همه محصولات می‌رویند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات با اشاره به آب باران و برشمردن فواید مادی آن، عشق به خدا را در دل انسان شعله‌ور می‌سازد و حس سپاس‌گزاری را در او برمی‌انگیزد. ۲. «شجر» در لغت عرب به معنای درخت و گیاه می‌آید. در این آیه اشاره شده که شما حیوانات را در درختان و گیاهان به چرا می‌برید و از برگ آنها استفاده می‌کنند. ۳. قرآن کریم در این آیه به فواید مهم باران (رفع تشنگی و رویاندن گیاهان و درختان) اشاره کرده و این به معنای منحصر دانستن فواید باران در این موارد نیست. ۴. قرآن کریم در میان همه‌ی میوه‌های زمین به سه میوه‌ی زیتون، خرما و انگور اشاره کرده است. در احادیث نیز بر فواید و آثار این میوه‌ها تأکید «۱» و در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۱ دانش‌غذاشناسی نیز اهمیت و خواص ویژه‌ی این سه میوه تأیید شده است «۱» و بیان کرده‌اند که این میوه‌ها دارای ویتامین‌ها و مواد غذایی پرارزشی هستند؛ ترکیبات انگور شبیه شیر مادر است که سبب توانایی انسان و دفع برخی بیماری‌ها می‌شود. روغن زیتون ارزش فراوانی برای تولید سوخت بدن دارد و خرما در رشد بدن بسیار مؤثر است. «۲» ۵. انسان هدف آفرینش است و نزول باران و رویش گیاهان همه برای این گل سرسبد خلقت است. ۶. افراد متفکر با نظر کردن به میوه‌ها و فواید باران نشانه‌های خدا را در آنها می‌بینند اما اگر کسی اهل خردورزی نباشد بهره‌ای از این نظر نمی‌برد. ۷. نزول باران و رویش گیاهان و درختان امری طبیعی است و گاهی تلاش انسان مقدمه ساز آن است اما علت اصلی این امور خداست؛ خدا خالق همه‌ی این عناصر و حتی انسان است و اگر کاری در جهان صورت می‌گیرد، با قدرت و کمک خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نزول باران و فواید آن تفکر کنید و خدا را بشناسید. ۲. چرخش آب در طبیعت و رویش گیاهان و پرورش میوه‌ها، همه برای خدمت به انسان است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی ستارگان و زمان‌بندی شبانه روز اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲. وَ سَيَخْرُجُ لَكُمْ اللَّيْلُ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مَسِيحَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۲ و (منافع) شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما کرد؛ و (نیز منافع) ستارگان به فرمان (و تدبیر) او مسخر (شما) هستند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خردورزی می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منظور از تسخیر شب و روز و ماه و خورشید و ستارگان، آن است که منافع این‌ها در اختیار بشر گذاشته شده است و انسان می‌تواند از آنها بهره‌برد. ۲. مسخر بودن ستارگان با عظمت برای انسان، نشان‌دهنده‌ی شخصیت، عظمت و جایگاه رفیع انسان از دیدگاه قرآن است. قرآن انسان را جانشین خدا در زمین می‌داند که همه چیز برای خدمت به او آفریده شده است. انسان با یادآوری این نعمت‌ها خداشناس و سپاس‌گزار او می‌شود. ۳. تعقل مرتبه‌ای بالاتر و عمیق‌تر از تفکر است. تفاوت تعبیر «تفکر» و «تعقل» در این دو آیه به خاطر آن است که در مورد زراعت و میوه‌ها، اندکی اندیشه کردن کافی است تا انسان را با خواص میوه‌ها آشنا کند و به پدید آورنده‌ی دانا و توانا رهنمون شود. اما در مورد ستارگان و خورشید و ماه و اسرار شب و روز، اندیشه‌ی بیش‌تری لازم است و باید انسان تعقل کند تا به نظام شگرف آنها پی‌ببرد و نشانه‌های خدا را در صحنه‌ی آسمان و زمان درک کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان در خدمت بشر و برای اوست. ۲. صحنه‌ی آسمان و زمان‌بندی شبانه‌روز، برای خردورزان، کلاس‌خداشناسی است. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۳ قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در صحنه‌های رنگارنگ زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ و آنچه را در زمین برای شما با رنگ‌های متفاوتش آفرید و منتشر کرد، (مسخر شما ساخت)؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که متذکر می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به نعمت‌ها و مخلوقات زمینی، هم‌چون غذا، پوشاک، همسران پاک، وسایل زندگی، معادن و منابع اشاره شده است که انسان را به یاد آفریننده‌ی حکیم، دانا و قدرتمند می‌اندازد. ۲. خدا در آفرینش موجودات زمین به رنگ‌های آنان عنایت داشته و آنها را برای انسان رنگارنگ آفریده است. این تنوع رنگ‌ها نشانه‌ی دیگری از قدرت و دانش اوست. ۳. در

این آیه و آیات قبل اشاره شده که اگر کسی اهل فکر، تعقل و تذکر و پندآموزی باشد، از پدیده‌های جهان در صحنه‌ی آسمان و زمین درس می‌آموزد و نشانه‌های خدا را در آنها می‌بیند، اما اگر کسی غافل باشد و دقت و تفکر نکند، هم‌چون انسانی است که هر روز از کتابخانه‌ها عبور می‌کند ولی هیچ‌گاه مطالعه نمی‌کند و سودی نمی‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از آفریده‌های خدا در زمین و تنوع رنگ‌های آنها درس خدانشناسی بگیرید. ۲. اگر اهل تذکر و یادآوری باشید، در صحنه‌ی طبیعت رنگارنگ نشانه‌های خدا را می‌بینید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۴ قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در پهنی دریاها و فواید آن و لزوم سپاس‌گزاری اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۴. وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَنَا كُلَّوًا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلِيَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ و او کسی است که دریا را رام ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و از آن زیوری که آن را می‌پوشید بیرون آورید؛ و کشتی‌ها را در آن (آب) شکافته می‌بینی، و (دریا را رام شما ساخت) تا از بخشش او (بهره) جوید؛ و تا شاید شما سپاس‌گزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حدود دو سوم کره‌ی زمین را آب پوشانده است و دریاها منبع مهم غذایی بشرند؛ انواع ماهی‌ها و گوشت‌های لذیذ بدون زحمت در دریاها پرورش می‌یابند و ما آنها را صید و مصرف می‌کنیم. اکنون که جمعیت کره‌ی زمین زیاد شده منبع غذایی دریا بیش‌تر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است؛ از این رو مقرراتی برای صید و جلوگیری از آلودگی آب دریا وضع می‌شود. آری؛ دریا یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداست که یادآوری آن روح سپاس‌گزاری را در بشر زنده می‌کند. ۲. در این آیه بر تازه بودن گوشت ماهی‌ها تأکید شده است. این نشان دهنده‌ی اهمیت تغذیه از گوشت تازه است که در عصر ما مورد توجه خدانشناسان و متخصصان تغذیه قرار گرفته است. ۳. در این آیه به حلال بودن گوشت‌های دریایی و جواز خوردن آنها اشاره شده است؛ یعنی قرآن راه استفاده از منبع غذایی دریا را باز و توجه انسان را بدان جلب کرده است. البته برخی گوشت‌های دریایی در اسلام حرام شده است که دلایل خاصی دارد و در رساله‌های عملیه‌ی مراجع تقلید به آنها اشاره شده است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۵. ۴. در این آیه به وسایل زینتی که از دریا استخراج می‌شود، اشاره شده است. انواع صدف‌ها، مرجان‌ها و سنگ‌های قیمتی که از دریاها استخراج می‌شود، می‌تواند به صورت طبیعی زینت‌بخش زندگی انسان باشد. ۵. یکی از ابعاد روحی انسان، حس زیبادوستی اوست که سرچشمه‌ی پیدایش شعر و هنر در زندگی انسان می‌شود. اسلام به این حس اصیل بشری بدون افراط و تفریط توجه کرده است؛ یعنی نه این حس را سرکوب کرده و با زینت مخالفت نموده و نه به صورت افراطی آن را ترویج می‌کند تا مایه‌ی فخرفروشی، گسترش فاصله‌ی طبقاتی و دوری از معنویات شود. اسلام توصیه می‌کند که انسان‌ها از لباس‌های خوب، انواع عطر و برخی سنگ‌های قیمتی برای زینت زندگی و به ویژه در مورد زنان، استفاده نکنند. ۶. در این آیه به حرکت باشکوه کشتی‌ها در آب و شکافتن سینه‌ی امواج اشاره شده است. این نعمت راه استفاده از دریا را هموار کرده است تا انسان بتواند از کشتی‌های غول‌پیکر برای حمل و نقل بارهای عظیم و مسافران زیاد استفاده کند. آری؛ خداست که خواص عناصر آب و کشتی و اختلاف وزن حجمی آنها را طوری قرار داده که انسان بتواند از سطح اقیانوس‌ها به عنوان جاده استفاده کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی دریاها خدا را بهتر بشناسید. ۲. دریا گوشت، وسایل زینتی و حرکت کشتی‌ها را تأمین می‌کند، پس سپاس‌گزار این نعمت الهی باشید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۶ قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در سطح زمین و فواید کوه‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۵. وَاللّٰقِي فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ و در زمین، [کوه‌های استواری افکند] مبادا که شما را بلرزاند؛ و نهرها و راه‌هایی [قرار داد] تا شاید شما راهنمایی شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از کوه‌های استوار یاد شده که هم‌چون زره محکمی پوسته‌ی زمین را در بر گرفته‌اند و مانع لرزش‌های شدید آن که بر اثر مواد مذاب و فشار گازهای درونی به وجود می‌آید، می‌شوند و نیز پوسته‌ی زمین را در برابر جزر و مد حاصل از نیروی جاذبه‌ی ماه و خورشید حفظ و از طوفان‌های شدید سطح زمین جلوگیری می‌کنند. «۱» ۲. در این آیه به نهرهایی اشاره شده که از مخازن درونی زمین و برف‌های قله‌های کوه‌ها سررازی می‌شود و

گیاهان، حیوانات و انسان‌ها را سیراب می‌سازد. ۳. در این آیه به بریدگی‌های بین کوه‌ها و راه‌هایی که در دل کوه‌ها به وجود می‌آید اشاره شده که انسان می‌تواند راه خود را از میان آنها پیدا کند؛ یعنی کوه‌ها با آن همه عظمت، راه رفت و آمد بشر را مسدود نکرده‌اند. ۴. نهرها، رودخانه‌ها و راه‌های طبیعی، راه‌نمای انسان در مسافرت هستند و راه‌های مصنوعی و جدید هم به نوعی الگو گرفته از مسیر رودخانه‌ها و راه‌های طبیعی است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۷. ۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا امامان را ارکان زمین قرار داد تا مردم زمین آرامش یابند. «۱» این گونه احادیث در حقیقت باطن آیه را بیان می‌کنند؛ یعنی مفهوم کوه‌ها را که رکن ثبات زمین هستند گسترش می‌دهند تا شامل ارکان معنوی و علمی جامعه، یعنی رهبران الهی شود؛ امام مایه‌ی ثبات جامعه و مانع درگیری‌ها و انحرافات عقیدتی و اجتماعی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد کوه‌ها، رودخانه‌ها و راه‌ها، خدا را بهتر بشناسید. ۲. ایجاد کوه‌ها هدف‌دار بوده، و خدا آنها را برای آرامش بشر آفریده است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی نحل به هدایتگری خدا به وسیله‌ی نشانه‌ها و ستارگان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۶. وَعَلَّمَتْ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ و نشانه‌هایی (نیز قرار داد) و آن (مردم) آن به وسیله ستاره [ها] رهنمون می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی قبل به راه‌های هدایت و این آیه به نشانه‌های هدایت اشاره می‌کند؛ چرا که انسان در راه، بدون نشانه به مقصد نمی‌رسد. ۲. مقصود از نشانه‌های راه‌ها، همان رنگ خاک و شکل کوه‌ها، دره‌ها و فراز و نشیب‌های مختلف سطح زمین است که هر یک علامتی برای پیدا کردن راه‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۸. ۳. ستارگان شب هنگام در دل صحراها مسافران را به مقصد رهنمون می‌شوند و در اقیانوس‌ها مسیر کشتی‌ها را تعیین می‌کنند. یعنی ما شب‌ها می‌توانیم با در نظر گرفتن ستاره‌های ثابت (هم‌چون ستاره‌ی قطبی و صورت‌های فلکی) جهت‌های شمال، جنوب، غرب و شرق و حتی جهت قبله را تعیین کنیم. ۴. قرآن کریم در این آیه و آیات مشابه توجه انسان را به آسمان بالای سرش جلب و او را به ستاره‌شناسی تحریک می‌کند. همین تشویق قرآنی و نیاز مسلمانان برای شناخت قبله سبب شد که علم نجوم و ستاره‌شناسی در بین مسلمانان بسیار رشد کند و قرن‌ها پرچم کیهان‌شناسی به دست مسلمانان باشد. ۵. در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود از نجم در این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله و منظور از علامت‌ها، همان امامان هستند. و در برخی دیگر از احادیث نجم و علامات هر دو به امامان و رهبران حق تفسیر شده‌اند. «۱» در حدیث دیگری آمده که علی علیه السلام ستاره‌ی بنی هاشم و یکی از علامت‌هاست. «۲» این گونه احادیث در حقیقت باطن آیه را بیان می‌کنند؛ یعنی همان‌طور که ستارگان و علامت‌های معمولی راه‌نمای مسافران و کشتی‌ها هستند، رهبران الهی و امامان نیز راه‌نمای مردم در تاریکی‌های جهل و خرافات‌اند و مردم می‌توانند با استفاده از این علامت‌ها به سعادت و کمال رهنمون شوند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۱۹. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا برای شما علامت‌ها و ستارگان هدایت قرار داده، تا راه را بشناسید. ۲. با مطالعات ستاره‌شناسی، ستاره‌آفرین را بشناسید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی نحل با طرح پرسشی در مورد آفرینش خدا، وجدان انسان‌ها را به داوری می‌طلبد و می‌فرماید: ۱۷. أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ و آیا کسی که می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از ابتدای سوره‌ی نحل تاکنون، حدود ۱۵ آیه، نعمت‌های الهی و آفرینش او را بیان کرد، سپس در این آیه یک نتیجه‌ی کلی می‌گیرد و می‌پرسد: آیا کسی که این جهان و نعمت‌ها را آفرید، هم‌چون کسی است که آفرینشی ندارد؟! ۲. از آن جا که مشرکان بت‌ها را خالق نمی‌دانستند، بلکه آفرینش را مخصوص خدا می‌دانستند، قرآن به نوعی به آنان یادآور می‌شود که خدای آفریننده‌ی جهان با بت‌های بی‌ارزش و بی‌خاصیت برابر نیست. ۳. یکی از روش‌های تربیتی آن است که مطلبی به صورت پرسش مطرح شود و پاسخ آن به عهده‌ی وجدان شنونده واگذار شود، تا پاسخ از درون جاننش بجوشد و آن را بپذیرد و او را بیدار کند. قرآن کریم در موارد متعددی، از جمله در این آیه از این روش استفاده کرده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۰. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای تربیت افراد، وجدانشان را به داوری بگیریید و بیدارشان کنید. ۲. اگر انسان آفرینش خدا را با دیگران مقایسه کند، عقل و فطرت



خفته‌اش بیدار و به خداشناسی رهنمون می‌شود. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هجدهم سوره‌ی نحل به بی‌شماری نعمت‌های الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۸. وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَكَفُورٌ رَحِيمٌ و اگر نعمت [های خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را شمارش کنید؛ قطعاً خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل برخی از نعمت‌های خدا در پهنه‌ی آسمان‌ها و دریاها و طبیعت بیان شد ولی اگر انسان به وجود خویش و اطرافش نظر کند، درمی‌یابد که میلیون‌ها سلول در بدن او و میلیاردها ذره و اتم در اطراف او در کوشش هستند تا او زنده بماند و نانی به کف آرد و به غفلت نخورد. ۲. ما برخی از نعمت‌های خدا را می‌شناسیم، و روز به روز با نعمت‌های بیش‌تری آشنا می‌شویم ولی هیچ‌گاه نمی‌توانیم تمام نعمت‌های خدا را بشماریم و از آنها آگاه شویم. «۱» آری: از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به در آید آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نعمت‌های الهی قابل شمارش (و سپاس) نیست. ۲. اگر در مورد سپاس خدا کوتاهی کرده‌اید، ناامید نشوید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. \*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۱ قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی نحل به آگاهی همه‌جانبه‌ی خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ و خدا آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات پیشین به آفرینش‌گری و نعمت‌بخشی خدا اشاره کرده و اینک این آیه به علم بی‌کران او اشاره می‌کند که هیچ یک از این صفات در معبودان غیر خدا وجود ندارد؛ پس فقط خداست که سزاوار پرستش است. ۲. خدا با حواس ظاهری به جهان نظر نمی‌کند تا مادیات مانع دیدن یا شنیدن و آگاهی او شوند. «۱» علم خدا حضوری است؛ یعنی همه‌ی موجودات جهان در محضر او حاضرند، پس درون و برون افراد برای او یکسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از همه چیز و همه جا آگاه است. ۲. با وجود خدای دانا و آگاه به همه چیز، پس چرا به دنبال معبودهای بی‌شعور می‌روید. \*\*\* قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی نحل به ناتوانی و عدم آگاهی معبودان مشرکان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ \* أَمْ هُمْ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ و کسانی که (مشرکان آنان را) غیر از خدا می‌خوانند، هیچ چیزی را نمی‌آفرینند؛ در حالی که آنان آفریده شده‌اند. \* (بتان) مردگانی غیر تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۲ زنده‌اند، و (با درک حسی) متوجه نمی‌شوند که چه زمانی برانگیخته خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به آفرینش‌گری، نعمت‌بخشی و علم بی‌کران الهی اشاره شده و اینک این آیات به نقطه‌ی مقابل آنها یعنی مخلوق بودن و عدم آگاهی معبودان و بت‌ها اشاره می‌کند. ۲. هر کس مخلوق و نیازمند باشد، نمی‌تواند تکیه‌گاه انسان شود و کار مهمی برای او انجام دهد؛ پس معبودان دروغین و بت‌ها شایسته‌ی پرستش نیستند. ۳. بت‌ها موجودات مرده‌ای هستند که بویی از حیات نبرده‌اند؛ چگونه ممکن است موجود غیر زنده که نمی‌تواند عبادت بندگانش را درک کند، شایسته‌ی پرستش باشد. ۴. معبودان و بت‌ها از رستخیز خود یا پرستندگانشان آگاهی ندارند «۱»؛ کسی که از قیامت آگاهی ندارد، چگونه می‌تواند انسان را از صحنه‌های هولناک آن نجات دهد؟! ۵. مراد از بت یا معبودان دروغین در قرآن، هر گونه بت سنگی و چوبی و یا هر موجود غیر خداست که تکیه‌گاه انسان قرار گیرد. «۲» آری؛ کسانی که هوای نفس می‌پرستند یا استقلال خود را از دست می‌دهند و به غیر خدا و مستکبران جهان وابسته می‌شوند، از خدا بیگانه و گرفتار نوعی بت‌پرستی و شرک خفی شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معبودان غیر خدا، شایستگی پرستش را ندارند. ۲. کسی را بپرستید که آگاه، زنده و قدرتمند باشد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی نحل به تکبرورزی منکران رستخیز اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۲. إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَجَدَ فَأَلْدِينَ لَمَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ معبود شما معبودی یگانه است؛ و [لی کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان انکارکننده (حق) است، و آنان مستکبرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که ایمان به مبدأ و معاد ملازم یک‌دیگرند و در حقیقت، مبدأ هستی همان منتهای آن است و دلایل توحید نیز در آیات قبل بیان شد، در این آیه اشاره کرده که منکران معاد دلیلی ندارند و فقط به خاطر تکبر و لجاجت در برابر حق، آن را انکار می‌کنند. ۲. واژه‌ی «کِبْر» یعنی خود را بزرگ دانستن و «استکبار» یعنی کسی که بزرگی ندارد، می‌خواهد

با وسایلی بزرگی خود را اثبات کند. «۱» ۳. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از «آخرت» در این آیه همان زمان رجعت است و مقصود از مستکبران همان کسانی هستند که در برابر ولایت امام علی علیه السلام تکبر ورزیدند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۴ البته این گونه احادیث مصداق‌هایی از آیه را بیان می‌کنند و گر نه مفهوم آیه منحصر در این مطالب نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ریشه‌ی انکار رستاخیز، تکبر و انکار حقیقت است. ۲. تکبر نورزید و به توحید و معاد ایمان آورید. \*\*\*

### مستکبران چه کسانی هستند؟

قرآن کریم در آیه بیست و سوم سوره‌ی نحل به علم بی‌کران خدا و دوری مستکبران از محبت الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۳. لَاجِرْمَ أَنْ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَأَجِبُ الْمُسْتَكْبِرِينَ قطعاً خدا آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند می‌داند؛ در حقیقت او مستکبران را دوست نمی‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تکبر صفتی درونی است که گاهی در اعمال ظاهری هویدا می‌شود؛ «۱» پس ممکن است که برخی اعمال انسان‌ها به نظر ما تکبرآمیز بیاید ولی این گونه نباشد، و یا تیت کسی تکبرورزی باشد و کسی نداند؛ از این رو این آیه به آگاهی خدا از درون و برون انسان‌ها اشاره کرده تا متکبران بدانند که خدا از نیت آنان آگاه است. ۲. دوست داشتن و خشم خدا، هم‌چون دوستی و خشم انسان‌ها تغییرپذیر نیست چون تغییرات عاطفی در خدا وجود ندارد؛ پس دوست تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۵ داشتن خدا به معنای دادن نعمت و نزدیکی افراد به خداست و خشم او به معنای عذاب و دوری آنان از خدا و رحمت اوست؛ پس مستکبران که خدا آنان را دوست ندارد، از خدا و رحمت‌ها و نعمت‌های او دور می‌شوند. ۳. آیات متعددی از قرآن، مستکبران را افرادی معرفی کرده که به آیات الهی و سخنان پیامبران گوش فرا نمی‌دهند «۱» و در احادیث نیز شیطان را نخستین مستکبر معرفی کرده است. «۲» ۴. در حدیثی حکایت شده که امام حسین علیه السلام از راهی عبور می‌کرد و گروهی ایشان را به غذا دعوت کردند، حضرت کنار سفره‌ی آنان نشست و با آنها غذا خورد و این آیه را تلاوت فرمود که خدا مستکبران را دوست ندارد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. علم الهی بی‌کران است و شما نمی‌توانید چیزی را از او مخفی سازید. ۲. اگر می‌خواهید محبوب خدا باشید تکبر نورزید. \*\*\* قرآن کریم در آیه بیست و چهارم سوره‌ی نحل به سخنان تهمت‌آمیز مستکبران بی‌ایمان در مورد اسطوره بودن قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ و هنگامی که به آن (مستکبر) ان گفته شود: «پروردگار شما چه فرو فرستاده است؟!» می‌گویند: «افسانه‌های پیشینیان.» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۶ شأن نزول: حکایت شده که شانزده نفر از کافران مستکبر به چهار دسته تقسیم شده بودند و هر گروه بر سر راه کسانی که به مکه وارد می‌شدند می‌ایستادند تا ذهن آنان را نسبت به اسلام و قرآن بدبین کنند. آنان می‌گفتند: محمد دین تازه‌ای نیاورده است بلکه همان افسانه‌های پیشینیان را تکرار می‌کند. «۱» این آیه نقشه‌ی آنان را افشا کرد و به آنان هشدار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «اساطیر» جمع «اسطوره» «۲» به معنای افسانه‌های خرافی و داستان‌های دروغین است. این واژه نه بار در قرآن از زبان کافران حکایت شده که برای توجیه مخالفت خود با پیامبران به این بهانه متوسل می‌شدند و می‌گفتند: سخنان این‌ها تازگی ندارد و همان افسانه‌های پیشینیان است. «۳» ۲. مستکبران بی‌ایمان با این سخنان خود، به دو مطلب اشاره کردند: الف) سطح فکر ما از مطالب قرآن بالاتر است. ب) این‌ها همان افسانه‌های پیشینیان است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چیزی ابتکاری نیاورده است. ۳. در عصر کنونی نیز که ادیان راستین با تبعیض، بی‌عدالتی، ستم، فساد و شهوت پرستان و مستکبران مخالفت می‌کنند، برخی افراد برای توجیه مخالفت خود با دین به همان ابزار کهنه متوسل می‌جویند و مطالب دینی را داستان‌های ساختگی جامعه یا اسطوره می‌نامند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۷ ۴. قرآن کریم داستان‌هایی از پیامبران پیشین حکایت می‌کند. داستان‌های قرآن واقعی است و برای عبرت‌آموزی و هدایت بیان می‌شود، ولی مخالفان با نادیده گرفتن این

حقایق، همه‌ی قرآن را اسطوره می‌نامند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مستکبران حتی در برابر وحی تکبر می‌ورزند و آن را افسانه می‌خوانند. ۲. وحی الهی را افسانه نخوانید. \*\*\* قرآن کریم در آیه بیست و پنجم سوره‌ی نحل به مجازات دوجانبه‌ی مستکبران بی‌ایمان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۵. لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّوهُمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ آلا سَاءَ مَا يَزُرُونَ تا روز رستاخیز، بارهای سنگین (گناهان) شان را کاملاً و برخی بارهای سنگین (گناهان) کسانی را که بدون هیچ دانشی گمراهشان می‌کنند، بر دوش کشند؛ آگاه باشید، چه بد است آنچه را که بر دوش می‌کشند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اوزار» جمع «وزر» به معنای بار سنگین است. واژه‌ی «وزیر» نیز از همین ریشه است؛ یعنی کسی که مسئولیت سنگینی را بر دوش می‌کشد. به گناه نیز «وزر» گفته می‌شود؛ چون مانند بار سنگینی بر دوش گناهکار سنگینی می‌کند. ۲. سخنان تهمت‌آمیز و فریبنده‌ی مستکبران در باره‌ی اسطوره بودن قرآن، سبب می‌شود که برخی از مردم فریب بخورند و گمراه شوند؛ از این رو تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۸ سرانجام در رستاخیز، مستکبران باید هم بار گناه خود (۱) و هم بخشی از بار گناهان پیروان گمراه خود را حمل کنند و از دو طرف گرفتار مجازات می‌شوند. ۳. مستکبران بی‌ایمان بخشی از گناهان پیروان خود را بر دوش می‌کشند؛ چراکه پیروان آنها دو گونه گناه دارند، برخی به خاطر پیروی مستکبران است و برخی گناهان مستقل خود آنهاست. بخش اول به عهده‌ی مستکبران است و یا این که هر شخصی که از مستکبری پیروی می‌کند و به گناه می‌افتد، در حقیقت خودش کوتاهی کرده که تحقیق ننموده و گمراه شده و با فطرت و عقل خویش مخالفت کرده و گناه نموده است؛ پس، از جهتی خودش مقصر است و بخشی از بار گناه را به دوش می‌کشد و از جهت دیگر مستکبران گناهکارند که او را به انحراف و گناه کشاندند؛ پس رهبران کفر به اندازه‌ای که در گناه دیگران نقش دارند کیفر می‌بینند. (۲) ۴. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس به سوی هدایت فرا خواند و کسانی او را پیروی کنند، پاداشی هم چون پاداش پیروانش خواهد داشت، بدون آن که از پاداش آنان کاسته شود؛ و هر کس به سوی گمراهی فرا خواند و کسانی از او پیروی کنند، همانند کیفر پیروانش خواهد داشت، تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۲۹ بدون آن که از کیفر آنان کاسته شود. (۱) ۵. در برخی آیات قرآن تصریح شده که کسی بار گناه دیگران را به دوش نمی‌کشد، (۲) اما در این آیه بیان شده که مستکبران بی‌ایمان بخشی از بار گناه پیروانشان را به دوش می‌کشند. از آن جا که رهبران مستکبر در تحقق گناه دیگران نقش دارند، پس در حقیقت بار گناه خود را به دوش می‌کشند؛ یعنی گناهان پیروان از جهتی اعمال خودشان و از جهتی نتیجه‌ی اعمال مستکبران است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس دیگران را گمراه سازد، شریک جرم آنهاست. ۲. جهل زمینه‌ساز گمراهی انسان است و مستکبران از همین راه وارد می‌شوند و افراد را به خدمت می‌گیرند (پس مراقب باشید). ۳. مستکبران کفرپیشه، کیفر خود را کامل دریافت می‌کنند. ۴. با گمراه ساختن دیگران بار گناه آنان را به دوش نگیرید. \*\*\* قرآن کریم در آیه بیست و ششم سوره‌ی نحل به ریشه کن شدن عبرت‌انگیز توطئه‌گران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ السَّقْفِ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَيْتَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ بیقین کسانی که پیش از آنان بودند (نیز) فریبکاری کردند؛ و [لی خدا از (ناحیه) پایه‌ها به سراغ (ویرانی) ساختمانشان رفت، و سقف از بالای [سر]شان بر آنان فرو افتاد؛ و عذاب (الهی) از جایی که (با درک حسی) متوجه نمی‌شدند به سراغشان آمد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران این آیه را اشاره به سرگذشت «نمرود» و ساختمان بلند او می‌دانند که آن را برای رفتن به آسمان و مبارزه با خدا ساخته بود. برخی دیگر از مفسران این آیه را اشاره به جریان «بُخْتُ النَّصْر» دانسته‌اند. ولی مطلب آیه شامل همه‌ی توطئه‌های مستکبران می‌شود. (۱) ۲. خدا برای بر هم زدن توطئه‌های مستکبران، اقدامات روبنایی نمی‌کند، بلکه ریشه و زیربنای تشکیلات آنان را درهم می‌ریزد. همان‌طور که عذاب و زلزله و صاعقه می‌فرستد و ساختمان‌های ظاهری آنها را درهم می‌کوبد. (۲) ۳. با این که همیشه سقف ساختمان‌ها در بالاست، ولی در این آیه فرمود: «سقف را از بالا بر سرشان فرود می‌آورد»، شاید این برای تأکید و یا اشاره به آن باشد که در هنگام فرود آمدن سقف، مستکبران داخل خانه بودند و زیر آن نابود شدند.

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت عذاب آلود مستکبران قبلی عبرت بگیرید. ۲. با دشمنان به صورت اساسی و زیربنایی برخورد کنید. ۳. خدا خود، با نیرنگ‌بازان برخورد می‌کند (پس مراقب باشید). ۴. توطئه‌گران در برابر دین خدا، از جایی که متوجه نمی‌شوند، ضربه می‌خورند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۱ قرآن کریم در آیه بیست و هفتم سوره‌ی نحل به عذاب‌های روانی توطئه‌گران در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشْفِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ سپس در روز رستاخیز آنان را خوار می‌سازد؛ و می‌گوید: «کجا ایند شریکان من، (همان) کسانی که در باره آنان (با پیامبران و مؤمنان) مخالفت می‌کردید؟!» کسانی که به آنان علم داده شده، می‌گویند: «در واقع امروز، رسوایی و بد [بختی بر کافران است!]» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخن‌گویان صحنه‌ی رستاخیز، دانشمندان هستند؛ آنان هستند که می‌توانند صحیح و عالمانه سخن بگویند که مناسب محضر خدا باشد. ۲. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از دانشمندان در این آیه، همان امامان معصوم علیهم السلام هستند. «۱» البته مفهوم آیه عام است و این گونه احادیث مصداق کامل دانشمندان باایمان را بیان می‌کنند. ۳. از این گونه آیات استفاده می‌شود که کافران نیرنگ‌باز و مشرکان توطئه‌گر در رستاخیز علاوه بر عذاب دوزخ، گرفتار مجازات روانی نیز می‌شوند؛ یعنی این پرسش و پاسخ‌ها و ملامت‌ها، برای بیان مطالب پنهانی نیست، بلکه نوعی مجازات روانی برای مستکبران کافرکیش مغرور است. ۴. کیفر خلافاکاران در قیامت با نوع گناه آنان تناسب دارد؛ یعنی کافرانی که در دنیا تکبر و مکر می‌ورزیدند در رستاخیز خوار و رسوا می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مستکبران توطئه‌گر در رستاخیز گرفتار عذاب روانی خواهند شد. ۲. برای پاسخگویی در مورد عقاید شرک‌آمیز خود در رستاخیز، آماده شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره‌ی نحل حالت کافران را در هنگام مرگ به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۲۸. الَّذِينَ تَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (همان) کسانی که فرشتگان (جان‌های) آنان را به طور کامل می‌گیرند در حالی که به خویشان ستمکار بودند؛ پس [سر] تسلیم فرو افکنند (و گویند): ما هیچ [کار] بدی انجام نمی‌دادیم! آری، در واقع خدا به آنچه همواره انجام می‌دادید داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران مستکبر به خود ستم می‌کردند؛ چرا که اولاً آنان مشرک بودند، و شرک ظلم به خویشان است. و ثانیاً، هرگاه انسان به دیگران ستم کند، در درجه‌ی اول به خود ستم کرده که صفات برجسته‌ی درونی خود را ویران ساخته است. و ثالثاً، هر ظلمی که انسان به افراد اجتماع بنماید، به سبب پیوندهای اجتماعی، این ستم در جامعه رواج می‌یابد و سرانجام به خانه‌ی ظالم بازمی‌گردد. ۲. مستکبران کافرکیش، در آستانه‌ی مرگ، که پرده‌های غفلت کنار می‌رود و حقایق را به صورت شهودی می‌بینند، تسلیم می‌شوند، ولی این پشیمانی و تسلیم و ایمان آوردن در هنگام مرگ سودی ندارد؛ زیرا ایمانی اضطراری است که ارزش ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۳. ۳. کافران مستکبر در هنگام مرگ می‌گویند: «ما کار بدی انجام ندادیم.» این سخن مستکبران، یا به خاطر دروغ‌گویی آنان است که عادتشان شده است و یا می‌خواهند بگویند که ما اشتباه کردیم ولی سوء نیت نداشته‌ایم. «۱» البته تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است. ۴. «تَوَفَّيْ بِهِمْ» به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است؛ یعنی فرشتگان مرگ، جان، روح و شخصیت حقیقی انسان را به صورت کامل می‌گیرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاران به فکر لحظه‌ی سخت مرگ باشند. ۲. شرک، کفر و تکبر ظلم به خویشان است. ۳. خدا از کردار انسان‌ها آگاه است (پس مراقب باشید). \*\*\* قرآن کریم در آیه بیست و نهم سوره‌ی نحل به عذاب جاودان کافران مستکبر اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۹. فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ (به کافران گفته می‌شود): پس از درهای جهنم وارد شوید در حالی که در آن جا ماندگارید؛ و واقعاً جایگاه متکبران چه بد است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جهنم دارای درهای متعددی است. در برخی آیات تصریح شده که جهنم هفت در دارد «۲» که برای خلافاکاران قرار داده شده است؛ یعنی هر دسته از گناهکاران از دری وارد جهنم می‌شوند. به عبارت دیگر، هر گناهی که انسان در دنیا انجام می‌دهد، دری به سوی دوزخ می‌گشاید. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۴

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جایگاه متکبران در دوزخ است. ۲. ظلم و تکبر نکنید که فرجامی عذاب آلود دارد. \*\*\*

## پارسایان و فرجام نیک آنان

قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی نحل به سخنان پارسایان در مورد قرآن و سرنوشت نیک آنان در دنیا و آخرت اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۰. وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ وَ كَسَانِي كِه (خود نگهداری و) پارسایی کرده‌اند، گفته شود: «پروردگار شما چه چیزی فرو فرستاده است؟» گویند: «نیکي». برای کسانی که در این دنیا نیکي کردند، نیکي است؛ و حتماً سرای آخرت بهتر است؛ و واقعاً سرای پارسایان (خود نگهدار) چه خوب است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همان‌طور که ذیل آیه‌ی بیست و چهارم این سوره بیان شد، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بود، مردم برای مراسم حج به آن شهر می‌آمدند و از پیامبر جدید و مطالب قرآن می‌پرسیدند و گروه‌هایی از مشرکان پاسخ می‌دادند که این‌ها افسانه‌های پیشینیان است، ولی مؤمنان پاسخ می‌دادند که پروردگار ما جز خیر و نیکي فرو نفرستاده است. «۱» آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی نحل اشاره به گفتار مشرکان مکه و این آیه اشاره به گفتار مؤمنان در باره‌ی قرآن دارد. ۲. «خیر» در این آیه به «قرآن» گفته شده و در این جا هم به صورت مطلق و بدون قید به کار رفته است تا همه‌ی نیکي‌ها، سعادت‌ها، پیروزی‌های مادی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۵ و معنوی، خیر در زمینه‌ی تعلیم و تربیت، سیاست، اقتصاد، امنیت و آزادی را در برگیرد. «۱» و روشن است که هر کس قرآن را نیکي مطلق بداند و از آن پیروی کند، نیکوکار می‌شود و در دنیا و آخرت به نیکي دست می‌یابد. ۳. در مورد پاداش مؤمنان نیکوکار هم واژه‌ی «حَسَنَةٌ» و «خَيْرٌ» به صورت مطلق به کار رفته است و مفهوم گسترده‌ای دارد و شامل انواع پاداش‌ها می‌شود که خدا به نیکوکاران پارسا وعده داده است. «۲» ۴. در آیه‌ی ۲۴ تا ۲۹ همین سوره بیان شد که مشرکان قرآن را افسانه خواندند و گرفتار انواع عذاب‌ها شدند و اینک در این آیه بیان شده که مؤمنان پارسا قرآن را خیر می‌دانند و پاداش‌های دنیوی و اخروی دریافت می‌کنند. این روش تربیتی قرآن است که به مقابله و مقایسه‌ی دو گروه و سخنان و فرجام آنها می‌پردازد، تا مردم بتوانند آگاهانه راه خود را انتخاب کنند. ۵. پاداش‌های اخروی متناسب با کارهای دنیایی افراد است؛ یعنی هر کس در این دنیا نیکوکاری کند در دنیا و آخرت به نیکي پاداش داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن سراسر نیکي است. ۲. پارسا باشید که پارسایان نیکوکار در هر دو جهان به نیکي دست می‌یابند. ۳. قضاوت افراد در مورد قرآن در سرنوشت آنها در دنیا و آخرت تأثیر دارد. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۶ قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی نحل نعمت‌های بهشت جاویدان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۳۱. جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (همان) بوستان‌های (ویژه) ماندگاری که وارد آن می‌شوند؛ در حالی که نهرها از زیر [درختان] ش روان است؛ [و] تنها برای آنان، آنچه را که بخواهند در آن جا هست؛ اینگونه خدا پارسایان (خود نگهدار) را پاداش می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عبارت: «هر چه بخواهند در بهشت برای آنان فراهم است.» تعبیری وسیع و مفهومی جامع در باره‌ی نعمت‌های بهشتی است که شامل همه‌ی نعمت‌های قابل تصور می‌شود. ۲. برخی مفسران بر آن‌اند که مقدم شدن جمله‌ی «لَهُمْ فِيهَا» در این آیه نشانه‌ی انحصار است؛ یعنی تنها در بهشت است که انسان هر چه بخواهد می‌یابد و در دنیا این کار غیر ممکن است، «۱» چون دنیا مادی و محدود است. ۳. باغ‌های بهشتی ماندگار و سرسبز است، بر خلاف باغ‌های دنیوی که پس از مدتی پژمرده و خشک می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پارسا باشید که پاداش پارسایان، بوستان‌های ماندگار بهشتی است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۷ ۲. در بهشت محدودیتی برای برآورده کردن خواسته‌های پارسایان نیست (پس پارسا باشید تا از این نعمت‌ها بهره‌مند شوید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی نحل به کیفیت مرگ پارسایان و برخورد نیکوی فرشتگان با آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۲. الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلِّمْ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (همان) کسانی که فرشتگان

(جان‌های) آنان را به طور کامل می‌گیرند، در حالی که پاکیزه‌اند؛ (و به آنان) می‌گویند: «سلام بر شما! به خاطر اعمالی که همواره انجام می‌دادید، وارد بهشت شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی نحل چگونگی مرگ مستکبران ستمگر، و اینکه در این آیه، چگونگی مرگ پارسایان بیان شده است. این روش (مقابله و مقایسه) یکی از روش‌های تربیتی قرآن است که تأثیرات فراوانی بر خواننده و شنونده دارد. ۲. مقصود از مرگ پاکیزه آن است که پارسایان از هر گونه آلودگی به شرک، ظلم، استکبار و گناه پاک هستند. ۳. مقصود از سلام فرشتگان، سلامی است که نشانه‌ی امنیت، سلامت و آرامش کامل است. ۴. «تَوَفَّى» که به معنای دریافت کامل چیزی است، اشاره به آن است که مرگ به معنای فنا و نیستی و پایان همه چیز نیست، بلکه در دیدگاه قرآن، انتقال از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۸. ۵. از این گونه آیات استفاده می‌شود که خدا برای گرفتن جان انسان‌ها مأمورانی دارد؛ یعنی فرشتگان مرگ مأمور قبض روح انسان‌ها می‌شوند و خدا این کار را با واسطه‌ی آنان انجام می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پارسا شوید که مرگ پارسایان همراه با پاکیزگی، امنیت و راه‌نمایی به سوی بهشت است. ۲. بهشت را به بهای اعمال انسان می‌دهند (نه به بهانه). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی نحل به انتظارات مشرکان و ستمکاری پیشینیان آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۳. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا فرمان پروردگارت (برای عذاب) فرا رسد؟ اینگونه انجام دادند کسانی که پیش از آنان بودند. خدا به آنان ستم نکرده و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از «فرشتگان» به صورت مطلق یاد شده است، اما با توجه به آیات گذشته که سخن از فرشتگان مأمور مرگ بود، روشن می‌شود که در این جا نیز اشاره به فرشتگان مرگ است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۳۹. ۲. مقصود از «آمدن فرمان پروردگار»، با توجه به کاربرد این تعبیر در قرآن، همان نزول عذاب الهی است. «۱» ۳. این آیه تهدیدی برای مشرکان مستکبر است که اگر اندرزه‌های خدا و پیامبران شما را بیدار نکنند، تازیانه‌های مرگ و عذاب شما را بیدار خواهد کرد و در آن زمان بیداری سودی ندارد؛ چراکه راه توبه و بازگشت بسته شده است. ۴. همان گونه که ذیل آیه‌ی ۲۸ همین سوره گفته شد، مشرکان مستکبر به خودشان ستم می‌کنند. ۵. در این آیه اشاره شده که در طول تاریخ واکنش‌های مشرکان مستکبر در برابر پیامبران یکسان بود و همواره لجاجت می‌کردند تا عذاب و مرگ آنان را نابود سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان مستکبر منتظر تازیانه‌ی مرگ و عذاب الهی باشند. ۲. شرک و استکبار، ظلم به خویشان است. ۳. مشرکان و مستکبران در طول تاریخ روش واحدی داشته‌اند. ۴. پیامدهای منفی اعمال ظالمانه‌ی خودتان را، به خدا نسبت ندهید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی نحل به اعمال ریشخندآمیز مشرکان و نتیجه‌ی عذاب آلود آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۴. فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ و بدی‌های اعمالشان به آنان در رسید؛ و آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند، آنان را فرو گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۰. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بر این واقعیت تأکید دارد، که اعمال انسان، او را در این جهان و در سرای دیگر گرفتار می‌سازد و این اعمال اوست که به صورت‌های مختلف تجسم می‌یابد و او را مُعَذَّب می‌سازد. ۲. «سَیِّئَةٌ» به معنای کار بد و گناهان کوچک است؛ «۱» بنابراین، گناهان کوچک انسان نیز منعکس می‌شود و دامان او را می‌گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب‌های الهی نتیجه‌ی اعمال خود انسان‌هاست. ۲. آیات الهی را ریشخند نکنید که پاسخ ریشخند آن داده خواهد شد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی نحل به سخنان جبرگرایانه‌ی مشرکان و پاسخ آنها و وظیفه‌ی تبلیغی پیامبران اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۵. وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَزْمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ و کسانی که شرک ورزیدند، گفتند: «اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، ما و پدرانمان هیچ چیزی جز او را پرستش نمی‌کردیم؛ و هیچ چیزی را بدون (اجازه) او ممنوع نمی‌کردیم.» اینگونه انجام دادند کسانی که پیش از آنان بودند. و [لی آیا بر فرستادگان (خدا، وظیفه‌ای) جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار است؟!]

تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ممکن است به عقاید جبرگرایانه‌ی مشرکان اشاره داشته باشد، که همه چیز را وابسته به سرنوشت می‌دانستند و می‌گفتند: اگر خدا می‌خواست ما مشرک نمی‌شدیم. نیز ممکن است اشاره به انکار پیامبران پیشین باشد؛ یعنی مشرکان می‌گفتند: اگر اعمال و عقاید شرک‌آمیز ما مورد رضایت خدا نیست، پس چرا از همان اول به نیاکان ما نگفت که راضی نیستم و پیامبرانی در این مورد نفرستاد؟ پس سکوت خدا دلیل بر رضایت اوست. «۱» سیاق آیات بعد با تفسیر دوم سازگارتر است «۲» ولی ممکن است آیه اشاره به هر دو تفسیر باشد. «۳» ۲. در عصر جاهلیت، مشرکان گوشت برخی از حیوانات را حرام اعلام می‌کردند. این کار مورد انتقاد قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت «۴» و در این آیه نیز به اصل این تحریم‌ها اشاره شده است. ۳. عبارت «پیشینان مشرکان نیز همین گونه عمل کردند»، نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله است که استقامت کن و ناراحت مباش که مشرکان در برابر پیامبران پیشین نیز این گونه عمل می‌کردند. ۴. وظیفه‌ی پیامبران، روشنگری و رساندن پیام است. این پاسخی است به سخنان جبرگرایانه و انکارآمیز مشرکان. خدا پیامبرانی را فرستاده و اسباب هدایت بشر را فراهم کرده است؛ پس او گمراهی مردم را نمی‌خواهد، ولی سنت الهی و وظیفه‌ی پیامبران اجبار کردن مردم نبوده است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۲. ۵. در این آیه بیان شده که وظیفه‌ی پیامبران پیام‌رسانی است؛ آن‌ها هم پیامی آشکار و روشنگر. یعنی ممکن است پیامبران به خاطر شرایط اجتماعی تا مدتی مخفیانه مطالب دین خود را بیان کنند، اما وظیفه‌ی اصلی آنان آشکار کردن دعوت و روشنگری در سطح جامعه است و از این روست که بسیاری از پیامبران به تنهایی و با بیانی صریح دعوت خود را آشکار و تمام مشکلات آن را تحمل می‌کردند. ۶. این که در این آیه تنها وظیفه‌ی پیامبران را پیام‌رسانی بیان کرده است حصر اضافی و نسبی است؛ یعنی وظیفه‌ی آنان مجبور کردن مردم نیست. و در برابر وظیفه‌ی آنها تبلیغ روشن است اما این بدان معنا نیست که آنها وظیفه دیگری ندارند؛ چراکه مسلماً آنان وظایف شخصی، اجتماعی و سیاسی نیز به عهده داشته‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توجیه کردن کارهای خلاف و جبرگرایی روش مستمر مشرکان است (شما این گونه نباشید). ۲. وظیفه‌ی مبلغان الهی، تبلیغ آشکار و روشنگری است. \*\*\*

### اهداف رسالت پیامبران

قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی نحل به فرستادن پیامبران برای همه‌ی امت‌ها و هدف توحیدی آنان و دعوت به جهان‌گردی اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۶. وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَبُوا الطَّعُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ و بیقین در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگوید) که: خدا را بپرستید؛ و از طغیان‌گر (ان و بت‌ها) دوری کنید. پس، برخی از آنان کسانی هستند تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۳ که خدا (آنها را) راهنمایی کرده؛ و برخی از آنان کسانی هستند که گمراهی بر آن (ان) ثابت گردیده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید، که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «امت» در اصل به معنای مادر و محل رجوع یا هر چیزی که چیز دیگری را به خود ضمیمه می‌کند، آمده است؛ از این رو به هر گروهی که در میان آنان یک نوع وحدت زمانی یا مکانی یا فکری و یا وحدت در هدف باشد، امت گویند. ۲. خدا برای هر ملت و امتی رسولی فرستاده است؛ یعنی در تمام مناطق جهان پیامبرانی مبعوث شده‌اند، اگر چه خبر آنها به گوش ما نرسیده باشد. ممکن است منظور آیه آن باشد که پیامبران در برخی نقاط جهان مبعوث شده‌اند و نمایندگان و فرستادگان آنها در همان عصر و یا اعصار بعدی به مناطق مختلف جهان رفته و پیام الهی را به گوش مردم رسانده‌اند؛ همان طور که پیامبر اسلام کسانی را با نامه به ایران، روم و مصر فرستادند و اکنون نیز ما پیام ایشان را از ورای اعصار از زبان عالمان دین می‌شنویم. «۱» ۳. این آیه هدف پیامبران را «توحید» و «مبارزه با طاغوت» بیان کرده است. این دو اصل زیربنای دعوت پیامبران است؛ چرا که تا پایه‌های توحید در جامعه محکم نشود و طاغوت‌ها طرد نگردند، زمینه‌ی

برنامه‌های اصلاحی در جامعه فراهم نمی‌گردد. ۴. «طاغوت» صیغه‌ی مبالغه از ماده‌ی طغیان و به معنای متجاوز از حد و مرز است؛ از این رو به شیطان‌ها، بت‌ها، حاکمان ستمگر و مستکبران، و حتی به مسیری که به غیر حق منتهی می‌شود طاغوت گویند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۴. ۵. هدایت افراد به دست خداست؛ چرا که اصل وجود و تأثیرات اعمال‌ها به دست خداست، پس نتایج آنها را می‌توان به خدا نسبت داد و این به معنای جبرگرایی نیست؛ انسان اختیار دارد که راه گمراهی یا هدایت را انتخاب کند، ولی در هر صورت مقدمات این‌ها از خداست؛ یعنی او پیامبران را می‌فرستد و عقل و فطرت توحیدی درون انسان قرار می‌دهد و هر کس شایستگی داشته باشد مشمول لطف و هدایت او می‌شود و هر کس به ستمکاری و گناه و سرکشی روی آورد در گمراهی رها می‌شود. ۶. در این آیه بیان شده که هدایت از خداست، اما در مورد گمراهان فرمود: گمراهی بر آنان ثابت شده است؛ شاید بدین خاطر که در مسئله‌ی هدایت، بیش‌ترین سهم از خداست که عقل و فطرت توحیدی داده و مقدمات را با فرستادن پیامبران فراهم کرده است و تنها تصمیم‌گیری از انسان است. اما در گمراهی، انسان بیش‌ترین سهم را دارد؛ زیرا او بر خلاف فطرت و عقل خود حرکت می‌کند و به دعوت پیامبران توجه نمی‌کند و تصمیم می‌گیرد که در وادی گمراهی گام نهد. ۷. در این آیه از انسان‌ها دعوت شده که به جهان‌گردی و مطالعه‌ی آثار گذشتگان، طاغوت‌ها و منکران حق بپردازند، تا ببینند که پیامبران الهی کجا فرستاده شدند و چه گفتند و مخالفان چگونه تکذیب‌شان کردند و به چه سرنوشتی گرفتار شدند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۵. ۱. پیامبران خدا، پیام الهی را به همه‌ی ملت‌ها و نژادها رسانده‌اند. ۲. هدف مشترک پیامبران فراخواندن به توحید و مبارزه با طاغوت‌ها بوده است. ۳. طاغوت‌ستیزی با توحیدگرایی ملازم یک‌دیگرند. ۴. به جهان‌گردی هدف‌دار بپردازید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی نحل با بیان اشتیاق پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت گمراهان، به ایشان دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۳۷. «إِنْ تَخَرَّصْ عَلَيَّ هُدَيْتَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَيَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَصْرٍ إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ رَاحِمًا» (گمراه آن حریص باشی (سودی ندارد)؛ چرا که خدا کسی را که در گمراهی و انهدان، راهنمایی نمی‌کند؛ و هیچ یآوری برایشان نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گمراهان و منحرفان دو گروه هستند: گروهی از آنان گمراهان عادی هستند که تبلیغ و هدایت در آنان اثر می‌کند و گاه چنان متحول می‌شوند که عاشقانه به سوی حق می‌شتابند. گروه دوم، گمراهان لجوج هستند که در اثر ستمکاری، استکبار، غرور و غفلت، درهای هدایت را به روی خود می‌بندند و حتی تلاش پیامبر هم برای هدایت آنها سودی ندارد و خدا آنان را در گمراهی وا می‌نهد. این آیه به گروه دوم اشاره دارد. ۲. «ناصرین» به معنای «یاوران» است و جمع بودن این واژه اشاره به آن است که انسان می‌تواند یاران متعددی هم‌چون خدا، پیامبران، مؤمنان و فرشتگان داشته باشد که در اثر گمراهی آنها را از دست می‌دهد؛ چرا که انسان گمراه زمینه‌ی مناسب امداد را در خود از بین برده است و از این رو کسی یاری‌اش نمی‌کند «۱». تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۶. ۳. این آیه نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله و همه‌ی رهبران دل‌سوز و مبلغان الهی است که بدانند همیشه گروهی از مردم قابل هدایت نیستند و هیچ منطقی را نمی‌پذیرند؛ پس نباید انتظار داشته باشیم که همه‌ی مردم مؤمن شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با وجود رهبران هدایتگر و دل‌سوز، برخی افراد قابلیت هدایت را از دست داده‌اند. ۲. رهبران الهی بیش از حد دل‌سوزی نکنند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی نحل به منکران معاد و حقانیت وعده‌ی الهی در مورد آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۸. «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَمَتَّبِعَنَّ اللَّهَ مِنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَيْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَمَّا يَعْلَمُونَ وَبَايَعُوا عَلَىٰ مَا عَدَاكُمْ فَأَخَذْتُمْ أُولَٰئِكَ الْغَاوِبِينَ وَاللَّهُ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (این‌ها قسم خوردند که: «خدا کسی را که می‌میرد، بر نمی‌انگیزد!» آری (این رستاخیز) وعده حقی بر عهده اوست؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که مرد مسلمانی از مشرکی طلب داشت و با او مجادله می‌کرد و در ضمن سخنانش به معاد سوگند یاد کرد، ولی مرد مشرک به انکار معاد پرداخت و سوگند یاد کرد که خدا هیچ مرده‌ای را زنده نخواهد کرد این آیه و آیات بعد بدین مناسبت فرود آمد و به اثبات معاد پرداخت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۷. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسئله‌ی معاد یک اصل اساسی عقیدتی است که با دلیل ثابت می‌شود و



سوگند در اثبات و نفی آن تأثیری ندارد. سوگند یاد کردن مشرکان برای نفی معاد نشانه‌ی نادانی آنهاست و از این رو قرآن با قاطعیت با آنها برخورد می‌کند. ۲. این آیه به یکی از دلایل معاد اشاره کرده است که همان وعده‌ی حق الهی است. خدای توانا و عادل وعده داده که روزی ستمکاران و گناهکاران را مجازات می‌کند و پاداش نیکوکاران مؤمن را می‌دهد. این وعده بر عهده‌ی خداست و او توانایی انجام وعده را هم دارد، پس معاد حتماً تحقق خواهد یافت. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که این آیه به مسئله‌ی رجعت و زنده شدن مردگان در آخرالزمان اشاره دارد. «۱» البته این گونه احادیث یکی از مصادیق آیه را بیان می‌کنند و مانعی ندارد که آیه شامل رجعت و معاد هر دو باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ریشه‌ی انکار معاد جهل است (پس آگاهی مردم را بیفزاید تا معاد باورتر شوند). ۲. معاد وعده‌ی حق خداست که تحقق خواهد یافت. ۳. فریب سوگندهای مخالفان معاد را نخورید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۸ قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی نحل به دو هدف معاد اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۹. لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبِينَ (مردگان را بر می‌انگیزد) تا آنچه را که در آن اختلاف می‌کردند، برای آنان روشن بیان کند؛ و تا کسانی که کفر ورزیدند، بدانند که (خود) آنان دروغگو بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روز رستاخیز پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق و تمام اسرار پنهانی آشکار می‌شود. «۱» در چنین محیطی اختلافات واضح و بی‌معنا می‌گردد؛ چون تمام عقاید، اعمال و گفتارهای انسان‌ها با اسناد و مدارک کافی در دادگاه الهی ارائه می‌شود و کسی نمی‌تواند آنها را انکار کند و تمام دروغگویی‌ها بر ملا می‌شود. ۲. معاد و حیات پس از مرگ اهداف متعددی دارد؛ هم‌چون: تکامل انسان، اجرای عدالت، هدف‌دار کردن زندگی این جهان و ادامه‌ی فیض الهی. اما این آیه هدف معاد را بر طرف کردن اختلافات و بازگشت به توحید دانسته است. اصلی که هم در مورد ذات و صفات و افعال خدا صادق است و هم بر مجموعه‌ی عالم هستی و قوانین؛ و همه چیز به اصل توحید بازمی‌گردد. البته توحید حقیقی و از بین رفتن نهایی اختلافات عقیدتی فقط در رستاخیز ممکن است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۴۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر نورزید که در رستاخیز دروغ‌گویان کفر پیشه رسوا می‌شوند. ۲. یکی از اهداف برپایی رستاخیز روشن کردن حقایق و بر طرف کردن اختلافات است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی نحل به قدرت و اراده‌ی خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۰. إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (چیزی را که چیزی را می‌خواهیم، سخن ما به آن، فقط [این است که بدان می‌گوییم: «باش!»] پس [فوراً موجود] می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منکران معاد سوگند یاد می‌کردند که خدا مردگان را زنده نمی‌سازد و خدا فرمود که این وعده‌ی حق الهی است؛ و اینک این آیه به اراده‌ی مطلق و قدرت بی‌انتهای الهی اشاره می‌کند؛ یعنی اگر تصور می‌کنید که خدا نمی‌تواند معاد را برپا سازد، بدانید که اشتباه می‌کنید؛ خدا هر چه را بخواهد فوراً ایجاد می‌کند. ۲. در این آیه آمده است که خدا هر چه را بخواهد فرمان می‌دهد که «باش» اما در حقیقت این لفظ بیانگر یک حقیقت است؛ یعنی خدا برای ایجاد چیزها، احتیاج به اندیشیدن و تصمیم گرفتن و گفتن ندارد و این‌ها از صفات مخلوقات است. اراده‌ی خدا برای به وجود آمدن اشیا کافی است؛ همان‌طور که ما برای ایجاد تصورات ذهنی نیاز به گفتن نداریم و اراده‌ی ما برای ایجاد آنها کافی است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اراده و قدرت خدا مطلق است و هر چه را بخواهد فوری ایجاد می‌شود. ۲. در مورد رستاخیز تردید نکنید که برای خدای توانا، برپایی رستاخیز کاری ساده است. «۱» \*\*\* قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سوره‌ی نحل به پاداش‌ها و صفات مهاجران اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ\* الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ و کسانی که پس از ستم‌دیدگی، در (راه) خدا هجرت کردند، حتماً در این دنیا جایگاه نیکویی به آنان می‌دهیم؛ و البته پاداش آخرت، بزرگ‌تر است اگر (بر فرض) می‌دانستند.\* (مهاجران) کسانی هستند که شکیبایی کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مسلمانان، همانند بلال، عمار و صهیب که در مکه تحت فشار مشرکان بودند، خواستند به مدینه مهاجرت کنند. صهیب که مرد کهن‌سالی بود، به مشرکان پیشنهاد

کرد که اموال مرا بگیریید و بگذارید به مدینه بروم. مشرکان موافقت کردند و تمام اموال او را گرفتند و راه مدینه را برای او گشودند و برخی به صهیب گفتند: چه معامله‌ی پرسودی کردی! آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و پیروزی او و پاداش آنها را در دنیا و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۱ آخرت نوید داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات نیز قرآن از روش تربیتی مقایسه و مقابله استفاده کرده است؛ یعنی در آیات پیشین مطالبی در مورد مشرکان لجوج بیان داشت و اینک در این آیات به سرنوشت مؤمنان مهاجر اشاره کرده تا مردم بتوانند با مقایسه و مقابله‌ی آن دو گروه، راه صحیح را انتخاب کنند. ۲. مسلمانان در زندگی پر ماجرای مکه، دو هجرت داشتند: یکی هجرت جعفر بن ابی طالب و گروهی از مسلمانان به حبشه و دوم هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و بسیاری از مسلمانان به مدینه. این آیه به هجرت دوم اشاره کرده و شأن نزول هم آن را تأیید می‌کند، «۲» هر چند مطلب آیه عام است و پاداش‌های وعده داده شده شامل همه‌ی مهاجران صدر اسلام و طول تاریخ می‌شود. ۳. هجرت، نقش مهمی در سرنوشت مسلمانان صدر اسلام داشت و آنان را از تحت تسلط کافران خارج ساخت و در نهایت با پیروزی به مکه باز گرداند. آری؛ مقام مهاجران در اسلام بسیار ارجمند است؛ آنان فداکارانه تمام زندگی خویش را به خطر انداختند و رنج سفر و از دست دادن اموال و دوری از خانواده را تحمل کردند، تا اسلام گسترش یافت و ثمرات شیرین آن به نسل‌ها و مناطق دیگر رسید. قدر مردم سفر پدید آرد خانه‌ی خویش مرد را بند است چون به سنگ اندرون بود گوهر کس نداند که قیمتش چند است (سنائی) تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۲ ۴. در این آیه نفرمود که مهاجران در «راه» خدا هجرت کردند، بلکه فرمود: برای خدا هجرت کردند. این نهایت اخلاص مهاجران را نشان می‌دهد که تنها برای خدا و برای جلب رضایت او و دفاع از آیینش هجرت کردند. ۵. هرگاه دشمن به مسلمانان ستم کند، تا آن جا که ممکن است ایستادگی و تحمل می‌کنند، ولی وقتی تحمل آزار دشمن سودی ندارد و موجب تضعیف مسلمانان و جسارت دشمن می‌شود، هجرت می‌کنند و به مناطقی می‌روند که بتوانند آزادانه زندگی کنند و زمینه‌ی پیروزی خود را فراهم سازند. ۶. گرچه مؤمنان در هنگام مهاجرت امکانات مادی خود را از دست می‌دهند، اما سرانجام خدا زمینه‌ها را آماده می‌کند و در دنیا پیروز می‌شوند و در آخرت نیز پاداش بزرگ‌تری دریافت می‌کنند. ۷. در این آیه به دو صفت «صبر» و «توکل» مهاجران اشاره شده است؛ در حوادث سخت و رنج سفر، شکیبایی و استقامت و تکیه‌گاهی محکم و معنوی لازم است تا مؤمنان را ثابت قدم کند. آری؛ مؤمنان مهاجر با صبر و استقامت شروع می‌کنند و در نهایت، از همگان جدا می‌شوند و به خدا می‌پیوندند و تنها بر او توکل می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مهاجرت خالصانه، پاداشی بزرگ در دنیا و آخرت دارد. ۲. هر کس مورد ستم واقع شد، مهاجرت کند که خدا جایگاه نیکویی در دنیا برایش فراهم می‌سازد. ۳. با شکیبایی و تکیه بر خدا، مهاجرت کنید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۳

### اگر نمیدانید از آگاهان برسید

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و سوم سوره‌ی نحل به قانون پرسش از متخصصان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم؛ پس اگر نمی‌دانید، از آگاهان برسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان می‌گفتند: چرا خدا فرشته‌ای به عنوان پیامبر نفرستاده است؟ این آیه به این اشکال آنها پاسخ می‌دهد که فرستادگان قبلی نیز افرادی از جنس بشر بودند که فقط به آنان وحی می‌شد. ۲. پیامبران الهی از جنس بشر بودند تا عواطف و غرایز انسانی داشته باشند و نیازهای بشر را به خوبی درک کنند و به عنوان الگو قابل پیروی باشند. ۳. «ذکر» در اصل به معنای حفظ کردن یا یادآوری است. این یادآوری گاهی به وسیله‌ی دل و باطن و گاهی به وسیله‌ی زبان و لفظ است؛ از این رو قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از مصادیق ذکر هستند؛ چون حقایق را بازگو کرده، مایه‌ی ذکر و توجه انسان و دوری او از غفلت‌ها هستند. ۴. بسیاری از مفسران قرآن برآنند که مقصود از «اهل ذکر» در این آیه، دانشمندان یهود

و مسیحیت هستند؛ چراکه آیه از مشرکان می‌خواهد که اگر در مورد بشر بودن پیامبران قبلی تردید دارید، به دانشمندان اهل کتاب مراجعه کنید. آنان منبع خوبی برای مشرکان به شمار می‌آیند؛ چون هم در مخالفت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مشرکان هم عقیده بودند و هم افراد مطلعی بودند. البته این تفسیر نوعی بیان مصداق آیه در زمان نزول آن است، و گرنه مفهوم آیه عام است و شامل همه‌ی متخصصان و آگاهان در هر عصر می‌شود. ۵. برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود این آیه مراجعه و پرسش از اهل تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۴ اطلاع و متخصصان هر رشته است و به این آیه در مورد تقلید جاهل از عالم و پیروی مردم از مراجع تقلید و لزوم مراجعه به مجتهدان، کارشناسان و متخصصان استناد شده است. «۱» هم سؤال از علم خیزد هم جواب هم چنان که خار و گل از خاک و آب (مولوی) ۶. مراجعه‌ی افراد غیرمتخصص به متخصصان و صاحب‌نظران، یک امر عقلایی است که مورد اشاره و تأکید قرآن قرار گرفته است، ولی باید توجه داشت که لازم است انسان به متخصصان درستکار و صادق مراجعه کند و به همین دلیل عدالت و تقوا در مورد مراجع تقلید شرط شده است. ۷. در برخی از احادیث شیعه و اهل سنت حکایت شده که مقصود از ذکر، قرآن یا شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است و منظور از اهل ذکر، همان امامان و اهل بیت علیهم السلام هستند که می‌توانیم از آنان پرسش کنیم و آگاه شویم. «۲» البته امامان علیهم السلام از مصادیق کامل آیه هستند ولی معنای آیه در آنها منحصر نمی‌شود. ۸. در این آیه اشاره شده که هر جا نمی‌دانید، پرسش کنید. این یکی از آداب پرسشگری است که انسان در جایی که می‌داند برای خودنمایی یا زیر سؤال بردن دیگران پرسش نکند و هر جا هم که نمی‌داند، سکوت نکند و خجالت نکشد و پرسد. خود نمی‌دانی و از خلق نمی‌پرسی فارغ از مشکل و بیگانه ز آسانی (پروین) ۹. پیامبران فقط از میان مردان برگزیده می‌شدند و وحی به زنانی هم چون مریم، وحی تشریحی و نبوتی نبود بلکه خبرها یا بیان وظایف تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۵ شخصی بود که در مورد پیامبران و غیر پیامبران از مردان و زنان الهی وجود داشت. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران الهی جز بشر نبوده‌اند، پس بهانه‌جویی نکنید. ۲. در مورد هر مسئله‌ای به کارشناس و متخصص آن مراجعه کنید. ۳. اگر مسئله‌ای را نمی‌دانید (خجالت نکشید و) پرسید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی نحل به تفسیر پیامبر صلی الله علیه و آله بر قرآن و تفکر در آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۴. بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لُبَّتَيْنِ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (پیامبران را) با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) و نوشته‌های متین (فرستادیم). و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را که به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بَيِّنَات» به معنای «دلایل روشن» است. ممکن است در این جا اشاره به معجزات و سایر دلیل‌های پیامبران باشد که حقانیت آنان را اثبات می‌کند. ۲. «زُبُور» به معنای «کتاب‌ها» است و مقصود کتاب‌های آسمانی پیامبران است «۲». تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۶. ۳. پیامبران هم معجزه و دلیل عقلی داشتند و هم دلیل‌های نقلی و کتاب آسمانی، تا مردم تفکر کنند و در تشخیص حق و باطل گرفتار اشتباه نشوند. ۴. قرآن برای همه‌ی مردم و مخاطب آن همگان هستند، اما بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و او مفسر قرآن است؛ یعنی بیان پیامبر در کنار وحی الهی قرار دارد و مشکلات قرآن را باید از او پرسید؛ او به دقایق وحی آگاه‌تر است و از طریق خدا راه‌نمایی می‌شود و در بیان خود معصوم است. «۱» ۵. اولین مفسر قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله است. ایشان هر آیه‌ای از قرآن را که برای مردم مبهم یا مجمل بود، تبیین می‌کردند، متشابهات و ناسخ و منسوخ و مطالب مشکل آن را واضح می‌نمودند و وظایف کلی هم چون نماز و حج را تشریح می‌کردند. ۶. برخی مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که خبر واحد غیرقطعی در تفسیر قرآن حجت نیست؛ چراکه یقین آور و بیان قطعی قرآن نیست. احادیثی می‌توانند قرآن را تفسیر کنند که هم چون روایات متواتر و قرینه دار، قطعی باشند «۲» و احادیث دیگر به عنوان شاهد و مؤید به کار می‌روند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن مایه‌ی تذکر، یادآوری و غفلت زدایی است. «۳» ۲. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بیان و تفسیر قرآن است. ۳. نزول قرآن زمینه‌ساز تفکر انسان‌هاست. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۷ قرآن کریم در آیات چهل و پنجم تا چهل و هفتم سوره‌ی نحل با بیان چهار نوع عذاب

الهی، به توطئه گران گناهکار هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۵-۴۷. أَفَأَمِّنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ\* أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ\* أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ پس آیا کسانی که فریبکاری بد می‌کنند، ایمن شده‌اند از این که خدا آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که (با درک حسی) متوجه نمی‌شوند، عذاب به سراغشان آید؟! و یا در حال رفت و آمدشان، (عذاب) آنان را بگیرد، و آنان عاجز کننده (خدا) نیستند؟!\* یا با کاستن تدریجی و هراس‌انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، حتماً مهربان [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به افرادی که نقشه‌های بد می‌کشند (۱) و توطئه می‌چینند تا به هدف‌های شوم خود برسند و نور قرآن و اسلام را خاموش سازند و مؤمنان را آزار دهند، هشدار داده شده است. ۲. در این آیات به چهار نوع عذاب الهی که در انتظار توطئه‌گران است اشاره شده که عبارت‌اند از: الف) این که پوسته‌ی زمین در اثر زلزله‌ای شکافته شود و همه‌ی توطئه‌گران را در کام خود فروبرد. البته این نوع از عذاب متناسب با توطئه‌گرانی هم‌چون قارون‌هاست که در صف مستکبران خطرناک هستند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۸ ب) این که عذاب الهی در حال غفلت آنان را فرو گیرد، که این نوع عذاب متناسب با توطئه‌گرانی است که در هوا و هوس خود غرق هستند و ناگهان عذاب دامنه‌شان را می‌گیرد. ج) این که عذاب در حال رفت و آمد به سراغشان بیاید، که این نوع عذاب متناسب دنیاپرستان زراندوز است که شب و روز در حال تلاش برای جمع ثروت بیش‌تر هستند که در همان حال گرفتار عذاب الهی می‌شوند و نمی‌توانند مانع عذاب شوند و از چنگال آن فرار کنند. (۱ د) این که عذاب به صورت تدریجی و در ضمن هشدارهای پی‌درپی به سراغ توطئه‌گران می‌آید؛ یعنی هر روز با حوادث دردناکی که اطراف آنها به وقوع می‌پیوندد برخی نزدیکان توطئه‌گران گرفتار عذاب‌های متنوع می‌شوند تا شاید بیدار شوند. البته این گونه عذاب‌ها برای کسانی است که هنوز احتمال بازگشت و هدایت آنان وجود دارد. (۲) ۳. در پایان این آیات اشاره شده که اگر عذاب‌های الهی به ناگهان فرو نمی‌آیند و پس از هشدارهای تدریجی واقع می‌شوند به خاطر آن است که پروردگار شما بسیار مهربان است و رحمت و حکمت او اجازه نمی‌دهد که سریعاً همه را مجازات کند. ۴. توطئه‌گران از عذاب‌های الهی در امان نیستند و همین احتمال مجازات کافی است که دست از توطئه بردارند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۵۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توطئه‌گران ایمن نباشند که ممکن است خدا آنان را با انواع مجازات‌ها کیفر دهد. ۲. هیچ کس نمی‌تواند مانع عذاب الهی شود. ۳. هشدارها و مجازات‌های تدریجی خدا به خاطر مهربانی او به شماست که می‌خواهد شما را تربیت کند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آفرینش و سایه‌های مخلوقات و کرنش آنها در برابر او اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۸. أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مِا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَفْقَهُوا ظُلُمًا عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَخِرُونَ و آیا به چیز [های]ی که خدا آفریده است، نظر نکرده‌اند، که سایه‌هایش از [جانب‌های راست و چپ در حرکتند، در حالی که آنان برای خدا سجده‌کنان فروتنند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تابش نور خورشید بر چیزها موجب می‌شود که یک طرف آنها به خوبی دیده شوند و در طرف دیگرشان سایه ایجاد می‌شود و این سایه‌ها و روشن‌ها در طول روز از جهتی به جهت دیگر منتقل می‌شوند. سایه‌ها که نبودن یا کمبود نور در فضا هستند، یکی از نشانه‌های عظمت خدا و دارای فواید زیادی هستند که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) نوازش متناوب سایه‌ها بر گیاهان، مانع تابش مداوم آفتاب و سوختن آنها می‌شود. ب) سایه‌ها در بیابان‌های خشک عامل نجات‌بخش انسان‌ها و حیوانات از گرمای سوزان هستند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۰ ج) نیم‌سایه‌ها و سایه‌روشن‌ها عامل مؤثری در دیدن چیزهای اطراف ما هستند. (۱) د) سایه‌ی کره‌ی زمین سبب پیدایش شب می‌شود که زمینه‌ساز استراحت و تجدید قوای انسان و طبیعت است. (۲) ۲. «سجده» در اصل به معنای نهایت فروتنی و پرستش است که یکی از مصادیق آن سجده‌ی انسانهاست، ولی منحصر به این مورد نیست و در سراسر جهان هستی، همه‌ی موجودات تکویناً تسلیم قوانین خدا هستند و از این مسیر رو بر نمی‌تابند و این نوعی کرنش، فروتنی و سجده در پیشگاه خدا و نشان دهنده‌ی عظمت، قدرت و علم اوست و سجده‌ی سایه‌ها و آیه بودن آنها نیز در همین رابطه معنا

می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد انعکاس نور و سایه‌ها مطالعه کنید که یکی از منابع خداشناسی است. ۲. همه‌ی هستی، حتی سایه‌های آنها، در برابر خدا کرنش و فروتنی دارند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۱ قرآن کریم در آیات چهل و نهم و پنجاهم سوره‌ی نحل به کرنش همه‌ی موجودات و ویژگی‌های فرشتگان اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۹ و ۵۰. وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَمَّا يَسْجُدُونَ \* يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ آنچه از جنبندگان در آسمان‌ها و آنچه در زمینند و فرشتگان، تنها برای خدا سجده می‌کنند؛ در حالی که آن (فرشتگان) ان تکبر نمی‌ورزند. \* (و) از (مخالفت) پروردگارشان، که بر فراز آنها (حاکم) است، ترسانند؛ و آنچه را فرمان داده شده‌اند انجام می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ذیل آیه‌ی قبل بیان شد که مقصود از سجده در این جا، کرنش و فروتنی و پرستش خداست؛ یعنی همه‌ی موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسلیم خدا و قوانین اویند و از این مسیر منحرف نمی‌شوند؛ پس در حقیقت همه‌ی مخلوقات به صورت تکوینی برای خدا کرنش و سجده می‌کنند. «۱» همه از بهر خدا سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری ۲. در این آیه و برخی آیات دیگر «۲» قرآن اشاره شده که جنبندگان در آسمان‌ها و زمین هستند؛ پس وجود موجودات زنده مخصوص سطح کره‌ی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۲ زمین نیست، بلکه در جو اطراف زمین نیز موجودات زنده‌ای وجود دارند و نیز ممکن است در کرات دیگر نیز موجودات زنده‌ای باشند. «۱» ۳. در این آیات سه ویژگی برای فرشتگان «۲» بیان شد: الف) کم‌ترین استکباری در برابر خدا ندارند و کاملاً تسلیم اویند. ب) احساس مسئولیت می‌کنند و از مخالفت پروردگارشان می‌هراسند. ج) مأموریت‌های خود را به خوبی انجام می‌دهند، که این ویژگی، انعکاس عملی آن دو ویژگی روانی آنهاست. ۴. از این آیه به انضمام آیات دیگر قرآن «۳» استفاده می‌شود که فرشتگان تکالیفی دارند، اما معصوم هستند و از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تمام هستی تنها در برابر خدا تسلیم و فروتن هستند. ۲. همه‌ی موجودات فرمان‌بردار خداوند هستند (پس شرط انصاف نیست که تو اطاعت نکنی). ۳. فرشتگان فروتن، خداترس و معصوم هستند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۳ قرآن کریم در آیات پنجاه و یکم و پنجاه و دوم سوره‌ی نحل به توحید و دلایل آن و لزوم حفظ خود اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۱ و ۵۲. وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَجَدَّدُوا إِلَهُينِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ \* وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ و خدا فرمود: «دو معبود (برای خود) مگیرید، چراکه او تنها معبود یگانه است؛ پس فقط از (مخالفت) من بهراسید!» \* و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط از آن اوست؛ و دین پایدار (خالص) تنها از آن اوست؛ پس آیا از (عذاب) غیر خدا، خودنگهداری می‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه وجود دو معبود نفی شده است، در حالی که مشرکان عرب معبودها و بت‌های بسیاری داشتند. این تعبیر، یا اشاره به نفی دو گانه‌پرستی زرتشتیان است، یا این که همه‌ی معبودها را در عنوان «باطل» یا «غیر خدا» و «بت نفس» جمع کرده و به صورت واحدی به آنها اشاره کرده است و یا این که مقصود آیه آن است که پرستش دو معبود غلط است، چه رسد به پرستش معبودهای متعدد. «۱» ۲. در این آیه اشاره شده که فقط از خدا هراس داشته باشید؛ یعنی اگر معبودی جز خدا نیست، پس قانون‌گذار و مجازات‌کننده‌ی متخلفان نیز یکی است، پس فقط از مخالفت با او و عذاب او بهراسید و از مخلوقات ضعیف ترسی به خود راه ندهید. ۳. خدا موجودی محبوب و دوست داشتنی است؛ «۲» چرا که کمال و خیر محض است، پس ترس از ذات او معنا ندارد و اگر کسی می‌هراسد، از مقام عدالت و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۴ کیفر مخالفت با اوست؛ همان‌طور که در برخی آیات اشاره شده است. «۱» ۴. در آیه‌ی اول، نخست به نفی شرک پرداخت و سپس توحید را بیان کرد؛ یعنی اول باید دل را از افکار انحرافی پاک ساخت تا جای سخن حق باز شود و توحید در آن جای‌گزین گردد. ۵. در این آیات به دو دلیل توحید اشاره شده است: الف) خدا مالک تمام هستی است؛ پس تنها او سزاوار پرستش است، نه بت‌هایی که مالک هیچ چیز نیستند. ب) همواره دین خالص از ناحیه‌ی خداست و اوست که قوانین را مشخص می‌سازد، پس باید تنها از او اطاعت کنیم. ۶. «واصب» در اصل به معنای «دوام» است و برخی آن را «خالص» و در برخی احادیث «اطاعت» معنا کرده‌اند. «۲» ممکن است که

همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد؛ چون این معانی لازم و ملزوم یک‌دیگرند؛ «۳» یعنی تا چیزی خالص نباشد، دوام نمی‌یابد و اگر دین خالص باشد اطاعت آن واجب است، چون قانون الهی است. ۷. مقصود از «دین» در این آیه یا پرستش و اطاعت خداست و یا مجموعه‌ی قوانین الهی؛ «۴» البته این دو معنا ملازم یک‌دیگرند و مانعی ندارد که هر دو مقصود آیه باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک نورزید و به توحید روی آورید. ۲. مالکیت و قانون‌گذاری جهان از آن خداست، پس تنها او سزاوار پرستش است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۵. فقط از مخالفت خدا بترسید و خودتان را از عذاب او حفظ کنید. \*\*\* قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم تا پنجاه و پنجم سوره‌ی نحل به واکنش‌های انسان در برابر ناراحتی‌ها و فطرت توحیدی و ناسپاسی عملی او اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۳-۵۵. وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْرُونَ\* ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ\* لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَهُمْ فَتَمْتَعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ و آنچه شما از نعمت دارید، از خداست؛ سپس هنگامی که زیان به شما رسد، پس تنها به سوی او ناله و زاری می‌کنید. \* سپس هنگامی که زیان را از شما برطرف کند، بناگاه دسته‌ای از شما به پروردگارشان شرک می‌ورزند! \* تا آنچه را به آنان داده‌ایم، ناسپاسی کنند! پس (چند روزی از دنیا) بهره‌گیرید، و [لی در آینده خواهید دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دلیل سوم توحید و لزوم پرستش خدای واحد اشاره شده است؛ یعنی اگر مقصود از پرستش، سپاس نعمت‌هاست، بدانید که همه‌ی نعمت‌ها از سوی خداست و بت‌ها به شما نعمتی نداده‌اند که سپاس‌گزاری آنها لازم باشد. ۲. در این آیات به دلیل چهارم توحید نیز اشاره شده که همان فطرت توحیدگرای انسان است. منظور آن است که اگر مقصود از پرستش دفع ناراحتی‌ها و مشکلات است، آن هم از ناحیه‌ی خداست و از این روست که در هنگام ناراحتی‌های سخت ناخودآگاه به سوی خدا می‌روید و ناله می‌کنید «۱» و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۶ از بت‌ها در این موارد کاری ساخته نیست. ۳. فطرت توحیدگرا در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد؛ در حالت عادی، پرده‌های غفلت، غرور، تعصب، جهل و خرافات آن را می‌پوشاند، اما به هنگامی که تندباد مشکلات می‌وزد، پرده‌ها کنار می‌رود و نور فطرت آشکار می‌شود و انسان خالصانه خدا را می‌خواند و همین که خدا مشکلات را برطرف می‌سازد، باز پرده‌های غفلت می‌آید و انسان‌های ناسپاس مشرک می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خدا نعمت دهنده و پناهگاه شماست، پس تنها او سزاوار پرستش است. ۲. ریشه‌ی همه نعمت‌ها خداست (پس آن‌ها را تصادفی و شانسی نپندارید). ۳. مشکلات زندگی، فطرت توحیدی انسان را هویدا می‌سازد. ۴. همان گونه که در مشکلات به یاد خدا هستید، در هنگام راحتی هم به یاد او باشید و ناسپاسی نکنید. ۵. رفاه‌زدگی زمینه‌ساز غفلت و شرک است. ۶. ناسپاسی و کام‌یابی‌های کفرآلود، زمینه‌ساز قهر الهی است. \*\*\* قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم سوره‌ی نحل به بدعت‌ها و عادت‌های زشت مشرکان در مورد خدا اشاره کرده و با هشدار به آنها می‌فرماید: ۵۶ و ۵۷. وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيْبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لِكُنُؤْلِكُمْ تَقْتَرُونَ\* وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحٰنَهُ وَآلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۷ و از آنچه به آن (مشرک) ان روزی داده‌ایم، سهمی برای آنچه (از بت‌ها که سود و زیانشان را) نمی‌دانند قرار می‌دهند؛ به خدا سوگند، (در رستاخیز)، از آنچه همواره [دروغ می‌بندید، قطعاً بازپرسی خواهید شد! \* و (مشرکان) دختران را برای خدا قرار می‌دهند؛ در حالی که تنها برای [خود] شان، آنچه را میل دارند (قرار می‌دهند)؛ او منزّه است (از این که فرزندی داشته باشد) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات در حقیقت مشرکان را محکوم می‌سازند؛ یعنی در آیات پیشین دلایلی برای توحید بیان شد و اینک در این آیات، عقاید خرافی و بدعت‌های مشرکان بیان می‌شود تا دلیل دیگری برای محکومیت آنان باشد. ۲. قرآن کریم در برخی آیات اشاره کرده «۱» که مشرکان بخشی از چهارپایان و زراعت خود را برای بت‌ها قرار می‌دادند و در راه آنها هزینه می‌کردند. در این آیه این عمل را محکوم ساخته است؛ چرا که بت‌ها سود و زیبایی ندارند تا سرمایه‌ای برای آنها هزینه شود. ۳. مشرکان در مورد اعمال خرافی‌شان در قیامت بازپرسی می‌شوند و روشن است که بازپرسی قیامت مقدمه‌ی عذاب آنهاست. ۴. در آیات متعدد قرآن «۲» اشاره شده که مشرکان عرب فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند. این پندار ممکن است از بقایای عقاید خرافی اقوام گذشته بوده

باشد که به خاطر پوشیده بودن فرشتگان (هم‌چون زنان) و یا به خاطر لطافت وجودی آنان، می‌پنداشتند که فرشتگان نیز زن هستند، در حالی که زن و مرد بودن از عوارض جسم مادی است و فرشتگان اصولاً تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۸ مادی نیستند تا مرد یا زن باشند. «۱» ۵. مشرکان دختران را برای خدا قرار می‌دادند، در حالی که برای خودشان پسرانی قرار می‌دادند و از جنس دختر ناخشنود بودند و آن را مایه‌ی ننگ می‌دانستند و حتی آنها را زنده به گور می‌کردند. البته این مطلب از عقاید خرافی مشرکان است و بدین معنا نیست که قرآن عقاید آنها را پذیرفته باشد. ۶. در این آیه بیان شده که خدا پاک و منزّه است از این که دختر داشته باشد؛ چون اصولاً فرزند داشتن به سبب نیاز است و خدا نیازی ندارد تا فرزندی اختیار کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا اعمال خرافی را بر نمی‌تابد و از مشرکان بازپرسی می‌کند. ۲. رزق مشرکان را خدا می‌دهد، پس حق ندارند به هر گونه که می‌خواهند آن را مصرف کنند. ۳. خدا عقاید خرافی را بر نمی‌تابد. ۴. کژاندیشان بر اساس میل خود، عقایدی را انتخاب می‌کنند (و تابع دلیل و منطق نیستند). \*\*\* قرآن کریم در آیات پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم سوره‌ی نحل به واکنش زشت مشرکان در مورد دختران و زنده به گور کردن آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۸ و ۵۹. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ \* يَتَوَرَّى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۶۹ و هر گاه به یکی از آن (مشرک) ان مژده (تولد) دختر داده شود، چهره‌اش سیاه می‌گردد؛ در حالی که او خشم شدید (خود) را فرو برد. \* از بدی آنچه به او مژده داده شده، از قوم [خود] پنهان می‌شود؛ (و فکر می‌کند که) آیا او را با خواری نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟! آگاه باشید که چه بد داوری می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد تاریخچه‌ی زنده به گور کردن دختران، این گونه حکایت کرده‌اند که میان دو قبیله در زمان جاهلیت جنگی رخ داد و گروه پیروزمند، دختران و زنان قبیله‌ی شکست خورده را به اسارت بردند؛ و پس از مدتی که صلح برقرار شد و اسیران به قبیله‌ی خود بازگشتند، برخی از دختران اسیر که با مردان فاتح ازدواج کرده بودند، ترجیح دادند که در میان دشمنان بمانند و به زندگی خود ادامه دهند، این کار بر پدران دختران سخت گران آمد و مایه‌ی سرزنش آنها گردید؛ و از این رو برخی سوگند یاد کردند که هرگاه در آینده دختری پیدا کردند، با دست خود نابودش کنند که به دست دشمن نیفتد. «۱» ۲. زنده به گور کردن دختران که در میان برخی از مردم جاهلیت رواج یافته بود، در اسلام به شدت محکوم شد و قرآن کریم در چند آیه این عمل غیر انسانی و وحشت‌آور را سرزنش کرد «۲» و با این آدم‌کشی به مبارزه برخاست و از حقوق زنان دفاع کرد. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زنان احترام می‌گذاشت و دخترش، فاطمه علیها السلام را بسیار دوست داشت و ادامه‌ی نسل ایشان از فاطمه علیها السلام بود. او دختران را تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۰ گل‌های خوش‌بوی زندگی معرفی می‌کرد. «۱» از ایشان حکایت شده که فرمودند: دختران چه فرزندان خوبی هستند! هم پرمحبت و هم کمک‌کننده و هم مونس و هم پاک و پاک‌کننده‌اند. «۲» و توصیه می‌کرد که در هنگام هدیه و تحفه دادن، اول به دختران بدهید و آنان را شاد کنید؛ که هر کس دخترش را شاد کند، چنان است که گویی یکی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد. «۳» ۴. انسان، در اثر عقاید خرافی، ممکن است به جایی برسد که انسانیت و عواطف خود را زیر پا بگذارد و عزیزترین افراد خود را قربانی خرافات کند و یا عمری را با ناراحتی روانی و احساس ذلت به سر برد. ۵. در عصر ما نیز برخی از مستکبران، زنان را به نابودی و خواری می‌کشاند و از آنان استفاده‌های ابزاری می‌کنند. اینان نیز به صورتی جدید شخصیت زنان را زنده به گور می‌کنند و به نوعی دیگر در حق زنان جنایت می‌کنند. آری؛ جاهلیت قرن بیستم و جاهلیت عرب، هر دو حقوق زنان را پای‌مال می‌کنند، فقط روش‌های آنان متفاوت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تحقیر زنان و ناراحتی از وجود دختران، پندار غلط جاهلی است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۱ ۲. عقاید خرافی و اعمال غیر انسانی در مورد زنان را رها کنید که بدکاری است. ۳. عقاید خرافی و باطل، عامل ناراحتی‌های روحی برای صاحبان آنهاست. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی نحل به صفات عالی خدا و صفات بد کافران اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۰. لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ مثال بد،

برای کسانی است که به آخرت ایمان نمی‌آورند، و مثال والا-تر فقط از آن خداست؛ و او شکست‌ناپذیرِ فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «مثل» در این آیه، همان صفات و ویژگی‌هاست؛ صفات خوب هم در خدا وجود دارد و هم در انسان‌ها، ولی صفات بد فقط در انسان‌ها وجود دارد. ۲. در این آیه به ریشه‌ی انحرافات، عقاید خرافی و اعمال ناپسند اشاره کرده و منظور آن است که اگر مشرکان عقاید خرافی دارند و با زنان بد رفتاری می‌کنند، به خاطر آن است که به آخرت ایمان ندارند و منتظر برپایی دادگاه الهی و کیفر و پاداش آن نیستند، در نتیجه، دست به هر عملی می‌زنند و گرفتار هر صفت ناپسندی می‌شوند. ۳. صفات عالی تنها از آن خداست. انسان‌ها هر اندازه که به خدا نزدیک شوند، از علم، قدرت و حکمت او بهره‌مند می‌شوند و از خرافات و اعمال ناپسند فاصله می‌گیرند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معادباور شوید که منشأ صفات زشت، ایمان نداشتن به آخرت است. ۲. برترین کمالات و صفات فقط از آن خداست (پس اگر شما هم صفات نیکو می‌طلبید به سوی خدا بیایید). \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی نحل به مهلت دادن خدا به ستمکاران و اجل حتمی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْتِدُمُونَ و اگر (بر فرض) خدا مردم را به خاطر ستمکاریشان مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای بر آن [زمین باقی نمی‌گذارد!] و لیکن آنان را تا سرآمد معین (مرگ حتمی) به تأخیر می‌اندازد؛ و هنگامی که (پایان) سرآمد آنان فرا رسد، هیچ ساعتی تأخیر نمی‌کنند، و پیشی نمی‌گیرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت پاسخ پرسشی است که از آیات پیشین به وجود می‌آید و آن این که، چرا خدا مشرکان ستمکار را که دست به اعمال غیر انسانی (هم‌چون زنده به گور کردن دختران) می‌زنند، نابود نمی‌کند. در این آیه پاسخ می‌دهد که اگر خدا بخواهد ستمکاران را نابود کند، کسی باقی نمی‌ماند؛ چون معمولاً انسان‌ها خطاها و گناهان و ستم‌هایی بر خود یا دیگران روا می‌دارند که مستحق مجازات می‌گردند؛ پس سنت و روش خدا آن است که برای حفظ نسل بشر، تا مدت معینی، به ستمکاران مهلت می‌دهد. ۲. «دابه» به معنای هر موجود جنبنده است و در این جا، یا مقصود انسان‌ها هستند «۱» و یا همه‌ی موجودات زنده؛ زیرا جنبندگان زمین نیز برای انسان آفریده شده‌اند و اگر انسان‌ها از بین بروند، فلسفه‌ی وجودی آنان نیز از بین می‌رود و همه نابود می‌شوند. ۳. در بین مردم پیامبران و اولیای پاک الهی هستند که معصوم و از ستمکاری به دورند؛ پس مقصود از نابودی مردم روی زمین، همان نوع تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۳ انسان‌هاست، نه تک تک افراد آنها؛ «۱» یعنی اگر بنا شود افراد به خاطر ستمکاری نابود شوند، اکثر انسان‌ها نابود می‌شوند. ۴. مقصود از «اجل مُّسَمًّى یا مدت معین، همان زمان مرگ است؛ یعنی خدا به مردم تا پایان مدت عمر و زمان فرا رسیدن مرگ حتمی‌شان مهلت می‌دهد، تا شاید ستمکاران توبه نمایند یا حجت بر آنان تمام شود؛ و وقتی مهلت پایان یافت و مرگشان فرا رسید، از همان لحظه مجازات‌ها شروع می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ظلم نکنید که کیفرهای الهی به خاطر ستمکاری خودتان است. ۲. سنت خدا آن است که نسل بشر را حفظ کند و به ستمکاران مهلت دهد. ۳. مهلت‌های خدا نیز سرآمدی دارد که تغییرناپذیر است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی نحل به دروغ‌پردازی مشرکان و سرنوشت عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ و (کافران) آنچه را که ناخوش دارند، برای خدا قرار می‌دهند؛ و زبان‌هایشان دروغ‌پردازی می‌کند که نیکی، تنها برای آنان است؛ قطعاً آتش فقط برای آنان است؛ و آنان پیشگامان (دوزخ) اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۴ ۱. در آیه‌ی ۵۶ همین سوره بیان شد که مشرکان دختران را دوست ندارند و آنها را برای خدا قرار می‌دهند، اما پسران را که دوست دارند برای خود قرار می‌دهند. در این آیه نیز به همان مطلب اشاره شده است، ولی تعبیرات در این آیه مفهومی گسترده‌تر دارد و شامل هر چیزی می‌شود که آنان دوست ندارند. همان‌طور که در جامعه می‌بینیم، پیدایش فرزندان بیمار و ناقص را خواست خدا می‌دانند، اما وجود فرزندان سالم و نیکو را حاصل تلاش خود می‌پندارند. ۲. مقصود از «حسنى در این آیه، یا عاقبت و فرجام نیکوست، یعنی مشرکانی که معتقد به معاد بودند



بیان می‌کردند یا به صورت گزاره‌ی شرطی می‌گفتند که در رستاخیز پادشاه‌های نیکو در انتظار ماست؛ و یا مقصود همان نعمت پسران است که آن را نیکو می‌دانستند. «۱» سیاق آیه با تفسیر اول سازگارتر است. ۳. مشرکان مدعی نیک فرجامی خود هستند «۲» ولی دروغ می‌گویند؛ زیرا اعمال زشت آنان (هم‌چون زنده به گور کردن دختران و تهمت زدن بر خدا)، چنین پاداشی را به دنبال ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آنچه را دوست ندارید به خدا نسبت ندهید. ۲. فرجام مشرکان دروغ‌پرداز، آتش است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی نحل به ولایت شیطان بر برخی ملت‌های پیشین و فرجام کار آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. تَاللّٰهُ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰى اُمَّمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَرَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنَ اَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۵ به خدا سوگند، یقیناً به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند (پیامبرانی) فرستادیم؛ و [لی شیطان کارهای آنان را در نظرشان آراست؛ و امروز او سرپرست آنان است؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد که فقط مشرکان عرب نیستند که با تو ستیز و لجاجت می‌کنند، ملت‌های پیشین نیز با پیامبرانشان چنین می‌کردند. ۲. این آیه ریشه‌ی مخالفت افراد با پیامبران الهی را همان وسوسه‌های شیطان می‌داند. شیطان گاهی زشت‌ترین کارها را در نظر انسان آراسته و نیکو جلوه می‌دهد؛ مثلاً زنده به گور کردن دختران را حمایت از ناموس و حفظ آبروی قبیله و نوعی افتخار معرفی می‌کند. همان‌طور که در جهان ما بدترین جنایت‌ها و غارتگری‌ها در قالب‌ها و تعبیرات زیبای «کمک به صلح» و «حقوق بشر» انجام می‌گیرد. ۳. مقصود از «الیوم» یا عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است که مشرکان هم‌چون ملت‌های فریب خورده‌ی قبلی، پیرو شیطان شدند، به طوری که شیطان سرپرست آنها گردید و بر آنان ولایت یافت. و یا آن است که هنوز بازماندگان امت‌های منحرف پیشین وجود دارند و شیطان بر آنها مسلط است. ۴. از این آیه و آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که انسان هم می‌تواند تحت ولایت و سرپرستی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گیرد و هم می‌تواند شیطان را سرپرست خود سازد که هر کدام آثار خاص خود را دارد و انتخاب به عهده‌ی خود اوست، که آیا ولایت خدا را بپذیرد، یا ولایت شیطان و شیطان‌صفتان را. ۵. در این آیه خدا به نام مقدس «الله» قسم یاد کرده است. این سوگند اهمیت مطلب را روشن می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفت با رهبران الهی در طول تاریخ بشر وجود داشته (و چیز تازه‌ای نیست). ۲. شیطان از راه زیبا جلوه دادن اعمال، انسان‌ها را منحرف می‌سازد. ۳. وسوسه‌های شیطانی مقدمه‌ی ولایت و سلطه‌ی اوست. ۴. فریب شیطان را نخورید که فرجام رهروان او، عذابی دردناک است. ۵. توجه داشته باشید که چه کسی را سرپرست خود می‌سازید. \*\*\* خدای متعال در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی نحل به هدف نزول قرآن و هدایتگری و رحمتگری آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴. وَمَا اَنْزَلْنَا عَلَیْكَ الْكِتٰبَ اِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِی اِخْتَلَفُوْا فِيْهِ وَهُدًی وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ و کتاب (قرآن) را بر تو فرو نفرستادیم مگر برای این که آنچه را در آن اختلاف کردند، برای آنان روشن کنی؛ و رهنمود و رحمتی باشد برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن به اختلافات بشر خاتمه می‌دهد؛ وسوسه‌های شیطان و پرده‌های نفس فریبنده را از چهره‌ی حقایق کنار می‌زند و اختلافاتی را که در سایه‌ی هوس‌ها پدید آمده برمی‌چیند و نور هدایت و رحمت آن همه جا را روشن می‌سازد. ۲. در این آیه اشاره شده که هدایت و رحمت قرآن برای مؤمنان است، اما در برخی آیات دیگر آمده است که هدایت قرآن برای همه‌ی مردم است. «۱» این اختلاف تعبیر به خاطر آن است که هدایت قرآنی مراتبی دارد؛ برخی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۷ مراتب آن برای عموم مردم است اما درک مراتب عالی هدایت و رحمت قرآن نیاز به زمینه‌سازی درونی و ایمان دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهداف نزول قرآن، پایان دادن به اختلافات است. ۲. هدایتگری و رحمتگری از اهداف قرآن است. ۳. شرط دریافت برخی مراتب هدایت و رحمت قرآن، ایمان به خداست. \*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در نزول باران و حیات مجدد زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۶۵. وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَشْكُرُونَ و خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ و با آن زمین را، پس از مردنش زنده نمود؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که گوش شنوا دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «آسمان» در اصل به معنای جهت بالاست و در این جا نیز به معنای بالا یا جو اطراف زمین است. ۲. قرآن کریم در آیات متعددی به چرخه‌ی آب در طبیعت و فرآیندهای آن اشاره کرده است، تا از طریق طبیعت‌شناسی انسان را به خداشناسی برساند و حس سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌ها را در انسان‌ها زنده کند. ۳. قرآن کریم در آیات متعددی به مسئله‌ی حیات زمین اشاره کرده است تا انسان بنگرد که چگونه زمین‌های خشک و مرده، با بارش باران، دوباره زنده می‌شوند و گیاهان را پرورش می‌دهند و این یکی از شاهکارهای آفرینش الهی است که هم نشانه‌ی قدرت، علم و عظمت خداست و هم تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۸

نشانه‌ای برای امکان معاد است. ۴. در این آیه بارش باران به خدا نسبت داده شده است؛ با این که این یک امر طبیعی است که در چرخه‌ی گردش آب در طبیعت صورت می‌گیرد، اما از آن جا که وجود همه‌ی عوامل و اسباب آن را خدا ایجاد کرده و در اختیار خداست، نتایج آنها نیز به او نسبت داده می‌شود، یعنی اراده‌ی الهی از طریق اسباب عادی تحقق می‌یابد. ۵. هر کس گوش شنوا داشته باشد، از آیات الهی پند می‌گیرد و نوای الهی را در بارش باران می‌شنود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با طبیعت‌شناسی به خداشناسی برسید. ۲. گوش شنوا داشته باشید تا نشانه‌های خدا را درک کنید. ۳. آب مایه‌ی حیات زمین است (پس قدر آن را بدانیم). \*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در نظام شیرآوری حیوانات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶. وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّشِيقُكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِيبِينَ وَ قطعاً در (وجود) دام‌ها، برای شما عبرتی است: از آنچه در شکم آنهاست، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیری خالص به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «فَرْث» به معنای غذای هضم شده‌ی درون معده است که مواد حیاتی آن جذب بدن و تفاله‌های آن دفع می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۷۹. ۲. شیر از غده‌های مخصوصی که درون پستان‌ها قرار دارد تراوش می‌شود و مواد اصلی خود را از خون می‌گیرد. یعنی این ماده‌ی سفید رنگ تمیز و خالص، که یک غذای کامل به شمار می‌آید، از میان غذاهای هضم شده و از لابلای خون به دست می‌آید، ولی رنگ و بوی هیچ کدام از این مواد را ندارد، بلکه محصولی خالص، زیبا و گوارا برای نوشندگان است. ۳. شیر، حد وسط خون و غذای هضم شده است؛ یعنی نه خون خالص است و نه غذای هضم شده‌ی خالص، بلکه برخی از مواد این دو را دارد و در پستان تغییراتی در برخی مواد آن به وجود آمده و رنگ آن تغییر یافته است و حاوی انواع ویتامین‌ها، مواد معدنی و مواد غذایی مفید دیگر است، که یک غذای کامل به شمار می‌آید. ۴. در این آیه بیان شده که شیر خالص است؛ یعنی مواد آن جذب بدن می‌شود و مانند غذاهای معمولی نیست که زایدات داشته باشد. البته برخی مفسرین احتمال داده‌اند که مقصود از واژه‌ی «خالص» در این جا یکی از معانی لغوی آن، یعنی «پیوند» باشد. و این واژه اشاره به تأثیرات مفید شیر در استخوان‌بندی و پیوند استخوانی انسان‌هاست. (۱) ۵. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که تنها چیزی که می‌تواند جای آب و غذا را بگیرد، شیر است. (۲) و نیز در احادیث آمده که شیر عقل انسان را زیاد می‌کند و ذهن را صفا می‌بخشد و چشم را روشن‌تر، فراموشی را بر طرف، قلب را تقویت و پشت انسان را محکم می‌سازد. (۳) تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۰. ۶. در این آیه اشاره شده که فرآیند شیرسازی و نظام دقیق آن نشانه‌ای از قدرت، علم و عظمت خداست که برای انسان‌ها آموزنده و عبرت‌انگیز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به چهارپایان نظر کنید و عبرت بگیرید. ۲. از نظام شیرآوری حیوانات، درس خداشناسی بیاموزید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در محصولات متفاوت انگور و خرما اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۷. وَمِنْ ثَمَرِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَبِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سِكْرًا وَرِزْقًا حَسِينًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ و از محصولات درختان خرما و انگورها، [شراب مستی‌بخش و روزی نیکو از آن] می‌گیرید؛ قطعاً در آن [ها]، نشانه‌ای است برای

گروهی که خردورزی می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «سَکَر» در این آیه به معنای مُسکرات و مشروبات الکلی است که از انگور یا خرما به دست می‌آید و نوشیدن آن عقل انسان را موقتاً زایل می‌سازد؛ یعنی باعث سُکر و مستی می‌شود. «۱» ۲. در این آیه به غذای نیکویی اشاره شده که از خرما و انگور به دست می‌آید؛ یعنی انسان می‌تواند با استفاده از انگور، آب‌میوه و شیره غذاهای نیرو بخش تهیه کند؛ همان‌طور که از خرما، شیرهی مقوی تهیه می‌شود. ۳. خرما و انگور می‌توانند محصولات متفاوتی در اختیار بشر قرار دهند؛ یعنی انسان هم می‌تواند از آنها غذاهای نیکو تهیه کند و هم می‌تواند از آنها تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۱ سوء استفاده کند و غذاهای زیان بخش و مست کننده تهیه نماید. این تعبیرات آیه از اولین اخطارهای قرآن در مورد محکومیت و ممنوعیت شراب است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. چیزهای مست کننده، غذای نیکویی نیست. ۲. مسئول سوء استفاده از خرما و انگور خود انسان‌ها هستند. ۳. خردورزان در محصولات متفاوت درختان، نشانه‌های خدا را می‌بینند. ۴. از گیاه‌شناسی به خداشناسی برسید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی نحل به الهام خدا به زنبور عسل و شگفتی‌های خانه‌سازی آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۸. وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ و پروردگارت به زنبور عسل وحی (: الهام‌گریزی) نمود که: «از بخشی از کوه‌ها و از درختان و از آنچه داربست می‌کنند، خانه‌هایی برگزین؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی نحل به مناسبت همین آیه، «نحل» (زنبور عسل) نامیده شده است. ۲. «وحی» در اصل به معنای اشاره‌ی سریع و مخفیانه‌ی سخن است و در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) «وحی تشریحی» که به سوی پیامبران فرستاده می‌شد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۲ ب) «اشاره» که در داستان زکریا آمده است. «۱» ج) «الهام آگاهانه» که به سوی اولیای الهی، هم‌چون مریم و مادر موسی فرستاده شد. «۲» د) «الهام‌گریزی ناخود آگاه»، همان‌طور که در این آیه در مورد زنبور عسل آمده است. «۳» ۳. هر چند وحی به صورت الهام‌گریزی، مخصوص زنبور عسل نیست و در تمام حیوانات وجود دارد، اما در قرآن به این مطلب به صورت ویژه اشاره شده است تا توجه انسان را به زندگی عجیب و نظم فوق‌العاده و غریزی این حیوان جلب کند. ۴. در این آیه قبل از هر چیز به خانه‌سازی زنبور عسل اشاره شده است. مسکن مناسب از اساسی‌ترین نیازهای زندگی است. ساختمان‌های شش ضلعی و منظم کندوهای زنبور عسل، از عجیب‌ترین برنامه‌های مهندسی این حیوان است، که میلیون‌ها سال است به همین شکل ساخته می‌شود. ۵. خانه‌ی زنبور عسل بهتر است در مکان بلندی هم‌چون کوه یا درخت یا داربست باشد، تا به‌خوبی بتواند از آن استفاده کند؛ و شاید از مقدم شدن کوه‌ها، بتوان استفاده کرد که بهترین عسل‌ها، عسل کوهستان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اعمال حیوانات بر اساس الهام و غریزه‌ای است که خدا در نهاد آنها قرار داده است. ۲. از حشره‌شناسی به خداشناسی برسید. ۳. در خانه‌سازی زنبور عسل تفکر کنید و نشانه‌های خدا را در آن بیابید. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۳ \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی نحل باز هم به نشانه‌های خدا در زندگی زنبور عسل و شفا بخشی عسل اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۹. ثُمَّ كَلَّمَا كَلِيٍّ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْتَلِمَكِي سَيْبَلٌ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ سپس از همه محصولات بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه بیمای. «از شکم‌هایشان نوشیدنی (: عسل) بیرون می‌آید که رنگ‌هایش متفاوت [و] در آن برای مردم درمانی است؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ذُلَّل» در اصل به معنای رام و تسلیم است؛ یعنی زنبوران عسل رام و فروتنانه به راه خود می‌روند و یا این که راهی رام و هموار را می‌پیمایند. «۱» پژوهش‌های حشره‌شناسان نشان داده که صبحگاهان گروهی از زنبوران عسل، گل‌ها و مناطق آنها را شناسایی می‌کنند و به کندو بازمی‌گردند و به اطلاع دیگران می‌رسانند و جهت این راه‌ها را به شیوه‌هایی هم‌چون پراکندن بوی مخصوص، نشانه‌گذاری می‌کنند تا به راحتی زنبوران دیگر بروند و از گل‌ها استفاده کنند. «۲» ۲. در این آیه اشاره شده که زنبوران عسل از همه‌ی محصولات، یعنی مواد قندی بُن گل‌ها و نیز از تخمدان گل‌ها و دم‌برگ‌ها و میوه‌ها استفاده می‌کنند تا عسل بسازند. «۳» ۳. عسل از درون شکم زنبوران عسل بیرون می‌آید. حشره‌شناسان برآن‌اند

که زنبوران عسل، شیره‌های گل‌ها را به برخی از حفره‌های درون بدن تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۴ خود می‌فرستند و مانند یک کارخانه‌ی شیمیایی کوچک، تحولاتی در آنها ایجاد می‌کنند و عسل می‌سازند. ۴. عسل‌ها دارای رنگ‌های متفاوتی هستند (قهوه‌ای، نقره‌ای، زرد، شفاف، تیره و ...) که این تفاوت رنگ‌ها به خاطر تنوع موادی است که از آنها استفاده می‌کنند و مناسب ذوق‌های مختلف انسان‌ها نیز هست و در تحریک اشتها مؤثر است. ۵. عسل شفابخش است. این مطلبی است که دانشمندان و متخصصان تغذیه بر آن پافشاری دارند و تصریح می‌کنند که از طرفی عسل، غذایی نیروبخش و زودجذب است که عامل رفع خستگی و دارای مواد غذایی، ویتامین‌ها و مواد معدنی بسیار مفید است. و از طرف دیگر، خواص درمانی زیادی دارد و در بهبود بسیاری از بیماری‌ها مؤثر است؛ از جمله در مورد برخی بیماری‌های معده، روده، برخی ناراحتی‌های عصبی و حتی در مورد برخی بیماری‌های پوستی و لطافت آن مؤثر است. «۱» البته باید توجه کنیم که شفابخش بودن عسل به صورت نوعی است؛ یعنی نوع عسل‌ها برای نوع انسان‌ها فواید شفابخشی دارند، اما ممکن است در موارد استثنایی به خاطر شرایطی خاص، یا در زمانی و یا برای فردی خاص عوارض جانبی داشته باشد که تشخیص این امور با پزشکان است؛ همان‌طور که برخی داروها در برخی شرایط مضر است. ۶. آیه‌ی شصت و پنجم این سوره نزول باران را نشانه‌ی خدا معرفی کرد، برای گروهی که گوش شنوا دارند؛ یعنی صدای ریزش باران هم کافی است که انسان را بیدار کند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۵ و آیه‌ی شصت و هفتم تفاوت محصولات خرما و انگور را نشانه‌ی خدا معرفی کرد برای گروهی که تعقل می‌کنند؛ یعنی درک این مطلب نیاز به خردورزی دارد. و آیه‌ی شصت و نه مطالعه در حالات زنبور عسل را نشانه‌ی خدا معرفی کرد برای کسانی که تفکر می‌کنند؛ یعنی درک عظمت آفرینش در نظام عجیب زندگی زنبور عسل و شفابخشی شهد آن، نیاز به خردورزی عمیق ندارد بلکه تفکری در مورد آن کافی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رفتار زنبور عسل و شهد عسل آن تفکر کنید تا نشانه‌های خدا را ببینید. ۲. عسل برای انسان‌ها خواص درمانی دارد. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی نحل به نشانه‌های علم و قدرت خدا در آفرینش، مرگ و پیری اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۰. وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّيْكُمْ وَمِنْكُمْ مَن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَمَّا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ و خدا شما را آفرید، سپس (جان) شما را به صورت کامل می‌گیرد؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می‌شود، تا بعد از آگاهی هیچ چیزی نداند؛ برآستی که خدا دانای تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «أَرْدَلِ الْعُمْرِ» همان بخشی از عمر انسان است که پست و نامطلوب است؛ یعنی دوران کهولت انسان که ناتوانی و فراموشی وجود او را فرا می‌گیرد و به حالات دوران طفولیت بازمی‌گردد و نمی‌تواند نیازهای شخصی‌اش را برآورد. برخی مفسران آن را سن ۷۵، ۹۰ و یا ۹۵ سالگی دانسته‌اند، ولی سن کهولت در افراد تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۶ مختلف، متفاوت است و اندازه‌ی خاصی ندارد. «۱» ۲. نشانه‌های خدا را در نعمت‌ها و دگرگونی‌های آنها جست و جو کنید که نعمت حیات و عمر را می‌دهد و به هر کس هر اندازه بخواهد می‌دهد و هرگاه صلاح بداند باز پس می‌گیرد؛ چراکه او دانا و تواناست. ۳. عمر مفید انسان دوران آگاهی است که معمولاً در جوانی و میان‌سالی است، اما دوران کهن‌سالی بعضی افراد، همراه با فراموشی، و کم‌فایده‌ترین دوره‌ی عمرشان است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مرگ و حیات به دست خداست. ۲. به نشانه‌های قدرت و علم خدا در دگرگونی‌های عمر خود توجه کنید. ۳. عمر طولانی برخی مشکلات را نیز به دنبال دارد (و برای همه مطلوب و مفید نیست). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی نحل به نعمت رزق‌های متفاوت و بخل و ناسپاسی برخی انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۱. وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدَىٰ رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِعِمَّةٍ اللَّهُ يَجْحَدُونَ و خدا برخی از شما را در «روزی»، بر برخی [دیگر] برتری داد؛ و [لی] کسانی که برتری داده شده‌اند، رزقشان را به آنچه (از بردگان) که آنان مالکنند، نمی‌دهند، پس آنان در آن یکسان شوند؛ و آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این آیه اشاره به برخی اعمال مشرکان باشد که سهمی از اموال خود را برای بت‌های سنگی و چوبی قرار

می‌دادند اما حاضر نبودند چیزی در اختیار بردگان خویش قرار دهند. «۱» ۲. در این آیه به تفاوت انسان‌ها در رزق اشاره شده است. این تفاوت‌ها به معنای تبعیض ناروا و غیرعادلانه نیست و این مطلب با توجه به دو نکته روشن می‌شود: الف) تفاوت‌های انسان‌ها گاهی در اثر ستمکاری و استثمار گروهی در جامعه است - که از نظر اسلام محکوم است - و گاهی در اثر تفاوت استعدادهاست. «۲» که این آیه به همین بخش دوم تفاوت‌ها اشاره می‌کند، و این تفاوت استعداد انسان‌ها گاهی اکتسابی است و گاهی هم از مواهب الهی است. ب) جامعه‌ی انسانی هم‌چون اندام یک انسان یا بوته است که هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند و قسمت‌های مختلف آن یک‌دیگر را یاری می‌رسانند؛ به طوری که اگر همه‌ی این اعضا و قسمت‌ها یکسان بود، کارکرد آن مشکل یا متوقف می‌شد؛ پس تفاوت‌های میان انسان‌ها و استعدادهای آنان لازمه‌ی به وجود آمدن جامعه‌ای کامل و کارآمد و به مقتضای حکمت الهی است. ۳. اسلام بر آن است که از افراط و تفریط‌های انسان‌ها جلوگیری کند؛ از این روست که می‌بینیم گاهی برای پایان دادن به حرص و دنیاپرستی برخی انسان‌ها می‌فرماید: روزی به دست خداست و سهم هر کس را تعیین کرده‌اند. و گاهی برای تشویق انسان به تلاش و جلوگیری از تنبلی می‌فرماید: هر کس برای روزی خانواده‌اش تلاش کند، همانند مجاهدان در راه خداست. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۸. ۴. در این آیه با نکوهش تنگ نظری و بخل، انسان‌ها را به مساوات و موااسات سفارش می‌کند؛ یعنی انسان مسلمان به عنوان یک برنامه‌ی اسلامی، باید تلاش کند تا میان خود و زیردستانش تا حد امکان مساوات را رعایت کند. «۱» ۵. در احادیث روایت شده که ابوذر گفت از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: زیردستان شما برادران شما هستند؛ از آنچه می‌پوشید به آنان بپوشانید و از آنچه می‌خورید به آنان بخورانید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تفاوت بین رزق انسان‌ها، از برنامه‌های حکیمانه‌ی الهی است. ۲. امداد رسانی و رعایت مساوات با زیردستان یک برنامه‌ی قرآنی است. ۳. امداد رسانی کنید که کمک نکردن به دیگران، کفران نعمت الهی است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی نحل به نعمت همسران و فرزندان و ناسپاسی برخی انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۲. وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْصَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَالْبَطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُونَ و خدا برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی مقرر کرد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ پس آیا به باطل ایمان می‌آورند، و آنان نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۸۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که یکی از نعمت‌های الهی همسرانی هستند که از جنس خود انسان و مایه‌ی آرامش روح و جسم و عامل بقای نسل بشرند. ۲. «حَفْصَةً» در اصل به معنای کسی است که بدون انتظار و با سرعت همکاری می‌کند. در این آیه مقصود داماد، نوه‌ها یا نوه‌ی دختری یا فرزندان بزرگ و یا هرگونه یاور است، هر چند اکثر مفسران به معنای نوه گرفته‌اند «۱» که نعمت بزرگی از نظر معنوی و مادی است. ۳. مقصود از روزی‌های پاک و پاکیزه، هرگونه روزی پاکیزه‌ی مادی یا معنوی، فردی یا اجتماعی است که همه، نعمت‌های الهی است و سرچشمه‌ی همه‌ی آنها خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به نیازهای روانی و جسمانی شما توجه دارد و همسران هم‌سنخ و روزی‌های پاکیزه به شما می‌دهد. ۲. همسر، فرزند و غذای نیکو از نعمت‌های الهی است. ۳. نسبت به نعمت‌های الهی ناسپاسی نکنید و باطل گرا نشوید. \*\*\* قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی نحل با اشاره در مورد پرستش معبودان ناتوان و ناآگاهی افراد در مورد شبیه قرار دادن برای خدا هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ\* فَلَا تَضْرِبُوْا لِلّٰهِ الْاَمْثَالَ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۰ و غیر از خدا، چیزی را می‌پرستند که هیچ رزقی را از آسمان‌ها و زمین برای آنان مالک نیستند؛ و توان (این کار را نیز) ندارند. \* پس برای خدا مثل‌ها (ی ناروا) نزنید! [چرا] که خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان با این پندار به دنبال پرستش بت‌ها می‌رفتند که آنها را در سرنوشت و سود و زیان خود مؤثر می‌دانستند. در این آیه بیان شده که بت‌ها و معبودان دروغین، هیچ گونه تأثیری در سرنوشت انسان و روزی آسمانی و زمینی او ندارند و حتی توانایی دخالت در این امور را ندارند،

پس آنها شایسته‌ی پرستش نیستند. ۲. در این آیه به روزی‌های آسمانی هم‌چون باران، نور آفتاب و نیز روزی‌های زمینی هم‌چون انواع میوه‌ها و ماهی‌ها اشاره شده که وجود همه‌ی آنها به دست خداست و معبودهای ناتوان نقشی در ایجاد و پرورش آنها ندارند.

۳. در این آیه آمده که «برای خدا مَثَل نزنید». مفسران در مورد مقصود این جمله چند احتمال داده‌اند: الف) این جمله اشاره به مَثَل‌های غیر صحیح مشرکان دارد؛ برای مثال می‌گفتند: ما شایسته‌ی پرستش خدا نیستیم، پس به سراغ بت‌ها می‌رویم؛ مانند کسی که به سلطان دست‌رسی ندارد و به سراغ وزرای او می‌رود. این در حالی است که خدا در همه جا حضور دارد و در همه جا می‌توان با او مناجات کرد، پس هم‌چون سلاطین دور از دست‌رس نیست. ب) این جمله اشاره به تشبیه‌هایی است که در مورد صفات خدا می‌شود؛ یعنی صفات نامحدود او را با صفات محدود بندگان مقایسه کردن و شبیه دانستن، که عامل دوری از شناخت او می‌شود؛ «۱» چرا که حتی تشبیه به نور و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۱ امثال آن از جنبه‌ای مفید است و از جهاتی ناقص و نارساست. البته مانعی ندارد که این آیه اشاره به هر دو معنا باشد. ۴. در این آیه اشاره شده که انسان آگاهی کامل به ذات و صفات خدا ندارد؛ از این رو در تشبیهات خود، به تفاوت‌ها توجه نمی‌کند و ناآگاهانه چیزهایی را به خدا نسبت می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. معبود باید رازق و توانا باشد. ۲. خدا را به چیزهای محدود تشبیه نکنید. ۳. سرچشمه‌ی تشبیه‌های ناروا در مورد خدا، جهل بشر است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی نحل در مثالی جالب، افراد مؤمن و کافر را مقایسه می‌کند و می‌فرماید: ۷۵. *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسِينًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ* خدا مثلی زده: برده‌ای زر خرید، که توانایی بر هیچ چیزی ندارد، و شخص (آزاده باایمان) ی را که از جانب خود، روزی نیکو به او روزی کرده‌ایم، و او پنهانی و آشکارا، از آن (در راه خدا) مصرف می‌کند، آیا (این دو نفر) مساویند؟! ستایش مخصوص خداست؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان همانند برده‌ی مملوکی هستند که توانایی هیچ کاری را تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۲ ندارد؛ بنده‌ای که زیر چنگال مولایش اسیر است و محدودیت در قدرت و حرکت دارد و حتی نمی‌تواند در اموال خود تصرف نماید. آری؛ مشرکان که بندگی خدا را نمی‌کنند، در عوض بنده و اسیر دیگران هستند. ۲. این آیه مؤمنان را به افراد ثروتمندی تشبیه کرده که همگان از امکانات آنان بهره‌مند می‌شوند. مؤمن انسان آزاده‌ای است که فقط فرمان خدا را اطاعت می‌کند و اسیر بندگان نیست. «۱» ۳. در این آیه اشاره شده که سرچشمه‌ی شرک ناآگاهی است و گرنه مشرکان متوجه می‌شدند که همه‌ی کمالات از خداست، پس ستایش مخصوص اوست و دیگران شایسته‌ی پرستش نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بندگی مردم با آزادگی در راه خدا یکسان نیست. ۲. سرچشمه‌ی انحراف از مسیر حق، جهل است. ۳. برخی مطالب را با مثال و مقایسه به دیگران آموزش دهید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و ششم سوره‌ی نحل، با مثالی دیگر رفتارهای مؤمنان و کافران را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۷۶. *وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَأَيَاتٍ بَخِيرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ* و خدا مثل (دیگر) ی زده: دو مردی که یکی از آن دو، گنگ مادرزادی است که توانایی بر هیچ چیزی ندارد، و او سرباری بر سرپرستش می‌باشد، هر جا که او را متوجه (کاری) می‌کند، هیچ خیری (به همراه) نمی‌آورد، آیا او و کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راهی راست است، یکسانند؟! تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان و بت‌پرستان مانند افرادی هستند که گنگ مادرزاد، ناتوان و سربار سرپرست خویش‌اند و کسانی که هر گاه به دنبال کاری بروند، هیچ گام مثبتی بر نمی‌دارند. ۲. مؤمنان هم‌چون انسانی آزاده‌اند که زبانی گویا دارند و مردم را با شهادت به عدالت فرا می‌خوانند و برنامه‌ی صحیح دارند و راه مستقیم را می‌پیمایند. یعنی او فردی ترسو و بی‌شخصیت و کر و لال نیست، همان‌طور که کم‌خرد و ناتوان و بی‌تدبیر نیست. ۳. مقایسه‌ی مشرکان ناتوان با مؤمنان عدالت‌گرا، فاصله‌ی زیاد آنها و تفاوت دو برنامه‌ی توحید و شرک را روشن می‌کند. شرک دید انسان را محدود و همت و توان او را کم می‌کند تا آن جا که هم‌چون گنگ مادرزاد می‌شود؛ مشرک اسیر موهومات و سربار جامعه است و در هر مسیری گام نهد ناکام

می‌شود. اما مؤمنان افرادی آزاداند که طعم توحید و استقلال را چشیده و اصول دادگری را به کار می‌بندند و تفکری منطقی و هماهنگ با نظام توحیدی آفرینش دارند. ۴. در این آیه از میان تمام برنامه‌های مؤمنان، بر عدالت‌گرایی و راه مستقیم آنها تأکید شده است. این نشان می‌دهد که ریشه‌ی سعادت انسان‌ها در این دو مطلب است. ۵. در احادیث اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود این آیه از کسی که به عدالت فرمان می‌دهد، امام علی علیه السلام و امامان (از نسل او) هستند. «۱» برخی از مفسران، عدالت‌گرایان را به حمزه یا عمار و در مقابل افراد گنگ‌مادرزاد را به ابو جهل و امثال او تفسیر کرده‌اند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۴ البته این گونه احادیث و تفسیرها بیان مصداق‌های کامل یا مهم آیه است و دلیل بر انحصار نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (مشرکان) ناتوان با مؤمنان عدالت‌گرا یکسان نیستند. ۲. از شیوه‌ی مقایسه و مثال برای تربیت افراد استفاده کنید. \*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی نحل به علم و قدرت بی‌کران الهی و نزدیکی قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷. *وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* و نهان آسمان‌ها و زمین، فقط از آن خداست؛ و کار ساعت (قیامت) جز همانند چشم بر هم زدن نیست، بلکه آن نزدیک‌تر است؛ [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در زمینه‌ی معاد جسمانی دو اشکال اساسی داشتند. آنان می‌گفتند: هنگامی که ما از دنیا رفتیم و ذرات جسم ما پراکنده شد، چه کسی از این ذرات آگاه است و می‌تواند آنها را جمع‌آوری کند؟ این آیه با اشاره به علم بی‌کران الهی و قدرت بی‌انتهای او، به این اشکالات پاسخ داده است. «۱» ۲. خدا پنهان آسمان‌ها و زمین را می‌داند و همه جا و همیشه حاضر است؛ بنابراین همه چیز برای او شهود است و از ذرات وجود شما هم اطلاع دارد. ۳. خدا بر هر چیزی تواناست پس کار قیامت برای او ساده است و در تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۵ فاصله‌ی یک چشم بر هم زدن یا نزدیک‌تر از آن می‌تواند معاد را برپا کند. ۴. تعبیر «یک چشم بر هم زدن» اشاره به کوتاه‌ترین زمان ممکن در نظر انسان‌هاست، و گرنه در مورد کارهای خدا اصلاً زمان مطرح نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برپایی رستخیز برای خدای آگاه و توانا مشکل نیست. ۲. انجام کارها برای خدا نیاز به زمان ندارد. ۳. به علم و قدرت بی‌کران الهی توجه کنید (و اشکالات منکران معاد را پاسخ دهید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی نحل به ابزارهای شناخت و به نعمت آگاهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۸. *لَاتَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ* و خدا شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیزی نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم‌ها و دل‌ها [ی سوزان قرار داد، تا شاید شما سپاس‌گزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان از محیط محدود و تاریک رحم مادر پا به محیط گسترده‌ی این جهان گذاشت و هیچ چیز نمی‌دانست؛ یعنی انسان برخی علوم فطری و حقایق را بالقوه در وجود خویش دارد، اما آگاهی بالفعل ندارد و کم‌کم از وجود خویش و اطراف آگاه می‌شود. ۲. در این آیه به سه ابزار مهم شناخت اشاره شده است: گوش که به وسیله‌ی آن صداها را می‌شنویم؛ چشم است که دیدنی‌ها و منظره‌ها تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۶ را با آن می‌بینیم و دل (و عقل) که مطالب خاص خود را درک می‌کند. ۳. در این آیه گوش قبل از چشم ذکر شده است؛ شاید به خاطر آن که گوش نوزادان زودتر فعالیت خود را آغاز می‌کند. ۴. مقصود از واژه‌ی «فؤاد» همان قلب است که حالت سوختگی و فروختگی دارد و به روح انسان از آن جهت فؤاد گویند که تحت تأثیر مسائل عاطفی، دل‌سوزی می‌کند. «۱» البته برخی مفسران برآنند که از آن جهت به قلب انسان «فؤاد» می‌گویند که نوعی فروختگی و پختگی و تجزیه و تحلیل و ابتکار در آن است و به همین دلیل آن را به معنای عقل نزدیک می‌دانند. «۲» ۵. شکر ابزارهای شناخت را به جا آورد. شکر هر نعمتی در به کارگیری صحیح آن است؛ یعنی شکر واقعی نعمت چشم و گوش آن است که با آنها گناه نکنیم و در راه نیک و تحصیل علم از آنها استفاده کنیم و شکر نعمت عقل و دل تفکر و توجه به خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ابزار شناخت، چشم و گوش و دل (و عقل) است. ۲. ابزارهای شناخت، نعمت‌های الهی است؛ پس سپاس آنها را لفظاً و عملاً به جا آورید. \*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۷ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی نحل به نشانه‌های خدا در پرواز پرنده‌گان اشاره

می‌کند و می‌فرماید: ۷۹. أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ آیا به سوی پرندگان نظر نمی‌کنند؟ در حالی که در هوای فراز آسمان رام شده [و] جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است، برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جَوّ» در لغت به معنای «هوا» یا بخشی از هوایی است که دور زمین را احاطه کرده است «۱» و «سَمَاء» در اصل به معنای جهت بالا و در این جا به معنای فراز زمین است که محل پرواز پرندگان است. ۲. پرندگان در جَوّ زمین تسخیر شده و رام هستند؛ خدا خاصیتی در هوا قرار داده و نیرویی به پرندگان داده که بتوانند بر خلاف قانون جاذبه در هوا پرواز کنند، اما به هر کجا که بروند در قبضه‌ی قدرت الهی و رام او هستند. ۳. خداست که پرندگان را در آسمان نگه می‌دارد؛ اوست که به پرندگان شکل مخصوص و نیروی پرواز داده است. ۴. ساختمان دوکی شکل و هماهنگ بدن پرندگان که مقاومت هوا را برایشان به حداقل می‌رساند و پره‌های سبک و تو خالی و سیستم منظم بال‌ها و ساختمان مخصوص دم و قدرت زیاد دید آنها و پرورش جنین در خارج از بدن، همگی زمینه‌ی پرواز پرندگان را فراهم ساخته و قدرت و علم آفریدگار را به نمایش گذاشته است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۲۹۸. ۵. در پرواز پرندگان نشانه‌هایی برای مؤمنان است؛ زیرا آنان به این امور با دقت می‌نگرند و به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازند و در نتیجه، ایمانشان قوی‌تر می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از پرندشناسی به خداشناسی برسید. ۲. در نظام پرواز پرندگان مطالعه کنید و نشانه‌های حق را ببینید. ۳. پرندگان و پروازشان در قبضه‌ی قدرت خدایند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی نحل به نعمت الهی آرامش خانه‌ها و فواید چهارپایان اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۰. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمِئَةً إِلَىٰ حِينٍ وَخَدَا بِرَأْسِهَا لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلْمًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْبُرْدَ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلْمًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْبُرْدَ... داشته باشد تا نیازمندی‌های مختلف انسان را تأمین کند. ۵. بدن حیوانات دارای پوشش‌های مختلف است؛ موی برخی از آنها خشن و خشک است که به آن «شَعْر» می‌گویند، موی برخی نرم است که به آن پشم یا صوف گویند و برخی نرم‌تر و لطیف است که به آن کُرک یا وَبَر می‌گویند. این موها هر کدام برای مصرف خاصی است، یعنی از آنها فرش، لباس و خیمه می‌بافند. ۶. «اثاث» در اصل به معنای کثرت و درهم پیچیدگی است و مقصود از آن در این آیه، وسایل خانه است که معمولاً زیاد است. ۷. «مَتَاع» در اصل به معنای هر کالایی است که انسان از آن بهره می‌برد؛ البته برخی مفسران آن را اشاره به فرش یا سرمایه‌ی تجارت دانسته‌اند ولی به نظر می‌رسد که معنای آن مطلق است و این‌ها از مصادیق معنای آن است. ۸. وسایل زندگی و بهره‌های دنیایی فنا شدنی است و تا پایان زندگی این جهان مفید است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سپاس‌گزار نعمت مسکن و فراورده‌های چهارپایان باشید. ۲. خانه برای آرامش است (پس لازم است اتاق خوابی در آن در نظر بگیرید). ۳. وسایل زندگی خود را از مواد طبیعی، که از حیوانات تهیه می‌شود، انتخاب کنید. ۴. زمان استفاده از نعمت‌های الهی محدود است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی نحل به نعمت پناه‌گاه‌های طبیعی و لباس‌های معمولی و حفاظتی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۱. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلْمًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْبُرْدَ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلْمًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْبُرْدَ...



تَقِيكُمْ بِأَسِيَّكُمْ كَذَلِكَ يُبِيحُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسَلِّمُونَ و خدا از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی مقرر کرد؛ و برای شما پیراهن‌هایی قرار داده، که شما را از گرما حفظ می‌کند؛ و پیراهن‌های (زره پوش) که شما را از سختی (جنگ‌های) تان محافظت می‌کند؛ اینگونه نعمتش را بر شما تمام می‌کند، تا شاید شما تسلیم (فرمان او) شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سایه‌ها را یکی از نعمت‌های الهی برمی‌شمارد زیرا مانع تابش مستقیم نور و اذیت انسان‌ها و حیوانات در زمین می‌شوند. شب نیز از سایه‌ی زمین به وجود می‌آید که مایه‌ی آرامش است. ۲. در این آیه پناهگاه‌های کوهستانی و غارها، یکی از نعمت‌های الهی شمرده شده‌اند. اهمیت این پناهگاه‌ها برای مسافران، صحرائشینان و کوه‌نوردان روشن می‌گردد که چگونه آنها را از سرما و گرمای شدید حفظ می‌کند. ۳. «سراییل» به معنای پیراهن یا هر گونه لباس است. این آیه به برخی از فواید لباس‌ها یعنی حفظ انسان و جلوگیری از گرما زدگی و سوختگی اشاره کرده است. این بیان نمونه‌ای است تا توجه انسان را به این نعمت‌ها جلب تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۱ کند «۱» و گرچه لباس مایه‌ی زینت و آراستگی و وسیله‌ی حفاظت انسان از گرما و سرما و نیز گاهی وسیله‌ی دفاعی انسان است؛ مانند زره‌های قدیمی و لباس‌های ضد گلوله‌ی امروزی. ۴. در این آیه اشاره شده که «خدا نعمتش را بر انسان‌ها تمام می‌کند.» برخی مفسران گفته‌اند که مقصود از نعمت در این آیه، نعمت آفرینش و تکامل عقل یا توحید و یا نعمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. «۲» البته روشن است که این گونه احادیث و تفسیرهای مفسران، بیان مصداق‌های کامل یا روشن آیه است و مفهوم آیه منحصر به این موارد نیست و هر گونه نعمتی را شامل می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نعمت‌های خدا توجه کنید، تا روح تسلیم در برابر حق در شما تقویت گردد (و سرکشی نکنید). ۲. در مورد پدیده‌ی سایه و پناهگاه‌های طبیعی و انواع لباس‌ها مطالعه کنید و نعمت‌های خدا را بشناسید. \*\*\* قرآن کریم در آیات هشتاد و دوم و هشتاد و سوم سوره‌ی نحل با اشاره به واکنش منفی برخی مردم، وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را پیام‌رسانی معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۸۲ و ۸۳. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ الْمُبِينُ \* يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكٰفِرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۲ و اگر روی بر تافتند، پس فقط رساندن [پیام روشنگر و] آشکار بر عهده توست. \* نعمت خدا را می‌شناسند، سپس آن را انکار می‌کنند! در حالی که بیشترشان کافرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دل‌داری و تسلی خاطر می‌دهند که وظیفه‌ی تو تنها پیام‌رسانی و روشنگری است؛ اگر زمینه‌ی مساعدی در کسی بود می‌پذیرد و اگر آمادگی نداشت و لجوج و کوردل بود تسلیم حق نمی‌شود. ۲. منکران نعمت‌های الهی افراد ناآگاه و جاهل نیستند، بلکه صفات زشت دیگر، هم‌چون لجاجت، تعصب و آلودگی به شهوات و مادیات، سبب انکار نعمت‌های خدا شده است. ۳. «اکثر» منکرانِ نعمت‌های الهی، ناسپاس و کافرند. این تعبیر یا اشاره به آن است که اکثر آنان کافران لجوج و متعصب هستند و کم‌تر کسانی هستند که به اشتباه افتاده باشند. و یا اشاره به آن است که با اکثریت آنان اتمام حجت شده است و از این رو انکار آنان مستلزم کفر است، ولی اقلیتی وجود دارند که هنوز اتمام حجت بر آنها نشده است. ۴. در این آیه بیان شده که وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر به تبلیغ و پیام‌رسانی روشنگر است؛ البته از آن جا که سوره‌ی نحل مکی است و این سخنان در برابر مشرکان گفته شده است، این انحصار نسبی است، یعنی تو نسبت به روی گردانی مشرکان مکه وظیفه‌ای جز پیام‌رسانی نداری و نباید آنان را مجبور کنی که ایمان آورند، نه بدین معنا که در محیط‌های دیگر و نسبت به افراد دیگر وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و دفاع و جهاد نداری. ۵. در این آیه اشاره شده که کافران نخست نعمت حق را می‌شناسند و آن تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۳ گاه مدتی گرفتار کشمکش درونی می‌شوند تا سرانجام آن را انکار می‌کنند. «۱» ۶. «نعمت الله» که در این آیه آمده معنای گسترده‌ای دارد و شامل تمام نعمت‌های مادی و معنوی و از جمله وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و هدایت‌های او می‌شود. ۷. در احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود از «نعمت» امامان علیهم السلام هستند که مردم به وسیله‌ی آنها سعادت‌مند می‌شوند «۲» و نیز در حدیث دیگری حکایت شده که مقصود ولایت امام علی علیه السلام است که برخی آن را شناختند و آگاهانه انکار کردند. «۳»

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله پیام‌رسانی و روشنگری است. ۲. پیام مبلغان دینی، روشنگر و آشکار باشد. ۳. اکثریت منکران نعمت‌های الهی، گرفتار ناسپاسی و کفر می‌شوند. \*\*\*

## رستاخیز

قرآن کریم در آیات هشتاد و چهارم و هشتاد و پنجم سوره‌ی نحل به شاهدان قیامت و حالات کافران و ستمکاران در آن روز اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۴ و ۸۵. وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَأْيُودُنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ\* وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۴ و (یاد کن) روزی را که از هر امتی گواهی (بر آنان) بر می‌انگیزیم؛ سپس به کسانی که کفر ورزیدند، رخصت (سخن گفتن) داده نمی‌شود؛ و از آنان تقاضای عذرخواهی نمی‌شود، (تا مورد رضایت قرار گیرند). \* و هنگامی که کسانی که ستم کرده‌اند، عذاب را ببینند، پس از (عذاب) آنان کاسته نمی‌شود؛ و آنان مهلت داده نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا از همه‌ی حالات و کارها و افکار انسان آگاه است و نیازی به گواه آوردن در رستاخیز ندارد، اما گواه آوردن در رستاخیز جنبه‌ی روانی دارد و خود نوعی عذاب برای کافران است؛ چراکه شرمساری و رسوایی آنان را زیاده‌تر می‌کند. ۲. در احادیث اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که برای هر امتی و زمانی امامی است که مردم با او برانگیخته می‌شوند (۱) و در آیه‌ی هشتاد و نهم همین سوره تصریح شده که پیامبر صلی الله علیه و آله شاهد امت اسلام است. ۳. در رستاخیز به کافران اجازه‌ی سخن گفتن داده نمی‌شود؛ چراکه در آن جا دست و پا و گوش و اعضای دیگر بدن سخن می‌گویند و گواهی می‌دهند؛ بنابراین حقیقتی باقی نمی‌ماند تا کافران بازگو کنند. ۴. رستاخیز، جای اصلاح و پوزش خواهی از مظلومان و مؤمنان نیست، آن جا سرای بازتاب‌های اعمال انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در میان هر ملتی گواهی از خودشان وجود دارد. ۲. در رستاخیز، با وجود شاهدان، دیگر جای عذرتراشی و رضایت‌طلبی کافران نیست. ۳. اعمال شما تحت نظارت شاهدی از میان شماست (پس مراقب کردار خود باشید). ۴. عامل عذاب رستاخیز، ستمکاری خود افراد است. ۵. کیفر ستمکاران در رستاخیز، تخفیف و تأخیر ندارد. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۵ قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و ششم سوره‌ی نحل به حالات مشرکان و معبودهای دروغین در رستاخیز و گفت و گوی آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۶. وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلَقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ و هنگامی که کسانی که شرک ورزیدند، شریک‌های (معبود) شان را ببینند، می‌گویند: «[ای پروردگار ما! اینان شریکان ما هستند (همان) کسانی که (ما آنان را) غیر از تو همواره می‌خواندیم (و می‌پرستیدیم).]» و [لی شریکان به سوی آنان سخن پراکنی می‌کنند: «که قطعاً شما دروغ‌گویید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از معبودها و بت‌ها با عنوان «شریکان مشرکان» یاد شده نه «شریکان خدا»؛ زیرا از طرفی بت پرستان آنها را شریک خدا می‌پنداشتند ولی هرگز شریک خدا نبودند از این رو به خود بت پرستان نسبت داده شدند؛ و از طرف دیگر، برخی بت پرستان، بخشی از اموال خود را به بت‌ها اختصاص می‌دادند و آنها را شریکان خود می‌دانستند. ۲. معبودهای دروغین و بت‌ها نیز در صحنه‌ی رستاخیز ظاهر می‌شوند ولی از آن جا که قدرت بر سخن گفتن ندارند، شاید خدا به آنان سخنانی را القا می‌کند و آنها همان مطالب را به مشرکان القا می‌کنند. (۱) ۳. مشرکان در رستاخیز تلاش می‌کنند که با مطرح کردن معبودها و بت‌ها، گناه انحراف خود را به گردن وسوسه‌های آنها اندازند، ولی بت‌ها نمی‌پذیرند. (۲) تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۶. در این آیه بیان شد که معبودهای دروغین، مشرکان را تکذیب می‌کنند؛ شاید این تکذیب به خاطر آن است که بت‌ها «شریک بودن» خود یا «لیاقت خود را برای پرستش» تکذیب می‌کنند و اشاره می‌کنند که شما در حقیقت خیالات خود را پرستش می‌کردید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز، معبودهای دروغین سودی به حال کسی ندارند و حتی مشرکان را تکذیب می‌کنند. ۲. قبل از آن که رستاخیز فرا رسد و دیر شود دست از شرک و بت پرستی بردارید (که پشیمان می‌شوید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هفتم

سوره‌ی نحل به تسلیم پذیری مشرکان در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۷. **وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلْمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ** و در آن روز، در برابر خدا سر تسلیم فرو افکنند، و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند از (نظر) ایشان گم شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد این آیه دو دیدگاه بین مفسران وجود دارد؛ برخی معتقدند که اظهار تسلیم در قیامت مخصوص مشرکان است، «۱» ولی برخی دیگر آن را اعم از مشرکان و بت‌ها دانسته‌اند. «۲» ۲. در رستاخیز همه‌ی پرده‌ها کنار می‌روند و حقایق روشن می‌شوند و همه تسلیم حق می‌گردند. در آن روز تمام شریک‌ها و معبودهای دروغین و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۷ پنداری باطل می‌شوند و امید شفاعت بت‌ها و یاری آنها بی‌رنگ می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان در رستاخیز ناامید و تسلیم می‌شوند (ولی سودی ندارد). ۲. غیرخدا را معبودان قرار ندهید که سودی در رستاخیز ندارند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی نحل به فرجام عذاب آلود کافران فسادگر اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۸. **الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ** کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، به خاطر فسادی که همواره می‌کردند، عذابی بر عذاب آنان می‌افزاییم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران فسادگر که مانع راه خدا می‌شدند، عذاب دو چندان دارند؛ زیرا آنان هم خود گمراه بودند و هم عامل گمراهی دیگران می‌شدند، از این رو شریک جرم آنان هستند. ۲. این آیه مسئولیت رهبران را در برابر خدا و خلق آشکار، و منطق اسلام را بیان می‌کند که هر کس سنت نیک یا بدی را پایه‌گذاری کند و مردم را به راهی رهنمون شود، در تمام پاداش‌ها و کیفرهای آنان شریک است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر گونه ممانعت از راه خدا (به وسیله‌ی ثروت، بیان، تبلیغات و اجبار) فسادگری است، که عذابی دو چندان دارد. ۲. فسادگری نکنید که مجازات شدید کافران به خاطر اعمال گمراه کننده و فسادگرانه‌ی آنهاست. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۸ خدای متعال در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی نحل به گواهان رستاخیز و ویژگی‌های قرآن اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۹. **وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّدًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ** و (یاد کن) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان بر می‌انگیزیم؛ و تو را (نیز) بر آنان شاهد آوردیم. و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده‌ای برای مسلمانان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی هشتاد و چهارم سوره‌ی نحل اشاره‌ای اجمالی به گواهان رستاخیز شد و اینک در این آیه همان مطلب را تأکید و تکمیل می‌کند و می‌فرماید که این گواهان از خود مردم هستند. ۲. خدا به همه چیز آگاهی دارد و نیاز به گواه ندارد، اما وجود این گواهان برای تأکید بیش‌تر بر نظارت دایمی بر اعمال انسان‌هاست و هشدار است به مردم که مراقب اعمال خود باشند. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از گواهان هستند، اما این آیه ایشان را، برای تأکید بیش‌تر، جداگانه ذکر کرد تا نشان دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گواه اعمال مسلمانان صدر اسلام است و یا این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شاهد بر گواهان امت‌ها و مسلمانان است. «۱» ۴. هر امتی شاهد و گواه دارد، و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز باید در بین مسلمانان گواهی باشد. این شاهد باید معصوم و عاری از خطا و گناه باشد تا تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۰۹ حق شهادت را به خوبی ادا کند؛ از این رو مفسران شیعه بر آن‌اند که شاهدان و گواهان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان علیهم السلام هستند. «۱» ۵. یکی از معانی گواه بودن پیامبران و امامان آن است که آنان شاهد عملی هستند؛ یعنی وجودشان، الگو و معیار سنجش حق و باطل و کردار انسان‌های دیگر است. «۲» ۶. قرآن بیان‌کننده‌ی همه چیز است و همین مطلب مورد تأکید احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز قرار گرفته است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند چیزی که مورد نیاز مردم بوده است کم نگذارد، تا کسی نگوید: «اگر فلان مطلب درست بود در قرآن فرود می‌آمد.» آگاه باشید که همه‌ی نیازمندی‌های بشر را خدا در آن فرو فرستاده است. «۳» ۷. وجود همه چیز در قرآن بدان معنا نیست که قرآن دایره‌المعارف علوم و فنون است، بلکه مقصود آن است که کلیات مطالب مربوط به هدایت بشر در قرآن آمده است؛ چراکه قرآن کتاب هدایت و تربیت است، پس اولاً، بدیهی است

که همه‌ی جزئیات علوم و فرمول‌های شیمی و فیزیک و مانند آن در ظواهر آیات قرآن وجود ندارد. و ثانیاً، در مورد عقاید و احکام دینی نیز کلیات مطالب در قرآن آمده است؛ مثلاً تعداد رکعات نماز در ظواهر آیات نیامده؛ ولی اصول اساسی که مورد نیاز بشر در امور دینی و تربیتی است در قرآن آمده است (۴). تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۰. در این آیه به چهار مرحله‌ی راه‌نمایی بشر و چهار ویژگی قرآن اشاره شده است: الف) بیانگر بودن قرآن، که سبب آگاهی مردم می‌شود. ب) هدایتگری قرآن، سبب راه‌یابی مردم می‌شود. ج) رحمتگری قرآن، که برای پیروان عملی قرآن است. د) بشارتگری قرآن، که به مؤمنان شایسته کردار مژده‌ی پاداش و بهشت می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر اسلام و برگزیدگان امت‌ها، گواه اعمال هر ملت هستند. ۲. پیامبر اسلام خود الگو و شاهد و کتابش جامع و کامل است. ۳. قرآن بیانگر کلیات و نیازهای هدایتی بشر است. ۴. قرآن بیانگر، هدایتگر، رحمتگر و بشارتگر مسلمانان است. ۵. برنامه‌های (کلی زندگی) خویش را از قرآن بگیرد. ۶. اگر می‌خواهید از هدایتگری و رحمتگری و بشارتگری قرآن استفاده کنید، مسلمان شوید. \*\*\*

### دستورهای سازنده

قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی نحل جامع‌ترین برنامه‌ی اجتماعی اسلامی را در قالب سه اصل مثبت و سه اصل منفی بیان می‌کند و می‌فرماید: ۹۰. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ در واقع خدا، به عدالت و نیکی و ادای (حق) نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از [کار] زشت و ناپسند و ستم منع می‌کند؛ (خدا) شما را پند می‌دهد، تا شاید شما متذکر شوید. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «عَدْلٌ» در واقع به معنای قرار دادن هر چیزی در جای خود است؛ از این رو عدل قانونی است که کلّ نظام هستی بر محور آن می‌گردد؛ بنابراین هر گونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد و اذیت دیگران، بر خلاف اصل عدل است. «۱» ۲. «احسان» به معنای نیکوکاری و گذشت است که شامل هر گونه کمک مالی، فکری، فرهنگی و عاطفی می‌شود؛ یعنی در جایی که عدالت به تنهایی کافی نیست و نیاز به فداکاری و گذشت است، اصل احسان جاری می‌شود و افراد بشر هم‌چون اعضای بدن به یاری یک‌دیگر می‌شتابند. ۳. در احادیث اسلامی از امام علی علیه السلام حکایت شده که عدل آن است که حق مردم را به آنان برسانی و احسان آن است که زیاده‌تر به آنها بدهی. «۲» و یا حکایت شده که عدل همان توحید و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله است و احسان، امام علی علیه السلام است که هر کس او را دوست داشته باشد نیکوکار است. «۳» البته روشن است که این گونه احادیث مصادیق کامل آیه را برمی‌شمارد. ۴. نگاه همه جانبه به عدالت: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۲ اعتدال برگردد، این عدالت در امر تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده‌ی صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است، در عقل انسان. «۱» ۵. «ذِي الْقُرْبَىٰ» به معنای خویشاوندان نزدیک یا مطلق نزدیکان است که شامل همسایگان و دوستان نیز می‌شود. «۲» ۶. بخشش به نزدیکان، بخشی از احسان است که در جامعه‌ی کوچک خانواده صورت می‌گیرد؛ یعنی اسلام جامعه‌ی بشری را به واحدهای کوچک‌تر تقسیم می‌کند و دردهای آنان را معالجه می‌نماید. ۷. در احادیث اسلامی حکایت شده که مقصود از «نزدیکان» در این آیه همان نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی امامان علیهم السلام هستند و مقصود آیه، پرداخت خمس به آنان است. «۳» روشن است که این گونه احادیث یکی از مصادیق روشن آیه را بیان می‌کند، و گرنه مفهوم آیه گسترده است و همه‌ی نزدیکان مردم را شامل می‌شود. ۸. برخی مفسران برآن‌اند که در این آیه «فَحْشَاءُ» اشاره به گناهان پنهانی و «مُنْكَرٌ» اشاره به گناهان آشکار، و «بَغْيٌ» اشاره به هر گونه تجاوز از حق خویش و ستمکاری و خودبرتر بینی است. «۴» ۹. در این آیه به سه اصل

مثبت عدل، نیکی و کمک به نزدیکان و سه اصل منفی کارهای زشت، ناپسند و طغیانگری اشاره شده است. این‌ها از اصول قانون اساسی اسلام و منشور جهانی آن است که آرزوی هر انسان سالم و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۳ با انصافی است و شاید از این روست که آیه به موعظه و یادآوری اشاره می‌کند؛ یعنی این امور بر اساس فطرت مطلوب انسان است و فقط تذکر لازم دارد.

۱۰. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که مجموعه‌ی تقوا در این آیه است. «۱» و در حدیثی از ابن مسعود، صحابی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که «این آیه جامع‌ترین آیات خیر و شر در قرآن است.» «۲» و حکایت شده که هر گاه امام باقر علیه السلام نماز جمعه می‌خواند، آخرین سخنش همین آیه بود. «۳» «۱۱. دادگری و برخی مراتب نیکوکاری و صله‌ی رحم واجب است، همان‌طور که کارهای زشت، ناپسند و ستمگری حرام است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام جامعه‌ای بر اساس دادگری و نیکوکاری و به دور از زشتکاری و ستمگری می‌خواهد. ۲. عدل و نیکی در کنار هم نیکوست (و گرنه اجرای مقررات خشک هم مشکلات را حل نمی‌کند). «۴» «۳. از پندهای الهی متذکر و بیدار شوید. ۴. دادگر و نیکوکار باشید و خود را آلوده نسازید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۴ قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی نحل با اشاره به دو برنامه‌ی اجتماعی اسلام، در مورد رعایت پیمان‌ها و سوگندها سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۹۱. وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَمَّا تَقَضَوْا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ و به عهد خدا چون پیمان بستید، وفا کنید؛ و سوگندها را بعد از استوار کردن آنها مشکیند، در حالی که خدا را ضامن بر (سوگندهای) تان قرار داده‌اید؛ [چرا] که خدا از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران حکایت کرده‌اند در آن هنگام که جمعیت مسلمانان اندک، و دشمنان فراوان بودند، امکان داشت که برخی مؤمنان احساس تنهایی کنند و بیعت خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله بشکنند و از حمایت او دست بردارند؛ از این رو آیه‌ی فوق فرود آمد و به مردم در این زمینه هشدار داد. «۱» «۲. مقصود از «پیمان الهی» در این آیه، پیمان‌هایی است که مردم با خدا می‌بندند و این شامل هر گونه عهد و بیعت با خدا در راه ایمان و جهاد می‌شود و حتی پیمان‌های مردم با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در حقیقت پیمان با خداست، بلکه حتی دستورات شرعی هم با نوعی عهد الهی ضمنی همراه است و نیز تکالیف عقلی، به خاطر اعطای عقل و استعداد به انسان، با چنین معاهده‌ی ضمنی توأم است و همگی داخل در مفهوم وسیع عهد الهی است. ۳. مقصود از «سوگند» در این آیه، تعهداتی است که انسان به وسیله‌ی سوگندی، در برابر خدا، و یا در برابر مردم دارد. ۴. رعایت پیمان‌ها و سوگندها سبب می‌شود که اعتماد عمومی بیش‌تر تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۵ شود و زمینه‌ی همکاری و هم‌بستگی و فعالیت‌های اجتماعی فراهم گردد. اسلام به این مطلب اهمیت داده و در آیات قرآن و احادیث بر آن پافشاری کرده است؛ حتی در دستورات اسلامی آمده است که اگر سربازی از مسلمانان به فرد یا افرادی از لشکر دشمن امان داد، رعایت آن پیمان برای همه لازم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وفاداری به پیمان الهی و سوگند، لازم است. ۲. نقض پیمان و قسم را خدا می‌داند (پس از آگاهی و کيفر او بفراسید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی نحل با مثالی جالب به عوامل سوگند شکنی و آزمایش انسان‌ها به وسیله‌ی آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۲. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَفَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ و همانند آن [زنی که رشته خود را پس از محکم (بافتن) و تابیده از هم می‌گسست، مباحثید؛ در حالی که سوگندهایتان را دستاویز (فساد) بین خودتان بر می‌گیرید، به خاطر این که گروهی، از گروه [دیگر] افزون‌ترند؛ خدا شما را فقط بدان آزمایش می‌کند؛ و روز رستاخیز آنچه را که همواره در آن اختلاف داشتید، قطعاً برای شما روشن می‌سازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران حکایت کرده‌اند که این آیه اشاره به داستان زنی از قریش است که از صبح تا نیم روز، پشم‌ها و موها را می‌تابید و پس از آن همه را و می‌تابید و رشته رشته می‌کرد و از این جهت به نام «زن احمق» در عرب تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۶ مشهور شده بود. «۱» «۲. پیمان شکنی و سوگند شکنی نوعی عمل بیهوده و ارتجاعی و دلیل انحطاط و سقوط شخصیت انسان است؛ یعنی پشم بر اثر تابیدن استحکام و تکامل می‌یابد و با گشودن آن

یک حرکت ارتجاعی انجام می‌شود که بی‌حاصل و زیان‌آور است. ۳. در این آیه به عامل مهم عهدشکنی و سوگندشکنی اشاره شده است، که برخی افراد بر اثر مشاهده‌ی کثرت افراد مخالف، دست از پیمان و آیین خود برمی‌دارند و به اکثریت می‌پیوندند. این نشانه‌ی ضعف شخصیت و ناتوانی روحی و یا خیانت و تقلب و نفاق است «۲». ۴. مردم به وسیله‌ی انبوهی دشمن و کمی دوستان آزمایش می‌شوند، تا روشن شود که چه کسانی بر پیمان و قسم خود استوار می‌مانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با پیمان‌شکنی و سوگندشکنی، زحمات گذشته‌ی خود را از بین نبرید. ۲. فسادگری، خیانت و کثرت مخالفان از عوامل سوگندشکنی است. ۳. یکی از ابزارهای آزمایش انسان‌ها، سوگندهاست. ۴. با بهانه‌تراشی، سوگندشکنی نکنید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۷

قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی نحل به نفی وحدت اجباری و مسئولیت انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۳. **وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَشِئُنَّ لَنْ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً شما را یک امت قرار می‌داد؛ و لیکن هر کس را بخواهد (به خاطر اعمالش) در گمراهی وا می‌نهد، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) راهنمایی می‌کند؛ و قطعاً از آنچه همواره انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل، سخن از آزمایش و تأکید بر رعایت سوگند و پیمان بود و این پرسش را به ذهن نزدیک می‌ساخت که مگر برای خدا مشکل است همه‌ی انسان‌ها را مجبور کند که حق را قبول نمایند؟ و اینکه در این آیه پاسخ این توهم را می‌دهد که خدا قدرت این کار را دارد. ۲. در این آیه اشاره شده که خدا نمی‌خواهد «۱» همه‌ی مردم را اجباراً امت واحدی قرار دهد تا عقاید و کارهای آنها اجباراً هماهنگ شود؛ چراکه این سبب تکامل انسان و افتخار او نیست. خدا می‌خواهد انسان‌ها به اختیار خویش هدایت و گمراهی را انتخاب کنند و مسئولیت اعمال خود را به عهده گیرند. ۳. در این آیه خدا هدایت و گمراهی را به خود نسبت می‌دهد اما مسئولیت اعمال را به عهده‌ی بندگان می‌گذارد، تا نشان دهد که وجود و سرچشمه‌ی همه چیز خداست، ولی پذیرش هدایت و گمراهی و عمل طبق هر کدام، در اختیار انسان است، پس او مسئول کردار خویش است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا انسان‌ها را مجبور نکرده، از این رو آنان در برابر کردار خویش مسئول‌اند. ۲. برای بازپرسی رستخیز آماده باشید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی نحل به آثار زیانبار سوگندشکنی اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۴. **وَلَا تَتَّبِعُوا أَيْمَنَكُمْ دَخَلَا بَيْنَكُمْ فَتَرِلَّ قَدَمٌ بَعِيدٌ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** و سوگندهایتان را دستاویز (فساد) در بین خودتان بر نگیرید، تا گامی، بعد از استواریش بلغزد؛ و به خاطر آن که (مردم را) از راه خدا باز داشتید، (آثار) بد (آن) را بچشید! و برای شما، عذاب بزرگی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رعایت سوگند و پیمان سبب جلب اعتماد متقابل افراد اجتماع به یک‌دیگر و هم‌بستگی و پیوند مردم و پشتوانه‌ی فعالیت‌های هماهنگ اجتماعی می‌شود و آن قدر اهمیت دارد که در آیات متعددی از قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. «۱» ۲. سوگندشکنی و عهدشکنی سرمایه‌ی اعتماد عمومی مردم را از بین می‌برد و سبب تنفر و بدبینی مردم به آیین حق می‌شود و دیگر مردم به اسلام روی نمی‌آورند و تازه مسلمانان متزلزل می‌شوند و بدین صورت از راه خدا جلوگیری می‌شود. ۳. در برخی احادیث حکایت شده که این آیه و آیات قبل که در مورد منع تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۱۹ پیمان‌شکنی و سوگندشکنی بود، در مورد ولایت امام علی علیه السلام فرود آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در غدیر خم) او را به امیری مؤمنان نصب کرد (و از مردم پیمان گرفت) ولی برخی پیمان‌شان را شکستند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سوگندشکنی چهار اثر زیانبار دارد: متزلزل شدن قدم‌ها، جلوگیری از راه خدا، آثار سوء (اجتماعی، سیاسی و مذهبی) و عذاب بزرگ الهی. ۲. سوگندشکنی نکنید که گرفتار پیامدهای منفی دنیوی و اخروی آن می‌شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیات نود و پنجم و نود و ششم سوره‌ی نحل با تأکید بر رعایت پیمان‌های الهی به فانی بودن چیزها در نزد انسان‌ها و باقی بودن آنها در نزد خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۵ و ۹۶. **وَلَمَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ** \* مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و پیمان الهی را با بهای اندکی نفروشید؛ در حقیقت آنچه نزد خداست، آن برای شما بهتر است اگر

بدانید.\* آنچه نزد شماست پایان می‌گیرد؛ و [لی آنچه نزد خداست باقی است؛ و قطعاً کسانی که شکیبایی کردند، مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از همسایه‌اش به خاطر غصب قسمتی از زمینش شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از متهم پرسش کرد و او انکار نمود و حاضر شد که سوگند یاد کند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به او مهلت داد تا تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۰ بیش‌تر تفکر کند. سپس این دو آیه فرود آمد و آن مرد را از عهدشکنی (و سوگند دروغ) و عواقب آن بر حذر داشت. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این آیات را خواند، شخص متهم به غصب زمین اقرار کرد و حتی حاضر شد که اجاره‌ی آن مدت را بپردازد. بدین مناسبت آیه‌ی سوم (یعنی آیه‌ی نود و هفتم) فرود آمد و به مؤمنان شایسته‌کردار مژده‌ی زندگی پاکیزه داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. به هیچ قیمتی پیمان الهی را نشکنید، که ارزش ندارد؛ یعنی اگر تمام دنیا را به شما بدهند ارزش یک لحظه وفای به عهد الهی را ندارد. ۲. در این آیات اشاره شده که منافع مادی شما، هم‌چون حبابی بر سطح آب است که پس از مدتی از بین می‌رود، اما پاداش الهی هم‌چون ذات مقدسش جاویدان است و کارهای نیک و سرمایه‌های وجودی که در صندوق ذخیره‌ی الهی پس‌انداز شود، باقی می‌ماند و رنگ جاودانگی به خود می‌گیرد. ۳. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده هنگامی که فرزند آدم از دنیا می‌رود، امید او از همه چیز قطع می‌شود، مگر از سه چیز، آثار خیری که به جریان انداخته است و دانشی که مردم از آن فایده می‌برند و فرزند شایسته‌ای که برای او دعا می‌کند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۱. ۴. در آیه‌ی دوم به نهایت بزرگواری خدای متعال اشاره شده است. هر چند مؤمنان شکیبیا اعمال خوب و خوب‌تر دارند، اما خدا همه‌ی کردار آنان را بر اساس اعمال خوب‌تر محاسبه می‌کند و پاداش می‌دهد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از انگیزه‌های عهدشکنی، رسیدن به بهای دنیایی است. ۲. بهای فانی دنیایی در برابر آنچه نزد خدا باقی است بسیار اندک است. ۳. خدا (بزرگوارترین مشتری است زیرا) همه‌ی اعمال شما را به بهای بهترین کارها پاداش می‌دهد. ۴. به فکر حساب ذخیره‌ی خود در نزد خدا باشید که آن بهتر است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی نحل به شرط ایمان و کردار شایسته برای رسیدن به زندگی پاکیزه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ هر کس از مرد یا زن، [کار] شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم؛ و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد «حیات طیبه» (زندگی پاکیزه) که در این آیه مطرح شده است دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ از جمله روزی حلال، عبادت همراه با روزی حلال یا توفیق بر اطاعت فرمان خدا. «۱» در احادیث نیز حیات طیبه را قناعت و رضایت به نصیب الهی معرفی کرده‌اند. «۲» اما به نظر می‌رسد که زندگی پاکیزه، مفهوم گسترده‌ای دارد که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود و آن زندگی‌ای است که از هر گونه آلودگی، ظلم، خیانت، دشمنی، رنج، اسارت، ذلت و نگرانی پاک است و در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که همراه با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی و همکاری باشد. ۲. معیار سعادت و کمال، ایمان و عمل صالح است و هیچ قید و شرط نژادی، جنسی، مقامی و سنی ندارد. ۳. در این آیه بر مسئله‌ی مرد و زن و یکسان بودن آنها برای رسیدن به کمال تأکید شده است. زن و مرد هر چند تفاوت‌های جسمی و روانی دارند و در اجتماع از هر کدام کاری ساخته است، اما در مورد مسائل معنوی و کمال‌یابی تفاوتی با هم ندارند و تنها شرط هر دو ایمان و عمل صالح است و هر دو پاداش مساوی از خدا دریافت می‌کنند. ۴. ریشه‌های عمل صالح از ایمان سیراب می‌شود، یعنی اگر کسی مؤمن باشد و کردار شایسته انجام دهد، زندگی پاکیزه‌ای برپا می‌کند و پاداش می‌گیرد، اما اگر مؤمن نباشد، یا اعمال شایسته از او صادر نمی‌شود و یا اعمالش آلوده به ریاکاری، تقلب، منت‌گذاری و خودبرتربینی می‌شود و تأثیرات پرفایده و مستمر نخواهد داشت. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۳ مانند انسان مؤمن و انسان ریاکار که هر یک بیمارستانی می‌سازند ولی هر کدام با هدف و انگیزه‌ی خاص خود، آن را

در محلی و با کادر مخصوصی به رنگ خود درمی آورند و ثمرات متفاوتی می گیرند. ۵. شرط قبولی عمل صالح، ایمان است و اگر این دو باهم باشند، به انسان حیات تازه‌ای می بخشد؛ یعنی حیات اجتماعی پاکیزه در گرو ایمان و عمل صالح است و بدون آن دو انسان‌ها در جامعه مردگانی متحرک هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زن و مرد در کسب کمالات و پاداش‌های معنوی یکسان‌اند. ۲. کار نیکو از انسان با ایمان، مطلوب خداست. ۳. انسان با ایمان و عمل صالح زنده می‌شود و حیات پاکیزه‌ای می‌یابد. ۴. اگر حیات پاک می‌طلبید مؤمنانی شایسته کردار باشید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشتم سوره‌ی نحل به آداب قرائت قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۸. فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و هنگامی که قرآن را می‌خوانی، پس از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «قرائت قرآن» خواندن و فهمیدن آن است؛ زیرا عرب قرائت را در مورد خواندن بدون توجه به معنا به کار نمی‌برد. ۲. تعبیر «شیطان رانده شده» اشاره به تمرّد شیطان از فرمان خدا در مورد سجده بر آدم و بیرون شدن او از درگاه الهی است که پس از آن گفت همه‌ی انسان‌ها را فریب خواهم داد. ۳. در میان صفات شیطان تنها به صفت «رانده شده» اشاره شد، تا نشان تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۴ دهد که به هنگام تلاوت قرآن، استکبار و تعصب را از خود دور کنید، تا سرنوشتی هم‌چون شیطان رانده شده پیدا نکنید. ۴. مقصود از این که می‌فرماید: «در هنگام قرائت قرآن به خدا پناه ببر»، تنها گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» نیست؛ این جمله مقدمه‌ی تحقق حالتی در نفس انسان است که به خدا توجه کند و از هوس‌ها، استکبار و خودمحوری دوری نماید؛ این‌ها مانع درک و شناخت صحیح انسان از قرآن می‌شود و او را به «وادی تفسیر به رأی» می‌کشاند. آری وسوسه‌های شیطانی حجاب میان ما و کلام خدا می‌شود. دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان (حافظ) ۵. این آیه خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان را در هنگام خواندن قرآن مشخص می‌کند. ۶. در قرآن کریم توصیه‌هایی در مورد آداب استفاده از قرآن شده است که عبارت‌اند از: الف) با حالت وضو و پاکی قرآن را لمس کنیم که بدون پاکی از آلودگی‌های دل درک مفاهیم آن هم مشکل است. «۱» ب) در آغاز قرائت از شرّ شیطان به خدا پناه ببریم. «۲» ج) قرآن را به صورت ترتیل (یعنی شمرده و همراه با تفکر) تلاوت کنیم. «۳» د) در قرآن تدبّر و تعقّل نماییم. «۴» ه) در هنگام قرائت قرآن ساکت باشیم و گوش فرا دهیم. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب خطر نفوذ شیطان، حتی در حال قرائت قرآن باشید. ۲. در حال قرائت قرآن به خدا پناهنده شوید تا از خطر شیطان محفوظ بمانید. \*\*\* قرآن کریم در آیات نود و نهم و صدم سوره‌ی نحل به عوامل تسلط شیطان و موانع آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۹ و ۱۰۰. إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ \* إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ [چرا] که او، بر کسانی که ایمان آورده‌اند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند، هیچ تسلطی برایش نیست؛ \* تسلط او تنها بر کسانی است که وی را به سرپرستی می‌گیرند؛ و (بر) کسانی که آنان به او (خدا) مشرکند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این دو آیه در حقیقت دلیل پناه بردن به خدا از شرّ شیطان در هنگام قرائت قرآن است، ولی در همان حال موانع و عوامل تسلط شیطان را به صورت عام و کلی بیان کرده است. ۲. این آیات مردم را به دو گروه تقسیم کرده است: الف) کسانی که مؤمن به خدایند و به او توکل می‌کنند و از تسلط شیطان به دورند. ب) مشرکانی که در عقیده و عمل تابع شیطان‌اند و این انسان است که می‌تواند انتخاب کند که آیا تحت لوای شیطان قرار گیرد یا زیر پرچم خدا. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و توکل موانع تسلط شیطان بر انسان است. ۲. دوستی و اطاعت شیطان را بر نگزینید که موجب تسلط او بر شما می‌شود. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و یکم سوره‌ی نحل به نسخ آیات قرآن و تهمت‌های مشرکان به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۱. وَإِذَا يَدُلُّنَا ءَايَةً مَّكَانَ ءَايَةِ وَاللَّهِ أَغْلَمُ بِمَا يَنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ و هنگامی که (حکم) آیه‌ای را به جای (حکم) آیه‌ای [دیگر] جایگزین کنیم - و خدا به آنچه فرو می‌فرستد داناتر است - (مشرکان) می‌گویند: «تو تنها دروغ‌پردازی.» (چنین نیست) بلکه بیشترشان نمی‌دانند. شأن نزول: حکایت شده که گاهی آیه‌ای فرود می‌آمد و دستور سختی



در آن بود، اما پس از مدتی دستور آسان‌تری در آیه‌ی دیگر می‌آمد و مشرکان بهانه‌جو می‌گفتند: محمد اصحاب خود را ریشخند می‌کند و هر روز چیزی می‌گوید، پس او از پیش خود مطالب را بیان می‌کند. این آیه بدین مناسبت فرود آمد و به مشرکان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تبدیل» در لغت عرب به معنای هر گونه تغییر است، اعم از این که چیزی برداشته شود و چیز دیگری به جای آن بیاید و یا این که چیز اول بماند و چیز دیگری بیاید که تغییری در آن باشد. در این آیه مقصود معنای اخیر است؛ یعنی آیه‌ای از قرآن که حکمی در آن است بماند و آیه‌ای دیگر بیاید و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۷ حکم آیه‌ی اول را تغییر دهد «۱». ۲. در این آیه به نسخ آیات قرآن اشاره شده است؛ یعنی برخی احکام و دستورات الهی موقت و مخصوص دوره‌ای خاص است و پس از گذشت آن دوران، حکم دیگری به جای آن می‌آید. البته نسخ در احکام و آیات قرآن به این معنا نیست که آیه‌ی اول که نسخ شده از قرآن برداشته شود، بلکه فقط حکم آن تغییر می‌کند. این تغییر، مثل تغییرات قوانین بشری، به خاطر جهل یا شک و پشیمانی و رشد علمی قانون‌گذار نیست، بلکه به خاطر تربیت و اصلاح و تکامل جامعه است که مرحله به مرحله صورت می‌گیرد؛ هم‌چون پزشک که در هر مرحله نسخه‌ای برای بیمار خود ارائه می‌کند که از نسخه‌ی اول کامل‌تر است، یا مرحله‌ی بعدی معالجه را پی‌گیری می‌کند. ۳. از مثال‌های روشن نسخ، تغییر قبله‌ی مسلمانان از بیت المقدس به طرف مکه بود که در آیه‌ی ۱۴۴ بقره اشاره شد و نیز آیه‌ی نجوی که در سوره‌ی مجادله (۱۲ و ۱۳) آمده است. «۲» ۴. در این آیه اشاره شده که مشرکان هنگامی که نسخ آیات قرآن را مشاهده می‌کردند، به خاطر ناآگاهی از معنای نسخ و حکمت آن، به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند که او تناقض‌گویی کرده و از پیش خود به خدا دروغ بسته است. در حالی که آنان وظیفه‌ی قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌دانستند که ساختن جامعه‌ای تکامل یافته است که لازمه‌اش وضع قوانین موقت و دائم است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در قرآن، احکام موقت و متغیر وجود دارد. ۲. نسخ و تغییر قوانین، باید بر اساس دانش (و حکمت و تدبیر) باشد. ۳. ناآگاهان، حکمت نسخ و تغییر احکام را درک نمی‌کنند؛ از این رو به رهبران الهی تهمت دروغ‌گویی می‌زنند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی نحل به فرشته‌ی وحی و اهداف نزول قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۲. قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (ای پیامبر) بگو: «روح پاک، آن (قرآن) را از طرف پروردگارت به حق فرو آورد، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، استوار گرداند؛ و رهنمود و مژده‌ای برای مسلمانان باشد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرشته‌ی وحی همان جبرئیل امین یا «روح مقدس» است که به خاطر پاکی از خطا بدین نام نامیده شده است و به فرمان پروردگار، آیات حق قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می‌آورد. «۱» ۲. آیات قرآن از طرف پروردگار می‌آید؛ یعنی نزول وحی با تربیت انسان‌ها مرتبط است و این آیات همه بر حق است و واقعیات و حقایق را بیان می‌کند و هر قانون موقت یا دائم آن در شرایط خاص خود حق است. ۳. قرآن برای دو گروه، دو هدف مختلف را دنبال می‌کند: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۲۹ الف) گروه مؤمنان را- که قبلاً هدایت شده‌اند- در مسیر خود ثابت قدم می‌دارد و بر نیروی آنان می‌افزاید. ب) عموم مسلمانان را- که در ظاهر مسلمان شده، ولی هنوز ایمان در قلب آنها نفوذ نکرده- بشارت می‌دهند و به مراتب بالاتر هدایت می‌رساند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آورنده‌ی قرآن، روحی پاک است (که دروغ‌گو و خطاکار نیست). ۲. قرآن بشارتگر، هدایتگر و پایدارکننده است. ۳. اگر می‌خواهید از هدایت قرآن بهره‌مند شوید، ایمان بیاورید. \*\*\* خدای متعال در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی نحل به تهمت‌های مشرکان در مورد قرآن پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۳. وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّئِيَّاكَ الذِّى يُبَلِّغُونَ إِلَيْهِ ءَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسِيَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ وَبِيقِينِى مِى دَانِيْمِ كِه اَنَانِ مِى كُوِيْنْد: «(این قرآن را) تنها بشری به او می‌آموزد.» در حالی که زبان کسی که به او نسبت می‌دهند مبهم (و غیر عربی) است؛ و این (قرآن، به) زبان عربی روشن است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان می‌گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را از یک انسان آموزش می‌بیند، به گفته‌ی مفسران فرد مورد نظر مشرکان یک غیر عرب مسیحی رومی بود که مسلمان شد و در صف یاران پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد

یازدهم، ص: ۳۳۰. ۲. «اعجمی» در اصل به معنای ابهام است و «عجم» به غیر عرب‌ها گفته می‌شود که سخنان آنان برای عرب‌ها مبهم و ناقص می‌نمود. «۱» ۳. قرآن در این آیه پاسخ دندان شکنی به مشرکان داد و پرده از توطئه‌ی آنان برداشت و مغالطه کاری آنان را روشن ساخت. آنان معلم پیامبر صلی الله علیه و آله را کسی می‌دانستند که اصلاً عربی نمی‌دانست و زبان او عجمی بود. چنین کسی نمی‌تواند این گونه آیات فصیح عربی بیاورد که در الفاظ و محتوا معجزه باشد. ۴. مخالفان قرآن، چون نمی‌توانستند با آن مقابله کنند و در میان خود نیز کسی در حدّ معلّم قرآن نیافتند، تلاش کردند که فردی غیر عرب بیابند که گذشته‌ی او برای مردم مبهم باشد و قرآن را به او نسبت دهند و ساده‌دلان را بفریبند. امروز نیز برخی شرق‌شناسان راه همان مشرکان عرب را می‌روند و قرآن را به افرادی خارج از جزیره‌ی العرب منسوب می‌کنند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی فصیح و روشن است. ۲. از قرآن دفاع کنید و تهمت‌های غیرمنطقی مخالفان را پاسخ دهید. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۱ قرآن کریم در آیات صد و چهارم و صد و پنجم سوره‌ی نحل به دروغ‌گویی و فرجام عذاب آلود غیرمؤمنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۴ و ۱۰۵. إِنَّ الَّذِينَ لَأَيُّمُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لِيَهْدِيَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ \* إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَأَيُّمُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ در واقع، کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، خدا آنان را راهنمایی نمی‌کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی است. \* تنها کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، (به او) دروغ می‌بندند؛ و آنان فقط دروغ‌گویند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان، به خاطر تعصب و لجاجت به آیات قرآن ایمان نمی‌آورند و از آن رو شایستگی هدایت و راه‌نمایی خدا را از دست می‌دهند و جز برای عذاب آمادگی ندارند. ۲. مشرکان بی‌ایمان، دروغ‌گوی واقعی هستند؛ چراکه آنان به مردان الهی تهمت می‌زنند و با دروغ‌های خود مانع هدایت مردم می‌شوند. ۳. در این دو آیه چهار ویژگی برای مشرکان بی‌ایمان بیان شده است: الف) دروغ‌گو هستند؛ ب) تهمت می‌زنند؛ ج) از راه‌نمایی الهی محروم‌اند؛ د) فرجامشان آتش دردناک است. ۴. ریشه‌ی دروغ‌گویی و تهمت زدن در بی‌ایمانی افراد است، و در برخی احادیث اسلامی نیز به این مطلب اشاره شده است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۲ در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که بنده هیچ‌گاه طعم ایمان را نمی‌چشد، تا این که دروغ را، خواه شوخی یا جدی، ترک کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌ایمانی ریشه‌ی گمراهی، دروغ‌گویی و گرفتاری در عذاب است. ۲. اگر می‌خواهید از هدایت الهی بهره ببرید و از عذاب نجات یابید، ایمان آورید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و ششم سوره‌ی نحل به کفرگرایان مُرتد و فرجام عذاب آلود آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۶. مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَيْدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ هر کس بعد از ایمان آوردنش، به خدا کفر ورزد (مجازات می‌شود). - مگر کسی که اکراه شده، در حالی که دلش به ایمان آرام گرفته است - و لیکن، هر کس (در دل و) سینه به روی کفر گشاید، پس خشمی از طرف خدا بر آنان است، و برایشان عذابی بزرگ است! شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مسلمانان هم‌چون عمار و پدرش یاسر و مادرش شیمیه و بلال از سوی مشرکان تحت فشار قرار گرفتند که دست از ایمان بردارند. یاسر و شیمیه مقاومت کردند تا شهید شدند، ولی عمار که جوان بود با اکراه مجبور شد که نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله جسارت کند و بت‌ها را ستایش نماید. مردم گفتند: «عمار کافر شده» و او گریه‌کنان خدمت تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۳ پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و حضرت با دست خود اشک او را پاک کرد و فرمود: هر بار تو را تحت فشار قرار دادند، آنچه را می‌خواهند بگو. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و احکام بازگشت کنندگان از اسلام را بیان کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دو گروه از کسانی که بعد از ایمان آوردن اظهار کفر می‌کنند، اشاره شده است: نخست گروهی از مسلمانان که به دست دشمن گرفتار می‌شوند و تحت فشار و شکنجه و با اکراه سخنانی علیه اسلام و به نفع کافران بگویند و در همان حال قلبشان مملو از ایمان است، که البته این گروه گناهی ندارند، چون با تقیه جان خود را حفظ کرده‌اند. دوم گروه مرتدان که واقعاً دریچه‌ی قلب خود را به روی کفر می‌گشایند و مسیر عقیدتی خویش را عوض می‌کنند، که این گروه گرفتار خشم و عذاب الهی می‌شوند. ۲. در این آیه به «تقیه» اشاره شده است

که یکی از اصول مورد تأیید قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. تقیه یک روش عقلایی است و بدان معناست که انسان در هنگام خطر که با دشمن نیرومندی روبه‌روست، ایمان خود را مخفی سازد، تا نیروهای خود و دیگران را بیهوده از دست ندهد و برای ادامه‌ی مبارزه ذخیره سازد؛ پس تقیه به معنای ضعف یا ترس از دشمن نیست، بلکه نوعی تاکتیک مبارزاتی است. و از این روست که پیامبر صلی الله علیه و آله به «عمار» اجازه داد که هرگاه دشمن به او فشار می‌آورد، برای حفظ جاننش، سخنان کفرآمیز بگوید. در آیه‌ی فوق نیز این گونه موارد استثنا شده است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۴. ۳. در احادیث اسلامی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تقیه، سپر و وسیله‌ی حفظ مؤمن است. «۱» ۴. البته تقیه گاهی برای حفظ جان خویش یا مؤمنان، جایز یا واجب می‌شود و گاهی هم حرام است؛ یعنی در جایی که تقیه سبب به خطر افتادن مکتب اسلام گردد، یا فساد عظیمی به بار آورد، لازم است که مؤمنان آشکارا مبارزه کنند و هم‌چون امام حسین علیه السلام تا پای جان بایستند. ۵. «مُرتد» در فرهنگ اسلامی به کسی گفته می‌شود که مسلمان شده، سپس راه کفر را در پیش می‌گیرد. این افراد اگر از پدر و مادر مسلمان زاده شده باشند، مرتد فطری نامیده می‌شوند و توبه‌شان در دادگاه پذیرفته نمی‌شود؛ و اگر شخص مرتد، مسلمان زاده نباشد، مرتد ملی نامیده می‌شود و توبه‌ی او در دادگاه قبول می‌شود و مجازات او برداشته می‌شود. «۲» ۶. اسلام به آزادی و عقیده‌ی انسان‌ها احترام می‌گذارد و در مورد کسانی که مسلمان نشده‌اند سخت‌گیری نمی‌کند، ولی وقتی که کسی مسلمان شد، حق ندارد اسلام را ترک کند و اگر کافر شد و اظهار کرد، مرتد به شمار می‌آید. این سخت‌گیری به خاطر آن است که ارتداد سبب تزلزل جامعه‌ی اسلامی، و اظهار مخالفت این افراد با اسلام، نوعی قیام بر ضد حکومت اسلامی به شمار می‌آید که غالباً با سوء نیت همراه بوده و ممکن است اسرار جامعه‌ی اسلامی را به دست دشمنان برساند «۳». تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۵. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کیفر مرتد، قهر الهی در دنیا و آخرت است. ۲. سخنان کفرآمیز انسان در حالت اکراه، کیفری به دنبال ندارد. ۳. ایمان امری قلبی است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی نحل به عامل ارتداد و کفرگرایی اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۷. ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبُوا الْخَيْرَ وَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ این به خاطر آن است که آنان زندگی پست (دنیا) را بر آخرت ترجیح دادند؛ و (به سبب) آن که خدا گروه کافران را راهنمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گروهی از مشرکان هنگامی که مسلمان شدند و موقتاً پاره‌ای از منافع مادی آنان به خطر افتاد، از ایمان خود پشیمان شدند؛ چون به دنیا عشق می‌ورزیدند و آن را بر آخرت ترجیح می‌دادند. ۲. هر کس یک بار هدایت شود و نعمت اسلام را ناسپاسی کند و با لجاجت به کفر گراید، او خود را از هدایت الهی محروم ساخته است و خدا بار دیگر او را هدایت نخواهد کرد. ۳. حُب نفس، ریشه‌ی محبت دنیا: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۶ این که در روایات ما هست که «حُب الدنیا رأس کل خطیئه» [دوستی دنیا سرچشمه‌ی همه‌ی لغزش‌هاست این یک واقعیتی است و اساس حُب دنیا هم، ریشه‌ی حُب دنیا هم، حُب نفس است که آن هم حسب دنیاست. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده از اولی که بشر تحقق پیدا کرده است تا کنون و تا آخر، منشأ همین حُب نفس است. از حُب نفس است که حُب به جاه، حُب به سلطنت، حُب به مقام، حُب به مال و حُب به همه‌ی انگیزه‌های شهوانی پیدا می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیا را بر آخرت ترجیح ندهید که زمینه‌ساز ارتداد و بازگشت از ایمان است. ۲. دنیاپرستی، عامل کفر، و کفر مانع هدایت است. \*\*\* قرآن کریم در آیات صد و هشتم و صد و نهم سوره‌ی نحل به ویژگی‌های مرتدان کفرگرا، در دنیا و آخرت اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۸ و ۱۰۹. أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ \* لَمَّا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَسِرُونَ آنان کسانی هستند که خدا بر دل‌هایشان و گوش آنان و چشمانشان مهر نهاده؛ و آنان فقط غافلند. \* قطعاً آنان در آخرت فقط زیانکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از مهر نهادن بر قلب، گوش و چشم انسان آن است که خلافت بر دیده‌ی دل او می‌افتد و قدرت تمیز و تشخیص و درک حقیقت را از او می‌گیرد تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۷ و پرده‌های غفلت بر دیده‌ی دل او می‌افتد و قدرت تمیز و تشخیص را از دست می‌دهد. «۱» پس مهر نهادن کنایه از نفوذناپذیری است، که مانع

هدایت پذیری مرتدان می‌شود. «۲» ۲. در این آیه تأکید شده که مرتدان و بازگشت کنندگان از اسلام، در آخرت زیانکارند؛ چراکه آنان همه‌ی امکانات لازم را برای هدایت و سعادت داشتند، ولی بر اثر دنیاپرستی، همه‌ی سرمایه‌های خویش را از کف دادند؛ و در رستاخیز روشن می‌شود که چه سرمایه‌ای را از دست داده‌اند و چه خسارتی به آنان وارد شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. غفلت و عدم درک حقایق، عامل هدایت ناپذیری و باقی ماندن در کفر است. ۲. زیانکاری مرتدان غافل، در آخرت آشکار می‌شود. ۳. غفلت نکنید که زیانکار (و کافر) می‌شوید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و دهم سوره‌ی نحل به آموزش فریب‌خوردگانی که هجرت و جهاد کردند اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۰. *ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ* سپس در حقیقت پروردگارت برای کسانی که بعد از آزمایش شدنشان (و کفرگویی) هجرت نمودند، سپس جهاد کردند و شکیبایی نمودند (یاری‌گر است)؛ البته پروردگارت، بعد از این (کارها)، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد واژه‌ی «فُتِنُوا» دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود، فریب خوردن گروهی از مسلمانان و گرایش آنان به کفر است که پس از آن توبه می‌کنند و مورد آموزش قرار می‌گیرند. «۱» ب) منظور مسلمانانی هم‌چون عمار یاسر هستند که توسط مشرکان عذاب و شکنجه می‌شوند و سخنان کفرآمیز می‌گویند، ولی بعداً مهاجرت و جهاد و صبر می‌کنند و مورد آموزش واقع می‌شوند. «۲» البته تفسیر اول برای آیه مناسب‌تر است؛ چراکه امثال عمار یاسر گناهی مرتکب نشده بودند تا توبه کنند و آمرزیده شوند. ۲. این آیه دلیلی بر پذیرش توبه‌ی افراد مُرتد ملی است؛ یعنی کسانی که مشرک بودند سپس مسلمان شدند و بعداً فریب خورده و کافر گشتند، اگر توبه کنند، پذیرفته خواهد شد. «۳» ۳. هجرت همراه با جهاد و شکیبایی در آموزش انسان و پذیرش توبه‌ی انسان مؤثر است. ۴. در این آیه و آیات قبل بیان شد که سه گروه علیه اسلام سخن می‌گویند: الف) کسانی که کفرگرا هستند و مرتد می‌شوند، که مستحق عذاب الهی هستند. ب) کسانی که با اکراه سخن می‌گویند، ولی قلباً مؤمن هستند، که گناهی بر آنان نیست. ج) کسانی که فریب خورده‌اند و با هجرت و جهاد و صبر گذشته‌ی خود را جبران می‌کنند، که مستحق آموزش و رحمت الهی هستند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد فریب خورده، با هجرت، جهاد و صبر، گذشته‌ی خود را جبران کنند. ۲. هجرت، جهاد و استقامت زمینه‌ساز آموزش و رحمت الهی است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و یازدهم سوره‌ی نحل به رستاخیز و تجسّم اعمال انسان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۱. *يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَمَّا يُظَلَّمُونَ (یاد کن) روزی را که هر کس می‌آید، که از خودش دفاع کند؛ و هر کس، آنچه را انجام داده، به طور کامل بازپس داده می‌شود؛ در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در رستاخیز هر کس به فکر خویش است و برای نجات خود از عذاب به مجادله و دفاع برمی‌خیزد. گناهکاران در رستاخیز گاهی به دروغ می‌گویند: «ما مشرک نبودیم.» «۱» و گاهی عذر می‌آورند که: «این (رهبران) ما را گمراه کردند.» «۲» ولی این عذرها و بهانه‌ها از کسی پذیرفته نمی‌شود و هر کس نتیجه‌ی اعمال خویش را به صورت کامل دریافت می‌کند. ۲. در قیامت همه‌ی انسان‌ها حاضر می‌شوند و نتیجه‌ی اعمال خود را می‌بینند. ۳. در رستاخیز هر کس به فکر خویش است؛ پس کسی به فریاد کسی نمی‌رسد و جز رحمت و یاری خدا فریادرسی نیست. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۰. عبارت «(در رستاخیز) هر کس آنچه را عمل کرده به طور کامل دریافت می‌کند.»، اشاره به تجسم اعمال در قیامت دارد؛ یعنی خود اعمال نیک و بد در آن جا تجسّم می‌یابد و به صورت پاداش و کیفر به انسان داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز هر کس به فکر خویش است (پس از هم اکنون به فکر باشید). ۲. کیفر و پاداش قیامت نتیجه‌ی اعمال خود انسان‌هاست (پس مراقب باشید). ۳. به فکر رستاخیز و دریافت عملکرد خویش باشید. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوازدهم سوره‌ی نحل با مثالی جالب، نتایج ناسپاسی انسان‌ها را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۱۲. *وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ أُمَّتُهُ مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ* خدا مثلی زده: آبادی که امن [و] آرام بود،*

[و] روزی‌اش از هر جا فراوان و گوارا، به (مردم) ش می‌رسید، و [لی نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، پس خدا به خاطر آنچه همواره با زیرکی انجام می‌دادند، (طعم) پوشش گرسنگی و ترس را به آن (مردم) چشانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران قرآن بر آن‌اند که این آیه مثلی برای هشدار به مردم است و هدفش بیان یک سرگذشت واقعی نیست، اما برخی مفسران قرآن بر آن‌اند که این آیه اشاره به سرگذشت شهر «مکه» (۱) یا گروهی از «بنی تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۱ اسرائیل» یا «قوم سبأ» (۲) دارد که بر اثر کفران نعمت و سرکشی، تمدنشان ویران شد. البته مانعی ندارد که معنای این آیه شامل مصداق‌ها و موارد متعددی در گذشته و آینده شود که گرفتار عواقب کفران نعمت شده یا می‌شوند. ۲. در این آیه به سه نعمت امنیت، اطمینان و روزی زیاد اشاره شده است که به صورت حلقه‌های زنجیره‌ای علت و معلولی بر یک‌دیگر مؤثرند. یعنی هرگاه امنیت باشد افراد اطمینان می‌یابند و با آرامش در جامعه زندگی می‌کنند و چنانچه اطمینان باشد سرمایه‌گذاری می‌کنند و وضع اقتصادی جامعه رونق می‌گیرد و چرخ‌های اقتصادی به حرکت در می‌آید. ۳. در این آیه با تعبیری کنایه‌آمیز و لطیف به نتایج ناسپاسی اشاره کرده می‌فرماید: «خدا لباس گرسنگی و ترس را به ناسپاسان چشانید.»؛ یعنی از طرفی گرسنگی و ترس را به لباس تشبیه کرده که همه جا همراه انسان می‌آید و او را احاطه می‌کند و از طرف دیگر، به جای تعبیر پوشیدن لباس، تعبیر کنایه‌آمیز چشانیدن لباس را به کار برده است؛ یعنی گویی قحطی و ناامنی آن چنان محسوس شده که با زبان آن را می‌چشند. این تعبیرها نشان دهنده‌ی نهایت فقر و ناامنی در یک جامعه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ملت‌هایی که سپاس‌گزار نعمت‌ها نیستند، جریمه‌ای سنگین می‌پردازند. ۲. امنیت و اطمینان زمینه‌ساز رونق اقتصادی جامعه است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۲. ۳. ناسپاسی نعمت‌ها زمینه‌ساز عذاب روانی (: ترس) و عذاب جسمی (: گرسنگی) است. ۴. ناامنی و کمبودهای اقتصادی در اثر اعمال خود انسان‌ها و ناسپاسی آنهاست. \* \* \* قرآن کریم در آیه‌ی صد و سیزدهم سوره‌ی نحل به ناسپاسی در برابر نعمت معنوی پیامبران و نتیجه‌ی عذاب آلود آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۳. وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ و به یقین فرستاده‌ای از میان آنان به سراغشان آمد، و او را تکذیب کردند؛ پس عذاب [الهی آنان را فرو گرفت در حالی که آنان ستمکار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل، خدا مثالی برای مردم بیان کرد که شهری آباد و امن بود و مردم ناسپاسی نعمت نمودند و گرفتار عذاب دنیوی و ناامنی شدند. در این آیه اضافه می‌کند که مردم آن شهر نعمت‌های معنوی پیامبران را هم ناسپاسی کردند و از این رو گرفتار عذاب الهی شدند. ۲. عذاب الهی پس از آمدن پیامبران و اتمام حجت بر مردم و لجاجت و تکذیب آنان فرود آمد. ۳. تکذیب کنندگان پیامبران با ایجاد مانع بر سر راه هدایت خود و دیگران هم به خود، هم به دیگران و هم به مکتب و رهبر الهی ستم کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر نعمت معنوی پیامبران، ناسپاسی نکند که فرجامی عذاب آلود دارد. ۲. ناسپاسی در برابر نعمت‌ها، ستمکاری است. ۳. پیامبران از میان مردم و از جنس بشر بودند (پس قدر آنها را بدانید). \* \* \* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۳

## غذاها

قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی نحل با بیان شرایط حقوقی و بهداشتی غذا، انسان‌ها را به خوردن غذاهای حلال و پاک و سپاس‌گزاری فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۱۴. فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَلًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ پس، از آنچه خدا روزی شما نموده، در حالی که حلال [و] پاکیزه است بخورید؛ و نعمت خدا را سپاس گوئید، اگر شما تنها او را می‌پرستید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه می‌تواند نتیجه‌گیری کلی از دو آیه‌ی قبل باشد؛ یعنی به مردم مسلمان خطاب می‌کند که شما از این مثالی که در مورد ناسپاسان و سرنوشت عذاب آلود آنان زدیم، عبرت بیاموزید و هنگامی که از نعمت‌های الهی استفاده می‌کنید، شکرگزاری کنید. ۲. اسلام برای غذا دو شرط اساسی قرار داده است: الف) شرط حقوقی؛ یعنی حلال باشد و از طریق صحیح به دست آمده باشد و غصبی (مال مردم) نباشد. ب) شرط بهداشتی؛ یعنی پاک و پاکیزه باشد تا موافق طبع انسان قرار گیرد

و سبب بیماری جسمی و روحی او نگردد. ۳. سپاس نعمت‌های خدا گاهی به زبانی و با گفتن کلماتی هم چون «شُکراً لله» است و گاهی عملی است، یعنی مصرف کردن نعمت‌ها در مورد مناسب و دوری از اسراف. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا می‌خواهد هم خوب بخورید و هم سپاس‌گزار باشید. ۲. بندگی خدا جدای از شکر نعمت‌های او نیست. ۳. خوردنی‌هایی را مصرف کنید که حلال و پاکیزه باشد. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پانزدهم سوره‌ی نحل به چهار غذای ممنوع و مورد استثنای آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۵. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَاللَّحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ [خدا]، تنها (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [به هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده، بر شما حرام کرده است؛ و [لی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس (گناهی بر او نیست؛ چرا) که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اسلام به مسئله‌ی غذا توجه کامل داشته و بارها به غذاهای پاک سفارش کرده و نسبت به غذاهای فاسد و مضر هشدار داده است. همین آیه با همین مضمون چهار بار در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. (۱) ۲. حرمت این امور دارای حکمت‌ها و اسرار بهداشتی است، از جمله این که: - مردار معمولاً کانون انواع میکروب‌هاست. - خون خواری زیان‌های جسمی و آثار سوء اخلاقی دارد و جالب آن است که در اسلام استفاده‌های صحیح از خون، مثل تزریق آن به بیماران ممنوع نیست، اما خوردن آن که ضرر دارد حرام است. - خوک نیز حیوانی کثیف، و در امور جنسی سمبل بی‌غیرتی است و برخی ضررهای بهداشتی نیز در مورد خوردن گوشت آن ذکر شده است. ۳. حرمت چیزها در اسلام، بر اساس دلایل مختلفی است؛ گاهی به خاطر مسائل بهداشتی و حفظ جسم انسان، و گاهی برای پاک نگاه داشتن روح و تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۵ زمانی به خاطر حفظ نظام اجتماع است. تحریم گوشت‌هایی که به نام بت‌ها سر بریده می‌شوند در حقیقت جنبه‌ی معنوی، اخلاقی و تربیتی دارد؛ چرا که تجدید کننده‌ی خاطره‌ی شرک و بت‌پرستی است. آری؛ بردن نام خدا در سر بریدن حیوانات لازم است تا بدانیم که هیچ کار ما نباید خارج از مدار توحید باشد. این یکی از راه‌های تربیت توحیدی انسان است. (۱) ۴. مقصود از «انما» در این آیه، منظور حصر نسبی و اضافی است نه حصر حقیقی؛ یعنی آیه نمی‌خواهد بگوید که فقط این چهار غذا حرام است و غیر آنها حرام نیست؛ چراکه برخی ماهی‌ها و حیوانات درنده هم طبق آیات و احادیث، حرام‌اند (۲). پس آیه یا در صدد نفی خرافات و بدعت‌های مشرکان در مورد تحریم برخی غذاهاست؛ یعنی می‌گوید: «این‌ها حرام‌اند نه آنچه شما می‌گویید.» و یا در صدد بیان محرمات اصلی و بنیادی است. (۳) ۵. «باغ» به معنای «طلب» و «عاد» به معنای «تجاوز» است و در این جا مقصود آن است که اگر کسی در مسافرت یا قحطی و امثال آن گرفتار شد، می‌تواند از غذاهای حرام بخورد و گناهکار نیست، اما نباید قصد او لذت‌طلبی یا حلال شمردن حرام‌های الهی باشد و از حد تجاوز کند و بیش از مقدار ضرورت از غذای حرام استفاده کند. (۴) ۶. در احادیث اهل بیت علیهم السلام «باغ» به معنای ستمگر یا قیام کننده بر ضد امام و «عاد» به معنای غاصب یا دزد آمده است. (۵) تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۶ این گونه احادیث یا به مصادیق خاص آیه اشاره دارد و یا اشاره به آن است که اگر کسی در راه ظلم، غصب، دزدی و قیام بر ضد امام به مسافرت پرداخت و گرفتار شرایط اضطراری شد، می‌تواند برای حفظ جان خود از این غذاهای حرام بخورد، اما گناه او بخشیده نمی‌شود. (۱) ۷. واژه «اهل» در اصل به معنای بلند کردن صدا در هنگام دیدن ماه است، ولی چون مشرکان در هنگام سر بریدن حیوانات نام بت‌ها را با صدای بلند می‌برند، از این تعبیر استفاده شده است. (۲) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حتی خوردن شما بر مدار توحید و قانون الهی باشد. ۲. در شرایط اضطراری، انسان می‌تواند از غذاهای ممنوع شده استفاده کند. \*\*\* قرآن کریم در آیات صد و شانزدهم و صد و هفدهم سوره‌ی نحل به حلال و حرام‌های ساختگی و فرجام این کار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۶ و ۱۱۷. وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتُفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ \* مَتَّعَ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ و برای آنچه زبان‌های شما دروغ‌پردازی می‌کند، مگویید: «این حلال است و این حرام.» تا بر خدا دروغ بندید، در حقیقت کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند. \* (بهره آنان

از این دنیا) کالای اندکی است؛ و برایشان عذاب دردناکی است! تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات ۱۳۶ و ۱۴۸ سوره‌ی انعام اشاره کرده که مشرکان بخشی از زراعت و چهارپایان را برای بت‌ها قرار می‌دادند و یا چیزهایی را حرام می‌کردند و اینک در این آیه این گونه قانون‌گذاری‌های بی‌دلیل و حرام و حلال کردن‌های ساختگی و دورغین را محکوم می‌سازد. ۲. قانون‌گذاری و حرام و حلال کردن چیزها حق خداست و کسی غیر از او حق ندارد از پیش خود قانونی وضع کند و چیزی را حلال یا حرام اعلام کند. آری؛ اگر کسی مجتهد و متخصص در دین باشد، می‌تواند احکام و قوانین الهی را از قرآن و سنت و منبع عقل برداشت و به مردم اعلام کند، ولی باز هم حق ندارد نظر شخصی خود را به جای قانون حلال و حرام الهی اعلام کند. ۳. دروغ‌گویی و تهمت زدن بر خدا، مایه‌ی بدبختی است و انسان را از رستگاری دور می‌سازد. ۴. مقصود از بهره‌ی اندک دنیایی آن است که بدعت‌گزاران و دروغ‌سازان، ممکن است با این کارها حس خودخواهی خود را ارضا کنند یا مردم را گمراه کرده، مدتی بر آنان حکومت نمایند و منافع مادی ببرند، اما این‌ها بهره‌ی اندکی است که عذاب دردناکی را در پی دارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون‌سازی و بدعت‌گذاری در دین نکنید که جایز نیست. ۲. دروغ‌پردازان و تهمت‌بندان بر خدا، رستگاری خویش را با بهره‌ی اندکی مبادله می‌کنند و گرفتار عذاب الهی می‌شوند. \*\*\* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۸ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هجدهم سوره‌ی نحل به غذاهایی که بر یهودیان حرام شده اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۸. وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ و آنچه را پیش از [این بر تو حکایت کردیم، بر کسانی که یهودی شدند، حرام نمودیم؛ و (ما) به آنان ستم نکردیم، و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که بعضی غذاها فقط بر قوم یهود حرام شد. این مطلب در آیه‌ی ۱۴۶ سوره‌ی انعام به صورت کامل توضیح داده شد که می‌فرماید: و بر کسانی که یهودی شدند، هر (حیوان) ناخن‌داری را ممنوع کردیم و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان ممنوع کردیم مگر آنچه بر پشت آن دو و یا بر روده‌هاست و یا آنچه با استخوان درآمیخته است؛ این را به سزای ستم کردنشان به آنان کیفر دادیم؛ و قطعاً ما راست گوئیم. و در آیه‌ی ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره‌ی نساء نیز به این مطلب اشاره شده که و به خاطر ظلم کسانی که یهودی شدند و به سبب منع زیادشان از راه خدا (بخشی از خوراکی‌های) پاکیزه‌ای را که برای آنان حلال شده بود، بر آنان حرام کردیم. ۲. در آیات قبل غذاهای حلال و حرام در اسلام بیان شده بود و در این آیه غذاهای حرام و ویژه‌ی یهودیان بیان شده است تا روشن شود که آنچه را مشرکان حرام و حلال می‌کردند، بدعت و خرافه بوده و در اسلام و آیین یهود تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۴۹ سابقه نداشته است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مواقع لزوم، ستمکاران را محاصره‌ی اقتصادی کنید و برخی غذاها را برای آنان ممنوع سازید. ۲. قوم یهود افرادی ستمکارند که مورد مجازات اقتصادی خدا قرار گرفته‌اند. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و نوزدهم سوره‌ی نحل راه بازگشت را به سوی گناهکاران توبه‌کار و اصلاح‌گر می‌گشاید و می‌فرماید: ۱۱۹. ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّوْءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ سپس در واقع پروردگارت برای کسانی که از روی جهالت، [کار] بدی انجام داده‌اند، آنگاه بعد از آن توبه کرده و اصلاح نمودند (یاری‌گر است)؛ البته پروردگارت بعد از آن (کارها) بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جهل» گاهی به معنای ندانستن و در برابر علم است و گاهی به معنای جهالت و کم‌خردی و غلبه‌ی هوا و هوس، که در برابر عقل به کار می‌رود. در این آیه جهل را عامل خلافتکاری می‌شمارد؛ زیرا بسیاری از افراد تعصب، لجاجت و استکبار ندارند، بلکه کم‌خردی و غلبه‌ی هوا و هوس با نادانی عامل اصلی گناهان آنهاست و اگر این افراد آگاه شوند و کمی بیندیشند، به راه حق و درست بازمی‌گردند. ۲. این آیه توبه را با اصلاح‌گری همراه ساخته است؛ یعنی توبه، منحصر به پشیمانی قلبی و گفتن لفظ «استغفرُ الله» نیست بلکه باید در صحنه‌ی عمل تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۰ ظاهر شود و شخص توبه‌کار به جبران گذشته‌ی خود و اصلاح کارهای بدی که انجام داده بپردازد. آری؛ در این آیه با چند تعبیر تأکید شده که پذیرش توبه و رحمت الهی پس از اصلاح و جبران است. «۱» ۴. یکی از

روش‌های تربیتی قرآن آن است که پس از تعیین حدود و قوانین و هشدارهای کوبنده، راه بازگشت و توبه را باز می‌کند تا افراد ناامید نشوند و به دامان مهر الهی باز گردند. این از شئون ربوبیت و پروردگاری خداست. همان‌طور که در آیه اشاره شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه بازگشت و توبه به سوی خدای آمرزنده و مهربان باز است. ۲. خدا توبه‌ای را می‌پذیرد که همراه با اصلاح و جبران کارهای گذشته باشد. ۳. سرچشمه‌ی بسیاری از گناهان، نادانی و جهالت است. \*\*\* قرآن کریم در آیات صد و بیست و صد و بیست و دوم سوره‌ی نحل به ویژگی‌های نه‌گانه‌ی ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۰-۱۲۲. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ \* شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* وَءَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ براستی که ابراهیم (سرچشمه) امت، [و فروتن و] فرمانبردار خدا [و] حق‌گرا بود؛ و از مشرکان نبود؛\* [و] سپاس‌گزار نعمت‌های او بود؛ [خدا] او را برگزید؛ و وی را به راهی راست رهنمایی کرد؛\* و در دنیا به او نیکی دادیم؛ و قطعاً او در آخرت از شایستگان است. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شد که «ابراهیم به تنهایی یک امت بود؛» مفسران قرآن این جمله را چند گونه تفسیر نموده‌اند: الف) ابراهیم چنان شخصیت بزرگی داشت که معادل یک امت بزرگ بود و گویی همه‌ی صفات و کمالات یک امت را داشت. ب) ابراهیم معلم بزرگ انسانیت، و رهبر و مقتدای مردم بود. «۱» ج) ابراهیم تنها خداپرست جامعه‌ی خویش بود و بر مکتبی بود که احدی بر آن نبود، پس به تنهایی یک امت بود. د) ابراهیم سرچشمه‌ی پیدایش یک امت بود و قوام امت به او بود. ه) ابراهیم حرکت آفرید، قیام کرد و یک‌تنه کار یک امت را انجام داد. البته مانعی ندارد که واژه‌ی «امت» به همه‌ی این معانی باشد؛ چرا که ابراهیم شخصیتی عظیم و پیشوای بشریت و مردی امت‌ساز و یکتاپرست بود. «۲» «۲». «حنیف» به معنای کسی است که از کژی به راستی می‌گراید؛ یعنی به آیینی هماهنگ با فطرت روی می‌آورد. آری؛ ابراهیم حق‌گرا بود و همواره در خط مستقیم الهی گام بر می‌داشت. «۳» «۳». در این آیات بیان شده که در دنیا به ابراهیم حَسَنه و نیکی داده شد. این نیکی به معنای وسیع آن، شامل هر گونه خیری هم‌چون مقام نبوت و نعمت‌های مادی و فرزندان شایسته می‌شود. ۴. عبارت «ابراهیم در آخرت از شایستگان است»، نشانه‌ی عظمت مقام تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۲ صالحان و شایستگان است که ابراهیم بت شکن با آن مقام عظیم در زمره‌ی آنان به شمار می‌آید. ۵. در این آیات به پنج صفت اساسی ابراهیم علیه السلام اشاره شده که عبارت‌اند از: امت بودن، فرمان‌برداری، حق‌گرایی، مشرک نبودن و سپاس‌گزار بودن که نتیجه‌ی این صفات در دنیا و آخرت به ابراهیم داده شد. آن نتایج عبارت‌اند از: نیکی در دنیا و هدایت به راه مستقیم و برگزیده شدن برای نبوت و قرار گرفتن در زمره‌ی شایستگان در آخرت. ۶. هدایت و برگزیدگی پیامبران الهی به خاطر شایستگی‌ها و صفات برجسته‌ی آنها بوده و بدون حساب چیزی به کسی نمی‌دهند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ابراهیم الگوی مردان الهی، حق‌گرا، مطیع و موحد بود. ۲. خدا پاداش ابراهیم را در دنیا و آخرت داد. ۳. صفات برجسته‌ی ابراهیم را بشناسید (و الگوی خود قرار دهید). \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی نحل دستور به پیروی از آیین ابراهیم علیه السلام می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲۳. ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ سپس به سوی تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن، در حالی که حق‌گراست و از مشرکان نبود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از آیین ابراهیم علیه السلام پیروی کن اما در حقیقت این دستوری برای همه‌ی مسلمانان است و خاص تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۳ پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. ۲. یکی از روش‌های تربیتی قرآن کریم، معرفی الگوهای عملی برای بشریت است. یکی از الگوهایی که قرآن به مسلمانان، بلکه همه‌ی مردم معرفی می‌کند و دستور پیروی از آیین او را می‌دهد، ابراهیم علیه السلام است. ۳. اصول ادیان الهی هماهنگ است؛ یعنی توحید، نبوت و معاد که اصول اساسی اسلام است، در حقیقت اصول اساسی دین ابراهیم علیه السلام نیز بود و از این روست که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله موظف به پیروی از آیین ابراهیم می‌شود، هر چند قوانین جزئی و شریعت هر دین بر اساس شرایط زمانی و مکانی متفاوت بوده و ادیان الهی رو به تکامل رفته‌اند و اسلام کامل‌ترین دین



است. ۴. در برخی احادیث از امام سجاد علیه السلام حکایت شده که تنها ما و شیعیان ما پیروان ابراهیم هستیم. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصول اساسی و گوهر ادیان یکی است. ۲. آیین توحیدی و حق‌گرای ابراهیم، سرمشق بشریت است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی نحل به تحریم‌های روز شنبه برای یهودیان و اختلافات آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۴. *إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ* تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۴ (تحریم‌ها و تعطیلی روز) شنبه، تنها بر کسانی مقرر گردید که درباره آن اختلاف کردند؛ و قطعاً پروردگارت روز رستاخیز، در باره آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سَبْتُ» در اصل به معنای تعطیل کردن کار برای استراحت است و روز شنبه را «یوم السَّبْتِ» می‌نامند؛ چراکه یهودیان در این روز کار معمولی خود را تعطیل می‌کردند. ۲. این آیه ممکن است اشاره به آن باشد که برخی چیزها، مثل صید ماهی در روز شنبه، بر یهودیان حرام گردید، که جنبه‌ی مجازات داشت «۱» و این گونه امور در آیین ابراهیم و اسلام نیست. و یا این که به تعطیلی روز شنبه در آیین یهود اشاره دارد که در آیین ابراهیم و اسلام، روز جمعه عید محترم و تعطیل است. «۲» ۳. بر اساس برخی روایات، موسی علیه السلام از بنی اسرائیل خواست که به پیروی آیین ابراهیم، روز جمعه را احترام نمایند و تعطیل کنند، اما آنها با بهانه‌ای سرباز زدند و روز شنبه را ترجیح دادند، ولی در مورد آن هم اختلاف کردند و احترام آن را شکستند. «۳» البته پذیرش تعطیلی روز شنبه از طرف خدا، همراه با محدودیت‌ها و مجازات‌هایی برای یهودیان بود؛ از جمله آن که در این روز صید ماهی بر آنان حرام شد، ولی گروهی مخالفت کردند و گرفتار عذاب شدند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۵. ۴. در رستاخیز حقایق آشکار می‌گردد و اختلافات برچیده می‌شود، و مردم به توحید مطلق بازمی‌گردند. البته این گونه احادیث مصداق‌های روشن و کامل آیه را بیان می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (تعطیلی و ممنوعیت‌های) روز شنبه مخصوص یهودیان است. ۲. انتظار نداشته باشید برخی اختلافات بشری به زودی حل شود؛ چرا که روز پایان یافتن اختلافات، رستاخیز است. \*\*\* قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و پنجم سوره‌ی نحل به مواد علمی و اخلاقی آیین‌نامه‌ی گفتمان سازنده اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۵. *ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ* با حکمت و پند نیکو، به راه پروردگارت فرا خوان، و با آنان به آن (شیوه‌ای) که نیکوتر است، مناظره کن! در حقیقت پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است و او به (حال) ره یافتگان (نیز) داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره‌ی نحل و بسیاری از سوره‌های قرآن، بحث‌های مختلفی با مشرکان و مخالفان صورت گرفته، و اینکه این آیه آیین‌نامه‌ی گفتمان سازنده و منطقی را برای پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌کند تا او و همه‌ی مسلمانان روش صحیح گفت‌وگو با مخالفان را بدانند و بتوانند در فکر و قلب آنان تأثیر بگذارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۶. ۲. در این آیه به سه مرحله‌ی گفتمان سازنده و منطقی اشاره شده است: الف) استفاده از حکمت، استدلال‌های منطقی و بیدار ساختن فکر و عقل مردم. ب) اندرز‌گویی و تحریک عواطف انسان‌ها در جهت توجه به حق. ج) مناظره و بحث نیکو که بر اساس حق‌گرایی، امانت‌داری و راست‌گویی استوار باشد. به نظر می‌رسد که این سه مرحله پله به پله عمل می‌شود؛ یعنی اگر دلیل منطقی کافی نبود به سراغ اندرز نیکو می‌روند، و اگر مخالفان هر دو را نپذیرفتند نوبت به مناظره و بحث نیکو می‌رسد. ۳. «حکمت» در اصل به معنای «منع» آمده است، و از آن جا که دانش، منطق و استدلال مانع فساد و انحراف می‌شود، به آنها حکمت گفته می‌شود «۱». ۴. مقصود از «مَوْعِظَةُ حَسَنَةٍ» اندرزهای نیکوست که از هر گونه خشونت، برتری‌جویی، تحقیر طرف مقابل و تحریک منفی به دور باشد؛ چراکه اگر اندرز با تحقیر و در حضور دیگران و همراه با مسائل منفی دیگر باشد تأثیر عکس دارد و بر لجباجت طرف مقابل می‌افزاید. ۵. مقصود از «مجادله‌ی نیکو» آن است که مناظره و بحث بر اساس حق‌طلبی، امانت‌داری، راست‌گویی استوار باشد و به دور از هر گونه توهین، تحقیر، خلاف‌گویی، مغالطه، تکبر و بحث‌های بیهوده باشد. ۶. در پایان آیه اشاره شده که وظیفه‌ی شما دعوت به سوی حق از راه‌های سه‌گانه‌ی حکمت، اندرز و مناظره است، اما تنها

خدا می‌داند که سرانجام چه کسانی هدایت یا گمراه می‌شوند و نیز خدا می‌داند که هر یک از راه‌های سه‌گانه در چه کسانی مؤثر خواهد شد (۲). تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۷. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که مقصود این آیه آن است که مردم را با قرآن (به راه خدا فراخوان) «۱». البته روشن است که این گونه احادیث مصداق حکمت و موعظه را بیان می‌کند و معنای آیه منحصر در آن نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای جذب مردم به راه خدا، از بعد عقلی، عاطفی و مناظره‌ی نیکو استفاده کنید. ۲. گفتمان صحیح و سازنده بر سه پایه‌ی استدلال منطقی، اندرز نیکو و روش بحث نیکوتر استوار است. ۳. رهبران الهی در دعوت و گفت‌وگوی با مخالفان وظیفه‌ی خود را انجام می‌دهند و ضامن نتیجه نیستند. ۴. وظیفه‌ی رهبران الهی فراخواندن هدف‌دار و دعوت به سوی راه خداست. \*\*\* قرآن کریم در آیات صد و بیست و ششم و صد و بیست و هفتم سوره نحل پنج دستور العمل اخلاقی آرام‌بخش برای برخورد با مخالفان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۶ و ۱۲۷. وَإِنْ عَابَقْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ \* وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ و اگر (خواستید) کیفر کنید، پس همانند چیزی که بدان مجازات شدید، کیفر دهید؛ و اگر شکیبایی کنید، البته آن برای شکیبایان بهتر است. \* و شکیبایی کن، و شکیبایی تو جز به (توفیق) خدا نیست؛ و بر (بی‌ایمانی) آنان غم مخور؛ و از آنچه فریبکاری می‌کنند (دل) تنگ مباش؛ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۸. شأن نزول: در احادیث اسلامی حکایت شده که این آیه در مورد جنگ احد و شهادت دردناک حمزه است. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله دید عمویش را پس از کشتن قطعه قطعه کردند، بسیار ناراحت شد و گروهی از مسلمانان گفتند: اگر بر دشمن پیروز شویم، با هفتاد نفر آنان چنین می‌کنیم. «۱» در این هنگام این آیه فرود آمد که «دشمنان را طبق عمل آنها کیفر دهید و اگر صبر کنید بهتر است.» و حضرت فرمود: خدایا صبر می‌کنم و از این رو ایشان پس از فتح مکه دستور عفو عمومی صادر کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل به گفتمان با مخالفان و روش صحیح آن اشاره شد و اینک در این آیه به مخالفانی اشاره می‌کند که دست به تعدی و تجاوز می‌زنند و لایزم است با آنان برخورد شود، که در این صورت، توصیه‌ی اخلاقی قرآن است که مثل عمل خودشان با آنان برخورد کنید و در مجازات زیاده‌روی ننمایید. ۲. صبر تنها با کمک خدا و برای خدا امکان‌پذیر است؛ چرا که اگر در شکیبایی انگیزه‌ای معنوی و الهی نباشد، پایدار نخواهد بود. ۳. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد که به خاطر بی‌ایمانی و لجاجت مخالفان ناراحت و دل‌سرد نشو و از توطئه‌های آنها دل‌تنگ نباش که به کمک خدا و با نیروی عقل و ایمان آنها را خنثی خواهی ساخت. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۵۹. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقابله به مثل، حقّ مسلمّ مظلوم است. ۲. صبر و بخشش برای شما بهتر از انتقام است. ۳. قانون اخلاقی جنگ را رعایت کنید و مخالفان را بیش از آنچه انجام داده‌اند مجازات نکنید. ۴. شکیبایی شما جز با توفیق الهی نیست و جز برای خدا صبر نکنید. ۵. از توطئه‌ها و روی‌گردانی مخالفان ناراحت نباشید (که خدا با پارسایان نیکو کار است). \*\*\* قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره نحل به دو برنامه‌ی تقوا و نیکوکاری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۸. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ [چرا] که خدا، با کسانی است که خود نگهداری (و پارسایی) می‌کنند، و کسانی که آنان نیکو کارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «تقوا» حفظ جسم و روح خود از ضرر است و در این جا تقوا در مفهوم وسیع مورد نظر است که شامل تقوای در جنگ و در برابر دشمن و رعایت اصول اخلاقی نیز می‌شود. ۲. این آیه به «احسان» و نیکی در برابر دوست و دشمن اشاره کرده که یکی از راه‌های مبارزه است و نیکی کردن در برابر بدی افراد، آنان را شرمسار می‌سازد و گاهی بدترین دشمنان را به دوست تبدیل می‌کند. ۳. مقصود از «همراه بودن خدا با تقوایان گان و نیکوکاران» آن است که خدا یاور آنهاست و در مواقع لزوم آنان را هدایت و پشتیبانی می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۰. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا حامی پارسایان و نیکوکاران است (پس غمگین نباشید). ۲. پارسا و نیکوکار باشید، تا خدا با شما باشد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۱ \*

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران-قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبة‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۲ مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسه التمهید، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسرون، دکتر محمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۳. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مكتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی نو، بی تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه

(السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفه السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی استحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۴ ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعه الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، مؤسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسيله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۵ ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبري، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

- بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمآلهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۶ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۷ ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجّه بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۸ ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات

بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۶۹ فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائره المعارف اسلامیه، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی جا، مرکز نشر فرهنگ رجاء، چاپ اول، بی تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۷۰ القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه

توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، یدالله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربية، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبئه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیدالله قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۷۱ خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدۀ الداعی، ابن فهده حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد کتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلا-کر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۷۲ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ

چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد یازدهم، ص: ۳۷۳ ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

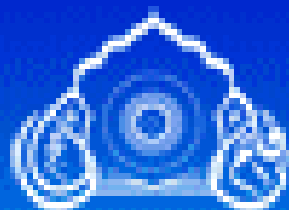
### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب





بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

